

الذین امنویقاتلون فی سبیل اللہ والذین کفروا یقاتلون فی سبیل
الطاغوت فقاتلوا اولیاء الشیطان ان کید الشیطان کان ضعیفا
«سوره نسا - آیه ۷۸»

خبرنامه

اتحاد نیروهای جبهه ملی ایران

فوق العاده - هشتم فروردین ماه ۱۳۵۷

اربعین شهیدان

به دنبال «کشتار جمعی» مردم مومن و معتقد قم، سرتاسر ایران در التهاب و جوشش قرار گرفت و هم میهنان آزاده ما به شیوه های گوناگون واکنشهایی علیه دست اندرکاران حکومت نشان دادند.
با گذشت زمان و اهمال «دستگاه استبداد» در دستگیری و محاکمه مسببان و عاملان این فاجعه خونین، قهر مردم فزونی یافت به گونه ای که با فرا رسیدن «اربعین شهیدان»، از دل و جان به دعوت علمای اعلام و مراجع عالیقدر پاسخ دادند و در تمام شهرها و حتی روستاهای دور افتاده برای برگزاری مجالس یاد بود، گروه گروه به مسجدها روی آوردند و این همبستگی و اعتقاد بیش از همه وقت استبداد یان و عمال ضد دین و ضد ایرانی آنان را گران آمد.

در این میان مردم دلاور تبریز به حکم اعتقاد دینی و خصلت سیاسی ایرانگرایانه و آشتی ناپذیر با نظام وابسته حاکم، نقش چشم گیر و خیره کننده ای داشتند و همبستگی ملی و مذهبی آنچنان بعد گسترده ای یافت که «دستگاه استبداد» در نهایت سردرگمی و ضعف همچون «قشون اشغالگر» در این خطه آزاد بیخس به «قتل عام» کم نظیری دست زد و خون آزادگان بار دیگر تبریز را گلگون نمود. این بار نیز «دستگاه استبداد» مسببان و عاملان «کشتار جمعی» را بسزای اعمالشان نرساند و دستهای آغشته به خون خود را بیش از گذشته به جنایت و خیانت آلوده و به زبان دیگر به دنبال این دو «کشتار جمعی» «چهره» کریه ضد ایرانی و ضد اسلامی حکومت شناخته تر گردید.

رویدادهای ماههای

ولی کوچکترین خللی در

و رهبران مذهبی و ملی

هم اکنون مراجع عظام

استقلال طلبی و آزادی

و مددکاری می کنند، طی

در فوق العاده خبرنامه

مردم شرافتمند ایران:

به پیروی از دستور مراجع بزرگ دینی در مراسم بزرگداشت
شهیدان قم و تبریز شرکت کنید

اخیر هر چند دردناک بود
اراده مردم بیباک ایران
ایجاد نکردند.
که در این برهه تاریخی نهضت
خواهی ملت ایران را راهبری
اعلامیه هایی که کوتاه شد مان
مندرج است روز پنجشنبه

دوم فروردین ماه را «عزای عمومی اعلام کرده و مردم را فرا خواند ماند تا برای بزرگداشت این جانسپاران راه آزادی و استقلال، در اربعین اول شهیدان تبریز و اربعین دوم شهیدان قم در سرتاسر ایران و نیز هر شهر و د یاری در جهان که ایرانیان در آن سکونت اختیار کرد ماند بدون هیچگونه هراس، در کمال شہامت به مسجد ها و مجالس سوگوازی روی آرند و یاد عزیزان از دست رفته خود را زنده نگاهدارند.
مسلم است که مردم ایران به این دعوت همگانی باز هم پاسخ مثبت خواهند داد و یکبار دیگر با «نظم و آرامش» و متانت اخلاقی، همبستگی ملی خویش را به ثبوت رسانند و نفرت خود را از نظام استبدادی حاکم بر ایران به همه جهانیان نشان خواهند داد.

اعلامیه حضرت آیت الله العظمی خمینی

حضرت آیت الله العظمی خمینی به مناسبت «اربعین مقتولین مظلوم تبریز» اعلام فرمود ماند «مصیبت بزرگی را که بر برادران تبریزی ما وارد شد «اربعین» آنرا در سوگ هستیم و ملت ایران نیز در آنروز با «عزای عمومی» خود به ملت های آزاد جهان بفهمانند که ما با چه شرا-یطی زندگی می کنیم. از خداوند تعالی عظمت اسلام و مسلمین را خواستار و قطع ایادی اجانب را امیدوارم.
اعلامیه حضرت آیت الله العظمی شریعتمداری
حضرت آیت الله العظمی شریعتمداری طی اعلامیه ای فرمود ماند «در آغاز سال جدید فاجعه مصیبت بار و

خونین تبریز دوباره در خاطر ها تجدید میشود و با فرا رسیدن چهلمین روز آن حادثه، دردناک ملت مسلمان ایران دو اربعین است که در ماتم عزیزی که خونهایشان در قم و تبریز بناحق و بیگناه ریخته شده عزادار است و حتی امسال اکثر مردم ایران مراسم عید نوروز را برگزار نکردند و بحال عزا باقی ماندند» و در پایان اعلام فرمود ماند «در آستانه چهلمین روز مصیبت موله تبریز روز پنجشنبه بیستم شهر ربیع الثانی ۱۳۹۸ هـ مجلس ترحیمی در مسجد اعظم برقرار خواهد شد انتظار میرود که عموم مسلمانان نیز در مجالس عزا که در مساجد و تکایا در شهرستانها برگزار-بقیه در صفحه ۲

ملت ایران:

خواستار مجازات مسببان و عاملان «کشتار جمعی» مردم قم و تبریز است

اعلامیه . . .

از صفحه ۱

میگردد و شرکت نموده و در نهایت نظم و آرامش اربعین فاجعه دلخراش تبریز را بزرگ و گرامی دارند و از بروز حوادثی که به زیان مسلمانها تمام میشود جدا اجتناب نمایند، از خداوند متعال عظمت اسلام و نصرت مسلمین را مسئلت داریم .

اعلامیه حضرت آیت الله العظمی گدما یگانی

حضرت آیت الله العظمی موسوی گلپایگانی در اعلامیه های به مناسبت چهلمین روز "کشتار جمعی" مردم تبریز فرموده اند "واقعه تبریز سند عینی و زنده درک و شعور و همبستگی ملت مسلمان با علماء اعلام و انزجار و تنفر از استکبار و استعلاء است. تهمت کمونیستی و مارکسیستی و آشوب طلبی به مردم متدین و اصلاح طلب و تعقیب و تبعید و بزدان انداختن آنها مصداق این آیه کریمه است و من یکسب خطیئه او اثمم یرم به برائتا فقد اجتمعت بهتانها و اثما مبینا . برای تجلیل از ارواح مقتولین تبریز و طلب مغفرت برای آنها و همدردی با مردم متدین آذربایجان صبح پنجشنبه بیستم ماه ربیع الثانی سال ۱۳۹۸ هجری در مسجد اعظم قم مجلس ترحیم تشکیل میشود و انشاء الله تعالی انتظار می رود مومنین در نهایت نظم و آرامش در این مجلس و مجالسی که در شهرستانها منعقد می شود شرکت فرمایند و نظربه اینکه دشمنان در صدد هستند مطالب و اعتراضات منطقی روحانیت و ملت را وارونه جلوه دهند لازم است از هرگونه اقدامی که بهانه بدست آنان بدهد خودداری نمایند ."

اعلامیه حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی

حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی در اعلامیه ای به مناسبت چهلمین روز "حادثه جانگداز و دلخراش دارالمومنین تبریز" چنین فرموده اند "واقعا جای بسی تاسف است در مملکتی که حکومت آن دم از آزادی میزند هیچکس را یارای سخن گفتن و حقایق را ذکر نمودن نیست . بارها گفته و می گوئیم تصویب لوایح ضد اسلامی را که گاهی مشاهده میشود بشدت محکوم می کنیم و وظیفه ما در گذشته و حال دفاع از حریم مقدس اسلام بوده و هست آنان که به وظیفه خود عمل می کنند یا تبعید می شوند و یا تحت محاکمات قلبی قرار می گیرند متأسفانه تاکنون در عوض مرهم گذاردن بردل داغدار مصیبت زدگان قم و تبریز روز بروز مصادد امور فجاج و جنایاتشان افزوده میشود ."

و در پایان اضافه فرموده اند "خداوند سبحان آنها را که در راه دین و آئین مقدس اسلام از هیچگونه تهدیدی هراس نداشته و با نهایت شهامت در برابر ظلم و ستم مصادد امور و گلوله های مأمورین چه در قم و چه در تبریز جان عزیز خود را از دست داده و بدینوسیله پیوند ناگسستنی خود را باسلام و روحانیت مستحکم نمودند غریق رحمت بفرماید . و ما را نیز در راه وظیفه ای

که در قبال شرع مطهر داریم بیش از پیش موفق بگرداند ."

در خاتمه اعلامیه یاد آور شد ماند "صبح روز پنجشنبه بیستم ربیع الثانی برابر دهم فروردینماه مجلس ترحیمی در مسجد اعظم منعقد خواهد بود ."

اعلامیه حضرت آیت الله العظمی روحانی

حضرت آیت الله العظمی روحانی در اعلامیه ای فرموده اند "قریب چهل روز قبل مزدوران نظام حاکم مردم غیور و شرافتمند و مسلمان تبریز را از رفتن به مساجد و بزرگداشت خاطره شهداء فاجعه قم بازداشتند و به مقدمات اهانت نمودند و آنگاه که با خشم و مقاومت آنان روبرو شدند با آتش گلوله به پاسخگویی پرداختند در نتیجه جمعی از عزیزترین افراد این مملکت به خاک و خون کشیده شدند و جمع گیری مجروح گردیدند، مردم از این زور - گوئی ها و قانون شکنی ها و قلد رمایی ها سخت متنفر و خشمگین می باشند" و در پایان چنین فرمودند "ما ضمن تقبیح اعمال ضد انسانی و غیر قانونی هیئت حاکمه برای شادی ارواح شهداء تبریز اربعین آنان را در سوگ می نشینیم و روز پنجشنبه ۲۰ ربیع الثانی را روز عزای عمومی اعلام می نمائیم و انتظار داریم که همه مردم ایران در آن روز در مجالس همه مساجد و تکایا شرکت کنند ."

اعلامیه روحانیان حق طلب تهران

پنجاه و شش تن از علماء و گویندگان مذهبی تهران طی بیانیه ای از "حادثه خونین و دردناک تبریز" یاد نمودند که در بخشی از آن چنین آمده است "تهمت تبریز بیان کننده رشد فکری و دینی مردم و روشنگر چهره کریمه استعمار و استبداد سیاه بود ."

در پایان این بیانیه اعلام شده است "ما به عنوان پابعین شهدای تبریز و بزرگداشت مقام شهیدان راه حق و عدالت و ابراز همدردی با مردم غیور آذربایجان و خانواده های عزادار و اعتراض به تجاوزات استعمار و اسرائیل در روز پنجشنبه دهم فروردین قبل از ظهر در بازار تهران مسجد آذربایجانیا اجتماع نموده و از هراداران مسلمان خواستاریم با شرکت خود در مجلس نامبرده حمایت و همبستگی خود را در اعتلای کلمه حق و عدالت و نابودی باطل اعلام دارند ."

دعوت برای بزرگداشت شهیدان

جناب آقای مهندس مهدی بازرگان شخصیت مبارز ملی ضمن اعلامیه ای بیان نمودند، اکنون که علمای اعلام و مراجع عظام مخصوصا حضرت آیت العظمی خمینی اعلام عزای عمومی کردند، برای بزرگداشت شهدای قم و تبریز و ابراز انزجار از اعمال خلاف انسانی صهیونیستها روز پنجشنبه ۱۰/۱/۱۳۵۷ از دو ساعت به ظهر در مسجد آذربایجانیا واقع در انتهای بازار کاشانه گرد می آئیم ."

درود به شهیدان قم و تبریز

خبرنامه

اتحاد نیروهای جنبه ملی ایران

شماره ششم - هفدهم فروردین ۱۳۵۷

استحکام و تجلی وحدت ملی

نظام استبدادی بد نیال نقشه‌های تدوین شده استعمار سالیان د رازی است که در خط بی فرهنگ کردن جامعه ایران و از بین بردن وحدت ملی در این سرزمین تاریخی تلاش می‌کند. با پیش راندن بخش‌های نهادی شده برخی از "پاره فرهنگ‌ها" مجموعه فرهنگ ملی را خدشه دار ساخته است. با دادن نوعی "توسعه" منطبق با نقشه‌های بیگانه، استثمار منطفه‌های بیسابقه‌ای را در کشور بوجود آورده است.

در اثر بیدادگری و ظلم عمومی، تیره‌های ایرانی و مردم "ایالات و ولایات" را از "تکرر سنتی" بدور ساخته و در جمع شرایط ناهمگونی را فراهم آورده است که قدرتهای سلطه‌گر خارجی به آسانی بتوانند میهن باستانی ما را دچار تجزیه مجدد سازند بویژه اینکه اقتصاد این کشور بد نیال تاراج منابع نفتی به شیوه‌ای تنظیم یافته که جامعه در تهیه مواد خوراکی و پوشاکی و دیگر ضروریات زندگی در عمل حق تهیه و ابتکار را از دست داده است و نیازمند سرمایه‌داران آرمند بیگانه می‌باشد.

هیچگاه در طول تاریخ، میهن ما تا این اندازه در مرحله بی سامانی و از هم پاشیدگی قرار نگرفته است، حملات و یورشهای بیگانگان جامعه ما را در پرتگاههای چند جانبه قرار میداد ولی تولید مردمی و قوام فرهنگی و سازندگیها و خلاقیتها که توان استمرار به ملت میداد تا این اندازه به فتور و سستی کشیده نشده باشد و به همین دلیل پس از رفع خطر بقیه در صفحه ۲۴

بایداری قهرمانانه زندانیان سیاسی قصر

اعتصاب غذا داده دارد

همان‌طور که در شماره پنجم خبرنامه آمده بود، زندانیان سیاسی که از آغاز اسفند ماه دست به اعتصاب دیدار زده بودند، چون در مدت سه هفته کوچکترین توجهی به خواستهای قانونی آنها نشد به عنوان آخرین حربه از روز سه‌شنبه ۲۳ اسفند ماه به اعتصاب غذای یکپارچه و بدون مدت دست زدند.

"دستگاه استبداد" این بار نیز بجای رسیدگی و پاسخ به خواستهای زندانیان برخلاف همه قوانین و اصول انسانی که حتی در مورد اسیران جنگی نیز نمی‌توان اعمال نمود روز ۲۴ اسفند ماه آنها را مورد هجوم وحشیانه کماندوهای چماقدار خود قرار داد.

از آنروز تاکنون هر روز مادران و خواهران و همسران و فرزندان زندانیان به یکی از سازمانهای به اصطلاح داد رسی!! روی آوردند.

یکروز به داد رسی ارتش این "بیدادگاه استبداد" روز دیگر به داد گستری که قانون اساسی آنرا "مرجع تظلمات عمومی" شناخته

و روز دیگر به مجلس شورای ملی که در یک حکومت آزاد می‌تواند بزرگترین ملجا و پناهگاه مردم باشد، رفتند و تقاضای رسیدگی به

وضع مبهم و نابسامان عزیزان در بند خود را نمودند و همه جا، بجای همدردی با چماق و ناسزا و اهانت پلیس، روبرو شدند، با

اینهمه به حکم دلبستگی ناگستنی به این امید که صدایشان سرانجام بقیه در صفحه ۲۴

بازاریان و پیشه‌وران شرافتمند

برای برچیدن ساط غیرقانونی اتاق اصناف این کانون ضد مردمی همگام شوید

عزای عمومی

پنجشنبه دهم فروردین ماه اربعین اول شهیدان تبریز و اربعین دوم

بخون خفتگان قم در سراسر ایران، از کوچکترین روستاها تا بزرگترین شهرها علیرغم توطئه‌های دامن‌دار

"دستگاه استبداد" در نهایت نظم و همبستگی برگزار گردید.

نه تنها مسجد‌ها و درگوشه و کنار خانه‌ها که همه گوی و برنهباشا

شاهد بزرگداشت این جانسپاران راه آزادی و استقلال ملی بودند.

حتی نگاهی کوتاه به روزنامه‌های وابسته به د ولتیا ن نمایانگر این

شهرها و تازه‌ها بقیه در صفحه ۲۴

آنچه در این شماره میخوانید

۱- استحکام و تجلی وحدت ملی

۲- بایداری قهرمانانه زندانیان سیاسی

عزای عمومی

شهادت به هموطنان

شهرها و تازه‌ها

پیروز باد جنبش اعتراضی مردم در سرتاسر ایران

استحکام و . . .

دشمنان و مرمت نهاد های سیاسی، حرکت ملی در جامعه اوج می گرفت و هویت تاریخی شکل مناسب خود را باز می یافت .

دستگاه استبداد در رابله با وابستگیهای کوناگون، تلاش کرده است تا این جوهر اصلی حیات ملی را متزلزل نماید و بزرگترین ضربت را نیز بر پیکره جامعه وارد آورد که آن محو نام ایران به عنوان یک واحد اجتماعی و فرهنگی در پهنه تاریخ انسانی است .

یکی از آخرین پناهگاههای ملی و فرهنگی میهن ما که به وحشیانهترین صورتها در این پنجاه سال اخیر، به پیروی از این سیاست شوم، مورد حمله و درهم ریزی قرار گرفته "جامعه روحانیت" و نهاد های رزمنده مذهبی ایران است که به حکم خصلت دینی و چهره فرهنگی و مردمی آن، تار و پود حیات ملی جامعه و ما بشمار می آید . به دیگر سخن دیانت اسلام که در میهن ما رنگ ممتاز آن تشیع است، آحاد ملت ما را در مجموعه های معنوی و مستحکم قرار داده است که در برابر بیگانگان بگونه سنگر مقاومت ملی و علیه "ظلمه" داخلی، پیشگامان دیشه های عدالت پرورانه باشد درست است که خدشه بر آن بسیار مشکل می نماید ولی اگر روزی دشمنان ایران این سنگر پر بهای معنوی جامعه ما را متزلزل سازند بطور مسلم از ایران و فرهنگ ایرانی جز نام باقی نخواهد ماند و بدین اعتبار در این برهه تاریخی دفاع از روحانیت تشیع یعنی دفاع از استقلال ایران و هستی جامعه ملی .

ملت آگاه و سرنوشت ساز ایران در طی تاریخ نشان داده است که وقتی خطر اضمحلال و نابودی در میان باشد، وقتی دشمنان قصد از بین بردن ریشه های اصلی قوام ملی را داشته باشند، از همه اختلاف سلیقه ها و رفتارها چشم پوشی می کند و یکپارچه و متحد به دفاع از

بقیه در صفحه ۶

پایداری فرمانان . . .

بگوش شنوایی برسد و از حلیری که عزیزانشان را هر لحظه تهدید می کند کاسته شود دست از کوشش بی دریغ خود نکشیدند .

در کشوری که حکومتگرايش هر روز رویای "تمدن بزرگ" را به گونه ای تصویر می کند و با کمک پیرزق و برقی ترین وسایل ارتباطی جمعی باور مردم را به بازی می گیرند، در سرزمینی که هر روز استبداد بان با ارائه طرح های رنگین جهان را در برابر مرز جدی از حقوق انسانی مهوت می سازند، در سرزمینی که ادعای برابری حقوق مرد و زن می شود و زنهارا به پای صندوق رای می کشانند تا نمایش آزادی را فریبنده تر سازند، در کشوری که آزادی به گونه صدقه در برابر کف زدن ها و کرنشها و چاپلوسی ها و دروغپردازیها هر روز از گروهی به گروه دیگر منتقل می شود، در این جهنم سوزان پیکر زن ایرانی، مادر فداکار خانواده، همسر پاکدامن و شریف مرد، زیر ضرب های جماع و لگد سیاه و کیود می شود .

زن ایرانی از همه آزادبها و برابریهای پیشکش شده تنها برابری شکنجه دیدن را در زندگی خود صادقانه لمس کرده است . دختر دانشجو را به گلوله می بندند و زن بدکاره را ارج می نهند امروز مادرانی که در راه آزادی قربانی داده اند، همسرانی که بخاطر حق طلبی خانمان از هم گسسته اند، از ما یاری می جویند . به گوش همه برسانیم که زندانی سیاسی در ایران از ابتدائی ترین حقوق انسانی بی بهره است . زندانی سیاسی در ایران پس از محاکمه و حکومیت دوباره به شکنجه گاه کشیده می شود و بامدرن ترین دستگاهها بند بندشان از هم می گسند، زندانی سیاسی در ایران هر لحظه به مرگ تهدید می شود زیرا دژخیم می تواند در همان بند زندان او را قطعه قطعه کند .

زندانی سیاسی از دیدار عزیزانش برخوردار نیست و همه رشته های عاطفی او را با خانواده می گسند و در آن دخمه سیاه از جهان بریده و تنها رها می شود . اینها که در زندانهای سیاسی در آستانه مرگ قرار گرفته اند جگر گوشگان ما هستند، آنها در سالهای سیاهی که کس را رمق ناله ای نبود فریاد شدند تا بگوش همه جهان ستم را و بیداد را برسانند .

دستهای این شجاعان از خود گذشته را می فشاریم و خانواد ه های نگران و آسیب دیده آنها را یاری می دهیم . ایرانی هرکجا هستی و ایفه دار افشاگری این ستم آشکار و ظلم بی پایان باش و خواهان پایان دادن به آن .

خبر نامه اتحادیه و نهادهای جنبه ملی ایران

در خدمت حرکت استقلال و آزادی ایران قرار دارد

با فرستادن مقاله و خبر همکاری خود را با آن استوار تر سازید



خواهد شد و به حرکت آزادی و استقلال که هدف اصلی همه تلاشهای مردم سرتاسر ایران است نظم بیشتر خواهد داد .
نظم و اتحاد بگونه نیاز اجتماعی و سیاسی بخوبی محسوس است نیازی که باید این تجلی وحدت ملی را سازمان دهد ، این امر حتمی است و این جنبش های پراکنده خود بسوی اتحادی همه جانبه برای مبارزه بر علیه استعمار و استبداد و برای بدست آوردن آزادی و استقلال در حرکت است .

عزای . . . از صفحه ۱
حقیقت است که ایران پنجشنبه دهم فروردینماه در "سوگ همگانی" باعداد را به شامگاه رسانید . و همه جا مردم با خشم و نفرت خواهان مجازات مسببان و عاملان "کشتار جمعی" مردم قم و تبریز گردیدند .

یکبار دیگر استبداد یان به این واقعیت پی بردند که از داشتن هرگونه پایگاه در میان مردم بی بهره اند و بهمین دلیل کوشیدند در مجالس سوگواری و دیگر آئین هایی که برگزار میشد اخلاص بود آوردند و با اعمال خلاف اخلاق و نزاکت و با بکار گرفتن همه "وسایل ارتباط جمعی" و پخش دروغ و نسبت های ناروا دادن به مبارزان ، سیمای این جنبش ملی را دژم سازند و برای خود بهانه بتراشند که یورشهای وحشیانه آنها را توجیه نمایند .
خوشبختانه درایت مراجع عظام تقلید و دستورهای آنان به حفظ و آرامش و هشیاری مبارزان و شناختی که مردم از ارزش کار وزارت اطلاعات و آژانس خبرگزاری پارس و گردانندگان ساواکی آنها دارند ، این بار هم دشمنان ایران را رسوا و رسواتر ساخت .

هشدار به هموطنان

کمیته اجرائی جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر طی نامه سرگشاده ای به نخست وزیر صحنه سازیهای مسخره دولت را به انتقاد گرفته چنین نوشته اند " روزنامه های تحت نظارت و راد یوها و تلویزیونهای دولتی نسبت باین اظهارات و اجتماعات که در نهایت صراحت و متانت بنا بدعوت مراجع اعلام و علمای اعلام و رهبران ملی برگزار میشود . . . سکوت مطلق نموده " و ضمن خالص نشان کردن اخبار مجعول اضافه میکنند : " چنین عملیات نامطلوب صرف نظر از ساختگی و مشکوک بودن برخلاف تاکید های مکرر آقایان مراجع است و به فرض که اتفاق افتاده باشد مسلماً با نقشه و ایادی حکومت بمنظور بهره برداریهای خلاف صورت گرفته است . "

و در پایان نامه یاد شده آمده است : " جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر و خلیفه خود دانست برای حمایت از حقوق پایمال شده هموطنان و جلوگیری از قصد سوئی که نسبت به آزادیها در جریان است قبلاً چنین اخطار و هشدار را بدهد و افکار عمومی ایران و جهان را مطلع سازد . "

استحکام و . . . از صفحه ۱
استقلال و هستی خود می پردازد .
جنبش ها و تظاهرات مردم سراسر ایران در روزهای نهم تا دوازدهم فروردینماه که برابر با نخستین اربعین شهیدان تبریز و دومین اربعین شهیدان قم بود ، نشان داد با آنهمه خیانت و جنایت که " دستگاه استبداد " در ازبین بردن وحدت ملی بعمل آورده ، هنوز ساخت این یگانگی تاریخی و فرهنگی استحکام دارد و مردم این سرزمین وسیع از دورترین روستای آذربایجان تا اقصی نقاط سیستان و بلوچستان ، از گمنام ترین دهکده های خراسان تا آبادیهای چسبیده بر زمین سوزان خوزستان ، همه متحد و مومن و یکپارچه ، متعلق به گروههای گوناگون اجتماعی اعم از روحانی و دهقان ، کارگر و بازاری پیشه ور و دانشجو و کارمند ، زن و مرد ، پیر و جوان همه و همه بحکم اعتقاد درونی که از اندیشه های والای اسلامی و پیوند های ملی و قومی سرچشمه میگرفت به پیروی از دستورهای مراجع دینی در بزرگداشت یاد بود شهیدان قم و تبریز شرکت کردند و با خون خود سیمای قیام همگانی ملت ایران را رنگینتر ساختند .

قیام مردم قم شعله نخستین حرکت مردم بود که با خیزش مردانه تبریزیان سرتاسر ایران راد آتش خود جوشی کشاند و همه ساکنان ایرانزمین راد رخط واحدی قرار داد که متفقا به دستگاه استبداد پاسخ منفی دهند و همه تلاشها و خیمه شب بازیهای حکومت دست نشانده و وابسته به استعمار را مسخره و مذبحخانه بدانند .

بدیهی است که حکومت استبدادی هر چه بیشتر وحشیگری کند و هر چه بیشتر بکشد و زخمی سازد و به زنجیر کشد ، این قیام همگانی که تجلی آن بدون شک در تاریخ معاصر ایران بی نظیر است ، محکم تر و پایدارتر و قاطع تر

خبرها و تازه‌ها

بزرگداشت شهیدان در قم

صبح پنجشنبه دهم فروردینماه برابر با چهارمین روز شهادت دلیران تبریز به دعوت مراجع علم و پیشوایان عالیقدر مذهبی مجلس یا دیوبندی در مسجد اعظم قم برگزار گردید که بیش از پنجاه هزار تن از گروههای مختلف اجتماعی در آن شرکت داشتند در این مجلس که در حضور حضرت آیت الله العظمی شریعتمداری و حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی، حضرت آیه الله العظمی مرعشی نجفی و حضرت آیت الله العظمی روحانی و حجج اسلام و علما و فضلاء حوزه علمیه، تشکیل شده بود حضرت حجت الاسلام آقای گلسرخی سخنانی شورانگیز ایراد داشتند و در قسمتی از سخنان خود چنین گفتند "خونها می جوشد در دیوار به خون عزیزان تلگون است چرا؟ مگر آنها چه می خواستند؟ مگر صدها مجروح و زخمی کسه از بیمارستانها به سیاه چالها منتقل شده اند چه می خواستند؟". حضرت حجت الاسلام آقای گلسرخی در این سخنرانی به بررسی مسائل اجتماعی پرداخته و نقشه های استعمار و استبداد وابسته را در تقییم نمودن ملت ها بویژه در جهان سوم برملا ساختند.

مجلس با شور و هیجان فراوان و بی آنکه کوچکترین بهانه‌ای به آشوب طلبان حکومتی بدهد پایان یافت.

در بعد از ظهر پنجشنبه دهم فروردینماه نیز به دعوت استادان مبارز حوزه علمیه قم مجلس یادبود دیگری در مسجد اعظم با شرکت دهها هزار تن از مردم این شهرستان و روستاها و شهرهای اطراف تشکیل گردید.

استقبال مردم از این دعوت چنان بود که حتی خیابانهای اطراف مسجد اعظم انباشته از جمعیت بود. در این مجلس ابتدا حضرت حجت الاسلام آقای عبائی مردم را هشدار دادند که "نظر به اینکه عناصر مفسده جو در نظر دارند از تظاهرات شعارها سوء استفاده کنند از آقایان محترم تقاضا می شود بهانه دست دشمن ندهند و از هرگونه تظاهرات چه در جلسه و چه بعد از جلسه خودداری کنند. با این توصیه ها هر کس به چنین اقداماتی دست زند از ما نیست".

و سپس حضرت حجت الاسلام آقای ناطق نوری چنین گفتند:

"ایران، سراسر ایران به عنوان اعتراض به این عمل وحشیانه نلام حاکم و به عنوان اعتراض و به پیروی از سنویات پاک روحانیت و بر اساس پیوند عمیقی که بین ملت ایران و روحانیت آگاه است تعطیل عمومی کردند. بعنوان اعتراض مغازه ها را بستند".

و در قسمتی از سخنان خود ائمه اصناف را به اعتراض گرفته و چنین افزودند "از آنروز یعنی از شهادت شهیدان قم تا الان که با شما سخن می گویم در تهران که اخلال بیشتر دارم دهها مغازه بجرم اینکه چرا بندای روحانیت جواب دادند پلمپ شده و بسته شده، یا باید بسته باشند یا باید به بهانه های دیگر جریمه های گزاف و کمر شکن بدهند. اینست معنای مبارزه با گرانفروشی".

دومین مجلس یادبود شهیدان به علت عدم دخالت پلیس و قوای انتظامی که حضورش همواره موجب اخلال بوده است در کمال نظم و آرامش پایان یافت.

تهران در عزای شهیدان

شهر تهران که دستگاه استبداد می کوشد با اجرای برنامه های تبلیغاتی رنگارنگ و تحصیل قیافه های غرب زده و گسترش نفوذ های گوناگون خارجیان آنرا فاقد هویت کند در روز پنجشنبه دهم فروردینماه اربعین شهیدان تبریز را به سوگ نشست.

سراسر بازار تهران این سنگر تسخیر ناپذیر مبارزات ملی به حالت تعطیل درآمد و نزدیک به سی هزار تن از گروههای اجتماعی مختلف در مجلس یادبودی که به دعوت پنجاه و شش تن از روحانیان حق طلب و جناب آقای مهندس مهدی بازرگان شخصیت مبارز ملی در مسجد آذربایجانیها برپا شده بود با نلیم کم نظیری شرکت کردند.

از دو روز قبل "وسائل ارتباط جمعی" با دروغ پراکنی های خود کوشیده بودند ذهن مردم را نسبت به حوادثی که می توانست در کمین باشد آشفته دارند ولی انتشار خبرهای آتش سوزی، غارت، کشتار یکی پس از دیگری نتوانست آنها را از انجام وظیفه ملی و مذهبی خود باز دارد.

در این مجلس با شکوه گوینده شجاع مذهبی حجت الاسلام آقای حمید زاده طی سخنان پرشوری

بر شهیدان خونین گمن ایران زمین درود باد

تهران در ...

از صفحه

بعین شهیدان در مشهد مقدس

نفرت عمومی را از "دستگاه استبداد" بیان داشتند و به تفصیل هدفهای "جامعه روحانیت" و خواستهای انسانی مردم ایران را تشریح نمودند، در قسمتی از سخنان خود چنین گفتند "نهراسید و در میدان مبارزه ثابت قدم بمانید و نشان دهید که نمی‌هراسید و به منافقین و چند چهرگانی که همیشه در فکر تخریب و سم پاشی‌های ضد الهی و مسلکی بوده‌اند نشان دهید مردانه ایستاده‌اید، هیچ نهفتگی بی شهید جان نمی‌گیرید، هیچ حرکتی بدون خون رنگ ندارد هیچ جنین و جهشی منهای فداکاران و انسان‌هایی که اهل ایثار و گذشتند نمی‌تواند در جهان سربلند کند و به دلیران جهان نیز پیام عزت بخش دهد." و به سخنان خود چنین ادامه دادند "مدتی بود که به خواب رفته بودیم، علقه‌های مادی آنچنان سراسر وجود ما را پر کرده بود و مظاهر طاغوتی آنچنان جلوه خداگونه‌ای در برابر ما نموده بود، رسالت، تعهد، حریت، حرکت و همه، پیام‌ها را از یاد برده بودیم ولی خواب تا کی؟"

سیل جمعیت پس از پایان سخنرانی شورانگیز حجت الاسلام آقای حمید زاده با آرامش بی‌مانندی از چند سو روانه خیابانها شد و بی آنکه کوچکترین بی‌نظمی رخ دهد بتدریج پراکنده گردید و یکبار دیگر این واقعه نمایان شد که تنها حضور گماشتگان ساواک و پلیس بی‌نظمی و آشوب می‌آفرینند و ناامنی را گسترش می‌دهند.

اجتماع شکوهمند مردم تهران در مسجد آذربایجانی‌ها که با نظم و همبستگی کم نظیری همراه بود نشان امیدبخشی است برای حرکت بسوی اتحاد همه جانبه نیروهای ملی.

تبریز قهرمان یاد شهیدان را گرامی داشت

شهر قهرمان تبریز با تعطیل عمومی در روزهای نهم و دهم فروردین ماه اربعین شهیدان خویش را به سوگ نشست.

چون در این دو روز شهر بار دیگر بحالت اشغال نظامی درآمد و مسجد شاه زیر مراقبت شدید مأموران انتظامی قرار داشت مردم مراسم سوگواری را در خانه‌های روحانیان محض طلب و بارماندگان شهیدان کلدون کفن برگزار کردند.

شهر مقدس مشهد روزهای چهارشنبه نهم و پنجشنبه دهم فروردین ماه به نشان سوگواری به حالت تعطیل عمومی درآمد و اربعین شهیدان از کوچه و بازار گرفته تا خیابانهای وسیع با اندوه و اعتراض همگانی برگزار شد و مردم از خرد و کلان در مجلس یاد بود شرکت نمودند.

"دستگاه استبداد" که از سالیان پیش این شهر را بسختی زیر کنترل دارد و با اجرای نقشه‌های دقیق می‌کوشد حالت مذهبی و تاریخی همیشه این شهر را بگونه توریستی و غیر ایرانی در آورد از این اتحاد بزرگ بسختی دچار خشم شد و در نتیجه مردمی را که اطراف خانه حضرت آیت الله حاج سید عبدالله شیرازی گرد آمده بودند از دم رگبار گلوله گذرانید و در این میان عدای زخمی و بسیاری دستگیر شدند.

به گلوله بستن سوگواران در یزد

روز پنجشنبه دهم فروردین ماه مردم آزاده شهر یزد به دعوت "جامعه روحانیت" در یکی از مسجد های بزرگ شهر گرد هم آمدند و به سخنان گوینده شجاع مذهبی حجت الاسلام آقای راشد پیرامون فاجعه "کشتار جمعی" قم و تبریز گوش فرا دادند.

هنگامی که انبوه جمعیت شرکت کننده در مجلس یاد بود شهیدان مسجد را ترک گفتند با مأموران چماقدار روبرو شدند و چون به دادن شعارهای اعتراضی گونه پرداختند رگبار مسلسل باریدن گرفت و دهها تن زخمی شدند. آسیب دیدگانی که بدلیل وخیم بودن وضع به بیمارستانها برده شده بودند توسط پلیس بازداشت گردیدند گفته می‌شود عده‌ای از زخمیان در اثر خونریزی و عدم درمان، شربت شهادت نوشیدند.

باز هم تبعید یک بازرگان

آقای حاج سید رضا حاتمی بازرگان شریف و آزادخواه سمنان روز پنجشنبه دهم فروردین ماه پس از برگزاری مراسم بزرگداشت شهیدان که در مسجد جامع برپا شده بود به عنوان دست‌اندرکار بودن در این گرد هم آیی با شکوه دستگیر و به بافت کرمان تبعید گردید.

زندانیان و تبعید شدگان سیاسی را آزاد کنید

خبرنامه

اتحاد نیروهای جنبه ملی ایران

فوق العاده - بیستم فروردین ۱۳۵۷

انتقام....

دیشب هنگامی که شهرتهران به خواب سنگینی فرو رفته بود نتیجهٔ چند روز تهدید و تحریک پیاپی گماشتگان "دستگاه استبداد" که زیر نام جناح پیشرو حزب فراگیر!! انجام گرفت، بگونه کارگذاران بمب در خانه های مسکونی نمایان شد.

حدود ساعت بیست و یک (به وقت ساختگی دولت) در کنار در ورودی خانه جناب آقای مهندس مهدی بازرگان شخصیت ملی و عضو کمیته اجرایی جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر که در طبقه نهم ساختمان یاد، در خیابان غزالی قرار دارد بمبی منفجر شد. شدت انفجار چنان بود که علاوه بر ویران نمودن طبقه نهم، آسانسور را بکلی در هم شکست و شیشه های طبقه های بالا و پائین را خرد کرد، در اثر این انفجار آتش سوزی مهیبی بوجود آمد.

ساعتی بعد در خانه جناب آقای دکتر کریم سنجابی شخصیت ملی و عضو کمیته اجرایی جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر واقع در نیاوران خیابان جمشیدیه کوچه بیستم انفجار وحشتناکی رخ داد و چون ساختمان از قسمت جلویی حیاط دور است به آن آسیبی نرسید. ولی در ورودی به آهن پاره های بدل شد و شیشه های خانه های مجاور بکلی فرو ریخت.

حدود ساعت دو و سی دقیقه (بوقت ساختگی دولت) بمب دیگری به خانه آقای مهندس رحمت الله مقدم مراغه ای دبیر نهضت رادیکال ایران و عضو جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر، در خیابان میرداماد پرتاب شد و انفجار هولناکی رخ داد. این انفجار آنچنان شدید بود که اتومبیل پارک شده در صحن حیاط را خرد کرد و شیشه های ساختمان با وجود فاصله داشتن با محل انفجار همه شکست.

در هر سه محل اختاریه های همسان پخش گردیده که در آنها چنین آمده است "آقای... این اولین هشدار سازمان زیر زمینی انتقام به شماست".

همزمان با این وحشیگریها که ممکن بود بقیمت جان دهها نفر تمام شود آقای دکتر حبیب الله پیمان مبارز ملی، عضو جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر که تا دیرگاه در مطب خود کار می نمود هاند هنگامی که راهی خانه می گردند توسط عده های از گماشتگان "دستگاه استبداد" ربوده میشوند و در حالیکه چشم های ایشان را می بندند با اتومبیلی روانه بیابانهای اطراف جاده کرج شده در آنجا ایشان زندان پزشک آزاده را بسختی مضروب و مجروح می نمایند و پس از "این اولین هشدار" ایشان را بیهوش رها ساخته خود روانه "سازمان زیر زمینی انتقام" می شوند.

در هر سه مورد انفجار بمب جریان به کلانتری محل اطلاع داده شده و صورت مجلس تسلیم و پرونده لازم تشکیل گردیده است ولی روشن نمیشود که ماموران پلیس بتوانند به وظیفه قانونی خود عمل کنند.

آقای دکتر پیمان نیز با آمدن امروز به همراه وکیل خود به دادسرای شهرستان تهران مراجعه و طرح شکایت نمود هاند.

وحشیگری درواپسین نفسها!!
"نظام حاکم" برای ایران که با پایمال ساختن "حقوق ملت" و از میان بردن همهٔ آزاد یهای فردی و اجتماعی بیست و چهار سال اختناق را بر مردم تحمیل نموده بود هم اکنون در برابر جنبش اعتراضی در سرتاسر کشور بسختی و در چار اضطرار آب و سید رنگی شده و می کوشد به کند کردن آهنگ دیکتاتوری که زیر فشار شکست برنامه های باصطلاح انقلابی و نیز زیر اثر دگرگونیهای وضع سیاسی قدرتهای جهانی انجام گرفته بود پایان داده و با توطئه چینی -

های گوناگون در صدد فرصت مناسبی برای تنگتر کردن حلقه های زنجیر استبداد است تا بتواند چند صباحی بیشتر به یغما و چپاول منابع ملی بپردازد و در جهت استمرار وابستگی، تمامی هستی اقتصادی کشور را بپای اربابان بیگانه و آزمند خود برای این هدف ایران بر باد ده دژخیمان "دستگاه استبداد" که زالو وار از شریانهای مردم این آب و خاک تغذیه میشوند، گرامی میهن ما را بصورت "سرزمینهای اشغال شده" در آورده اند و روزی - نیست که صدای رگبار مسلسل در گوشه ای بگوش نرسد و این امر نشان میدهد "نظام حاکم" از آخرین قدرت خود برای سرکوبی مردم سود می جوید ولی بی گمان این کردارهای نادرست و رفتارهای ضد ملی و ضد انسانی هر روز جامعه را در شرایط بحرانی تر قرار خواهد داد و انفجار را نزدیک تر خواهد ساخت.

کارگردانان سازمانهای جهنمی پاسدار "دستگاه استبداد" که نام

برچیده باد بساط دیکتاتوری از میهن ما

بانک صادرات
خیابان سلیمانیه
در آتش سوخت

آتش سوزی و تظاهرات

● در اصفهان شیشه های چند بانک را شکستند و یکی از آشوبگران دستگیر شد

● در کاشان ۴ مرد نقابدار با میله های آهنی به بانک صادرات حمله کردند

● چند بانک در تهران مورد حمله آتش زنا و سنگ و چاقو حمله قرار گرفت

● در تهران دوهوازه اغذیه فروش و اتومبیل سازمان آب آتش زده شد

● گروهی با پنجه بکس و چاقو یزد به مامورین حمله کردند

● ۶۰۰ چوب دستی برای شکسته شیشه ها در خرم آباد آماده شده بود

● در مشهد در ...

فروش معروف حمله مهاجمان یک تا آن را آتش بر

● در قم سر نشینان یک بمبوی مأموران حمله در تیراندازی متقابل اخلال گران و جروح شد

و بقیه با استفاده از تاریکی بجا گذاردن بطری های حاوی بنزین و وسایل خرابکاری فرار کردند

نقابداران به قطار مسافری در کاشان

تظاهر کنندگان در تهران و چند شهر دیگر با بمب، مواد آتش زنا و سنگ و چاقو حمله کردند

یک انبار کفش ماش سازمان تلویزیون پلیس در زنجان سوخت

اتومبیل واعظ معروف آتش زده هوازد

حمله مهاجمان به بانکها و سینماها در پنج شهر کشور

تروریست

تظاهرات مهاجمان نقابدار

نقابداران در ایستگاه

نزدیک کاشان

نقابداران

متواری

رامین -

کوردش را

تقه و چاقو به

تظاهرات مهاجمان نقابدار

زمینه سازی "دستگاه استبداد" برای سرکوبی مردم پیاخته

بر اساس گزارش های خبرگزاری پارس، در روزهای گذشته جمعا در ۴۷ شهر آشوب رخ داد همین خبرگزاری در روزهای پیش از ۴۱ شهر دیگر گزارش هایی از تظاهرات خیابانی، بخش اعلامیه حمله به بانک ها و موسسات دولتی داده بود. در این شهرها ۴۳ تن از مهاجمان دستگیر شده اند. شرح آشوب های روزهای اخیر را، خبرگزاری پارس چنین گزارش کرده است.

وحشیگری . . .

سازمانهای امنیتی و انتظامی به آنها داده شده و در حقیقت وجودشان بزرگترین عامل ناامنی و اغتشاش است چون از توطئه‌های گوناگون خود همچون اخراج مبارزان از سازمانهای دولتی و غیردولتی و بستن محل کسب بازاریان و پیشه‌وران و تبعید و زندان و هجوم‌های پی در پی ماموران درنده خو به زنان و مردان میهند و ست و سرانجام از "کشتار جمعی" مردم بی دفاع نتیجه‌ای نگرفتند و جمع‌این زشتکاریها ایرانیان آزاد یخواه و استقلال طلب را در ادامه نبرد سخت کوش ساخت ، ناگزیر برای رهائی ، "نظام حاکم" از مهلکه چاره تازه‌تری اندیشیدند . همزمان با اربعین یکم شهیدان تبریز و اربعین دوم شهیدان قم که علیرغم صحنه سازهایی رسوا و خبرهای بخشنامه واری که گردانندگان ساواکی وزارت اطلاعات و خبرگزاری پارس از رادیو و تلویزیون پخش میکردند و روزنامه‌های اجیر شده نیز عین آنها نشر میدادند با شکوهمندی بی‌مانندی برگزار شد و سراسر ایران به ماتم این دلیران بخون خفته فرو رفت حتی در پاره‌ای شهرها با جان نثاریهای تازه یاد شهیدان قم و تبریز راگرامی داشتند .

ناگهان دسیسه تازه‌ای شکل گرفت و "جناح پیشرو" حزب فراگیر که بسان "جناح سازنده" و همه دستهبندی‌های درونی "دستگاه استبداد" همچنانکه اصطلاح کرده‌اند زیر نظر "فرماندهی" عمل میکند طی بیانیه‌ای اعلام داشت "باتظاهر کنندگان سرسختانه مقابله میشود" و

آقای بازرگان . این اولین هوشدار سازمان زیر زمینی انتقام به شماست .

آقای کریم سنجابی . این اولین هوشدار سازمان زیر زمینی انتقام به شماست .

هم آهنگ کننده آن " دعوت به قیام عمومی علیه تظاهرات و هرج و مرج " نمود و " کمیته های قیام ملی " تشکیل شد تا " همه عناصر مثبت و وطن خواه و شاه دوست گرد این کمیته ها به مبارزه سرسختانه علیه آشوب طلبی و هرج و مرج قیام کنند " . نخستین گام این توطئه ضد

مردمی در شب در تهران بشکل وحشیانه برداشته شد که شرح آنرا در این شماره خبرنامه میخوانید و قرار است امروز شهر قهرمان تبریز شاهد گام دیگر آن باشد و چه بسا که در روزهای آینده دامنه این توطئه به همه جای ایران زمین کشیده شود . این اعمال وحشیانه درست در زمانی انجام میشود که هم آهنگ کننده جناح پیشرو حزب فراگیر بیان داشته است : " ملت ما به نیاز خود به آزادی آگاه است " و اضافه میکند : " ما ولیفه داریم که با آگاهی و روشنگری و کار تجریمی واقعیت امر را با هموطنان خود در میان گذاشته و صفوف ملی خود را هرچه بیشتر مستحکم کنیم " . در این کشور که استبداد سایه شوم خود را در همه جا گسترده است ، اینست معنای " آزادی " و کارهای " توجیهی " و " توضیحی " ! که نوید آنها ب مردم میدهند . نگرشی کوتاه معلوم میسازد که رویدادهای غمناک انسانی در شب ، همه ناشی از زبونی و سردرگمی خیانت بار " دستگاه استبداد " و نمایانگر نفس های واپسین آن برای ادامه زندگی پراز ننگش می باشد .

مردم ایران که از نثار خون خود در راه کسب آزادی و استقلال دریغ نکرد هاند ، استوارتر از گذشته مبارزه را ادامه خواهند داد و با گسترش کوششهای همه جانبه در اتحاد و همبستگی پایدار و سازنده ، سرانجام دسیسه استبداد را بزنجیر خواهند کشید .

پرتوان باد حرکت آزادی و استقلال ایران

خبرنامه

اتحاد نیروهای جبهه ملی ایران

شماره هفتم - سیام فروردین ۱۳۵۷

استعمار سرخ و سیاه؟!

روزی نیست که بلندگوهای تبلیغاتی "دستگاه استبداد" با سوءاستفاده از امکانات وسیعی که در اختیار دارند نعره‌های خود را توأم با بیشرمانه‌ترین دروغ‌ها در راه انحراف افکار عمومی بگوش مردم این آب و خاک نرسانند.

اداره کنندگان این سازمانهای تبلیغاتی با شایعه‌سازیهایی که هرروز بعد وسیعتری می‌گیرد چندی است مبارزه با استعمار سرخ و سیاه را بدون تعریف مشخص و ملموسی از این دو استعمار بهانه‌عریده جویسی قرار داده و اینطور وانمود می‌کنند که هر کس راجع به فساد دستگاه حاکم که تا اعماق اجتماع ما را به تباهی دچار کرده و یا از اختناق و خودکامگی آن که از حد گذشته است کلامی بر زبان آورد اجنبی‌پرست است و نوکر یک یا هر دو استعمار.

به این مبلغان انقلاب سفید و طرفداران حزب فراگیر باید گفت که اگر مقصود از استعمار سیاه دولتها و شرکتهای بزرگ غربی هستند که از طریق صدور سرمایه و کمک سرمایه‌های وابسته و ایجاد تأسیسات شبه صنعتی و مونتاژ به نفع خود و ضرر ملت ایران عمل می‌کنند؟ چرا به پیروی از سیاست مستقل ملی با معرفی این دولتها و شرکتهای سرمایه‌های استعماری روش خود را نسبت به آنها روشن نمی‌کنند و به این غارت همه جانبه و مداوم خاتمه نمی‌دهند؟

سال گذشته عنوان شد که قیمت نفت در سال ۱۹۷۸ باید بالا برود و با توجه به نیازی که نسبت به این ماده حیاتی وجود دارد از یاد قیمت آن عادلانه است.

امر شد که وارد معقولات نشوید، قیمت نفت باید ثابت بماند. مثل همیشه تسلیم در مقابل فرمان بهترین راه حل بود - تسلیم شدید - راد یوها و روزنامه‌هایی که در موقع اعلام بالا بردن قیمت نفت شدت از آن دفاع می‌کردند بلافاصله مدافع سرسخت تثبیت قیمت شدند.

بد نیست بدانید که حسن وزیر امور خارجه ایران و هنر او سکوت و عدم دخالت در سیاست بود، اخیراً ایشان هم بعداً درآمد و پس از بیانات مضحک و بی اساسی در مورد مسافرت کورت والد هایم و تماس گرفتن او با نمایندگان "جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر" راجع به نفت اظهاراتی کرده که در شماره ۱۰۴۳۳ بیستم فروردینماه روزنامه کیهان بچاپ رسیده است.

جناب وزیر گفته: ما از طرف اعضاء اوپک به علت سقوط بی‌دری دلار در فشار هستیم و آنها می‌خواهند قیمت نفت را بالا ببرند ولی ما بیچاره هستیم و تسلیم

بقیه در صفحه ۲

پیروزی به بهای جانگدازی

در بهبوحه فریبکاریهای "دستگاه استبداد" که زیر نام "عفو" انجام میگرفت، زندانیان سیاسی زندان قصر برای بدست آوردن ابتدائی‌ترین حقوق انسانی که قانونهای کشوری و میثاقهای بین‌المللی آنها تضمین کرده است بپا خاستند. اعتراض و بپاخاستگی مبارزان در شرایط سهمگین زندان که آدمکشان حرفه‌ای ساواک و پلیس در لباس نگهبان بر آن سلطه دارند و حتی شمار نفس‌ها نیز از کنترل دور نمی‌ماند مایه رفتن از هستی خود یعنی نوعی جانبازی و ایثار می‌باشد. درخیمان حکومتی که سالهاست زندانها را با وحشیانه‌ترین شیوه‌ها اداره می‌کنند در ابتدا تلاش نمودند که با تهدید و دشنام گوئی و کتک زدن زندانیان در عزم راسخ آنها خدشه وارد سازند ولی از این زشتکاری جز رسوائی بهره‌ای نبردند چه پایداری یاران عهد بر بسته به آنها نشان داد که از خشونت در داخل زندان طرفی نخواهند بست.

دومین واکنش "میرفضبان" بی‌اعتنائی بود و تصور میکردند که بمرور زندانیان از تصمیم خویش دست برمی‌دارند و خود "اعتصاب غذا" را می‌شکنند و بارها به زندانیان و خانواده‌های نگران آنها اعلام نمودند بمرگ اعتصاب کنندگان نیز

بقیه در صفحه ۲

آخرین خبر

اوج‌گیری تروریسم دولتی

دیشب بار دیگر تروریستهای "دستگاه استبداد" دست به وحشیگری زدند و در حدود ساعت ده (به وقت ساختگی دولت) در دفتر وکالت آقای منوچهر مسعودی (واقع در ابتدای خیابان لاله زار نو) عضو برجسته حزب ملت ایران و از بنیادگزاران انجمن حقوق‌دانان ایران با کار گذاشتن بمب در پاشنه در ورودی انفجاری مهیب ایجاد نمودند حدود ساعت یازده و نیم (به وقت ساختگی دولت) خانه آقای هدایت‌الله متین‌دفتری (در خیابان پاستور) چند صد قدمی کاخ نخست‌وزیری (وکیل دادگستری، روشنفکر مبارز و از بنیادگزاران انجمن حقوق‌دانان ایران) با پرتاب بمب و انفجار وحشتناک آسیب فراوان دید.

در چند ماه گذشته که "دستگاه استبداد" ناگزیر گردیده تعقیب پارهای از مبارزان را که برای آنها پرونده‌سازی شده است به دادگستری واگذار کند، آقایان هدایت‌الله متین‌دفتری و منوچهر مسعودی از جمله وکیلانی بودند که با پشتکار فراوان دفاع قانونی از این مبارزان را بعهده گرفتند و بخصوص در دفاع از دانشجویانی که به اتهام‌های واهی در فاصله روزهای هشتم تا بیستم فروردینماه جاری در شعبه اول دادگاه جنایی تهران نقش نمایانسی داشتند.

پیروزی به
اهمیت نمی دهند .
روزها و هفته ها گذشت ، چهره زندانیان
به زردی گرائید ، ضعف بر اندامشان چیره
شد و نشانه های فلج در بسیاری از آنان
پدیدار گشت ولی در درون آتش پایداری
شعله میکشید .

روان مقام و آرمان تابناک چهره آزادگان
در بند را رویاری تاریخ قرار میداد تا
مرگ افتخار آمیز کالبد خود را پذیرا شوند
اما قامت پرابهتشان را که با ابدیت پیوند
می یافت در برابر استعمار و استبداد خم
نکنند چه زمان آنها را بگونه فرزند ان
شایسته ایران زمین در صحنه آزمایش
نهاده بود .

این دلیران دست از جان شسته گویی
بیانگر این واقعیت بودند که نظام
استبدادی وابسته به بیگانه با تمام
تلاشهای خود جهت نابود سازی ارزش-
های برین انسانی و فرهنگی ایرانیان ،
هنوز نتوانسته است فضیلت و پایداری
را در این سرزمین تاریخی ریشه کن سازد .
پیروزی عظیم زندانیان سیاسی در مرحله
نهم مستمربوط به خودشان است که طی این
مدت دراز و تا آستانه مرگ از پای طلب
نشستند .

در مرحله دوم مربوط به افشاگری و پیگیری ،
زنان " جگر آوری " بود که داستانهای کهن
بایداری زنان مرد آفرین را بیاد می آورد .
این مادران و خواهران و دختران و
همسران درست اعتقاد به قیمت ناسزا
شنیدن و جفا خوردن و حتی بازداشت
شدن دست از حق طلبی نکشیدند و هر
روز در این ظلمتکده فریاد " استبداد " را
رساتر ساختند و همگان را از وضع بحرانی
و خطرناک عزیزان خود آگاه ساختند .

تلاش دلاورانه این زنان نخبه میهن ما
برگ دیگری برد فترت سیاهکاریهای " دستگاه
استبداد " اضافه کرد و از یکسو نشان داد
افسانه آزاد سازی " نیمی از افراد جامعه "
و " احترام به حقوق زن " همچون سایر
اصول انقلاب کدائی بی اساس است و از
سوی دیگر آشکار نمود که خوشبختانه
کوشش دست اندرکاران حکومت برای
" عروسک " ساختن زنان و تبدیل آنان
بقیه در صفحه ۳

استعمار سرخ
اما اگر مقصد از استعمار سرخ نفوذ دولت شوروی و احیانا " اعمار آنست
چرا با بکار بستن سیاست مستقل ملی به این استعمارگران نمی گوئید که
دیگر حاضر نیستم گاز خود را تقریبا " رایگان در اختیار شما قرار دهم
(در این مورد نه از طرف دولت ایران یا شرکت ملی نفت و نه از طرف
دولت شوروی هیچ نشریه منتشر نشد و هیچ اطلاعیه ای صادر نگردید
تا ملت ایران یعنی مالک واقعی گاز از چگونگی این معامله مطلع شود)
روشن است هر حکومتی که بین مردم پایگاهی ندارد ، باید متکی بر قدرت
اجنبی باشد و تسلیم خواستها و طمع ورزیهای بی پایان او چه سرخ و چه
سیاه .

مدعیان ترقیات چشمگیر ، بی نظیر و محیر العقول کشور هیچ می دانند که
با داشتن ۲۳ میلیارد دلار درآمد ارزی سالانه از نفت ، مملکت را که
از نظر محصولات کشاورزی خود کفا بود به روزی انداخته اند که اکنون
از بزرگترین وارد کنندگان محصولات کشاورزی است ؟ هیچ میدانند که
هندوستان با داشتن ۶۸۰ میلیون نفر جمعیت فقط چهار میلیارد درآمد
ارزی دارد و هیچ میدانند که این کشور بزرگ و فقیر آسیای از نظر
کشاورزی به سرحد خود کفایی رسیده است ؟

آنجا ثروت مملکت بمصرف عشرتکده کیش - قمارخانه رامسر و
نمیرسد آنجا زیربنای صنعتی بر اصولی مطالعه شده و محکم و استوار
پی ریزی گردیده و مونتاز اتومبیل و رادیو و غیره به نام صنعت ملی معرفی
نمیشود و از این راه میلیونها دلار به جیب کمپانی ها و شرکتهای
استعماری نمی ریزند ، در آنجا احزاب فرمایشی نیستند و با صد فرمان
تشکیل و منحل نمی شوند ، مردم در سرنوشت کشور مداخله و نظارت دارند
و دولتها به اراده مردم می آیند و میروند .

آنچه را که نسل های آینده ایران به دستگاه حاکم فعلی ایران نخواهد
بخشید کشتن شخصیت و عدم پرورش افرادی است با شخصیت و آشنا
به اداره مملکت . متأسفانه هیئت حاکمه ایران بدون توجه به این مسئله
سیاست خود را بر این اصل قرار داده است که " دنیا پس برگ من چه دریا
چه سراب "

نمونه بارز ایران مداران با کمال و فاعل ! هماهنگ کننده جناح پیشرو
و حزب فراگیر است : این عضو سابق حزب توده و سرسپرده فعلی " سیا "
یا روشنتر ، بنده بی فکر ، فرمانبردار بی چون و چرای قدرت که پس از خدمات
درخشان در سازمان برنامه اکنون به عنوان یک صاحب نظر در ساینس
ایدئولوژیکی انجام وظیفه می کند .
با اعلام بسیج عمومی ، چاقو کشان خرفه ای و جلادان آدم کش و مأموران
ساواک را به نام " کمیته اقدام ملی " و " سازمان زیرزمینی انتقام " نیمه شب
به خانه مبارزان ملی می فرستد و با انفجار بمب سیاست حزب فراگیر را
پگوش مردم می رساند .

آیا این از ضعف رژیم حکایت نمی کند که با وجود صرف میلیارد ها دلار
برای تجهیزات نظامی مافوق مدرن و دهها هزار پلیس و ژاندارم سرتاپا
سلاح از روبرویی با مردمی که اسلحه آنها اعتراض کبکی و شفاهی نسبت
به ناپسانمانی ها و فساد دستگاه است و جز حکومت قانون و آزادی چیزی
نمی خواهند هراسناک باشد .

آیا راه رسیدن به تمدن بزرگ و دروازه های طلایی آن پس از ۲۵ سال
دیکتاتوری و اختناق و صرف میلیارد ها دلار ثروت مملکت بدون هیچ مانع
و رادع همین است که رهبران حزب فراگیر از پای هم مسلکان خود می گذارند ؟

پیروز باد ملت

خبرها و تازه ها

تبعید روحانیان مبارز ادامه دارد

ظهر روز جمعه یازدهم فروردینماه با شرکت هزاران تن از مردم اصفهان در مسجد حسین آباد نماز جماعت با امامت حجت الاسلام آقای حاج سید جلال الدین طاهری برگزار شد.

پس از پایان نماز جماعت این روحانی آگاه طی سخنان پرشوری مردم را به اتحاد و مبارزه دعوت نمودند. مسجد در تمام مدت نماز و سخنرانی در محاصره کامل پلیس بود ولی موقع سنجی و نظم شرکت کنندگان فرصتی برای حمله به مردم به آنها نداد. ساعتی بعد از پایان مجلس حجت الاسلام آقای طاهری دستگیر و به مهاباد تبعید شدند.

گماشتگان "دستگاه استبداد" که از ادامه مجلس های سوگواری و اجتماع مردم اصفهان سخت بیناک شده بودند در همین روز حجت الاسلام آقای سید محمناحمدی روحانی حق طلب و استاد دانشگاه را از اصفهان به سفر تبعید نمودند.

بمب گذاری در خانه حاج محمود مانیان

مبارز دیوپای نهضت ملی ایران

در جریان اقدامات درخشان بمب گذاری در خانه های مبارزان ملی توسط مأموران "دستگاه استبداد" که در پی عریضه جویی های گرداننده جناح پیشرو حزب فراگیر به نام "سازمان زیرزمینی انتقام"، خانه آقای حاج محمود مانیان، بازرگان آزاد یخواه و مبارز که از بنیادگزاران "جامعه بازرگانان و پیشه وران بازار تهران" بودند نیز در معرض "اولین هشدار" این سازمان قرار گرفت و پرتاب بمب در نیمه شب نوزدهم فروردینماه بخشی از خانه ایشان را ویران ساخت.

چون فوق العاده خبرنامه چند ساعت بعد از این "آدم ربایی و بمب گذاریها" انتشار یافت و این خبر دیررسید موفق به درج آن نگردید.

بولتن کمیته دفاع از حقوق زندانیان سیاسی ایران

در جریان اعتصاب غذای زندانیان سیاسی قصر عدای از روشنفکران آزاد یخواه و استقلال طلب "کمیته دفاع از حقوق زندانیان سیاسی ایران" را تشکیل دادند که در نخستین اعلامیه آن به تاریخ پانزدهم فروردینماه ذکر شده بود "این کمیته با استفاده از کلیه موازین قانونی داخلی و بین المللی خواهان آزادی بی قید و شرط زندانیان سیاسی ایران می باشد".

در واپسین روزهای "اعتصاب غذا" این کمیته بر دامنه کوششهای خود افزود و با انتشار بولتن، مردم را در جریان آخرین رویداد های مربوط به زندانیان سیاسی

پیروزی به ۰۰۰۰ از صفحه ۲
به "شیئی رنگ و روغنی و هوس انگیز" در روابطه با القایات امپریالیسم فرهنگی بیفایده بوده است و هنوز بسیاری زنائی که دوشادوش مردان به مبارزه ملی برخیزند و ندای آزاد یخواهی و استقلال طلبی نسل پیاخاسته سپهن را در کوجه ها و بازارها و حوزه های علمیه و دانشگاه ها بگوش همگان برسانند.

در مرحله سوم باید از پشتیبانی همه نیروهای مردمی از خواسته های مبارزان زندانی یاد کرد.

چه هم آهنگ شدن تمام فعالیت های افشاگرانه، تنظیم رابطه کوشش های داخل و خارج کشور و همکاری های نزدیک سازمان های سیاسی و حقوقی و دفاعی و مددکاری جامعه روحانیت به این دفاع تاریخی از زندانیان سیاسی عمومیت داد و امید به پیروزی را افزون ساخت.

در این میان توطئه جدید کارشناسان امنیتی که بنام حزب فراگیر و جناح های پیشرو و سازنده آن شکل گرفت و بدنبال یکرشته عریضه جویی و تحریک به ایجاد انفجار در خانه های مبارزان ملی و برپائی تظاهرات ساختگی انجامید بر خلاف تصور گماشتگان "دستگاه استبداد" از توجه عمومی به وضع خطرناکی که ادامه

"اعتصاب غذا" پیدا کرده بود نکاست و تلگرافها و نامه های پی در پی سازمان های ملی و انعکاس آن در مراجع بین المللی و روزنامه های پراهمیت جهان و همدردی دانشجویان دانشگاه ها و سرانجام طرح مسئله تحصن طلاب و فضلاء حوزه علمیه قم در منزل های مراجع تقلید در جمع "دستگاه استبداد" را در برابر مخاطرات جدیدی قرار داد و بهمین دلیل به گماشتگان خود دستور عقب نشینی داد و مبارزان در بند، پیروزمنده بخوابتهای خود دست یافتند و به همه مردم ایران که در زندان بزرگ استعمار و استبداد قرار دارند آموزش و رهنمون دادند که با اتحاد و تنظیم کوشش ها در خط عینی مورد قبول می توان به پیروزی رسید و دیوار قفس را شکست و به حرکت آزادی و استقلال شتاب داد.

قرار داد

نخستین شماره این بولتن در روز یکشنبه بیستم فروردین ماه و چهارمین شماره آن که خبر پیروزی زندانیان سیاسی را در برداشت روز پنجشنبه بیست و چهارم فروردین ماه انتشار یافت.

همدردی دانشجویان دانشگاه ملی

روز بیست و یکم فروردینماه دانشجویان دانشگاه ملی طی اعلامیه ای اعلام روزه داری کردند و در ضمن دانشگاه به تظاهرات پرداختند و با دادن شعارهایی همدردی خود را با زندانیان سیاسی اعتصابی بیان داشتند. در محوطه خارج دانشگاه، دانشجویان آزاد یخواه و استقلال طلب ایران مورد هجوم گارد یهای مزدور قرار گرفتند.

سراط غیرقانونی اتاق اصناف را برچینید

یادبود شهیدان یزد

به دعوت حضرت آیت الله صدوقی روز پنجمین هفتاد هم فروردینماه مجلس یادبودی برای شهیدان یزد که در روز چهارم شهیدان تبریز به خاک و خون کشیده شدند در مسجد روضه مهديه برپا گردید .
این مجلس بررغم خفقان وحشتی که پلیس در شهر ایجاد نموده بود با شرکت هزاران نفر در کمال نظم و آرامش تشکیل شد و مردم یزد به سوگ عزیزان خود نشستند .

حضرت آیت الله صدوقی نامهای هم برای "آیات عظام و مراجع بزرگ عالی مقام" فرستاده و در قسمتی از آن نوشتند "قوای انتظامی که خیابانها را با گارد مسلح بسته ، پلیس و ژاندارم از پشت ، جمعیت را تعقیب ، مردم بی اسلحه و بی دفاع را از چهار طرف محاصره و به گلوله و رگبار مسلسل و باتوم بستند ، مردم ناچار بودند که از کوچه ها عبور کنند ، غافل از آنکه مأمورین پلیس و ژاندارم قبلاً "کوچه ها را سنگر گرفته و در آنجا نیز با گلوله و مسلسل و قنداق تفنگ مردم را مضر و مجروح نمودند ، عده ای که تا کون شماره آنها معلوم نیست شهید و چندین برابر زخمی گردیدند و از دادن جنازه ها و عیادت مجروحین و دادن خون به آنها استنکاف ، تا چه به آنها بگذرد "

اعتصاب و تظاهرات دانشجویان دانشگاه اصفهان

روز یکشنبه بیستم فروردینماه دانشجویان دانشگاه اصفهان به نام همدردی با زندانیان سیاسی دست به اعتصاب غذائی یکروزه زدند و در اجتماع بزرگی خواهان آزادی بی قید و شرط برادران و خواهران زندانی شدند .
مأموران انتظامی دانشجویان را در داخل خیابانهای اطراف دانشگاه مورد هجوم وحشیانه قرار دادند و عده ای از آنها را زخمی و گروهی را بازداشت نمودند .
ضمن این هجوم پلیسی آقای عباس پورصادقی کارمند دبیرخانه دانشگاه بشدت آسیب دید و در حالت اغما به بیمارستان برده شد .

نامه به ملت ایران و دادستان تهران

نامهای زیر عنوان "برای اطلاع ملت ایران و دادستان تهران" با امضای آقای دکتر علی اصغر حاج سید جوادی نویسنده مبارز در روز ۲۲ فروردینماه در تهران منتشر شد .
در این نامه اقدامات و تحریکات غیر انسانی دستگاه استبداد با نام "سازمان زیرزمینی انتقام" برده برداشته شده است و در قسمتی از آن چنین آمده :
"بهر حال با این تهدیدها و تعقیبهای دائمی و ایجاد وحشت برای زن و فرزند من که ظاهراً بقصد ایجاد رعب و توطئه برای نابودی من صورت میگیرد برای من

خانواده ام امنیتی که قانون اساسی افراد ملت ایران را در بناه آن قرار داده است وجود ندارد ."

اعلام جرم به دادستان تهران

روز ۲۳ فروردینماه رونوشت تلگرافی که آقایان مهندس مهدی بازرگان و دکتر کریم سنجایی و مهندس سر رحمت الله مقدم مراغی پس از ایجاد انفجار در خانه هایشان برای دادستان تهران فرستاده بودند در تهران منتشر شد که متن آن در زیر درج می گردد .

"جناب آقای دادستان شهرستان تهران: در ساعت ۱۱ بعد از ظهر و یک بعد از نیمه شب و دو بعد از نیمه شب ، شب گذشته (۱۳۵۷/۱/۱۹) سه بمب در منزل مسکونی اینجانبان مهندس مهدی بازرگان - دکتر کریم سنجایی و مهندس رحمت الله مقدم مراغه ای منفجر شده و خسارات هنگفتی ببار آورده است عاملین انفجار در هر سه مورد اعلامیه های مشابهی خطاب به صاحب منزل از خود بجای گذارده اند به این مضمون که "آقای این اولین هشدار سازمان زیرزمینی انتقام بشماست" مراتب بکلانتری های ۹ و نیاوران و کلانتری ۳ امانیه اعلام گردید و ضمن تشکیل پرونده مأمورین بمحل اعزام شدند با انجام تحقیقات و معاینه خسارات مراتب صورت مجلس گردید لذا ضمن اعلام جرم تقاضای تأمین جانی و مالی و رسیدگی به موضوع و تعقیب عاملین انفجار را داریم ."

نامه اعتراضی به نخست وزیر

روز دوشنبه ۲۸ فروردینماه نامهای خطاب به "جناب آقای آموزگار نخست وزیر" با امضای عده ای از مبارزان منتشر شد .
در ابتدای این نامه پس از اشاره به واقعه بی سابقه گذاشتن بمب در خانه آقایان مهندس بازرگان و دکتر کریم سنجایی و مهندس رحمت الله مقدم و حاج محمود مانیان و نیز ماجرای ربودن آقای دکتر حبیب الله بیان نوشته شده "گرچه خوب میدانیم که جنابعالی در تصمیم گیری هیچ اختیاری ندارید ولی چون در مقامی قرار دارید که بطور قانونی مسئول کلیه امور هستید این نامه بعنوان شما نوشته میشود ."

در این نامه نحوه و بناهیت اقدام در انفجار و آدم ربائی شرح داده شده و "وسایله ها و نقشه های که از طرف مغزهای بی منطق عاملان استبداد کشیده شده و به اجرا در می آید" بر ملا گردیده است .

در پایان این نامه تذکر داده شده "هیچ فرد حق طلب ایرانی از این تهدیدها و اوارعابها کمترین هراسی به دل راه نمی دهد و از تنهاراهی که برای احقاق حقوق از دست رفته خود در پیش گرفته بر نمی گرد و نتیجه ادما این گونه اعمال حکومت جز تغییر روش و سلامت امیز ملت و تبدیل آن به قهر و خشونت و آشوب نخواهد بود ."

پیش بسوی همبستگی همه نیروهای ملی برای استقلال ایران

خبرنامه

اتحاد نیروهای جبهه ملی ایران

شماره هشتم - دهم اردیبهشت ۱۳۵۷

د هم اردیبهشت ماه برابر است با آغاز زمانه داری
د کمر محمد مصدق پیشوای جاودانه ملت در سال ۱۳۲۰
خورشیدی .
اتحاد نیروهای جبهه ملی ایران خاطره آن رویداد
فرخنده را گرامی می دارد .

حکومت ملی

حکومت بگونه برآیند قدرتهای سیاسی موجود در جامعه و پیوند یافته با قدرتهای اقتصادی و همه گاه در رابطه با قدرتهای بیرون از جامعه در تمام کشورهای آن جمله در میهن ما، شکلهای گوناگون پیدا کرده است در حرکت تاریخی جامعه ایران، ساخت حکومت کما بیش ثابت و لایتنغیر بوده است و بعلمت جدائی وظیفه های اجتماعی تمرکز یافته در نهاد - های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی، شرایطی بروز کرده که مردم در پناه مذ هب یعنی بنیادی ترین شیوه زندگی فردی و اجتماعی، در نوعی آرامش انسانی بسر برند و با حکومتها و حکومتگران زورگو و ستمگر در تعارضی نسبتا دائمی باقی بمانند .

نهاد های سیاسی و نیروهای مشکله آن که بیشتر در تضاد با فرهنگ و خواسته های ارزشمند اجتماعی قرار میگرفتند، گهگاه در شکلهای محلی یا قومی و گروهی و احیانا سرتاسری در صورت بیان کردن منافع عموم به نمایندگان خواست بقیه در صفحه ۲

" در حکومت مشروطه تنها يك قدرت اصیل و لایزال موجود است و آن نیروی ملت است که اگر بمعنای واقعی بروز و ظهور نکند مشروطیت و دموکراسی مفهوم حقیقی خود را از دست میدهد و زمینه برای حکومت های فردی فراهم میشود هر چند هم بظاهر مجلس وجود داشته و عده ای بنام نمایندگی در آن جمع شوند "

د کمر محمد مصدق

نیروی یابداری !!

دسیسه های تازه استبدادیان

" دستگاه استبداد " برای سرکوب نمودن مردم پها خاسته ایران که پس از بیست و پنجسال تحمل دیکتاتوری و اختناق در راه کسب آزادی کوششهای خود را شکل می بخشند . و متحد می شوند ، هر روز صد جدیدی بوجود می آورد و چون مدعی گسترش آزادی !! و " ایجاد فضای باز سیاسی " است ناچار به حيله و تزویر رو می کند روزی رنجهای گارد سلطنتی و کماندوهای ساواک " در لباس شخصی و چماق بدست ، کارگران بقیه در صفحه ۲

توطئه در کوهستان

د دستگاه استبداد از چند پیش در اندیشه طرح و اجرای برنامه های در کوهستان بود تا کوهنوردان جوان و معتقدی را که هر جمعه سحرگاهان راهی کوهستان میشوند در میان راه سلسله زنجیر پهم پیوسته با شکوهی از جمع آنها بوجود می آمد و گفت و شنود های پر شورشان در زمینه های اجتماعی شنیدنی بود مورد حمله وحشیانه قرار دهد و با ایجاد رعب و وحشت کوهنوردان جوان را از این تفریح سالم و سازنده باز دارد برای اجرای این منظور از چندی پیش پاسگاه ژاندارمری پس قلعه از بقیه در صفحه ۳

تروریسم دولتی با هجوم وحشیانه و ایجاد انفجار در خانه های مسکونی و دفاتر کار ادامه دارد

" فضای باز سیاسی " با انفجار خانه آزاد یخواهان هر روز بازتر از د بروز می شود! و گفت و شنود های منطقی !! به آدم ربایی و مجروح و مضروب کردن مدافعان " حقوق ملت " و مردان و زنان حق طلب می انجامد .
روز پنجشنبه هفتم اردیبهشت ساعت یازده (به وقت ساختگی دولت) خانه اجارهای آقای داریوش فروهر، دبیر حزب ملت ایران ، ادامه دهند د لیر و آشتی ناپذیر راه مصدق ، عضو شورای اتحاد نیروهای جبهه ملی ایران با بمب ساعتی منفجر شد . انفجار چنان مهیب بود که صدای آن مردم کوچه ها و خیابان های اطراف را به محل حادثه رسانید و علاوه بر تمامی شیشه های خانه ، شیشه های خانه های اطراف را نیز خرد کرد . در این اقدام رستاخیزی خانم سالخورده مالک خانه که در طبقه اول زندگی می کند و تازه از بیمارستان باز گشته بود دچار تشنج عصبی شد و دوباره به بیمارستان انتقال یافت .
حزب ملت ایران در اینمورد اعلامیه ای با تاریخ هشتم اردیبهشت صادر نمود که بخشی از آن در ستون خبرها و تازه ها درج شده است .

در همان روز پنجشنبه هفتم اردیبهشت آقای دکتر عبدالکریم لاهیجی وکیل مبرز دادگستری ، عضو کمیته اجرائی جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر، وابسته معتقد نهضت ملی هنگامی که با فرزند خرد سالش به خانه باز می گشته مورد هجوم وحشیانه گروهی از چماقداران اجیر شده دستگاه استبداد قرار می گیرد و آنچنان مضروب می شود که به بیمارستان منتقل می شود . و درست در همین زمان دره فستروکالت ایشان نیز که در طبقه پنجم آپارتمان شماره ۱۱۲ بلوار الیزابت واقع است بمبی منفجر می شود که تمام شیشه های آن طبقه را فرو می ریزد و آسیب فراوان بجای می آورد .

حکومت ملی ۰۰۰

استقلال مبدل میگردد و در مقابل حکومت های زیر سلطه و طاغی و یاغی و ایران برپاد ده ، اینگونه حکومتها و حکومتگران در تاریخ سیاسی ایران نام نیکی از خود به یادگار گذاشته اند .

در سده پیش بدنبال هجوم امپریالیستهای گوناگون و زیرسلطه رفتن میهن ما شکل بندی های درونی جامعه دگرگون گردید و سیمای سنتی حکومت بویژه بنیاد های اساسی آن حیات جدیدتری را خواستار شد .

بزبان دکتر مصدق " ضرورت تاریخی ایجاد کرد که ملت ایران در راه آزادی و مشروطیت خود قیام نماید و با ایثار خون خویش بحق خود برسد و قانون اساسی را بوجود آورد " . با تدوین قانون اساسی و متمم آن ، آزاد ملت " بعنوان اساسی ترین عامل ایجاد حکومت بشمار درآمد و حق حاکمیت از سوی ملت به هیأت منتخب واگذار گردید و در صورت تحقق ، حکومت هم غیر قابل انتقال و هم غیر قابل تقسیم درآمد و باصطلاح آن زمان " ملتی " شد . حق تعیین ضابطه های اداره کشور (= قانونگزاری) از آن ملت گردید که از طریق نمایندگان خود آنرا بیان مینماید (قوه مقننه) و اجرای قوانین مصوب این نمایندگان از آن کسانی است که برمسند اجرا نشستند (قوه مجریه) و حکومت را بطور بین این دو قوه می باشد .

حکومتهایی از این دست ، که حافظ قومیت ایرانی و جامعیت آن و نگهدارنده میهن و پاسدار مرزهای کشور است ، در درون جامعه مدافع آزادیهای فردی و اجتماعی نیز بشمار میآید . یعنی اصل آزادی و اصل استقلال با یکدیگر پیوند ناگسستنی پیدا میکند . تحقق حکومت ملی زمانی است که نمایندگان واقعی ملت به مجلس قانونگذاری راه یابند و قوه اجرایی کشور را انتخاب نمایند و باز از زبان دکتر مصدق : " یکبار دیگر تاکید و تصریح میکنم که مامورین و متصدیان ادارات و بنگاهها و تاسیسات دولتی را از کوچکترین مداخله و اعمال نفوذ در مشروعتین و مسلم ترین حقوق عامه که آزادی رای میباشند جدا بر حد نخواهیم داشت و آن آزادی را که قانون اساسی و قوانین دیگری ملکی برای افراد ملت محترم شناخته است به بهترین صورت باید مامورین دولت اعم از ارتش و ژاندارمری و شهربانی و استانداران و فرمانداران و سایر مامورین رعایت و احترام کنند ، زیرا از آزادی انتخاب تمام آزادبهای دیگر مملکت ناشی میشود " . در ادوار قانونگزاری جز در چند دور آنها در حوزه های خاصی بعلافت نفوذ متنفذان محلی و یا عوامل خارجی و نیز دخالت قوه مجریه بویژه ارتش بشیوه روشنتر (در دوره حکومت دیکتاتوری رضاشاه) ، اراده ملت بعنوان سازنده سرنوشت خود بکار گرفته نشد و از مشروطیت کالبدی بی جان برجای ماند . پس از پایان جنگ دوم جهانی صفحه سرنوشت دگرگون گشت و نهضت ملی ایران که بحق بدنبال نهضت ناتمام مشروطیت بود ، با طرح ملی شدن صنعت نفت علیه رژیم خواسته های هواداران و جناح موازنه مثبت ، ملت ایران را بیدار ساخت و در مصدق بعنوان

بقیه در صفحه ۲

نیروی پایداری ۰۰۰

از کار بازگشته " نامیده میشوند و روز دیگر مهاجمان به دانشگاهها ، دانشجویان نقابدار و کارکنان بی اراده - بنگاههای دولتی ، پدران و مادران دانشجویان ، یکبار به نام کمیته اقدام جناح پیشرو به مسجد ها و مدرسه ها حمله می کنند و بار دیگر " سازمان زیرزمینی انتقام مسئولیت بعباندازی ها و آدم ربایی را بعهد می گیرند و سرانجام " نیروی پایداری " !! به میدان نبرد با آزاد یخواهان فرستاده میشود .

توطئه پشت توطئه ولی در همه جا نقابها فرو می افتد و چهره " کریه استبداد از پشت لقب های ساختگی نمایان می شود . مردم ایران به روشنی می دانند جناح پیشرو ، جناح سازنده ، سازمان زیرزمینی انتقام و نیروی پایداری همه و همه ماسک های مسخره ای است بر صورتك زشت و چندش آور استبداد و به خاطر عقب نشاندن زنان مردانی که به بهای خون عزیزان خود دیوشوم استبداد را میروند تا با اتحاد و یگانگی در بند سازند و بار دیگر طعم شیرین آزادی را بچشند و ایرانی مستقل و آزاد و سرفراز تحویل نسل آینده دهند و آنروز در دادگاه تاریخ گردانندگان این خیمه شب بازیهای احمقانه محکوم ابدی هستند .

امروز ما به بانگ بلند اعلام می نمائیم ، بر رخ همه ادهای میان تهی " دستگاه استبداد " مبنی بر " گسترش فضای باز سیاسی " هیچکس در هیچ کجا در امان نیست از خانه تا دفتر کار ، از مدرسه تا مسجد از خیابان تا کوهستان همه جا جماعت اران مزدور در کمین آزاد یخواهان و بستگان و خویشان نزدیک آنها هستند . در هیچ رهگداری نیست که تلافی برای بودن و آزار دادن مبارزان گذاشته نشده باشد .

دستگاه استبداد می کوشد بیاری همه نیروهای اهر - یعنی خود ، مردم بپا خاسته ایران را سرکوب نماید و در این راه از هیچ تلاش ضد اخلاقی و خلاف قانونی فروگذران نیست . هر توطئه ای که با شکست روبرو می شود مغزهای - بوسید و استبداد یان توطئه د یگری را طرح ریزی می نماید ولی تاریخ و تجربه نشان دادند ملتی که بپا خاست تا حقوق انسانی و قانونی خود را باز یابد زندان ، تبعید و حتی مرگ پای طلب او را از زمین باز نمی گرداند .

اول ماه مه

در تاریخ مبارزات ملت ما علیه ظلم و جور روزهای وجود دارد که بعد جهانی پیدا کرده و متعلق بهممه ملت های جهانست . اول ماه مه که روز قیام کارگران واشنگتن علیه استعمار بدست آوردن آزادی و حقوق حقه کارگران آمریکاست یکی از این روزها بشمار میرود . کارگران جهان همه ساله این روز تاریخی را به علامت مبارزات حق طلبانه جشن میگیرند این روز صرف نظر از عقاید خاص روز کارگری جهانی است . اتحاد نیروهای جبهه ملی ایران این روز تاریخی را به کارگران شریف و مبارز ایران شادباش میگوید .

حکومت ملی ۰۰۰

از صفحه ۲

توطئه در ۰۰۰

از صفحه ۱

پیشوای این نهضت درخشان بمجلس شورای ملی راه یافت و مردم مبارز ایران باتشکیل جبهه ملی در بیرون از مجلس و با فرستادن دکتر مصدق بعنوان نماینده خود در درون مجلس برای اولین بار در تاریخ مشروطیت، در صحنه سیاست میهنی شرکت جستند و برای اولین بار پس از قرن اسارت، هویت پیدا کردند و اراده آنان در سرنوشت ملی بعنوان عامل مسلط به حساب درآمد. دکتر مصدق که بدنبال زمانهای دراز، صیراث پرشهای انقلاب مشروطیت را بدوش کشیده بود و ضمیمانه از آن پاسداری میکرد باز سوی مردم به "خانه ملت" رفت و از سوی مردم از "خانه ملت" بکرسی زمامداری نشست عامل های دیگری تنها در این تصمیم گیری مثبت دخالت نداشتند بلکه کوشش میکردند با دسیسه و کارشکنی های گوناگون راه حرکت آزاد بیخوش را بمرمت بیاخته ایران مسدود سازند. بدین اعتبار، تحقق "حکومت ملی" برای مردم ایران که قرنهاد را انتظار آن بودند، برآستی زمانی است که دکتر مصدق بزمامداری انتخاب گردید و این حادثه بزرگ تاریخی در حیات گذشته ملت ایران نیز بیسابقه بود. است. بزبان دیگری پس از گذشت دوره های ممتد تاریخی، بدنبال هجوم ها و خرابی ها و قتل ها و غارت ها سرانجام ملت ایران با استقامت و پایداری و ایمان به حقوق انسانی و آزادی و آزادی که از فرهنگ تاریخی آن تراوش میکند در صحنه اداره مملکت به قدرت رسید و "حکومت را ملی" ساخت و خود مدبر و مدبر سرنوشت و حیات اجتماعی خود شد حکومت ملی دکتر مصدق بدنبال کودتای خارجیان بدستگیری عوامل داخلی استعمار سرنگون شد. "پاران" مصدق هنوز هم بر ما و وفادار ماند و وفادار خواهند ماند و راه او را، راه رهائی ایران و را آزادی و سربلندی ملت میدانند و در مسیر حرکت این "کاروان" امیدوار" شرمند" کسانی هستند که راه بسته اند. مبارزهای را که دکتر مصدق را هبیری کرد برای ملت ایران بگونه انقلابی مستور برد و آمد ما است. هم اکنون نیز زمان، زمان مبارزه در در راه تاریخ است که مصدق پیش بینی میکرد، یا هستی و افتخار و نیستی و ننگ و بزبان پیشوای خردمند و آموزگار را هکشیای ملت: "در مبارزه ما یکبارگی که پیش گرفتاریم در راه بیشتر وجود ندارد یا مقاومت و پایداری که پیمان آن سعادت و استقلال واقعی و عظمت ملت ایران است یا انقیاد و تسلیم که نتیجه اش ننگ و رسوائی ابدی و محرومیت از مزایای حکومت ملی و تحمل مفاسد و مظالم حکومتهای فردی دیکتاتوری است.

آنانکه استقلال طلب و آزاد یخواه هستند و مصدق و راه مصدق را شناخته اند باید تا زمان باقی است انتخاب خود را بعمل آورند و این انتخاب انتخابی است مردانه و پولادین و "سربازانی که به خاطر مقاصد عالی و هدفهای ملی قدم در میدان میگذارند باید انتظار ناملایمات و محرومیت هائی را هم داشته باشند، کسانی که تنها راحت و آسایش خود را میخواهند هیچگاه نباید قدم به میسند ان کارزار بگذارند.

اما مزاده ابراهیم به خانه کدخدای پس قلعه در مسیر راه کوهنوردان انتقال داده شد. بگاه صبح جمعه یک اردیبهشت ماه حدود دو بیست تن کماندوهای شخصی پوش چماق بدست در کوه پراکنده شدند و یک کوهنوردان را زیر کنترل شد بدست قرار دادند. ظهر هنگام که جوانان از پسر و دختر در بنا هگاه پلنگ چال به نماز جماعت ایستاده بودند حمله بی امان جماعتداران شروع شد.

و چون گروه جوانان بسیار بودند با بیسیم طلب کمک نمودند و هلیکوپتری بر بام پناهگاه فرود آمد و ژاندارمها را پیاده کرد تا به کمک جماعتداران، جوانان را زیر ضربه های مرکبار خود ببیهوش کنند. بسیاری از کوهنوردان بازداشت شدند و بسیاری به بیمارستانها انتقال یافتند ولی زخمیانی را که ببیهوش بر سنگ و خاک افتاده بودند همانسان رها کردند و رفتند و تا فردای آنروز مردم محلی با پتو و جوب برانگارد می ساختند و جوانان را از کوه پائین می آوردند. آنچه در این میان رسوائی دستگاه استبداد را دو صد چندان نمود این بود که پس از رسیدن پرونده اتهامی کوهنوردان دستگیر شده به دادسرای تهران، با مختصر تحقیقی، داد یار برای همه آنها منع تعقیب صادر و دستور بایگانی شدن پرونده را داد تا بر این افتضاح بزرگ سرپوش نهاده شود.

روز جمعه هشتم اردیبهشت، گروهها گروه از جوانان دانشجو و دانش آموز، برخلاف پیش بینی دستگاه استبداد باز هم عازم کوهستان شدند و با این اقدام شجاعانه نشان دادند که حرکات مذبحانه سیاستگران جماعتدار نه تنها کوچکترین اثری از ترس و وحشت در جامعه ایران ایجاد نمی کند بلکه به پایداری و تلاشهای رهائی بخش ملی شدت و شکوه بیشتر میدهد.

اطلاعیه دبیرخانه حزب ملت ایران

بامداد روز ۸ / ۲ / ۱۳۵۷ از سوی دبیرخانه حزب ملت ایران اطلاعیهی درباره کارگزاران بمسب در خانه دبیر حزب صادر و در پایان آن نوشته شده است "آنانکه آقای داریوش فروهر را می شناسند می دانند که سالها مبارزه با استعمار و دیکتاتوری و تحمل آسیب های فراوان این راه سخت گذر، نه تنها در عزم ملت گرایانه او کوچکترین خللی ایجاد نکرد، بلکه لحظه به لحظه اراده خلاق او را بگونه پولاد، آبدیدتر ساخته است.

شرمندگی از آن دستگاه استبداد "است که گرامی میهن ما را در سراسیم سقوط و انحطاط قرار داد و افتخار و سربلندی از آن همه مبارزان را آزادی و استقلال ایران که مردانه بیاخته است و با خون خود پاینده گسی ایرانزمین و آزادی مردم شرافتمندش را پاسداری می کنند.

برچیده باد بساط دیکتاتوری از میهن ما

خبرنامه

اتحاد نیروهای جبهه ملی ایران

شماره نهم - بیستم اردیبهشت ۱۳۵۷

کردارهای تخریبی و خشونت آمیز

نشان بنداز بندگی سختی دستگاه استبداد

بد نیال دگرگونی شیوه های جدید
وابستگی حکومت، اختناق و آسیب رسانی
بمردم در بند میهن ما، در یکسال گذشته
دگرگونی یافت. دستگاه استبداد که همه
پایگاههای اجتماعی و فرهنگی خود را از
دست داده، روشی در پیش گرفت که در
درون کشور "حقانیت سیاسی" پیدا کند و در
محافل جهانی بویژه حقوقی و دموکراتیک،
آبروی از دست رفته خود را بازیابی
نماید ولی بعلمت تضاد درونی و آشفتگی
حاکم بر آن، این تلاشها نتنها سودمند
نیفتاد، بلکه بی پایگی حکومت را
بیش از گذشته آشکار ساخت در این
گفتار کوشش شده، هم سیر حرکت تخریبی
"دستگاه استبداد" بمحک شناخت درآید
و هم وظیفه مبارزان روشنفکرتر گردد
"فاجعه عید قربان" و مضروب و مجروح
کردن آزاد یخواهان و مسلمانان معتقد
و آگاه را می توان سراغ از جدید سیاست
تخریبی و ضد انسانی و ضد ایرانی
استبدادیان شمرد. از آن زمان حکومت
دست نشانده که بنداز بندش گسیخته
است، در برابر تنگناهای سیاسی و
اقتصادی ناشی از خیانت و زشتکاریهای
چند ساله و نیز جنبش های استقلال-
خواهانه ملت بزنجیر کشیده ایران، هر
روز بنوعی و به شیوه جدید تری رنگ عوض
کرده و با فریب و نیرنگ بکردارهای زشت
و نابهنجار اخلاقی و اجتماعی و تبلیغات
واژگونه آن پرداخت و پنداشت که با این
روش ضد انسانی می تواند دستگاه و
سازمان پوسیده و بی بند و بار خود را از
بقیه در صفحه ۲

باز هم "کشتار جمعی"!!

واپسین خبرهای رسیده نشان می دهد که در چهلمین روز
"کشتار جمعی" مردم بی دفاع در شهرهای یزد و جهرم و اهواز
باز هم "دستگاه استبداد" دلاوران قم و تبریز را بخون کشیده
و ایرانیان را بسوگی تازه نشانده است.
بی شک ملت ایران با این وحشیگریها از راهی که در پیش دارد
باز نخواهد گشت و تا برچید شدن بساط دیکتاتوری و دست یافتن
به آزادی و استقلال کامل نبرد خود را دنبال خواهد کرد.

هم آهنگی استادان و دانشجویان

برای در هم شکستن یک توطئه ضد ملی

دانشگاه صنعتی آریامهر که در جریان مبارزات ملت ایران
علیه "دستگاه استبداد" از آغاز نقشی چشمگیر داشته است و
دانشجویان مبارزان بارها مورد هجوم وحشیانه قرار گرفتند و
بسیاری از آنها در طول مبارزه به زندان کشیده شده اند، هممون
خاری چشمهای بخواب فرورفته، دیواستبداد را می آزد.

این مرکز بزرگ آموزشی با برخورداری از کادرو رزیده و معتقد
می توانست گروه عظیمی از نسل جوان و پرشور ما را که پشت در
دانشگاهها مانده اند در خود جذب نماید، گروه عظیمی را که برابر
آمار دولت هر سال چند هزار برعدشان افزوده میشود و با این
افزونی سرسام آور می رود تا تحصیلات عالی در انحصار گروهی اندک
قرار گیرد.

با جذب این نیروی سازنده و شمربخش هم آیند ه ناسامان آنها
سازمان می یافت و هم در جهت بهبود وضع آشفته صنعتی مملکت
گامی موثر برداشته می شد. بقیه در صفحه ۲

تعطیل پرشکوه بازار تهران در اربعین شهیدان

بازار تهران، این پایگاه مبارزات ملی، این یاد آور جنبش پیروزمند
تنباکو در وران پرشکوه قیام مشروطیت و نهضت ملی، در زمان ما نیز
یکبار دیگر بررغم تلاشهای پر دامنه "دستگاه استبداد" نقش تاریخی
خود را در اعتراض به سلطه خارجی و دیکتاتوری ایفا نمود.

بازاریان تهران با برپائی اجتماع بزرگ آبانماه ۱۳۵۶ بمناسبت
میلاد حضرت ثامن الائمه، حرکت تازه ای را آغاز کردند و با تجدید
تشکیلات "جامعه بازرگانان و پیشه وران بازار تهران" وارد مرحله
نوبنی از مبارزات آزاد یخواهانه و استقلال طلبانه شدند و به نشان
تنفر از کشتار جمعی مردم بی پناه قم و حمایت از روحانیان ترقیخواه
با تعطیل سرتاسری بازار در روز پنجشنبه ۲۶ دیماه قدرت سنتی و
پرشکوهشان را نمایان ساختند و در روزهای ۴ و ۵ بهمن ماه مورد
بقیه در صفحه ۴

پرتوان باد حرکت آزادی و استقلال ایران

کردارهای تخریبی . . .

از صفحه ۱

هم آهنگی . . .

از صفحه ۱

سقوط و فروریزی حتمی رهائی دهد .

در این مدت اهانت به معتقدات مذهبی و اسائه ادب بمقامات ارجمند دینی و مراجع عالیقدر باروشنهای وقیحانه ادامه داشت. سیاست دزدیدن زنان و مردان مبارز و میهن دوست و زدن و زخمی کردن آنها بردوام بکار رفت و دکستار جمعی در قسم و تبریز برای افتاد و به بهانه های مختلف در گوشه و کنار کشور از آن جمله در یزد و جهرم و چند شهر دیگر، دهها هم میهن آزاد یخواه و استقلال طلب بخون کشیده شدند و با "شهادت سرخ" خود "روسیاهی" استبداد یان و چهره ضد ملی و ضد اسلامی "دستگاه استبداد" را بیش از همیشه آشکار ساختند .

در صحنه دانشگاه ها و مدارس عالی و کلاسهای درس، جماعتاران رستاخیزی "ابنم" کارگر" و در کوهستانها و بیابانها بنام "دهقان" هر چه دانشگاهی پیدا کردند شدت مضروب و مجروح کردند. از این رفتار شوم نیز نه تنها سود نبردند بلکه مبارزه دانشجویان ایران قوام بیشتری یافت و معارضه تاریخی و حق طلبانه کارگران و دهقانان شرافتمند میهن یان در شکل گیری نوین قرار گرفت .

ماموران دستگاه استبداد به خانه های آزاد یخواهان مسئول دستبرد زدند و با تلفن کردنهای پی در پی و دشنام های زشت، آرامش و آسایش را از خانواده های محترم سلب نمودند . مغازه های بازاریان و پیشه وران وطنخواه و مبارز را از طرف اتاق اصناف این کانون ضد مردمی بستند . از استخدام متخصصان و کارشناسان آزاده جلوگیری بعمل آوردند . استادان و محققان متعهد و میهن دوست را از کار برکنار کردند. وکیلان حق طلب را از کار بیکار کردند . بجرم پخش اعلامیه مراجع علمام و حجج اسلام گروههای متعددی از جوانان متدین و آزاد یخواه تهران و شهرستانها را دستگیر نمودند . بزندانیان اعتیاسی آسیب بیشتری رساندند . خانواده های آنان را مورد بی حرمتی قرار دادند حتی زنان و دختران ملاقات کننده را مضروب کردند . این هنجارهای ضد میهنی در عزم راسخ و اراده استوار ملت بپا خاسته ایران کوچکترین اثری باقی نگذاشت .

از یکماه پیش دستگاه دروغپرد از وی آزرماستبداد

بقیه در صفحه ۳

پس از اعلام انتقال این دانشگاه صنعتی به شهر اصفهان و برجید شدن آن در تهران در تاریخ سوم بهمن ماه ۱۳۵۶ عدد وسی و هشت تن از استادان عالیقدر نامه سرکشادهای به نخست وزیر نوشته و خواستار تجدید نظردر تصمیم گیری غلط شده روشن ساختند که بخش تهران این مرکز آموزشی آمادگی پذیرش یک هزار دانشجو در سال را دارد . و چون به نامه آنها ترتیب اثر داده نشد سرانجام مجمع عمومی کادر آموزشی دانشگاه مزبور در تاریخ دهم اردیبهشت ماه قطعنامه زیر را با اکثریت قاطع تصویب نمود . " با توجه به نیاز مبرم مملکت به کادر رفنی متخصص ، کثرت داوطلبین ورود به دانشگاهها ، مذاکرات مفصل و طولانی با مقامات مسئول ، نامه اخیر کادر آموزشی به جناب آقای نخست وزیر و مصوبه مورخ ۲۷/۲/۲ شورای دانشگاه در مورد اعلام آمادگی پذیرش حداقل ۷۰۰ دانشجو برای مهرماه سال جاری در پردیسه تهران کادر آموزشی دانشگاه صنعتی آریامهر تهران از تاریخ یکشنبه ۳۷/۲/۱۷ تا اعلام رسمی گزینش دانشجو برای پردیسه تهران در رسانه های گروهی کشور ، آزادانه فعالیت آموزشی خود داری خواهد نمود . " و به دنبال این قطعنامه دانشجویان مبارز این دانشگاه نیز در تاریخ ۱۱/۲/۱۳۵۷ با صدور قطعنامه های حمایت بیدریغ خود را از استادان مبارز اعلام و رفتن به کلاسهای درس را از روز هفدهم اردیبهشت ماه تحریم نمودند .

در این اعلامیه دانشجویان آزاد یخواه و استقلال طلب "پاری همگانی را برای درهم کوبیدن این دسیسه خائنانه رژیم خواستار شدند " به این ندای حق طلبانه نخست دانشجویان دانشگاه ملی و سپس دیگر دانشجویان در سراسر کشور پاسخ گفتند و موج خشم و اعتراض همه جای ایران را فرا گرفت بگونه ای که مطبوعات اجیر شده و زیرسانسور نیز ناچار به بازگ کردن بعضی از خواسته ها گردید و نوید های آزادی بیشتر ، گفتگوهای سازنده را دارند .

این دانشگاه صنعتی که دوازده سال پیش برابر با اساسنامه آن برای زمانی نامحدود در تهران تاسیس گردید و اجازه گسترش دامنه فعالیت یگانه ایجاد شعبه های در شهرستانها نیز به آن داده شد با تلاشی پیگیر و شبانروزی بشهادت مراجع عالی علمی جهان در کوشش های آموزشی و پژوهشی خود به موفقیت های

بقیه در صفحه ۳

کردارهای تخریبی . . . از صفحه ۲

سیاست وحشیانه بمب اندازی را اختراع کرد و به شیوه فاشیستهای آرژانتینی و برزلی، با بهره گیری از آموزشهای "سیا" و "اف - بی - آی" "کمیته اقدام" و "نیروی پایداری" و "سازمان زیر زمینی انتقام" را در سازمان دوزخی امنیت بوجود آورد و با انفجار خانه های مسکونی و دفترهای کار مبارزان، دست به تهدید و ارعاب خشن تری زد و مزورانه با تحریف خبرهای انفجار در روزنامه های گوش و قلم بفرمان، از "فضای باز سیاسی و گسترش آزاد بهای فردی و اجتماعی" و با فلسفه "آزادی بخش" سخن گفت.

این تحریکات بخوبی ضعف و سستی دستگاه سیاسی برید هاز مرد مرانشان میدهد و معلوم میسازد در کشور ما که بیک زندان و شکنجه گاه بزرگ، و سرزمین تسخیر شده کشتارگران خارجی تبدیل شده، دستگاه استبداد "براستی همه پایگاههای اجتماعی خود را از دست داده است. دیواستبداد در میهن ما که صاحبان اصلی آن هیچگونه امنیت و آرامشی ندارند، دیوانه وار کوشش میکند تا به سیطره وحشیانه خود بسود سلطه بیگانگان استمرار بدهد و چون بدلیل دگرگونیهای جهانی و تغییر برخورد ها در نحوه وابستگیها نمیتواند بموضع سابق خود بازگردد، لذا ضعف و ناتوانی آن چند برابر شده است و دشواری قرار دارد که هر اندازه وحشیگریهای تند ی گیسرد سقوط و سرنگونیش نیز تند تر خواهد شد.

مبارزان بیخاسته ایران در برابر این دیکتاتوری متزلزل، هرچه مصمم تر و متحد تر گام بردارند، زود تر این "دیود یوانه" را بزنجیر خواهند کشید.

کارگزاران استبداد، آنان که در برابر منطق و استدلال و خواسته های انسانی مردم جز چماق و بمب "برهان قاطعی" ندارند، هم اکنون دانسته اند که این آسیب ها و ده ها مرتبه فزونتر از آن کوچکترین خللی در اراده مبارزان ملی ایجاد نکرده است و برعکس به حرکت یکپارچه و اصیل مردم نظم پیشتری خواهد داد. بدین اعتبار هرچه زمان میگذرد و هر چه آسیب رسانی سیاستگران چماقدار و قداره بند و قمه زن رستاخیزی افزون ترمی گردد، صفوف هواداران آزادی و استقلال ایران فشرده تر و منظم تر می شود.

ملت ایران در این کشاکش تاریخی از اصالت ملی و هویت اسلامی خود که استعمار و استبداد به شد بدترین نوع در نیاوردی آنها تلاش کرده پاسداری خواهد کرد و هستی ملی بتاراج رفته خود را بدست خواهد آورد و در میهن مستقل و آزاد، زندگی پرشکوه انسانی را برپا خواهد داشت.

هم آهنگی . . .

از صفحه ۲

د رخشانی دست یافت و دانش آموختگان آن به معتبرترین دانشگاههای جهان راه یافتند و بسیار برخورداری از توشه علمی خود در شمار موفق ترین آنها نیز درآمدند.

وقتی دستگاه استبداد "این دانشگاه را با چنان سابقه افتخار آمیزی منحل میسازد هیچ صاحب اندیشه ای نمیتواند جز غرض ورزیهای کود کانه و گریز های بی منطق، دلیل دیگری جستجو کند.

در کشوری که کشاورزی در مرحله نابودی صرف قرار گرفته و صنعت جزد ریا و مسرائیها و خیال پردازیهای بلند گوهایی "دستگاه استبداد" وجود خارجی ندارد.

و برای اداره کارهای ابتدائی صنعتی نیازمند استخدا م کارگران و کارشناسان نیمه ما هر خارجی از اروپائی و آمریکائی گرفته تا از جنگ گریختگان ویتنامی و لائوسی و کره ای هستیم بسته شدن یک دانشگاه

صنعتی سند دیگری برخیا نتهای بی شمار نظام استبداد است که می کوشد در تمام زمینه های سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی کشور ما زیر سلطه کامل و وابسته بی چون و چرای خارجیان باشد تا در این رهگذر بتواند نیم نفس حقیرانه بیشتری ادامه زندگی دهد.

موج خشم و اعتراض دانشجویان هر روز نزوننی می یابد و تجربه نشان داده است نیروی جوان که به بسیاری از آلودگی های مادی هنوز تن درند اد ه نیروئی لایزال و زاینده است و هیچ قدرتی هرقد رعظیم، توانائی برابری با آنرا ندارد و در این میان بد ا به حال حکومتی که از هیچ پایگاهی در میان مردم برخوردار نیست.

بد ا بحال حکومتی که پایه های لرزانش بر شانه های بیگانگان نهاد شده و تا گلوگاه در وابستگی و خیانت غرق گردیده است.

اعلامیه حزب ایران

حزب ایران بد نبال بمب گذاری روز پنجشنبه هفتم

ارد بیهشت ماهه در خانه اربوش فروهر د بیر حزب ملت

ایران اعلامیه های داده که در پایان آن چنین

نوشته شده است "حزب ایران بد ینوسیله نفرت و

بیزاری خود را از این کرد ارفاشیستی مذ بوحانه استبداد

اعلام میدارد استبداد باید بد اند آنا نکه برای تحصیل

حقوق قانونی و حقه خود و کسب آزادی و دموکراسی و تحقق

استقلال واقعی بیخاستند از هیچ مانع و حادتهای

نمی هراسند تا پیروزی تمام و تمام ملت پیش

خواهند رفت از این رویدادها جز اینک

عرض خود برند و زحمت مردم دارند طرفی

نخواهند بست.

تعلیل پرشکوه . . .

از صفحه ۱
شجوم ماموران اتاق اصناف، کانون تولنه های ضد -
مرد می قرار گرفتند و مغازه ها و حجره های عد های از -
بازرگانان و پیشه وران خوشنام که از مبارزان سرسخت
راه آزادی و استقلال ایران هستند بدون کوچکترین
مجوز قانونی به عنوان " تخلف از مقررات نظام منفسی"
بسته شد .

د رجلم شهدای قم بازاریان تهران نشان دادند
که با وجود همه تهدید ها و فشارها میدان مبارزه عایبه
استبداد را ترک نخواهند کرد و د رجلم شهدای تبریز
با تعلیل عمومی و شرکت د مرحلس یاد بود د مسجد
آذریباجانی ها به عقب نشینی واد ارسا ختنند ود رسومین
اربعین شهدای کلگون کفن ایرانزمین د روزنوزد هم
ارد بیبهشت زیر فشار گسترش یافته ساواک و اتاق اصناف
و باوجود تهدید مستقیم نیروهای نظامی و پلیسی و زیر
برق سرنیزه و سایه باتوم باز هم یکپارچه و متحد
بازار را تعلیل کرد .

د این دوره از مبارزات آزاد یخواهان مردم علیه
" دستگاه استبداد " بازار که واحد بزرگ اقتصاد ملی
است وابستگی عمیق خود را با خواسنهای مردم می نشان
داد و با آنکه ماهها از بسته شدن حجره ها و مغازه های
گروهی از بازرگانان و پیشه وران مبارز و شرافتمند
می گذرد و به زندگی مادی آنها که با کارشان بطور
مستقیم رابطه دارد زبانهای فراوانی وارد شده است و
اگر از ایمان و اعتقادی عمیق و خلل ناپذیر بهره مند
نبودند می توانست زبونی های بسیار بیاورد ،
کوچکترین تزلزلی د ر عزم راسخشان به ادامه مبارزه
دیده نشد و تعطیل عمومی و پرشکوه د بیروز بازار تهران
صادقترین گواه این ادعاست .

حرکت پرسرو صدای خود روهای ارتشی و برق -
سرنیزه و مسلسل های خود کار که رود روی مردم -
گرفته شده بود هیچکدام نتوانست مغازه های بسته را
بگشاید و دستگاه استبداد این تجربه را بر تجربه های
تلخ پیشین خود افزود که مردم بیخاسته و خشمگین و
عصیان زده را با تهدید و وحشت و ترور نمی توان از
ادامه راه بازداشت و این تلاش تا فراهم آوردن
استقلال کامل میهن و برقراری حکومتی بر بنیاد اراده
ملت ادامه خواهد داشت .

د رود بربازرگانان و پیشه وران شرافتمند که رزم آوری -
این جامعه منتهی رایا شد .

استوار یاد همستگی بازاریان با دیگر گروه های
اجتماعی د راه ادامه ییکارهای ملی .

خبرها و تازه ها

قتل یاب آموزگار شرافتمند

به دنبال اعتصاب غذای بیکرزه و تظاهرات
دانشجویان دانشگاه امتهان که به نام همدردی با
زندانیان سیاسی د روز یکشنبه بیستم فروردینماه
صورت گرفت و با حمله وحشیانه نیروهای به اصطلاح -
انتظامی! روبرو شد ، سرهنگ مروی افسر بار نشسته
شهریاری که رئیس گارد دانشگاه می باشد د ستور میدهد
رفت و آمد به داخل دانشگاه حتی د ر قسمنی که استادان
د ر آن سکونت دارند بشدت کنترل گردد .

د روز چهارشنبه بیست و سوم فروردینماه ماموران
گارد اتومبیل آموزگاری را به نام فریدون آذری که عازم
خانه یکی از استادان بود نگه داشته و ضمن گفتگو به او
اهانت می نمایند و چون این آموزگار به بی ادبی آنها
اعتراض می نماید بد ستور سرهنگ مروی او را به داخل
اتاق نگهبانی کشیده و بگونه ای مورد ستم و ضرب قرار
میدهند که از هوش میبرد و پیکر نیمه جانش را به کلانتری
می برند ولی پیش از آنکه این آموزگار بیگناه را از کلانتری به
بیمارستان برسانند د رمی گذرد .

پزشک قانونی پس از معاینه جسد اعلام میدارد که
مرگ د ر اثر پارگی طحال بوده است .

خانواده مقتول از عاملان و مسببان جنایت به
داد گستری شکایت می کنند و بد دنبال بالا گرفتن خشم و
اعتراض عمومی ناچار به بازداشت سرهنگ مروی این
آدمکش کثیف می شوند .

از آن پس همه کوشش وابستگان "دستگاه استبداد"
متوجه د گرگونه جلوه دادن این قتل شرم آور و فجیع است .

تبعید روحانیان حق طلب ادامه دارد

بد دنبال تولنه "دستگاه استبداد" برای جد نمودن
روحانیان آزاد یخواه از توده مردم و جلوگیری از گسترش
رهنمود های مذهبی و ملی آنها حجت الاسلام والمسلمین
آقای سید علی اکبر قریشی و حجت الاسلام والمسلمین آقای
محمد تقی صاحب الزمانی را نیز از شهر رضائیه تبعید نمودند .

تومار اعتراض آمیز

کسبه و اصناف بازار و اهالی شهرستان سمنان توماری
بابیش از صد امضاء به "دادگاه محترم استان مرکب -
فرستاد هود ر آن نسبت به رای کمیسیون امنیت اجتماعی
مبنی بر تبعید آقای حاج سید رضا خاتمی ، بازرگان
شرافتمند و سرشناس اعتراض نموده
ضمن تحلیل از این مبارز با ایمان
خواستار بازگرداندن فوری ایشان به
شهر سمنان شده اند .

زندانیان و تبعید شدگان سیاسی را آزاد کنید

کشور و رئیس کانون وکلای دادگستری فرستاده شده و ترور و اختناق حاکم بر محیط اجتماعی ایران را به بررسی گرفته شرایط ناهنجار دادگستری را که به گسترش بیداد و ستم پرداخته مورد انتقاد شدید قرار داده و از وضع استخدا می دانش آموختگان رشته حقوق انتقاد کرده اند.

در پایان این نامه امضا کنندگان خواهان مجازات مسببان و عاملان حادثه دانشگاه تهران شده و دادستان را هشدار داده اند که "در صورت عدم رسیدگی در این مرجع مجبور خواهیم بود نسبت به این مساله به مراجع جهانی اعلام جرم نموده خواستار تعقیب مسببین و عاملین این حادثه" خواهند شد.

اعتصاب ملاقات زندانیان سیاسی تبریز

سی و دهن از زندانیان سیاسی تبریز طی نامه ای ضمن بیان شرایط طاقت فرسای زندان درباره چگونگی محاکمه خود نوشته اند "محاکمه اینجانبان در دادگاههای نظامی و بصورت سری و بدون حضور هیئت منصفه انجام گرفته است و با توجه به اینکه مقامات دولتی و مملکتی نیز از طریق مطبوعات و کمیسیونهای رسمی و بین المللی از وجود شکنجه در گذشته اظهار بی اطلاعی نموده و آنرا مذموم دانسته اند لذا ما زندانیان سیاسی زندان تبریز خواستار تجدید محاکمه در دادگاه دادگستری بصورت علنی و با حضور هیئت منصفه می باشیم".

زندانهای سیاسی تبریز سپس سایر خواستههای خود را که شامل ابتدائیترین حقوق انسانی است شرح داده و اعلام داشته اند که از روز ۱۳۵۷/۲/۳ دست به اعتصاب ملاقات زدند.

نامه سرگشاده

کمیته اجرائی جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر روزدوشنبه یازدهم اردیبهشت ماه ۱۳۵۷ در نامه سرگشاده ای بخشی از توطئه های شرم آور محیط اجتماعی ایران را بازگو کرده و شرایط خفقان آور محیط اجتماعی ایران را بررسی و چنین نتیجه گرفته است "آخر این چه مملکت، چه دولت و چه سلطنت است که در سایه آن نه دانشجو در مدرسه و خیابان و کوهستان از امنیت برخوردار است نه آزاد یخواهان و مسلمانان در خانه و دفتر و مطب و مسجد مصون از حملات وحشتناک مامورین مخفی و علنی هستند و نه کسی حق حرف و حیثیات دارد؟

آیا حکومتی که پادشاه آزاد یها را هر وقت لازم تشخیص داد به ملت بدهد و هر وقت خواست بگیرد مشروطیت حساب می شود؟"

مجلس یادبود شهیدان در مسجد جامع تهران
صد تن از روحانیان مبارز و حق طلب تهران در بخشی از اعلامیه ای که به مناسبت اربعین شهیدان یزد و جهرم و اهواز داده اند نوشته اند "ما ضمن اظهار تنفر از جنایات از مقاومت قهرمانانه ملت مسلمان ایران ستایش فراوان مینمائیم و بمنظور بزرگداشت شهدای یزد و سایر بلاد پنجشنبه ۱۳۵۷/۲/۲۱ از سه ساعت قبل از ظهر مجلس یادبودی در مسجد جامع بازار تهران منعقد است و از عموم طبقات انتظار شرکت در آن مجلس را داریم".

سه تن از شخصیت های مبارز آقایان دکتر یدالله سبحانی، مهندس بازرگان و احمد صد رحاج سید جوادی نیز برای همگامی با "جامعه روحانیت تهران" ضمن بیانیه کوتاهی چنین اعلام داشته اند "از دوستان و همفکران دعوت مینمائیم که با رعایت نظم و متانت در مجلس ختمی که روز پنجشنبه ۲۱ اردیبهشت ماه ۱۳۵۷ از ساعت ۳ قبل از ظهر در مسجد جامع تهران تشکیل می شود مشارکت فرمایند".

یزد رسوگ شهیدان خویش

روز سه شنبه نوزدهم اردیبهشت ماه برابر با اربعین شهیدان بخون خفته یزد بنا بر دعوت حضرت آیت الله صدوقی مجلس یادبودی در مسجد روضه مهدیه این شهر برپا گردید که نزدیک به شصت هزار تن از مردم آزاده و باایمان شهرو روستاها و شهرکهای نزدیک، بیاد عزیزان از دست رفته خود در آن شرکت نمودند.

در این روز سراسر بازار و مغازه ها و بناهای خصوصی تعطیل بود و شهر یکسره سوگوار گلگون کفنان خود بود.

تعطیل بازار و دانشگاه در اصفهان

اصناف حق طلب و آزاد یخواه بازار اصفهان روز سه شنبه نوزدهم اردیبهشت ماه برابر با چهارم شهیدان را بنا بر تصمیم قبلی که ضمن اعلامیه ای به اطلاع همه رسانده بودند تعطیل عمومی نمودند.

دانشجویان قهرمان دانشگاه های اصفهان نیز که همواره پیشگام مبارزات ملی در این شهر بودند با تعطیل یکپارچه دانشگاه ها یاد شهیدان را گرامی داشتند.

اعلام جرم

هشتاد و نه تن دانش آموختگان رشته حقوق قضائی در نامه ای به دادستان کل کشور که رونوشت آن نیز به دادستان استان، دادستان تهران، رئیس دیوان عالی

متن ملا میه حضرت کویات ملایم مرجع تقلید خردمند علمیه

بسم الله الرحمن الرحیم

انالله وانا الیه راجعون

در غنچه اول جمادی الثانی ۱۳۸۸ هجری خورشیدی بانجی بخت نشد و زیند، جرم و عوارض است
چهل روز پیش در این خونی بر روی زمین سوزانده و فرار در فریب چشمه هجوم خانان پس از این
جانان از دست رفت و تیرگی حلت استیام نیت در داران تیرگی در مسلمان ایران کردند
گرفتند با بر چسب و نظم و قوت نیت در خانان سوزانده و نامی سوزانده و عوارض است
احوال خود عدالت نیست حال کارا را محکوم کردند اما تا کنون هیچ تیرگی داده و نیت
سوم نیت تا چه وقت این تیرگی در داران خود داده و چه نیت نامی سوزانده و عوارض است
در مسلمان تیرگی از نیت و عوارض است و عوارض است و عوارض است
مردمان نیت در داران خود داده و چه نیت نامی سوزانده و عوارض است
مجلس سوزانده و عوارض است و عوارض است و عوارض است
نظم در این سوزانده و عوارض است و عوارض است و عوارض است
عوارض است و عوارض است و عوارض است و عوارض است

ظالماتی منقلب یغلبون بیت بیستم شمس جمادی ۱۳۸۸
سید کاظم تبریزی در غنچه اول جمادی الثانی ۱۳۸۸ هجری خورشیدی بانجی بخت نشد و زیند، جرم و عوارض است

مردم مبارز قم بار دیگر بخون کشیده شدند

به دعوت حضرات مراجع تقلید حوزه علمیه قم پیش از ظهر روز سه شنبه نوزدهم اردیبهشت ماه برای
رامی داشت اربعین شهیدان یزد و جهرم و اهواز
جلس ترحیمی در مسجد اعظم قم برگزار گردید که بیش
ز پنجاه هزارتن از گروههای مختلف اجتماعی مردم در
ن شرکت داشتند.

در این مجلس حجت الاسلام آقای تهرانی به
نمایندگی از طرف مراجع عظام تقلید پیرامون شعارهای
دستگاه استبداد " و خواستهای " جامعه روحانیت "
سخن گفت.

در پایان مجلس سیل جمعیت در حالیکه به حمایت

از حضرت آیت الله العظمی خمینی مرجع عالیقدر
شیعیان جهان شعاری دادند و نسبت به حکومت
استبدادی و ضد اسلامی ابراز نفرت میکردند بسوی
خیابانها سرازیر شدند.

کماندوهای پلیس که با کمک نیروهای ژاندارمری
و ارتش سراسر شهر را اشغال نموده و برای حادثه آفرینی
در کمین نشسته بودند با باطوم به جان مردم بی دفاع
افتادند که با ایستادگی و مقاومت زنان و مردان با ایمن
روبرو گردیدند. در این هنگام زره پوش ها بمیدان نبرد
با مردم آوردند. بر روی پل ها و سرچهار راهها
استقرار یافتند و پاسی از نیمروز گذشته چند فروند
هلیکوپتر در ورزشگاه چهارم آبان که در مرکز شهر قرار
دارد عده های کماندو را به کمک مهاجمان آورد.

ادامه ایستادگی مردم در برابر وحشیگریها یکبار
دیگر استبدادیان را بمزدیوانگی رساند و رگبار
مسلحها بروی مردم بی دفاع گشوده گردید و ده ها
هموطن با ایمان ما بشهادت رسیدند و گروه بسیاری
نیز زخمی شدند در جریان این یورش به بعضی از
اتومبیلها و ساختمانها آسیب هائی رسید.

هجوم به خانه مرجع عالیقدر تقلید شیعیان

حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی دچار حمله قلبی شدند

در جریان یورش وحشیانه نیروهای اهریمنی
" دستگاه استبداد " به مردم قهرمان شهر مقدس
قم که به دعوت آیات عظام در بزرگداشت اربعین
شهیدان از جان و دل می کوشیدند، گروهی از زنان
و مردان با ایمان به خانه حضرت آیت الله العظمی
حاج سید محمد رضا موسوی گلپایگانی پناه بردند
تا مگر از آسیب بیشتر استبدادیان در امان باشند
ولی جلادان حکومتی که از همبستگی و شکوه باوردینی
مردم کارشان به جنون کشیده شده بود با حمله
دد منشان به خانه مرجع عالیقدر تقلید که حرمت آن
بر هر مسلمانی واجب است و با بکار بردن گاز اشک
آور و شکستن شیشه ها و ضرب و شتم و اهانت به
مردم مفهوم تازه ای برای واژه جنایت و ذلت ابداع
نمودند.

حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی که بسختی از
این حمله در ژخویانه ببرد مأزده خاطر شده بود در چار
حمله شدیدی قلبی گردیدند و به بیمارستان گلپایگانی که خود
بنیاد گزار آن هستند انتقال یافتند و هم اکنون در
آنجا بستری می باشند.

درود به گلگون کفنان نوزدهم اردیبهشت ماه

خبرنامه

اتحاد نیروهای جنبه ملی ایران

شماره دهم - سی ام اردیبهشت ۱۳۵۷

اقدامات ملت اعلامیه دولت

"دستگاه استبداد" که در طول سالیان درازا اختناق نتوانست بر ایستادگی قهرمانانه مردم ایران تلبه کند و کارش به رسوائی در سر - تاسر جهان کشید ، بد نبال دگرگونی - شیوه های و ایستگی ، در موضع جدید و متزلزل خود کوشش کرد جهت ادامه سیطره شومش فزون تر از گذشته به دامان سلطه گران بیگانه پناه برد و به آنها نشان دهد که مخالفانش شایستگی اداره امور کشور را ندارند و اگر دگرگونی صورت گیرد ، ایران بصورت "ایرانستان" و در زمره اقمار روسیه در خواهد آمد و در رابطه با این نیرنگ مبارزات مردم بیباک خاسته ایران در راه آزادی و استقلال کامل میهن را که هر روز پیش از روز پیش آگاهان کمتر و گسترده تر میشود تخطئه می نماید و بر آن نام "عاملان بیگانه" و "تحریک شده ها جانب" و عنوان مسخره "مارکسیستهای اسلامی" میگذارد تا این نیروی اصیل را که از بطن و متن جامعه نشأت گرفته است ناچیز یاد چار انحراف و در رابطه با آن سوی مرزهای کشور جلوه دهد .

با اینهمه اوج گیری پیکارهای مردمی و پایداری مبارزان در برابر وحشیگریهای استبداد یان آبرویاخته ، آنها را بیهوده صفحه سازی جدیدی برانگیخت که خود نشانه بارز سردرگمی و متزلزل این پاسداران سلطه بیگانه است .

"اعلامیه" شدید اللحن "دولت" که مبارزان را بیاد "حاکمان دهان دوز" گذشته می اندازد ، بیشتر از اینکه در کل جامعه موثر واقع شود ، افشاگر و رسواکننده کردارهای ضد ملی و ضد اسلامی "دستگاه استبداد" گردید .

سیطره ویران ساز استبداد بان بد نبال یورشهای "امپریالیسم فرهنگی" در تدارک بقیه در صفحه ۲

حجسته باد بیست و نهم اردیبهشت زادروز دکتر محمد مصدق
یاد پیشوا راهنواره گرامی داریم

روز بیست و نهم اردیبهشت ماه سال ۱۳۶۱ خورشیدی
چشمائی به زندگی گشوده شد که بعد ها سرنوشت ساز و رقمزن
تاریخ گردید .

زندگی در زیر بوم رویداد های خود ، از جوان پرشوری که شوق
خدمت بمردم در رنگهای می جوشید سربازی مصمم و مشروطه خواهی
آگاه و سرانجام رهبری روشن بین و سخت کوش و انحراف ناپذیر
ساخت تا با سرسختی پیگیرانه ، هموطنانش را که زیر سلطه بیگانه و
خفقان استبداد می رفتند تا به فراموشی سپرده شوند ، رهبری کند
و آتش مقدسی را برافروزد که گرمای زندگی بخش آن در رنگهای خشک
آسیا و آفریقا خون جوشان و تازه بجریان افکند .

آتش فروزند ، که تند باد حوادث هر قدر مهیب و اهریمنی
ناتوان از خاموش ساختنش باشد .

این آفتاب زندگی بخش ، این گرمای هستی آفرین ، دل های
را که سردی و رخوت جنگ و مرگ و دیکتاتوری از التهاب باز داشتند
بود ، عاشقانه و بیقرار تپیدن آموخت . بقیه در صفحه ۲

شکستن حریم خانه مرجع عالیقدر تقلید
ثانی دیکتاتور با اعمال ندن قانون اساسی

روز شنبه بیست و سوم اردیبهشت ماه اعلامیه ای بنام دولت در
روزنامه ها نشر یافت که در بخشی از آن نوشته شده بود "روز
چهارشنبه ۲۰ اردیبهشت ماه عد های از آشوبگران در یکی از
خیابانهای قیم ماموران انتظامی را مورد حمله قرار می دهند و به
هنگام تعقیب آنان به خانه یکی از مراجع تقلید می گریزند .

ماموران انتظامی که از افراد محلی نبودند و جریم منزل پیشوای
روحانیت را نمی شناخته اند در پی آشوبگران برای دستگیری
وارد منزل ایشان می شوند"

صرف نظر از کذب محض بودن ادعای دولت در باره علت و
چگونگی حمله به خانه حضرت آیت الله العظمی شریعتی در
مرجع عالیقدر رشعیان جهان که واقعیت آن در ستون خبرها و
تازه های این شماره از خبر نامه درج شده است ، بقیه در صفحه ۲

مقاله ای را که میخوانید یکی از مبارزان نهضت ملی شدن
صنعت نفت برای خبرنامه فرستاده اند تا در . اردیبهشت
ماه ، که روز آغاز زمامداری دکتر محمد مصدق بود نشر یابد ولی
با تاخیر دست ما رسید ، اکنون با پوشش از این کوشند مددیریای
و با امید بهره گیری مبارزان راه آزادی و استقلال ایران به
درج آن مبادرت می شود .

جهت یابی حرکت آزادی و استقلال

در بررسی شیوه های مبارزاتی حکومت ملی مصدق

دهم اردیبهشت / ۱۳۳۰ روزیکه ملت زاد رشاد ی فرو برد
بقیه در صفحه ۲

پیش سوی همه بستگی همه نیروهای ملی برای آزادی و استقلال

اقدامات ملت . . .

از صفحه ۱

نابودی کانون بنیاد مند ملت، یعنی "جامعه روحانیت" است و این هنجار در تاریخ پرتلاطم ایران کم سابقه و شاید بی سابقه باشد.

رسانه های گروهی "وابسته به استبداد، با حمله به مذ هب و نهاد های اعتقادی مردم و مراجع عظام بویژه حضرت آیت الله العظمی خمینی که مورد اعتقاد قاطبه شیعیان جهان هستند، آشوب های ماه های اخیر را شروع کرد ."

طبیعی ترین حق افراد هر جامعه ای، واکنش آرام و دفاع از مقدرات خود می باشد .

"دستگاه استبداد" به هیچ یک از اعتراض های منطقی و اسلامی مردم پاسخ نداد و در شهرهای مختلف "کشتارهای جمعی" بوجود آورد و ملت مسلمان و آگاه ایران را در "اربعین" های متعدد سوگوار ساخت . در شهرهای مختلف، آشوب و فتنه برپا کرد و با عکس و تفصیلات در روزنامه های دولتی به چاپ رساند . از یک سو به "آنان" میخواست نشان دهد، که ملت ایران "آشوبگر" و "اغتشاشی" است و از سوی دیگر مبارزان - راستین میهن ما را به خاک و خون کشید و سرتاسر ایران زمین را از "خون جوانان وطن" لاله گون ساخت .

در روزهای ۱۹ تا ۲۲ اردیبهشت ماه، به جنایت های دست یازید که برآستی روی "مغولان" را سفید کرد چه آنان بگونه بیگانگان غیرمسلمان، احترام "نجم الدین کبری" آن عارف وفادار بمردم را و لویطاً هر رعایت کردند . این تاراجگران هار شده استبداد منش، حرمت منازل آیات عظام را که در سراسر تاریخ تشیع محل تحصن و بست، مردم مسلمان و حتی غیرمسلمان بوده رعایت نکردند و چون "اقوام مهاجم" وارد آنجا شدند و حاضران را مضروب و مجروح ساختند و حتی مغز طلبه جوان و پیرشور و حق طلبی را با طپانچه ای که از پول ملت فراهم شده، آشفته کردند و قطعاتی از آنرا نقش بردیوار ساختند .

اکنون بد نبال اینهمه ویران سازی و ایرانی کشی به نشر "اعلامیه" مبادرت می کنند و بسیار "ناشیان" دست خودشان را باز می نمایند . تحلیل "اعلامیه دولت" (کیهان ۲۱ اردیبهشت ماه) حرکت مذ بوحانسه "دستگاه استبداد" را بخوبی روشن میسازد :

۱- شهرهای مختلف کشور "صحنه خرابکاری و آشوبگری" بوده است .

۲- خرابکاران و آشوبگران "یک گروه معدود" بوده اند .

۳- با تعرض به جان و مال افراد "آسایش را از

بقیه در صفحه ۳

... استبداد . . .

از صفحه ۱

مصدق سلسله جنیان ساززهای گردید که استعمار را با همه نفوذ گسترده اش در ریخ وین هستی مردم سراسر خاورمیانه از پای درآورد .

اوجون دیگر قهرمانان تاریخ ساز با آتش و خون به صحنه تاریخ گام نهاد و به ابدیت پیوست .

مصدق معیار شرف، پاکی، درستی، میهن دوستی و ملت گرایی بوده و هست و آنها که ابلهانه کوشیده و میکوشند نامش را از صفحه تاریخ بزد آیند آب در غریبال می ریزند .

آن قامت بلند شکیبایی، آن تناور، آن کوه استقامت و پایمردی، آن چشمه سار مهربانی و گذشت که جویبارهای آب شیرین در مرداب تلخ و سیاه زندگی میهن ما روان ساخت، صبور و خاموش بیش از بیست و پنجسال از زندگی اش را در تبعید و زندان گذراند بی آنکه لحظه ای از اندیشه "مردمی که بخاطرشان درفش نبرد را کاوشان بردوش داشت جدا باشد .

مصدق پیوسته با مردم، در میان مردم و همچون مردم زیست و گرچه توطئه استعمار و سرنیزه استبداد او را از میان مردم بودن محروم گردانید آخرین پیامش که در گورستان شهیدان سیام تیر خاک سپرده شود نمایانگر این آرزوی همیشگی او است .

خاطره این خرد همیشه بیدار، عشق بی پایان و پیر طریقت جاودانه گرمی باد .

شکستن حریم خانه . . .

و باز صرف نظر از اینکه حمله به خانه یک "مرجع تقلید" که میلیونها تن از شیعیان جهان پیروان وفادار ایشان هستند زشتکاری بزرگی است که در طول تاریخ ایران نظیر نداشته و نمونه آن حتی بهنگام حمله لشکریان بیگانه به کشور هم کمتر دیده شده است و پرده پوشی و دروغ پردازی "دستگاه استبداد" بهیچوجه برای جبران چنین مصیبت بزرگی کفایت نمی کند .

اعلامیه دولت خود نشانه بارزی از بی اعتباری قانون و لجام گسیختگی رژیم استبداد فردی در کشور است . اصل سیزدهم قانون اساسی میگوید "منزل و خانه هر کس در حفظ و امان است در هیچ مسکنی قهران نمیتوان داخل شد مگر به حکم و ترتیبی که قانون مقرر میدارد" و در قوانین عادی کشوری نیز ورود به خانه هر فرد ایرانی را تابع تشریفات و مقررات خاص و از جمله داشتن اجازه دادستان کرده است .

بقیه در صفحه ۴

پیروز باد ملت

اقدامات ملت . . .

از صفحه ۲

جهت یابی . . .

از صفحه ۱۴

گروه بزرگ " سلب کرده اند .

۴- دولت کوشیده تا با " حد اکثر ملامت و مدارا "

از طریق " ارشاد و راهنمایی " این گروه معدود را به " بیهودگی تلاش ها " یشان متوجه سازد .

۵- این گروه معدود تصور کرده اند که " تحمل دولت نامحدود است .

۶- ولی در برابر " خواسته های روزافزون مردم " که میخواهند در " آرامش زندگی کنند " دولت " تحمل بی نظمی و آشوبگری را نخواهد کرد .

۷- و در نتیجه اخلالگران را " به شدیدترین نحو تعقیب و بر طبق قانون محازات خواهد کرد " .

بد نیال این در روپردازی قلد رانه مثل همیشه ماشین تبلیغات دستگاه استبداد بکار افتاد ،

کرسی نشینان کاخهای شورا و سنا ، اعضای شورا های دانشگاهی ، اصناف و طبقات مختلف و . . . بصور

گوناگون " اعلامیه دولت " را تأیید کردند و سرانجام طبق گفته سخنگوی دولت و وزیر اطلاعات و جهانگردی (کیهان

۲۶ اردیبهشت ماه) " پشتیبانی مردم از اعلامیه اخیر دولت سبب دلگرمی و تشویق بیشتر ماموران در

انجام وظایفشان شده است " و در نتیجه " به همه مراجع مسئول دستور اکید داده شده که با تمام قوا به وظایف

قانونی خود عمل کنند و در چارچوب قانون هر گونه اخلالگری را با شدت و یراعایت موازین قانونی سرکوب

سازند " .

کیست نداند که " خرابکارها و آشوبها " بدست دولت است ؟

کیست نداند که این " گروه معدود " دولت است که فقط بکمک خارجی و با پول " گروه بزرگ " یعنی ملت "

بناد رستی در مسند حکومت نشسته است . اکثریت مردم ایران مسلمان هستند و بحکم اسلام از احکام علمای عظام

پیروی کرده اند گروه معدود " همان فرقه " شناخته شده است که سخنگوی دولت آنها را می شناسد .

کیست نداند که " جامعه روحانیت " با مبارزه در رست خود در این شرایط تاریخی ، چگونه مدافعان حقیقی

استقلال و آزادی ایران در آمده اند .

کیست نداند " آسایش و امنیت " را سالهاست که دولت از ملت سلب کرده است ، کیست نداند که " دستگاه

استبداد " هیچگاه " ملامت و مدارا " نداشته است و همه جا با زور و قلد ری و گلوله واء دام جواب مردم را

داده است .

بقیه در صفحه ۴

د ر تاریخ مبارزات ایرانیان روز بزرگی است .

چه باگذشت چهل و هشت سال از مشروطیت بد نیال

یورشی که حکومت انگلستان با کودتای ۲۹ به ۱۲ به آزادی

و استقلال ملی ما برد و در پی اشغال کشور در جنگ جهانی دوم ، برای اولین بار در این روز تاریخی بود که

پس از ۵۵ روز مناقشه میان جناحهای هیات خاکه بدست

نشاند ، بالاخره رعب حاصل بر مجلس شورای ملی که از

مرگ عامل سیاست موازنه مثبت (سپهبد حاجعلی رزم آرا) حاصل آمده بود همه گروه ها را به منظر

میهن پرستی و استقلال یعنی د کتر محمد مصدق متوجه ساخت تا طرخی که بنام سعادت ملت ایران در جهت

اجرای اصل ملی شدن نفت در سراسر کشور از تصویب

مجلس گذرانیده بود خود بموقع احزاب گرد .

پیشوا پد یرش نخست وزیری را بشرایطی موکول ساخت

و مجلس نیز آنرا پذیرفت د کتر مصدق بدون آنکه در کاخ

نخست وزیری اقامت کند د رسنگر قانونگزاری و در اولین

ره نمود خود بدلت ایران توجه داد که برای بشمر رسیدن

نهضت ملی ایران باید بافت ضد ملی حکومت را تار و پودن

شدن درخت استعمار تحمل کند و صریحا اعلام داشت که

قبول زمامداری از طرف او هرگز نهاد ضد مردمی حکومت را

بیکروزه د گرگون نساخته است .

یک نظریه ترکیب این کابینه ملی بخوبی میرساند که

د کتر مصدق در عین سرسختی در راه احقاق حقوق ملی

د برد ایت امر همکاران خود را از میان گروههای گوناگون

انتخاب کرده و در هر موقع و زمان بر حسب شرایط مبارزه

دست به تغییر عوامل اجرائی زده است و حتی تا روز ۲۸

سرد اد ، هم همه (همکاران) دولت مصدق (همگامان

جبهه ملی) نبوده اند .

کابینه اول د کتر مصدق را میتوان کابینه تقریبا ائتلافی

نام نهاد که برای اولین بار مبارزان جبهه ملی را با عوامل

دیوانی گذشته د ر کنار هم می نشاند ولی هرگز این همکاری

د وام نیاورد و در برابر هر موقعیت جدید تغییراتی بیشتر

د جهت سپردن سنگرهای ملی بمبارزان معتقد حاصل

میگردید . این تغییرات نشان دهنده روشن بینی

پیشوا و جهت گیری او در راه استیفای حقوق ملی و آزادی

و استقلال ایران بشمار میرود .

گرچه تنی چند از دیوانیان بالحقا بکابینه مصدق و

همکاری در راه تحقق آرزوهای ملی اصالت خود را به

ثبوت رساندند ولی مقایسه شخصیت - طرز اندیشه هر

یک از آنان که در طول بیست و هفت ماه و هیچد هر روز

بقیه در صفحه ۴

اقدامات ملت . . .

از صفحه ۲

جهت یابن . . .

از صفحه ۲

کیست نداند که این دستگاه بند از بند گسخته، خودش را نمی تواند اداره کند تاجه رسد به "ارشداد و راهنمایی".

کیست که این "تلائن" های مزورانه "دستگاه استبداد" را که "بیهودگی" آن آشکارتر شد، است نداند. کیست نداند، که این ملت ایران است که "تحملش" تمام گردیده و در برابر "خواستهای روزافزون" بیسه واکنش برخاسته و میخواهد در آرامش زندگی کند و دیگر تحمل "آشوبگریهای" دستگاه استبداد را نخواهد کرد و رخط دفاع از وطنش قرار گرفته است.

بالاخره کیست نداند که ملت ایران در برابر همه تهدیدها و تعقیبها پایدار ماند است و بی آنکه خللی در عزم آهنینش ایجاد گردد، مبارزه استقلال طلبانه و آزاد یخواهانه خود را ادامه داده است.

دستگاه استبداد باید بداند، مردم بپا خاسته ایران بخوبی میدانند که سیطره استبداد در حال سقوط است ولو "قره نوکر" های آن سم در خاک بکوبند و لوس به شیوههایی دلخراش به "بزرگ کردن" سازمانهای پیوسیده، خود بپردازند.

ملت ایران نه به این ظواهر سازبها و وعده هاد لخورش میکنند و نه از این تهدیدهای ترسد. میدانند که در پست استبداد در حال فرو ریختن است.

نبرد حق طلبانه مردم مسلمان و آگاه ایران با "دستگاه استبداد" در بودن یا نبودن ایران است، در بودن یا نبودن اسلام است، ملت ایران سختیهای زیاد تری را تحمل کرده است. در یاد ریا آسیبهای فراوانتری را گذرانده ولی ماند است و خواهد ماند.

ملتی که از گذرگاههای سخت تاریخ گذشته است بآرد یگر آینده، ایران را خواهد ساخت، ایرانیستی مستقل و آزاد.

شکستن حریم . . .

از صفحه ۲

در حالیکه راعلامیه خود بطور صریح و رسمی اقرار کرد که ما مورانش بدون اجازه و با حالت هجوم وارد خانه ای شد هودست به کشتار مردم زد هاند و وقیحانه گناه این عمل ضد انسانی خود را به گردن کسانی که در برابر وحشیگری و تجاوز در خانه پیشوای روحانی خود پناه جسته اند میاندازد. نکته دیگری که از اعلامیه وقیحانه دولت مستفاد میشود

آنستکه "دستگاه استبداد" چون گمان میبرد ما موران محلی از نظر عاطفی و انسانی در انجام دستورهای خلاف قانون تردید نشان دهند برای سرکوبی مبارزان از نیروهای غیر محلی استفاده می کند تا همچون یک قشون اشغالگر بایستی رحیمی و درنده خوئی رفتار کنند.

زمانه آری با وی همکاری کرد هاند نمود ارگوبائی از شیوه حکومت ملی در جهت مبارزه اساسی بود هاست که بایست مبارزان امروز و جوانان پرشور ایران از آن پند و الوها بگیرند. اختلا فاتی که میان منش و شخصیت سیاسی وزیرای د کتر مصدق بچشم می خورد مبین این حقیقت است که اکثر شرط اساسی همکاری که "صلاحیت" و "وطن پرستی" و "پاکد امنی" است در ارا بود هاند و بر حسب شخصیت برای مشاغلی که در خور بود هاند بکار گرفته شد هاند و میتوان بابر سی د قیق این شیوه ها ضوابطی را برای تعیین موضع مبارزاتی شخصیتها و گروههای ملی در زمان حاضر فراهم گردانید.

نهضت ملی ایران در ریست و پنج سال پیش هنگامیکه آسیا و آفریقا در زیر بار استعمار کمر خم کرد ه بود ند شکل گرفت و بدری که مصدق و همکارانش بنام رهبر مبارزات ضد استعماری شرق در دل جوامع اسیر شده و جهان سوم افشاند ند اکنون بصورت درختهای تناوری در سرزمینهای آسیائی و آفریقائی به برنشسته است.

ما که خود بانی این مبارزه بود ه ایم در چه حالیم؟ در کام د یکتاتوری و خود کامگی استعمار ساختیم، گرفتار و تنها مایه امیدمان وحدت نظری است که همه مردم و گروهها در مبارزه با د یکتاتوری و استبداد و رسیدن به استقلال واقعی در ارا هستند و در راه آن جان نیز میگذارند ولی متاسفانه هنوز مبارزه شکل سازمانی و اجتماعی که بد آن نیاز دارد بخود نگرفته و مبارزات همه جانبه مردم چه در داخل و چه در خارج در زیر پرچم واحدی متشکل نگردیده است.

حقانیت مبارزه حکم میکند که مبارزان راه آزادی و استقلال ایران با دقت و دراندیشی متوجه اعمال خود باشند و شعارهای خود را با بینش کافی انتخاب کنند که نه تنها شعارهای نامناسب صفوف مبارزان را برانکند ه نسازد بلکه موجب تشکل و همه گیری مبارزه در تمامی سطوح گردد.

بامرور تاریخ مبارزات ملی ربع قرن گذشته کشور این نتیجه حاصل می شود که با الهام از شیوه های پیشوای برگزیده ه ملت ایران شعار کلی مبارزه را مشخص گردانیم و سازمانی صالح و پویا برای رهبری این جنبش ایجاد کنیم.

این شعار، شعار آزادی و استقلال ایران و این سازمان جبهه، ملی ایران است همان سازمانی که سالها تجربه اندوخته و با الهام از مکتب مصدق و خط مشی مصدق اعتماد عمومی را بخاطر حقانیت در پشت سردارد.

خبرها و تازه ها

جگونگی هجوم چتر بازان نیروی مخصوصین بخانه

حضرت آیت الله العظمی شریعتمداری

بامداد روز چهارشنبه بیستم اردیبهشت ماه در حالیکه سراسر شهر مقدس قم زیرا شغال نیروهای مسلح بود و به دنبال "گشتار جمعی" مردم بی دفاع در روز قبل در بازار و خیابان همه حجره ها و مغازه ها و بناگاه های خصوصی و حتی بعضی از ادارات دولتی بسته بود و از خانه ها جز شیون عزاداران صدائی بگوش نمی رسید و تنها در خانه مراجع عظام تقلید و بعضی از استادان عالیقدر حوزه علمیه طلاب و بعضی از مردم اجتماعهای کوچکی برای رایزنی و چاره اندیشی داشتند.

"دستگاه استبداد" با گسیل یک واحد ضربتی به خانه حضرت آیت الله العظمی شریعتمداری مرجع عالیقدر تقلید به وحشیگری بی مانند دست زد.

در این روز در حدود ساعت ده بامداد نخست چند هلیکوپتر در قطعه زمینی که در نزدیکی منزل حضرت آیت الله قرار دارد و به "زمینهای غروی" معروف است عدای چتر بازان از واحد مخصوص پیاده می کنند و سپس این عده در حالیکه همه مسلسل در دست داشتند تحت فرماندهی یک سرلشکر که لباس چتر بازی به تن داشته با فریاد های مخصوص به خود ضمن تیراندازی به صحن بیرونی خانه مسکونی حضرت آیت الله العظمی شریعتمداری هجوم می برند و پس از کشتن یک طلبه در آستانه در روز خمی کردن چند نفر دیگر وارد صحن حیاط و سپس اطاقها شده و همه حاضران را مورد اهانت و ضرب و شتم قرار داده و سرلشکر فرمانده آنها مغز آقای ستار کشانی طلبه شجاعی را که به این بی حرمتی اعتراض می کند هدف گلوله قرار میدهد و به شهادت میرساند و طلبه دیگری هم در اثر اصابت گلوله زخمی میشود و بقیه طلاب راهم پس از ناسزاگویی و کتک زدن بسیار بخارج از خانه برده و غد های از آنها را به زندان میفرستند.

این واحد ضربتی سپس درها و پنجره ها را شکسته و بارساندن آسیب های فراوان از خانه خارج و به محل فرود بازگشته و یکسره به تهران باز میگردد.

حضرت آیت الله العظمی روحانی

در خانه خود بحالت بازداشت در آمدند

بدنبال فشارهای خلاف قانون "دستگاه استبداد" به "جامعه روحانیت" و حمله به خانه های مراجع عظام تقلید و تبعید چند تن از روحانیان برجسته از نیمه روز

سه شنبه بیست و هشتم اردیبهشت ماه ماموران شهرستانی خانه حضرت آیت الله العظمی حاج سید صادق روحانی را محاصره و حیاط بیرونی را اشغال و تلفن را هم قطع کرده اند و خود ایشان در حیاط اندرونی تحت نظر هستند و به هیچکس حتی خویشان و نزدیکان اجازه رفتن به داخل خانه داده نمی شود.

بزرگداشت شهیدان در تهران

روز پنجشنبه بیست و یکم اردیبهشت ماه پیش از پنجاه هزار تن از گروه های اجتماعی مختلف بویژه بازاریان و پیشه وران شرافتمند و دانشجویان مبارز تهران در مجلس یادبودی که به دعوت "جامعه روحانیت تهران" و سه تن از شخصیت های مبارز در مسجد جامع تشکیل شده بود شرکت نمودند تا یاد شهیدان گلگون گفن بزد و جهرم و اهواز را گرامی دارند.

در این روز حجره ها و مغازه های بازار و همه خیابان های اطراف آن بکلی تعطیل بود و از صبح زود ماموران پلیس و شخصی پوشهای ساواک سراسر بازار را اشغال و حتی عده زیادی از نیروهای ارتشی با داشتن تجهیزات کامل در خیابان بود و جمهوری و دیگر خیابانهای اطراف استقرار یافته بودند و با مانورهای گوناگون میکوشیدند مردم را از رفتن به مسجد بازدارند.

این اجتماع شکوهمند بررغم دسیسه های دستگاه استبداد سه ساعت برپا بود و بانهایت نظم به سخنان پرشور حجت الاسلام آقای عبائی گوش فراداد و حتی شکستن دیوار صوتی به وسیله هواپیما و ایجاد صدای مهیب آن و وحشت انگیزی ساواکی ها که خود را در میان مردم جازده بودند از ادامه آن جلوگیری نکرد.

در پایان مجلس هنگامیکه سیل جمعیت به خیابانها سرازیر شد، گماشتگان حکومت استبدادی که توطئه های خود را نقش بر آب دیدند وحشیانه به صفوف مردم که با آرامش و نظم در حرکت بودند حمله ور شدند و با بکار بردن گاز اشک آور و استفاده از باطوم و چماق و سرانجام با تیراندازی صد هاتن از شرکت کنندگان رازخمی و عده کثیری را دستگیر و در فاصله میان بازار و کلانتری آنها را بشدت مضراب کردند.

مبارزان با ایمان که هم از خبر "گشتار جمعی" مردم قم در روز قبل و هم از حمله وحشیانه پلیس خشمگین شده بودند در بخشهای مرکزی شهر تانزد یکی های غروب به تظاهر علیه دیکتاتوری فردی ادامه دادند و نیروهای به اصطلاح انتظامی ناچار شدند با وسایل زرهی و کامیون راهها را ببندند و رفت و آمد را قطع کنند.

زندانیان و تبعید شدگان سیاسی را آزاد کنید

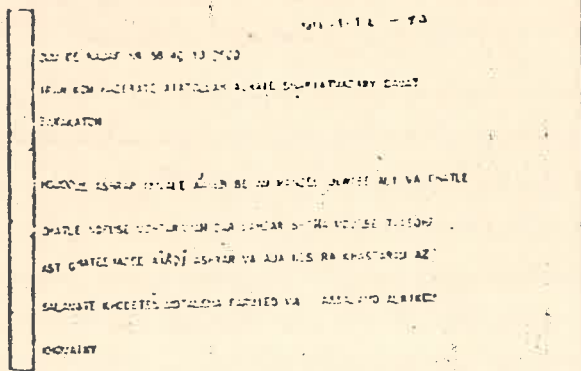
یورش در نیمه شب تبعید روحانیان عالیقدر اذاعه دارد

روز پنجشنبه بیست و یکم اردیبهشت ماه، جلسه فون العاده " کمیسیون امنیت اجتماعی " شهرستان قم که نقشی جز ایجاد ناامنی و وحشت ندارد رای به تبعید تنی چند از روحانیان مبارز و سرشناس شهسوار آزاد ه قم داد. بدنبال این تصمیم نیمه شب جمعه ۲۲ اردیبهشت ماه در زخمیان ساواک بفرماندگی یک سرهنگ به خانه حضرت آیت الله آقای حاج سید مرتضی پسندیده برادر هشتاد و پنج ساله حضرت آیت الله العظمی خمینی پیشوای عالیقدر عالم تشیع رفتند و ایشان را از بستر بیرون کشیدند و به انارک نائین می بردند. امین رفتار خشونت آمیز و تغییر آب و هوا سلامت حضرت آیت الله پسندیده را بخطر افکند ه است. همزمان با این یورش حجت الاسلام آقای کلا نتر گوینده ه شجاع مذهبی و حجت الاسلام آقای غیغمی واعظ مشهور نیز دستگیر و به انارک نائین تبعید میشوند. در روز یکشنبه بیست و چهارم اردیبهشت ماه نیز نویسنده مبارز حجت الاسلام والمسلمین آقای سید هادی خسرو شاهی داماد حضرت آیت الله روحانی در شهر قم دستگیر و به انارک نائین تبعید میگردد. در همین روز دوتن دیگر از روحانیان مبارز آقایان حجت الاسلام گل سرخی و حجت الاسلام موسوی در قم دستگیر و به مخلی که هنوز روشن نگردد تبعید شده اند.

نامه "جامعه روحانیت تبریز" به حضرت آیت الله العظمی شریعتمداری

روز پنجشنبه ۱۳۵۷/۲/۲۱ بیست و نه تن از روحانیان عالی مقام و مبارز تبریز نامه ای برای حضرت آیت الله العظمی شریعتمداری "مرجع عالیقدر جهان تشیع" فرستاده و طی آن نوشته اند "خبر وحشتناک و تاسر آور، هجوم ماموران مسلح ضد شورش ارتش و گارد شهربانی به دولت منزل حضرتعالی در روز چهارشنبه که طی آن دو نفر از طلاب علوم دینی در داخل منزل آن حضرت مقتول و عده زیادی مجروح شده است. . . . موجب نگرانی و ناراحتی مجدد روحانیان و مردم متدین آذربایجان گردید" و سپس در نامه خود اضافه کرد هاند "بیتی که بیت مرجعیت و روحانیت شیعه بوده و علاوه بر احترام خاص مذهبی مصونیت قانونی هم دارد از یورش نیروهای مسلح ارتش و شهربانی مصون نمی باشد جامعه روحانیت تبریز و حومه و مردم غیور و

بموندنا گسستنی در "جامعه روحانیت"



متن تلگراف حضرت آیت الله العظمی خمینی

قم از نجف ش ۵۸ ک ۴۰ ت ۱۳
ایران قم حضرت آیت الله آقای شریعتمداری
د اهت برکاته
هجوم اشراعمال اجانب به منزل جنابعالی و قتل
نفوس محترمه در محضر شما موجب تاسف است
قطع ید ایادی اشرا و اجانب را خواستارم، از
سلامتی خودتان مطلعم فرمائید والسلام علیکم
خمینی

متن پاسخ حضرت آیت الله العظمی شریعتمداری

حضرت آیت الله آقای خمینی دست گاه
در روز شنبه بیست و چهارم اردیبهشت ماه
خبر تلگراف شریعتمداری تحفه ایست که در روز شنبه ۲۲ اردیبهشت

متدین آذربایجان این عمل ننگین را اهانت به مقدسات مذهبی و توهین به همه مردم مسلمان تلقی نموده و با ابراز تنفر و انزجار شدید با کمال بیصبری هستند و یکبار دیگر پشتیبانی و آمادگی خود را در راه دفاع از مقدسات مذهبی و در راه پیشبرد اهداف عالی حضرتعالی و سایر مراجع عظام اعلام داشته و تا پای جان ایستادگی خواهند کرد".
در خاتمه معروض میشود که مردم تبریز و حومه فعلا به اعتصاب خود در این مورد ادامه میدهند و اگر رسیدگی به این کار نشود عواقب و خیم آن معهد ه دولت است.

وحدت عمل "جامعه روحانیت" ضامن عظمت اسلام و آزادی و استقلال ایران است

خبرنامه

اتحاد نیروهای جبهه ملی ایران

شماره یازدهم - دهم خرداد ماه ۱۳۵۷

نقش دانشگاهیان در مبارزه ملی

پیوند استاد و دانشجو ضامن پیروزی است

د رسال های پرفراز و نشیب مبارزات ملت ایران در راه آزادی و استقلال، دانشجویان همواره نقش برجسته ای داشته اند.

دانشگاه تهران در رسال های سیاه اشغال نظامی کشور بگونه سنگرمبارزات میهنی چهره درخشانی یافت و در جریان نهضت ملی شدن صنعت نفت دانشجویان آن به همراه دانشجویان دانشگاه های نوبنیاد تبریز و اصفهان در نخستین صف پیکار با استعمار و نوکران داخلی آن قرار گرفتند.

پس از کودتای بیست و هشتم مرداد سال ۱۳۳۲، پایداری افسانه وارد دانشجویان مبارز با شهادت سه دلاوردانشکده فنی دانشگاه تهران در شانزدهم آذر آن سال در تاریخ ایران حماسه گردید.

با افزایش دانشگاه ها و مدرسین عالی پیکارهای دانشجویی روز بروز گسترده تر شد و دامنه آن بشهرهای کوچک و بزرگ کشید.

در آن سال های تیره و فضیلت سوز هرگز دانشجویان صحنه مبارزه را ترک نکردند و ده سال بعد از کودتاد برابراه ای انقلابی و اصلاحی نظام حاکم وابسته به بیگانه که با کمک بلندگوهای تبلیغاتی خود تصور سفیره رنگینی در ذهنهای ساده دلان بوجود آورد بود، دانشجویان یکبار دیگر رسالت تاریخی خود را در رک واقعیت و شناخت تزویرانشان دادند و یاد آن شعار اصلاحات آری دیکتاتوری نه چهره حقیقی "دستگاه استبداد"ی را نمایان ساختند.

نزدیک به بیست و پنج سال دیکتاتوری رادانشگاه های ایران بی سکوت و پیوسته در حرکت و هیجان پشت سرگذاشته و امروز بقیه در صفحه ۲

پانزدهم خرداد روز خودجوشی نیروهای مردمی

آزمونهای این روز تاریخی را گرامی داریم

هفت سال پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، جامعه مادر شرایطی قرار داشت که بی شباهت با وضع امروز ایران نبود. کمکهای گوناگون کودتا سازان و وعده های توخالی نتوانسته بود رضایت عمومی را در رک جامعه بوجود آورد و از لحاظ جهانی نیز تناقض هایی هم در ران بلوک غرب و هم در رابطه با بلوک شرق بچشم میخورد و پیدا شدن نیروهای جدید در آسیا و آفریقا بر رویهم ایران را در فضای قرارمیداد که مردم از زیر بار ضربات کودتا و وحشت ناشی از آن، چند صباحی، خلاصی یابند و به بازسازی های سازمانی و ادامه مبارزات ملی شکل جدید تری دست یازند.

در این مدت که مردم نفس تازه میکردند و جبهه ملی بگونه سازمان دربرگیرنده همه نیروهای مردمی در تلاش بازگرداندن پیروزیهای ملی بود حکومت استبدادی در این خط قرار داشت که به اربابان بیگانه معلوم سازد، تامین منافعشان در بقای نظام موجود است و فساد و خرابی ها و نابسامانیهای کشور مانعی در این راه ایجاد نخواهد کرد. بدیهی است مثل همیشه "مترسک" سیاسی بخش دیگر موازنه مثبت نیز می توانست در تصمیم گیرها، اثرهایی از خود باقی گذارد.

بقیه در صفحه ۲

سهیم کردن کارگران در منافع کارگاههای صنعتی!

تنهاد رسال گذشته / ۵۳۰۰۰۰ نفر از کارگران بخش دولتی و بخش خصوصی با دریافت دوازده میلیارد ریال در منافع صنعتی و تولیدی سهیم شده اند - رقم کلی سود ویژه ای که به کارگران کشور پرداخت شده در طول ۱۴ سال ۱۲۸ برابر شده. "نقل از صفحه ۲۳ کتاب بسوی تمدن بزرگ".

بازی با ارقام در چارچوب خاصی برای بزرگ جلوه دادن اقدامات انجام شده از طرف دستگاه حاکم در سیستم های توتالیتر مسئله ایست که بدان باید توجه دقیقی مبذول گردد.

برای نمونه در همین دوسطری که از کتاب مذکور آمده است تعداد کارگران سهیم شده در رسد مغایر است با آمارهای منتشره از طرف موسسات دولتی مسئول.

چون در سال ۱۳۵۵ یعنی یکسال قبل از انتشار تاریخ کتاب بسوی تمدن بزرگ تعداد کارگران سهیم شده در حدود (۲۸۵۰۰۰) نفر بوده است و نه (۵۳۰۰۰۰) نفر که مابه التفاوت این دو رقم در حد و (۱۵۰۰۰۰) نفر می باشد که در بازی با اعداد نباید به نظر بزرگان قوم که با میلیارد ها دلار درآمد نفت سروکار دارند زیاد باشد!

اما بخش های دولتی که برای تبلیغ از آن اسم برد شد، و کارگران آن بخش مشمول قانون تلقی شدند، تنها بشرطی که میزان متوسط بقیه در صفحه ۳

حرکت استقلال و آزادی را شتاب بخشیم

نقش دانشگاهیان . . .

یکباردیگر همبسته و همگام، روشننگروآشتی ناپذیربا درک صحیح نیازهای واقعی اجتماع از جلو آوردن رزم آزاد بیخشم ملی می باشند و هرروز بیشتر از روز قبل / فریاد آزاد یخواهی و استقلال طلبی دانشجویان در آسمان ایران طنین می افکند .

دانشجویان رود خروشان و رام نشدنی همواره خرد مسنگها و خاشاکها را در نور دیده و امروز که استاد را در کنار خود برای دفاع از حق هم پیمان می یابند، راه خویش را با ایمان بیشتر به پیروزی طی می کنند .

امروز استاد واقعی دانشگاه با همه کوشش های گسترده استبداد زیر سلطه و بر رغم وجود دزدان با چراغی که به صف او راه یافته اند، هستی برکف دست در دست شاگردانش در کنار همه گروههای اجتماعی صمیمانه ایستاد هاست و می کوشد در راه کسب استقلال ملی و آزادی مردم یاوری خستگی ناپذیر باشد .

دربارزه علیه گارد بیهای چماق دارد دانشکده پلی تکنیک تهران همگان شاهد ایستادگی قهرمانانه و همدلی عمیق استاد و دانشجویانند .

دانشجویان دانشگاه صنعتی در مبارزات آزاد یخواهانه خود پیوسته از پشتیبانی و همدردی استادان برخوردار شدند .

درد دانشگاه تهران استادان بسیاری به همصدائی با دانشجویان برخاستند و بانگ اعتراض باینهمه بی حرمتی به ساخت دانش برداشتند .

درکشتار وحشیانه دانشگاه آذربایجان استادان بیدار دل بسان پدران و مادران واقعی بخونخواهی فرزندان شهید خود سینه سپر بلا نمودند .

و اکنون دیده می شود که در سراسر ایران و در تمام دانشگاهها و مدرسه های عالی استادان و دانشجویان در کنار هم صف واحدی را تشکیل داده اند .

در این میان روشن فکر نمایان خود فروخته، این برنامه ریزان سرسپرده "دستگاه استبداد" که گردانندگی مرکزهای آموزشی کشور به آنها واگذار شده است نیز آرام ننشستند و در حالیکه دانشجویان همچون دیگر مردم این سرزمین همواره در خطر زندان، شکنجه و مرگ قرار دارند، هر روز نقشه های تازهای را بر ضد این نخبه فرزندان ایران اجرامی نمایند .

گزینش دانشجویان وادب و رایزنی ساواک، تحت نظر داشتن دانشجویان در محیط تحصیلی و حتی در خوابگاهها، استقرار نیروهای پلیسی در دانشگاهها و

بقیه در صفحه ۳

پانزدهم خرداد . . .

استبداد تعلیم یافته از یکسو، دانشگاه و بازار و احزاب و گروههای شکل یافته را یکی پس از دیگری زیر فشار قرار داد و سازماندهان و رهبران ملی را بزدان افکند، و از سوی دیگر، بدنبال دوا دعای ناموفق "مبارزه با فساد" و "اصلاحات" این بارسنگ بزرگتری را برداشت و به اصطلاح خود به "انقلاب" دست زد . این "انقلاب" از بالا که امروز بخوبی میان تهی بودن و آسیب های فراوانش روشن شده است، در آنروزها هم ارباب رابطور موقت آرام و دلخوش می ساخت و هم زمان لازم بود تا

سرخ شدن برنامه های عاریتی پر زرق و برق آشکار گردد . باینهمه گروههای عظیم از مردم که در رابطه با آزمونهای تاریخی و قیادت مجتهدان و مراجع عظام نیرنگ جدید را شفاخته بودند، خود جوشانه و بدون سازمان، زبان با اعتراض گشودند ولی استبداد دست

نشانده که به پیروزیهای کوتاه مدتی چنگ انداخته بود، با فراغ بال و هم با وارد کردن عوامل خود، در جنبش مردم، انحراف و خرابکاری بوجود آورد و همبنام پایان دادن به همین انحرافها و خرابکاریهای خود -

ساخته مردم مسلمان و مبارز را که جز ایمان سلاحی نداشتند به گلوله بست . آنچنان "کشتاری جمعی" بوجود آورد که در تاریخ معاصر ایران بی نظیر بود .

پانزدهم خرداد ۱۳۴۲ روز دردناک و غم انگیزی بود، اما در تاریخ سیاسی دوران کنونی یکی از درخشانترین روزهای است که خط مبارزه بنیاد مندر را از سیاستگریهای رسمی جدا ساخت .

در این روز خونین درست یکصد و سی روز پس از خیمه شب بازی "همه پرسی" نظام حاکم که ادعا میشد میلیونها ایرانی به شش اصل پیشنهادی انقلاب کذائی پاسخ مثبت داد هاند یک قیام همگانی در سراسر کشور از

کوچکترین روستا تا بزرگترین شهرها بخصوص در تهران نشان داد نارضائی مردم ایران از وضع موجود تا بدین پایه است که گروهها گروه کفن پوشیده، سینه های خود را

آماج گلوله جلادان خصم قرار میدهند . در پانزدهم خرداد ماه ۱۳۴۲ همچنان پیوند ناگسستنی مردم با "جامعه روحانیت" بار دیگر نمایان گردید و نیز نشان

داده شد که اعتقاد های دینی چه کاربرد پراثری در حراست آزادی و استقلال ایران و در هم شکستن توطئه های ضد ملی دارد .

آزمونهای این روز تاریخی و خونین و دست آورد های پس از آن روشن می سازد بدون برنامه و سازمان نمیتوان

بقیه در صفحه ۳

بقیه در صفحه ۳

دست پلیس از ساحت پاک دانشگاهها کوتاه باد

نقش دانشگاهیان . . .

از صفحه ۲
مد رسته های عالی، اخراج و به سربازی فرستادن دانشجویان، انحلال و تجدید ترم های تحصیلی که به آسانی و بی هیچ بیمی اعلام می گردد و موجب تلف شدن وقت پرارزش ترین نیروی انسانی کشور می شود هر یک نمونه های بارز این توطئه ها است .

از چندین پیش که استادان آگاه و آزاداندیش به صف مبارزان پیوسته اند و به حمایت و هدایت شاگردان خود همت گمارده اند استبدادیان به پیشرمانه ترین موضع قدم نهاده و استادراکه حرمتش همواره واجب است نیز از کتک خوردن و دشنام شنیدن و قطع حقوق و اخراج بی بهره نگذاشتند .

اما آنچه بروشنی روز است همبستگی عظیم و بپاخاستن پیرو جوان و زن و مرد ایرانی است که در دانشگاه ها و مدارس عالی نماینده های برجسته آنها می بینیم .

این توطئه های اهریمنی هر قدر رگسترش یابد مردمی را که بپاخاسته اند تا از هستی ملی خود دفاع نمایند و به آزادی و استقلال دست یابند به عقب باز نمی گردانند و دانشگاهیان نیز همچنان پیش آهنگ این مبارزه مقدس باقی خواهند ماند .

سهیم کردن کارگران . . .

از صفحه ۱
درآمد آنان از درآمد کارگران مشا به در سایر صنایع کمتر باشد مابه التفاوت را بصورت پاداش دریافت میکنند که با بریزوبپاش بخش دولتی صنایع و حقوقها و دستمزدهای بیشتر از بخش خصوصی این امر تقریباً غیرممکن است و اگر هم مبالغی باین عنوان پرداخت گردد ناچیز است .

اما توسط ارقام مذکور، با توجه به تعداد کارگران و مبلغ پرداخت شده بآنان - متوسط رقم پرداختی در سال (۳۰۰۰۰) ریال و برای هر روز در حدود ۸۰ ریال می شود (با ارقام کتاب بسوی تمدن بزرگ متوسط / ۶۰ ریال در روز خواهد بود) حال اگر با توجه به هزینه زندگی قرار باشد حداقل حقیقی مزد از طرف وزارت کار تعیین شود معلوم خواهد شد که وزارت کار چه کوشش و جانبازی همه جانبه ای بکار برده تا باین وسیله مانع اضافه شدن مزد بر مبنای هزینه زندگی گردد و صاحبان صنایع وابسته (کمپرادور) ایران با این اصل انقلابی استعمارکار کارگران شریف ما را تا چه حد افزایش داده اند .

نمونه ای دیگر از همبستگی "جامعه روحانیت" تلگراف حضرت آیت الله العظمی خمینی

ایران - قم

حضرت آیت الله آقای گلپایگانی دامت برکاته هجوم اشراعمال اجانب بمنزل جنابعالی و قتل نفس در حضور شما موجب تأسف است، قطع ایادی اشرا و اجانب را خواستارم . از سلامتی خودتان مطلقم فرمائید والسلام علیکم .

خمینی

پاسخ حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی

نجف اشرف

حضرت آیت الله آقای خمینی دامت برکاته تلگرام عالی موجب تشکر گردید حال حقیقی بحمد الله بهترو در بیمارستان بستری هستم .

اینگونه صدمات در راه حمایت از اسلام موجب افتخار و مزید اجراست . ملت مسلمان ایران در حوادث اخیر با تعطیل کسب و کار و بذل نفوس و اموال ثابت کردند که برای حفظ حیثیات اسلامی و پشتیبانی از جامعه روحانیت از هرگونه فداکاری دریغ ندارند جزاهم الله خیرالجزاء نصرت اسلام و مسلمین و دفع شرکفار و معاندین را از خداوند متعال مسئلت و ملتس دعا هستم .

الکلیپایگانی

پانزدهم خرداد . . . از صفحه ۲۰

نظام استبدادی سراپا سلاح و کشتار گرز سرنگون کرد .

این حقیقت بارز پس از "کشتارهای جمعی" که در چند ماهه اخیر رخ داد، امروز توسط همه شخصیت های مذهبی و سیاسی و نیز کلیه حزبها و سازمان های ملی مورد تأیید و تصدیق قرار گرفته است .

باید همه کوشندگان راستین راه آزادی - استقلال ایران در یک صف واحد قرار گیرند و با اتحاد و مبارزه دشمن زخم خورده را به زانو در آورند و به پرتگاه نیستی فرو اندازند و درفش پیروزی ملت را برافرازند .

پیروز باد ملت

انتظار بودند که پلیس حمله را آغاز کرد و مردم خشمگین و توهین شده نیز به ایستادگی پرداختند. شمار بسیاری از مردم دستگیر شدند و در راه زندان به بدترین شکل مورد ضرب و اهان قرار گرفتند.

گفته می شود در این هجوم سبعانه چند تن کشته و بسیاری زخمی گردیدند و لی تاکنون تنها جنازه آقای سید رضا طباطبائی در برابر پرداخت پنجاه هزار ریال پول تحویل خانواده اش شده است.

هجوم به خانه دبیر شرافتمند و مبارز اتحادیه کارکنان بانکهای خصوصی

شامگاه شب ششم خرداد ماه گماشتگان " دستگاه استبداد " به خانه آقای عطاء الله صدیق دبیر اتحادیه کارکنان بانک های خصوصی و دبیر سندیکای کارکنان بانک بازرگانی یورش بردند و پس از شکستن در و پنجره و برهم ریختن اثاث خانه و پاره نمودن کتابها را حقیقی مخفیگاههای امنیتی را خود شدند.

آقای صدیق که بارها مورد تهدید اراذل و اوباش وابسته به حکومت و صاحبان و گردانندگان فرومایه بانکها قرار گرفته، از چهره های سرشناس و مورد اعتماد کارکنان بانک های خصوصی است و مبارزات پی گیری در راه استیقای حقوق همکاران خود داشته است و بی گمان با این زشتکاریها امید آن مبارزه را ترک نخواهد گفت.

همکاری پیشروانه رئیس دانشگاه تهران

با چماق داران گارد

ساعت دوازده روز و شب بیست و نهم اردیبهشت ماه دانشجویان دانشگاه تهران بنا بر قرار قبلی در زمین فوتبال دانشگاه گرد هم آمدند تا یاد کتر معتمدی رئیس دانشگاه گفتگو داشته باشند.

هنوز بسیاری از دانشجویان نیامده بودند که چهره کربیه حادثه آفرینان گارد ظاهر شد و بر دانشجویان روشن گردید که رئیس شرافتمند !! دانشگاه پلیس را روانه گفتگوی سازنده !! با آنها کرده است.

با آنکه دانشجویان کوشیدند از هرگونه برخوردی خودداری نمایند این اجیرشدگان ددمنش بی هیچ بهانه ای حمله را آغاز کردند و تعقیب دانشجویان برای ضرب و شتم تا خیابانهای اطراف دانشگاه نیز کشیدند. در این یورش وحشیانه که جلوی چشم رهگذران

انجام می گرفتند و فحش و نفرین و لعن آنها را برمی انگیزت گروهی از دانشجویان زخمی شدند و با آمبولانس روانه بیمارستان گردیدند.

اعلامیه

حضرت آیت الله العظمی حاج آقا حسن طباطبائی قمی

حضرت آیت الله العظمی طباطبائی قمی که بیست و نه سال است در خانه ای در کرج زندانی و تحت نظر هستند طی اعلامیه ای " حکومت استبدادی " را که سالهاست به نادیده گرفتن قوانین و مقررات اسلامی و قانون اساسی و تجاوز به اموال عمومی و خصوصی و خدمت به منافع بیگانگان ادامه می دهد سخت مورد انتقاد قرار داد و در بخشی از آن چنین نوشته اند " با وجود این همه بدترین و رسواترین مظالم یکتا توری و خفقان که در این مملکت می گذرد باز هم ادعای آزادی و دموکراسی دارند. این چه نوع کشور آزاد است که سخن گفتن، اجتماع، تظاهرات آرام، اعلامیه دادن و خواندن و داشتن کتاب یا خواندن سخنرانی، حتی از نور شنیدن، در آن ممنوع و مجازات آنها زندان و شکنجه یا تبعید است ".

و در بخش دیگری از اعلامیه افزودند " نظام حاکم خائن زورگو چون دانسته است در سطح مملکت و بین مردم این کشور جانی ندارد و برای ادامه حکومت جائزانه خود تکیه بر بیگانگان نموده و با بغارت دادن ثروتهای ملی مملکت و برکردن جیب آنها، آنها را پشتیبان خود کرده و بحدیکه با این همه هیا هوئی که در جهان در دفاع از حقوق بشر می شود هیچیک از سران کشورهای جهان در ایران در ماز حقوق بشر نمی زنند ".

خمین در بزرگداشت شهیدان

"جامعه روحانیت خمین" طی اعلامیه ای چهلمین روز "کشتار جمعی" مردم بید فاع یزد، اصفهان، اهواز، جهرم را عزای عمومی اعلام و از مردم شهرد عوت نمود و بود تاد بزرگداشت شهیدان روز چهارشنبه بیست و نهم اردیبهشت ماه در مسجد جامع گرد هم آیند.

مردم شهر که همبستگی عمیق خود را با مبارزان راه آزادی بارها نشان داده بودند این بار نیز از گوشه و کنار بسوی مسجد جامع روی آوردند و با آنکه بایستن همه راههای ورودی شهر بوسیله نیروهای ژاندارمری و پلیس روستائیان نتوانستند در بزرگداشت شهیدان شرکت جویند خیابانهای اطراف مسجد از انبوه جمعیت مالا مال بود.

گماشتگان دستگاه استبداد که از قبل تدارک یک هجوم وحشیانه را دیده بودند بایستن در مسجد و زندانی کردن چند روحانی و عده های دیگر در داخل مسجد و قطع برق از برگزاری مجلس جلوگیری نمودند.

با این همه مردم در اطراف مسجد همچنان در حالت

فزونتر باد وحدت "جامعه روحانیت" در مبارزه با دشمنان ملت

قطعه نامه دانشجویان آذربایادگان

اعضای هیأت علمی واداری دانشگاه آذربایادگان صبح روزشنبه ۲۳/۲/۵۷ در محوطه دانشگاه گرد هم آمدند تا مراتب تأثر و نزار خود را از حوادث فجیعی که روز دوشنبه ۱۸/۲/۵۷ در دانشگاه رخ داده ابراز دارند. در این روز بزرگترین و بی‌شرمانه‌ترین یورش‌های علیه هر آنچه که نام فرهنگ، علم و اخلاق و فضیلت و معنویت دارد صورت گرفت و آن روز را بعنوان روز مصیبت و ننگ در تاریخ این دانشگاه به ثبت رسانید. پلیس و ماموران انتظامی دانشجویان بی‌دفاع را تا محترم‌ترین نقاط یعنی کلاسها و قرائتخانه‌ها دنبال کردند و همانگونه که با طوم‌های شکسته، آثار تیرسلسها، درهای شکسته و لخته‌های خون گواهی میدهند، قانون و انسانیت و عفت را مورد تجاوز قرار دادند. رفتار آنان با دختران دانشجویان و خانمهای کارمند بیاد آور فجایع سپاهیان چنگیزی بود.

بنابه اظهار بارز پرس ارتش، این کشتار "مجوسی" نداشته است. دانشجویان دانشگاه آذربایادگان اصل این "تجویز" را رد میکنند و مراتب تسلیم و تأثر خود را به خانواده‌های داغ‌دیده و به ملت ایران تقدیم می‌دارند و تأمین خواسته‌های زیر را انتظار دارند:

- ۱- اعمال خشونت به هر عنوان در دانشگاه محکوم است. حضور گارد و ماموران انتظامی با ستاد تجارب گذشته همیشه موجب تحریک دانشجویان و منجر به بروز خشونت بوده است. لذا خروج گارد و عدم دخالت ماموران انتظامی در دانشگاه ضروری است.
- ۲- آزادی مجرمان و دستگیرشدگان حوادث اخیر دانشگاه مورد تقاضا است.

- ۳- در موقعیکه بر اثر حوادث مذکور، شرایطی پیش‌آید که نیمسال تحصیلی جاری متحمل شود، از اجرای مقررات انحلال ترم (محرومیت و احتساب نمره صفر برای واحد‌های انتخاب شده) خودداری شود.
- ۴- معرفی و محاکمه علنی و قانونی ماموران متخطی که این حادثه را بار آوردند.

پشتیبانی استادان از دانشجویان دانشگاه آذربایادگان پس از کشتار وحشیانه دانشجویان دانشگاه آذربایادگان در هجدهم اردیبهشت ماه و یخون کشیده شدن جوانان آزاده علاوه بر قطعه نامه‌ای که از سوی هیأت علمی واداری این دانشگاه صادر شده ناممه، سرگشاده‌ای با پیش از صد و هفتاد امضاء از سوی هیأت علمی دانشگاه آذربایادگان به ریاست دانشگاه آذربایادگان

فرستاده شده که در آن چنین آمده: "به عنوان دریبانی که مسئولیت تعلیم و تربیت جوانان کشور را بر عهده داریم به همه پدران و مادران داغ‌دیده ای که فرزندان خود را در حادثه اسف‌انگیز روز دوشنبه ۱۸/۲/۳۷ دانشگاه از دست داد هاند از صمیم قلب تسلیت می‌گوئیم و در ماتم و عزای این جوانان سوگ و غم خانواده آنان سهیم و شریکیم، به اعتقاد ما مسئولیت مستقیم این سفاکی‌ها و خونریزی‌ها به پای کسانی است که به پلیس و ماموران انتظامی دستور داد هاند تا با مسلسل و تپانچه به سوی جوانانی که شعار لا اله الا الله بر زبان دارند آتش بگشایند و بچهریم دانشگاه‌ها تجاوز کنند و در دیوار کلاسها و سالن‌های مطالعه را با خنجر دانشجویان رنگین سازند و با نهایت شقاوت حیثیت و احترام محیط دانشگاه و ابتدائی‌ترین حقوق و حرمت‌های انسانی، اسلامی و قانونی را زیر پا نهند".

استادان عالیقدر این دانشگاه در پایان نامه خود خواهان مجازات مسببان این خونریزی‌ها و اعاده حیثیت دانشگاه گردیده‌اند.

نمونه‌ای از همبستگی استادان دانشگاهها

شصت و هفت تن استادان روشن بین و آزاد یخواه دانشگاه تهران به پشتیبانی از فعالیتها و اقدامات هیأت علمی دانشگاه صنعتی آریامهر، خواستار فراهم شدن موجبات ادامه فعالیت‌های این مرکز بزرگ آموزش عالی در تهران گردیده‌اند.

بازهم حمله کماندوهای چماق‌دار در کوهستان

بیش از سیصد تن از دانشجویان دانشگاه شکوه علوم دانشگاه تهران روز جمعه پنجم خرداد ماه در آشکوه افجه مورد حمله وحشیانه پانصد کماندوی چماق‌دار قرار گرفتند.

این وحشیان عربده‌جو که در ژاندارمری افجه تاگلو از مشروبهای الکلی انباشته شده بودند دانشجویان را که بهنگام ظهر بنماز جماعت ایستاده بودند مورد هجوم قرار داد و بسیاری از آنها را مجروح و زخمی نمودند و با فریادهای حیوانی خاص خود صحنه را ترک گفتند.

هجوم و غارت کتاب

خانه حجت الاسلام‌المسلمین آقای علی‌مشکینی مد رین عالیقدر حوزه علمیه قم شامگاه جمعه پنجم خرداد ماه مورد هجوم پلیس و گماشتگان امنیتی قرار گرفت و کتابهای ایشان بغارت رفت.

ماموران همچنین در صد بازداشت‌پسر ایشان بودند که هنوز موفق نگردیده‌اند.

زندانیان و تبعیدشدگان سیاسی را آزاد کنید

تبعید روحانیان حق طلب ادامه دارد

حجت الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ هادی باریک بین که سرپرست ومد رس عالیقدر حوزه علمیه قزوین می باشند دستگیر و به سردشت آذربایجان تبعید گردیدند .

حجت الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ علی حیدری ، روحانی مبارز و آگاه شهرستان نهاوند پس از برگزاری باشکوه مجلس بزرگداشت شهیدان باریک بین " کمیسیون امنیت اجتماعی " به شهر باریک تبعید شدند .
دستگیری نویسنده مبارز مذهبی

هفته گذشته گماشتگان ساواک که برای شکست آزاد یخواهان و به بند کشیدن آنها در کمین نشسته اند آقای محمد رضا حکیمی نویسنده مبارز مذهبی را در خیابان دستگیر نمود و بزند ان بردند .

واکنش استادان آزاد در برابر دروغ پرازیها

بر خلاف آنچه که در روز دوشنبه ۲۵ اردیبهشت ماه ۱۳۵۷ روزنامه های اجیر شده در زمینه حمایت استادان از اعلامیه دولت قلمفرسائی کردند ، بقرار اطلاع استادان دانشگاه های مختلف از جمله پلی تکنیک تهران و علم و صنعت ایران نسبت به افترای مزبور ابراز انزجار و تنفر نمودند .

درد انشکده علم و صنعت ایران رئیس دانشگاه طوماری تهیه و با خواهش و تهدید اقلیت محدودی را مجبوره امضای آن میکند و برعکس آنچه که در روزنامه ها از امضای دو بیست و هشت تن از استادان این دانشگاه نام می برند شماره این عده به چهل تن نرسیده است .

درد انشکده پلی تکنیک استادان بخش مکانیک - بمنظور رسیدگی باین موضوع شورائی تشکیل داده و بعنوان اعتراض قطعنامه ای صادر کرده و از کلیه پستهای اداری استعفا نمودند .

هم چنین در بخش برق این دانشگاه شورائی اضطراری استادان را تشکیل و نسبت به درج این اکاذیب در روزنامه های کشور اعتراض نمودند .

اعتصاب کارکنان برق منطقه ای تهران

کارکنان شرکت برق منطقه ای تهران روز سه شنبه نهم خرداد ماه با اجتماع در محوطه باغ اداره مرکزی این شرکت از ادامه کار خودداری نمودند و نسبت با اعتصاب زدند .

خواستهای انسانی و قانونی این هموطنان زحمتکش

و شرافتمند ما برکناری حسن فیروزآبادیان مدیر عامل سرسپرده شرکت برق منطقه ای ، طبقه بندی مساعیل ، اضافه حقوق و داشتن مسکن است .

این اعتصاب بررغم تهدیدها و کار شکنی های وابستگان " دستگاه استبداد " و حتی آوردن و برخ کشیدن کماندهای جماعتار همچنان ادامه دارد .
گسترش مبارزات استادان و دانشجویان

هیات علمی دانشگاه صنعتی آریامهر سه شنبه دوم خرداد ماه طی قطعنامه ای به گسترش رفیع روز دوشنبه هیجدهم اردیبهشت ماه دانشگاه آزاد را یادگان بسختی اعتراض نمود و قطعنامه دانشگاهیان آزادگان را مورد تأیید قرار دادند .

در بخشی از این قطعنامه چنین آمده است " ما بار دیگر گونه ضرب و جرح افراد و اعمال غیر انسانی را شدیدا تقبیح نمودیم و هتک حرمت از جامعه انسانی را قویا محکوم می نمائیم . اعتقاد کامل داریم که استقلال و آزادی دانشگاهی اساسی ترین حق هر محیط سالم آموزشی است و حضور گارد باعث تشنج در محیط علمی می گردد .

یکی دیگر از کوششهای پرارزشی که پس از اعتصاب استادان و دانشجویان دانشگاه صنعتی آریامهر وزیر نظر کمیته انتشارات دانشگاه بثمر رسید انتشار بولتن خبری این دانشگاه است که سومین شماره آن نیز در روز چهارشنبه سوم خرداد ماه در دسترس قرار گرفت .

انتشار این بولتن خبری که رویدادهای دانشگاهها ومد رسه های عالی سراسر کشور را منعکس می سازد در گسترش همبستگی و ادامه مبارزه گام مفید و پیراثری است .

هجوم های پی در پی در شهر مقدس قم

گماشتگان عقل و دین گم کرده دانشگاه استبداد هر روز بیبانه های مردم حق طلب شهر مقدس قم را مورد هجوم قرار میدهند و وعده های رازخمی و گروهی را دستگیر میکنند و این بیورش ها حتی بهنگام نماز در مسجد ها ومد رسه ها انجام می پذیرد .

روز جمعه پنجم خرداد ماه مد رسه حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی و روز شنبه ششم خرداد ماه مد رسه حضرت آیت الله العظمی روحانی مسعود حمله و وحشیانه جماعتاران قرار گرفت و در این مد رسه حجت الاسلام آقای سید محمد طباطبائی بازداشت گردیدند .

درود به روان تابناک شهیدان پانزدهم خرداد

بیانه

اتحاد نیروهای جبهه ملی ایران

پیرامون

بزرگداشت پانزدهم خرداد

هم میهنان :

پانزدهم خرداد ماه یکمزار و سیصد و چهل و دو خورشیدی که در برخورد هنگامی با محرم حماسه آفرین بود با همه سوگ انگیزی یکی از درخشانترین روزهای زندگی ملت ایران است .

پانزدهم سال پیش در چنین روزی " نظام دیکتاتوری " که رشته وابستگیهایش را با سلطه گران بیگانگانه استحکام بیشتری بخشید و شعار فریبند و انقلاب اجتماعی را دست آویز کرده بود ، انبوه مردمی را که بی باکانه به دفاع از اعتقاد های دینی و ملی خود برخاسته بودند بخون کشید .

در روز تاریخی پانزدهم خرداد مردم بی نام و نشان ولی با ایمان و دلیر که رهبران ملی و سپس پیشوایان بزرگ دینی آنها زندانی شده بودند در یک جنبش خود جوشانه با جان نثاری نشان دادند ، نیرنگ دشمن کارگر نیافتاد و ایرانی برخورد ارازموزشهای والای اسلامی هرگز از بیکار در راه آزادی و استقلال باز نخواهد ایستاد

پانزدهم خرداد ماه ۱۳۴۲ در چگونگی مبارزه ملی تحول ژرفی پدید آورد و سیاستگرهای سازشکارانه جای خود را به نبردی پر دام برای دگرگونی بنیادی در کل جامعه ایرانی داد .

یاد چنین روزی از دشمنان و هیچگاه فراموش نخواهد شد و آزمونها و رهنمود های آن همواره گرامی است .
در شکل بزرگداشت این روز خونین و تاریخی که چهره هزاران شهید راستین رقم زن آن بوده است ، باید وضع خطرناک کنونی کشور را به دقت در نظر داشت .

در حال حاضر دستگاه استبدادی که با فزونی تنگناهای سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی کشور در لبه پرتگاه نیستی قرار گرفته است میکوشد با " حاد سازی " های بی دریغ وجود ایران بر باد دهد و خود را چند صباحی دیگر حفظ کند .

اتحاد نیروهای جبهه ملی ایران هنگامی که کردارهای جدید برای سرکوب مبارزان بتدریج آشکار می شد در اعلامیه پنجم دیماه ۱۳۵۶ خود نوشت " دستگاه استبداد این آشوبگرها و بی نظمی ها را برآه میاندازد و بیاری وسیله های تبلیغاتی گسترده ای که در اختیار دارد انجام آنها به دست هائی از مردم نسبت میدهد تا لزوم بقای خود و ادعای کیفیت عدم آمادگی ایرانیان برای نظام مردم سالاری را توجیه کند " و در همین اعلامیه پیش بینی کرد " این توطئه های ضد مردمی با حاد سازی آفرینی های دیگر دنبال خواهد شد " .

رویداد های چند ماهه گذشته ، " کشتار جمعی " مردم بی دفاع که با آرامش و نظم برای بیان خواسته های انسانی و قانونی خود اجتماع و تظاهر میکردند و تاکنون در سراسر ایران در شهرهای بزرگ و کوچک چند بار تکرار شده بخوبی روشن ساخته است که کانون " اخلال و آشوب " در مغز گنده دست اندرکاران حکومت جای دارد .

در چنین وضعی که استبداد وابسته به استعمار ، گماشتگان بی آرم خود را همچون یک قشون اشغالگر

بجان مردم انداخته است و بی هیچ بهانه‌ای صدای گلوله در کوچه و خیابان هر شهر و روستا طنین می‌افکند، کوشندگان راه آزادی و استقلال ایران، باید با آگاهی هر چه بیشتر به خنثی کردن توطئه‌های دشمن پردازند.

استبداد لجام گسیخته در همه جا میکوشد هر حرکت ملی، رابه جاده خشونت بکشانند تا باد ست باز آنسرا تارومار سازد در حالیکه ویژگیهای درونی و بیرونی کشور ايجاب میکند پیکار برای دست یافتن به استقلال کامل و بازگرداندن آزادبهای فردی و اجتماعی مردم با روش مسالمت آمیز دنبال شود.

از اینرو اتحاد نیروهای جبهه ملی ایران برای بزرگداشت روان تابناک شهیدان پانزدهم خرداد و ابراز نفرت نسبت به استبداد وابسته به بیگانه که هم اکنون میهن ما را صحنه وحشیانه ترین هجومها قرار داده است تصمیم آگاهانه تعطیل کار "همراه با" ماندن در خانه " برای روز دوشنبه ۱۵ / ۳ / ۱۳۵۷ را بگونه یک "مقاومت منفی" شمر بخش تائید مینمایند.

ما از همه زنان و مردان ایران زمین، از همه گروههای اجتماعی از همه دهقانان، کارگران، دانشجویان پیشه‌وران، بازاریان دعوت میکنیم که با شرکت در این "اعتصاب عمومی" عمق نارضایتی همگانی و شکوه همبستگی ملی را نمایان سازند.

۱۳۵۷ / ۳ / ۱۲

شورای اتحاد نیروهای جبهه ملی ایران

کثیرالطرف سازمان پروموزی حزب ملت ایران خرداد ماه ۱۳۵۷

خبرنامه

اتحاد نیروهای جبهه ملی ایران

شماره ۴۰ وازد هم - بیستم خرداد ۱۳۵۷

اعتصاب عمومی پانزدهم خرداد بازشناسی عمیق همبستگی ملی

در تاریخ مبارزات ملت ما روزهای - رخشانی وجود دارد که هر یک از آنها به اعتباری جاودانگی یافته است .
پانزدهم خرداد " یکی از همین روزهای سرنوشت ساز می باشد ، این " روز تاریخی و خونین " امسال از پی چند بار " کشتار جمعی " مردم بی دفاع که با آرامش و نظم برای بیان خواسته های انسانی و قانونی خود اجتماع و تظاهر میکردند ، فرارسید و در بد مبارزان راه آزادی و استقلال ایران برجستگی بیشتری داشت .

از این رو برای تجلیل از یاد شهیدان پانزدهم خرداد و ابراز نفرت نسبت به استبداد وابسته به بیگانه که هم اکنون ملت ایران را در عزای عزیزان خود نشانده است ، مراجع عظام تقلید و علماء اعلام و نیروها و سازمانهای ملی روز دوشنبه پانزدهم خرداد را " روز اعتصاب عمومی " اعلام نمودند و برای گرفتن بهانه از دست دشمن و جلوگیری از هرگونه آذمکنشی از مردم خواسته شد تا آنجا که ممکن است در خانه های خود بمانند .

دعوت به " سکوت باشکوه " در این روز شورا نگیز برای دست اندرکاران حکومت که هیچ بستگی با مردم ندارند و نمیتوانند داشته باشند ، در به تحمل ناپذیری بود ، سخت به تلاش افتادند و طرف چند روزچنان حرکت های ضد و نقیضی از خود نشان دادند که بی پایگی و سردرگمی آنها را نمایانتر ساخت .

در نخستین گام حتی از بردن نسام " پانزدهم خرداد " وحشت داشتند و تنها از " شایعه تظاهرات این هفته " سخن گفتند .
بقیه در صفحه ۲

مناقصی از مرکز شهر تخریب میشود

(بر اساس طرحی که از طرف شهرداری تهیه شده است ساختنهای فرسوده و قدیمی واقع در حیدر فاضل خیابان سیروس تا خیابان شاهپور برای ایجاد فضای سبز و پارکینگ خواب میشود)

کیهان ۴شنبه ۱۰ خرداد .
اساس کار شهردار برای طرحهای نوسازی و عمران - قانون نوسازی و عمران شهری مصوب ۱۳۴۷ است که اجازه میدهد شهرداری برای ایجاد تاسیسات شهری و توسعه و اصلاح معابر ، املاک و خانههایی را که مورد احتیاج است تصرف کرده و پهنای آنها را با تعیین غرامت بمالکین بهبود آرد .

ظاهراً قانون عادلانه است و آراسته اما امید انیم که این قوانین زیبای نوشته شده و مصوب نیست که رابطه دولت و موسسات وابسته بان را با مردم تعیین میکند بلکه اصول و مبانی غیرکنتی و تصویب نشده در مراجع قانونی ، توأم با تفسیرهای خاص قوانین مصوب رابطه موسسات عمومی و اداره کنندگان آنرا با مردم تعیین میکند . بموجب همین اصول و مبانی غیرکنتی ملی جاری است که مشاهده میکنید مورد طرحی نظیر طرح تخریب مرکز شهر ، زمینهای مردم را با ثمن بخش آرد ست آنها خارج میکند و بعد یاقیمتی بیش از پنجاه برابر قیمت خرید آری شده میروشد .
بقیه در صفحه ۲

هنر تجسس ملی کلمه

"جراد ردا غله مملکت مایک چنین گروه میبندد بشمند روشنفکر ، چون در راه مثبت و مملکت قدم برمی دارد در اطراف هیچ وقت حرفی زده نمی شود ، اما اگر بیخ نفر من حرف که پایه علمی آنها هم بعراتب از شماها کمتر هست و کلمه برضد مملکتشان صحبت بکنند این ها معروفیت پیدا می کنند" .

نقل از روزنامه کیهان شماره ۱۰۸۴۸ پنجشنبه ۱۸/۳/۱۳۵۷
این مطالب قسمتی از سخنان اعلیحضرت است که برای اعضای گروه بررسی مسائل ایران در ربرتوانقلاب شاه ولایت بیان شده و گویای واقعیتی بس مهم است که قدری توجه و موشکافی در آن میتواند جوابگوی هزاران مشکلات مردم و تعجب اعلیحضرت باشد .
بقیه در صفحه ۵

اعلامیه بازار

نصر من الله وفتح قریب و بشرالمومنین

بنام ایزد یکتا

مردم شرافتمند تهران :

بازار تهران ، یاد آور جنبش پیروزمند تحریم تنباکو و دورانهای پرشکوه انقلاب مشروطیت و نهضت ملی شدن صنعت نفت بعکس سنتهای مبارزاتی خود به پیروی از تصمیم مراجع عظام و علماء اعلام " روز خونین و تاریخی پانزدهم خرداد " را به همراه دیگر نیروها و
بقیه در صفحه ۲

پیش بسوی همبستگی همه نیروهای ملی

اعتصاب عمومی . . .

از صفحه ۴
در حالیکه برنامه پیش بینی شده در حد شایعه قسرار
نداشت و شخصیتها و سازمانهای سرشناس بطور رسمی
آنها اعلام کرده بودند و تصمیم "تظاهرات" هم در میان
نیبود بلکه تقاضای "تعطیل کار" و ماندن در خانه آنها هم
فقط برای روزد و شنبه پا نزد هم خورد اد بعمل آمده بود .

در همان هنگام که به این "مقاومت منفی" در رسانه های
گروهی "عنوان" شایعه تظاهرات این هفته "میدادند" ،
گام دوم برداشته شد و ناگهان صدای آقای جمشید آموزگار
که به اصطلاح نخست وزیر! کشور هستند ، در آمد و گفتند
"اتفاقا در این روزهایی که میگویند و بی جهت مرد مرانگران
میکنند باید بیشتر به خیابانها بیایند و همه مغازه ها باز
باشند . . . مردم باید بیشتر مشارکت بکنند تا نشان
بدهند یک عده معدود گمراه نمی توانند پیشرفت یک
مملکت را متوقف سازند .

ناگفته نماند بدنبال عنوان کردن "شایعات" بینه
"بیانیهای مخفیانه" نیز اشاراتی رفت ولی اظهار نشد
این بیانیها از سوی کدام عده معدود "می باشد کسبه
توانسته است اینهمه نگرانی و جنجال ایجاد کند .

گامهای بعدی "دستگاه استبداد" که بدان نسام
"بازتاب توصیه نخست وزیر در باره شایعه تظاهرات"
دادند چنین برداشته شد که برانجام امتحانات نهایی
در سراسر کشور در روز پانزدهم خرداد تاکید گردید ،
ستاد مرکزی حزب قراگیر تشکیل و در آنجا گفته شد
"بازرگانان و اصناف نباید فریب شایعات را بخورند و
در وقت در رکال قدرت از هر نوع اخلال و مزاحمت عناصر
ماجرای جلوگیری خواهد کرد" ، یکصد و چهل و پنج
اتحادیه صنفی تهران اعلام کردند "برخلاف شایعه های
پراکنده شده مغازه ها را نمی بندند" و "در جلسه مشترک
نمایندگان اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران و تهران
از بازرگانان و صاحبان صنایع و معادن "خواسته
شده به شایعات "توجه نکنند و به کار و کسب خود بپردازند" .
در ریی این پیش بینی ها و تلاشها روزد و شنبه پا نزد هم
خرداد ماه فرارسید ، روزنامه های گوش فرمان ساواک
بخشنامه وار نوشتند "امروز مغازه های تهران باز بود" .

جامعه اصناف طی اطلاعیه ای اعلام کرد "صاحبان
واحد های صنفی ، فروشگاهها و مغازه های خود را
بازکردند و به کسب و کارشان مشغول شدند" و رسول
رحیمی رئیس اتاق اصناف پایتخت در ساعت ده و نیم
بامداد اعلام کرد "تا این ساعت صد درصد مغازه های
سطح شهر باز شده است و فقط در منطقه بازار کتزاز سی
درصد کسبه هنوز مغازه ها و حجره های خود را نگشود ه اند" .
از طرف دیگر اعلام شد "همکارگران در کارخانه ها و

بقیه در صفحه ۳

مناطق از مرکز شهر . . .

از صفحه ۴
با توجه باین اصول و آنچه که در چند سال اخیر در
تهران و حومه آن بعنوان نوسازی بعمل آمد ، بدون آنکه
ادعای پیشگویی داشته باشیم این نتیجه گرفته میشود که
نتایج زیر از طرح تخریب مرکز شهر بدست می آید .

۱- خرید املاک مردم از طریق تعیین قیمت بوسیله
کارشناس (ماده ۸ قانون نوسازی و عمران) یعنی خرید با
کمترین قیمت و فروش آن بچندین برابر و طبیعا ایجاد فصل و
انفعالاتی در این معامله به نفع جیب دست اندرکارانی
نظیر معاملات عباس آباد که اگر شهرداری منکر آنست
قیمتهای خرید و فروش عباس آباد مخصوصا اسامی خریداران
را اعلام کند (تاسیه روی شود هر که در او غش باشد) .

۲- فروش یا اجاره این زمینها برای ایجاد هتل نظیر
اینترکنتیننتال در کنار پارک فرح و منازل شخصی پیرامون
پارک سعی به از ما بهتران و غیره ، تامهلمان خارجی و
ثروتمندان داخلی از فضای سبز ایجاد شده با مالیات و
عوارض نوسازی فرد تهران استفاده کنند و لذت ببرند .

در این باب کیهان شانزدهم خرداد شماره ۱۰۴۸۲-
صفحه ۵ نوشته است که مستاجرها پارک فرح را تصرف
کردند از سیصد و پنجاه هزار متر مربع مساحت پارک در ظرف
چند سال یکصد و بیست هزار متر مربع آن تبدیل به ساختمان
شده است . نویسند مقاله کیهان اگر به پارک سعی سری
بزنند وضعی بدتر از این مشاهده خواهد کرد .

۳- مردم بی خانمان منطقه طرح که احتیاج به محل
سکونت دارند اجبارا برای خرید آپارتمانهای بفروش نرفته
شهرک خوب ، اکباتان و شهرک جدید التاسیس تهران پارک
و هیره هجوم آوردند و ضمن خرید آنها بچند برابر قیمت تمام
شده مبلغی هم بعنوان ازدیاد تقاضا بپردازند .

۴- پارکینگ هایی هم در این مناطق برای رفاه مردم
یاد رواقع برای اتومبیل های در حال افزایش کارخانه های
پیکان و پژو و غیره ایجاد میشود تا هم مردم باین ترتیب
در خرید اتومبیل با قیمت های چند برابر قیمت تمام شده
در دول نباشند و هم صاحبان سرمایه و شرکای داخلی
آنها (وابسته) با فروش بیشتر در راستما مضاعف از طریق
این صنعت مونتاز پرسود تشویق شوند .

۵- بموازات این جریانات واقدمات بازار بایکی
از مراکز مقاومت میازات مردم ما از سایر قسمتهای شهر
جدد میشوند و در آینده نزدیکی مثل بازار مشهد بندون
توجه به بافت شهر، تخریب و ویران میگردد و بجای آن
در این محیط جغرافیائی خشک چمن کاشته میشود!!

اگر هدف از تخریب مرکز شهر غیر از این است شهرداری
نقشه کامل آنها که باید طبق قانون نوسازی و عمران تهیه کند به
اطلاع مردم میرساند ، در غیر این صورت چنین نتیجه گیری میشود
که مسئولین شهرداری از افشای اسرار کار خود وحشت دارند

اعتصاب عمومی . . .

از صفحه ۲

کارگاههای مختلف سرکارشان حاضر بودند و حتی کارگرانی که مرخصی استحقاقی داشتند مرخصی هایشان را لغو کردند .

بسیاری از کارمندان سازمانها و ادارات دولتی نیز مرخصی هایشان را برای روزیانزد هم خرد اد لغو کردند .

از همه با اهمیت تر آنکه آقای داریوش همایون سخنگوی دولت در پایان جلسه هیات وزیران ۱۱ گفت " در اعلامیه ها گفته شده بود که امروز ، روز سکوت با شکوه است ولی شاهد بودیم که همه با شکوه کار ، جای از را گرفت .

درآمد همین روز که قبول سخنگوی دولت مردم شایعه را جدی نگرفتند " روزنامه آیندگان با تیتر " درشت نوشت " نیروهای انتظامی شهرها را زیر کنترل دارند " و در دو روزنامه عصر تند ابر امنیت دولت را بیشتر شرح دادند .

روزنامه اطلاعات نوشت " قوای انتظامی امروز در تهران و اطب شهرستانها بحال آماده باش درآمدند و اوضاع راتحت نظر گرفتند . . . امروز گروهی از نیروهای انتظامی در برخی نقاط شهر در داخل محوطه موسسات مستقر شدند و برخی در خیابانها در رفت و آمد بودند .

روزنامه کیهان نوشت " نیروهای انتظامی برای جلوگیری از آشوب های احتمالی ، از شب در همه خیابانها ، چهارراهها ، مراکز پر جمعیت ، موسسات و آموزشگاهها و کانون های خطر احتمالی مستقر شدند و امروز در شهرها کنترل شدیدی را اعمال کردند .

موجب شگفتی است که چرا برای " جلوگیری از اغتشاش احتمالی " یک عده معدود " در سرتاسر ایران " نیروهای انتظامی شهرها را زیر کنترل گرفتند " و به گفته آقای جمشید آموزگار که " همه اینها شایعه است " گوش ندادند .

بدین اعتبار میتوان گفت برآستی " همه با شکوه کار " در همه جا وجود داشته چه سراسر کشور در اشغال قوای نظامی بوده است .

اما مردم بها خاسته میهن ماد وزیر این کنترل شدید یکپارچه و همگام نسبت به " دستگاه استبداد " ابراز نفرت کردند .

در تهران نه تنها بازاریان شرافتمند به دعوت اعتصاب عمومی " پاسخ مثبت دادند بلکه در بخش سنتی شهر و در خیابانهای مرکزی بیشتر مغازه ها و بیگانه های خصوصی و نیز با فروشبهای میدان امین - السلطان ، میدان گمرک و چهارراه سرچشمه و مغازه ها ،

اعتصاب عمومی . . .

از صفحه ۱
سازمانهای ملی به عنوان " بزرگداشت خاطره شهیدان و اعتراض به حکومت استبدادی " روز اعتصاب عمومی اعلام کردند .

تعطیل سراسری بازار تهران که بانظم کامل بررغم تهدیدها و تطمیعها و کوششهای دامنه ارمسزدوران و دست اندرکاران حکومت انجام گرفت برآنهاگران آمد . تعطیل های پی در پی بازار تهران که برای ابراز نفرت نسبت به " کشتار جمعی " مردم بی دفاع در شهرستانها و در سوگواری این شهیدان راه اعتلای اسلام و آزادی و استقلال ایران صورت پذیرفت دستگاه استبداد " را سخت خشمگین ساخت .

چون ایجاد فشارهای گوناگون از قبیل بستن مالیاتهای غیرعادلانه به وسیله وزارت دارائی برای بازرگانان و پیشه وران و پرونده سازیهای اطاق اصناف که به جریمه کردن و به زندان افکندن دارندگان واحدهای صنفی انجامیده و حتی بستن خلاف قانون مغازه ها و حجره های مبارزان که بیش از چهارماه از آن میگذرد خللی در عزم راسخ بازاریان تهران پدید نیاورده است .

اکنون از روز شانزدهم خرداد ماه جاری ماموران شهرستانی و اطاق اصناف خشونتها و تضییق های جدیدی را آغاز کرده اند و در این چند روز از گذاردن جنس در کنار د رمغازه ها که یک سنت بازاری است جلوگیری میشود و از بساط اندازی فروشندگان کم سرمایه معانعت میگردد و بهمین بهانه بسیاری از بازاریان را بهاد ناسزا و کتک گرفته و عده ای از ایشان را بنحو زندان های به کلانتری برد و مورد اهانت و ضرب مرار داده و سپس با دادن گزارش خلاف از طریق شورای د اوری جریمه سنگین کرده و بعضی را هم به زندان فرستاده اند .

آوردن بار به داخل و بردن بار به خارج بازار را در ساعتی که تاکنون مجاز بوده است حتی تا نیمه شب ممنوع ساخته اند ، از یکسو اطاق اصناف اعلام مینماید که معازنه و حجره ها و سراها باید نه بامداد باز و هفت عصر بسته شود و از سوی دیگر کلانتری دستور میدهد کالاهای بازرگانی را تنهاد رفاصله ساعت دوازده تا شش بامداد میتوان حمل نمود و جلوی آمد و رفت هرگونه وسیله نقلیه دستی و موتوری در داخل بازار در سراسر روز گرفته شده است .

از همه بدتر اینکه پلیس ها نیکه در این چند روز در بازار گشت میزنند و به تجاوز میگردازند بیشتر مست و از حالت عادی خارج هستند و گفته میشود رئیس جدید کلانتری بازار عده ای درجه دار و پاسبان را که بیشتر بسا

اعتصاب عمومی . . .

از صفحه ۳

اعلامیه جامعه . . .

از صفحه ۳

نزد یک آنها همگی کار خود را تعطیل کرده بودند .

عریه و حویان و چاقوگشان حرفه‌ای سروکار داشته اند. از کلانتری دیگری به همراه خود آورده تا از وجود آنها برای سرکوب کردن بازاربان استفاده کنند .

همه دانشگاهها و رسدهای عالی که در شهر تهران قرار دارند نیز جلوه‌گاه دیگر این "اعتصاب عمومی" بود و همه آنها تحت اشغال قوای انتظامی بودند و هیچ کلاس درسی تشکیل نشد و حتی همه امتحانهایی که در برار بود در روز بانزد هم خرداد در این مرکزهای آموزش عالی انجام شود بعقب افتاد .

خبرهای رسیده از شهرهای بزرگ و کوچک نشان میدهد در همه بازارها که در اعتصاب عمومی "پانزد هم خرداد" شرکت داشته‌اند بیست و کم روش همانندی در پیش گرفته شده است و هم اکنون بازارهای مشهد و اصفهان و تبریز و شیراز و اهواز دچار تشنج‌های ناشی از عدم امنیت حرفه‌ای می‌باشد .

پیداست که هیچکس انتظار نداشته است که در بلوارهای جردن و خیابانست و الیزابت یا خیابانهای همانند آن به "بوتیک داری" و "موزن سازی" و "کاباره" گردانی پرداخته‌اند یا با انباشتن کالا‌های خارجی در فروشگاههای رنگارنگ ساخته‌اند و بکسره تسلیم پارسیهای استعماری اروپایی و امریکایی شده‌اند و در خدمت وابستگان و نوکران "دستگاه استبداد" هستند در تعطیل کار "شوکت کنند" و شاید سخنگوی دولت کوشه‌ای از "شکوه همهجمله کار راد و میان این ناراجگران" شمال نشین " دیده است .

بازار تهران به این رفتارهای غیرانسانی و خلاف قانون بشدت اعتراض و اعلام مینماید. ادامه کسب در چنین وضع ناهنجاری غیرممکن است و اگر برای بازیافتن حقوق و آزادیهای شعلی باید دست از اعتقاد‌های دینی و دخالتهای سرنوشته کشور خود بردارند ، "تعطیل کار" را ترجیح میدهند .

اما آنچه مایه رسوائی بلندگوهای تبلیغاتی "نظام حاکم" شد گسترش یافتن "اعتصاب عمومی" به سرتاسر ایران بود. در همه شهرهای بزرگ همچون مشهد و تبریز و اصفهان و شیراز و اهواز و در شهرهای کوچکتر همچون قم و کاشان و قزوین و زنجان و بروجرد و حتی شهرکها در بازار و خیابانها، مغازه‌ها و بناهای خصوصی بناز نگه داشته شده با انگشتان در دست شعارش پذیرا بودند و در رهرا دانشگاهها و رسدهای عالی وجود داشت تعطیل گردید و چه بسیار بودند که آن اداره‌های دولتی که بر روزه‌های قبلی در آن روز بر سر کار حاضر نشدند .

ما به ماموران انجام کسبخته "دستگاه استبداد" هشدار میدهم اگر بی رنگ به این زشتکاریها و بی حرمتیها پایان ندهند "بازار تهران" ناگزیر دست به "اعتصاب عمومی" خواهد زد و زیانهای جبران ناپذیر آن بسبب اقتصاد در هم ریخته کشور برعهده "نظام حاکم" میباشد که برای بقای خود با استمرار چاقول شریونهای ملی از انجام هیچ عمل خلافی روگردان نیست .

در هکده ها و روزستانها مخصوص در آنها که نزد بست جاده قرار داشته وضع همچون شهرها بود و همه جا نشانه‌های "اعتصاب عمومی" دیده میخورد .

ما از "جامعه روحانیت" که همواره الهام بخش و پیشگام مبارزات حق طلبانه بود هاست یاری میجوئیم . ما از همه مردم ، از همه نیروها و سازمانهای ملی ، از همه گروههای اجتماعی که همواره در کنار آنها بود ایمم میخواهیم که بازار تهران این سنگر تسخیرناپذیر بیگانه راه آزادی و استقلال ایران در برابر تجاوزهای حکومت استبدادی حمایت کنند . ۱۳۵۷/۲/۱۸ جامعه بازرگانان و پیشه وران بازار تهران

بی جهت نبود که از فردای پانزد هم خرداد "ناگهان عریه و جوئیهای تماشاگران" "دستگاه استبداد" فروکش گردید و رفتاری پیرامون "شکوه همهجمله کار" محسوس گردید . دعوت به "اعتصاب عمومی" بگونه یک شعار ضد شعلی در پانزد هم خرداد "سال کنونی آزمون اوزده‌های بود که عمق همبستگی ملی ایرانیان و نیز جاگاه ویژه هر یک از گروههای اجتماعی راد در حرکت آزادی و استقلال بازشناساند و بی شک اگر اعتصاب عمومی هم نگردد و سازماندهی بایسته برقرار آید ، دست آورد‌های بیشتری داشتند .

هم‌میهنان!
به ماکند کنید ، نشر خبرنامه اتحاد نیروهای جنبه ملی ایران باد شوارهای بیشماری که دستگناه استبداد وابسته به بیگانه ایجاد کرده ، روبروست .
خبرنامه از آن روز شما است و چه از لحاظ مادی و چه از لحاظ معنوی تنها به کمک شما می‌تواند تکیه کند ، ما فرستادن خبرهای درست و بهنگام ما را یاری کنید و در تکثیر و پخش هر چه بیشتر آن شرکت نمائید .

استوار باد پیوند استاد و دانشجو

من تعجب...

از صفحه

اصولاً اندیشمندی زمانه می تواند منشأ اثر و مورد توجه قرار گیرد که بتواند آنچه را که می آید پیش بدین ترس و در کمال آزادی مطرح سازد و آن را در معرض قضاوت عموم قرار دهد ولی وقتی اندیشمندی جرأت و اجازه تجزیه و تحلیل جدی مسائل مطروحه را نداشته و مجبور باشد برخلاف آنچه می آید پیش بیان نموده و در مسابقه تعلق گویی پیش پا افتاده ترین مطالب و مسائل را در قالب زرین الفاظ و کلمات قصار بریزد و از گاه کوهی ساخته و نه کرسی فلک را به زیر پای نهد تا بوسه بر رگاب زند طبیعی است که اندیشه ها و طرح های یک چنین اندیشمندی نمی تواند منشأ اثر بوده و صاحب آن را به معروفیت برساند و به همین دلیل بحثی درباره نظرات آنان در میان مردم بوجود نمی آید و مسائل و مطالب طرح شده توسط آنان چون تندبادی زودگذر اثری در خاطرها باقی نمی گذارد.

اما آن پنج نفر منحرف وقتی حرف می زنند نه تنها مردم در رفتار و رفتار آنها انحرافی نمی بینند بلکه چون واقعیاتی نظیر زیر بار گذاردن قانون اساسی، برقراری حکومت دیکتاتوری فردی، مداخله غیرقانونی بر جان و مال و هم شئون زندگی مردم، افزایش زدی و فساد، حیف و میل اموال عمومی و ساختن مجالس و احزاب دولتی و هزاران اعمال خلاف قانون را که مردم این مملکت در راه مخالفت و عدم قبول آنها سالهای متعددی بهترین و عزیزترین فرزندان تحصیل کرده خود را از دست داده و مناظر وحشیانه ترین شکنجه ها و کشتارها را از آنرا اندیشمندی و روشنفکر واقعی بود مانند، از زبان این پنج نفر ها می شنوند آنها را مورد تائید و توجه قرار می دهند و به عبارت ساده تر حرف اینها چون حرف مردم است و بخاطر خوش آیند و تعلق گفته نمی شود بدل می نشیند و موجب معروفیت میشود و حرف آن همه اندیشمندی که برای اجرای دستور صورت میگیرد به گل می نشیند و خریداری پیدا نمی کند.

خبرها و تازهها

اعتصاب بازرگانان و پیشه وران مشهد

شهر مقدس مشهد که در تاریخ مبارزات ملی پیوسته نقشی چشمگیر داشته است در این دوره از کوشش های آزادخواهانه و استقلال طلبانه نیز از موقعیت ویژه ای برخوردار است و بر رغم کوشش های گسترده حکومت وابسته ضد ملی در پی هویت ساختن آن و با وجود عنصر کیفی همچون ولایت و مقام استانداری آن هنوز مردم از همبستگی عمیق ملی و مذهبی برخوردارند.

در پیانزد هم خرد اد سراسر مشهد در سکوت و

تدلایل همگانی سربرد و سبب خشم فراوان استبدادیان گردید و چون شکستن قفل مغازه ها و حجره ها، تهدید و ضرب و شتم و زندان و مداخلات غیرقانونی اتاق اصناف بگونه خریبه های گراف هیچیک سکوت عظیم مردم را نشکست استاند ارشرف و با فرهنگ او مشهد از روز شانزد هم دستور قطع آب و برق مغازه ها و حجره ها را صادر کرد.

مردم گروه گروه به حمایت از بازاریان پرداخته و توماری با امناهای فراوان فراهم شده و روز پنجشنبه هجدهم بازاریان و پیشه وران بنام اعتراض به این تصمیمات خلاف قانون دست از کار کشیدند.

دستگیری در کرج

روز جمعه دوازدهم خرداد ماه استبدادیان برای جلوگیری از تعطیل عمومی روز پانزدهم خرداد، آقای دلیلی پیشه ور خوشنام و شریف را که مورد احترام اهالی کرج می باشد همراه با آقای محمد باقر دلیلی فرزند ایشان دستگیر و در زندان شهربانی زندانی نمودند. آقای دلیلی پیرمرد هشتادساله پس از دستگیری بسختی مورد اهانت و ضرب قرار گرفته است.

دستگیری روحانیان آزاده

به دنبال برگزاری باشکوه اربعین شهیدان یزد، جهرم، اهواز در مسجد جامع تهران گماشتگان دستگاه استبداد هیچ فرصتی را برای دستگیری و آزار روحانیان آزاد نخواه از دست نداده و حجت الاسلام والمسلمین آقای شیخ فضل الله محلاتی، حجت الاسلام والمسلمین آقای شیخ جعفر شجونی، حجت الاسلام والمسلمین آقای سید حسین رضوی، حجت الاسلام والمسلمین آقای موحدی ساوجی و حجت الاسلام والمسلمین آقای موحدی قمی از جمله دستگیرشدگان می باشند.

اخراج نویسندگان و خبرنگاران

روزیست و هفتم اسفند ماه ۱۳۵۶ نویسندگان، خبرنگاران، گزارشگران و مترجمان مطبوعات ایران نامه سرکشاد های به نخست وزیر نوشته در آن به سانسور و حشتناکی که بر مطبوعات حاکم می باشد اعتراض نمودند.

این افشاگری و شجاعت بر استبدادیان بسیار تلخ و گران آمد و کوشش گسترده ای در زمینه خنثی ساختن اثرات آن با استفاده از همه امکانات اهریمنی آغاز گردید. ارباب و تهدید و سپس جعل تومارهای ساختگی و چون بی اثر بودن همه آنها روشن گردید به اخراج نویسندگان دست زدند، در هفته اول خرداد ماه آقای جلال سرفراز و بزرگ پور جعفر نویسندگان روزنامه کیهان از کار برکنار گردیدند در روز یکشنبه چهاردهم خرداد ماه آقایان جواد طالعی و پرویز آذری اخراج شدند.

در روزتاریخی و خونین پانزد هم خرداد که در بسیاری از شهرها مردم در تدارک "اعتصاب عمومی" بودند اتاق های اصناف که شعبه هائی از ساواک است به تبلیغات گسترده ای دست زدند و با جعل اعلامیه هائی از سوی اتحادیه های صنفی مختلف بیاری وزیرخوش سابقه اطلاعات و جهانگردی شتافتند تا سکوت باشکوه رابه هوچیگری و همه همه استبداد یان بدل سازد، ولی اندک توجهی به همان اعلامیه های کذافی نشان دهند ه همبستگی عمیق ملی و وسعت "تعطیل عمومی" است .

در اعلامیه ای که به نام "اتاق اصناف و اتحادیه های صنفی قزوین" داده شده است چنین می خوانیم "با اینکه در جلسه هفته پیش به نمایندگان اتحادیه توجه داده شده بود که به واحد های صنفی خود اعلام نمایند که به هیچ وجه و به هیچ علت مغازه خود را تعطیل نکنند معذالک تعداد زیادی از اصناف محترم در روز ۲۵۳۷/۳/۱۵ د کاکین خود را باز نکردند"

و در بخش دیگری از این اعلامیه آمده "آنها که به توصیه مکرر اتاق اصناف توجه نکرد ه اند ناگزیر مبادرت به علامت گذاری شده که در جهت تعقیب سیاست کلی دولت شاهنشاهی و برقراری نظم و آرامش و رفاه همشهریان ارجمند تحت پیگرد قانونی طبق مقررات قانون نظام صنفی قرار گیرند"

بزدان کشیدن پیشه وران بازار تهران

بعد از ظهر دوشنبه پانزد هم خرداد کماندوهای چماقدار که از تعطیل باشکوه بازار تهران بسختی خشمگین شده بودند آقایان سید احمد حسینوف، سید نعمت حسینی وفا، عباس حجتی، حسین اوشاغی، عباس اوشاغی، امیرکفش کتان و رجب شیبانی پیشه وران شریف و خوشنام راد ستگیروبزندان بردند و در راه زندان نیز از هیچ اهانتی فروگذار ننمودند و دستگیرشدگان را همراه باناسزاوید گوئی با باطوم و چماق مضروب ساختند کسانی که در راه تماشاچی این منظره شرم آور بودند بیش از پیش به حقانیت ادعائی دستگاه استبداد و درستی تبلیغات رنگارنگش پی بردند .

بازداشت دوروحانی مبارز

روز شنبه سیزدهم خرداد ماه ماموران امنیتی ضمن هجوم به خانه حجت الاسلام والمسلمین

آقای فاضل هرنندی و ایجاد رعب و وحشت در خانواده، ایشان را دستگیر و بزدان بردند .

روز یکشنبه چهاردهم خرداد در پیورش ماموران به خانه سید مهدی جعفریان طلبه علوم دینی، کتابهایشان به غارت برده شد و خود ایشان نیز بازداشت گردیدند .

حضرت آیت الله العظمی روحانی

همچنان در خانه خود زبانی هستند

خانه حضرت آیت الله العظمی روحانی که از روز سه شنبه بیست و ششم اردیبهشت ماه به اشغال ماموران شهریانی درآمده بود همچنان در محاصره کامل قرار دارد و رفت و آمد ساکنان خانه زیر کنترل شبانروز پلیس است بگونه ای که کودکان خردسال خانواده نیز بهنگام ورود و خروج بازرسی بدنسی می شوند .

دستگاه استبداد که غیر مجلی بودن ماموران را علت حمله به حریم خانه حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی و آیت الله العظمی شریعتمداری اعلام میدارد و گمان میبرد با این توجیه احقانه بارگناه خود را کاسته است چگونه برای گاردن بیست و پنج روز ماموران پلیس در خانه این روحانی عالیقدر عذر و بهانه خواهد آورد بی گمان ملت ایران هرگز جسارت استبداد یان را نخواهد بخشید .

گسترش همبستگی دانشگاهیان

اعضای هیات علمی دانشکده نفت طی نامه ای به نخست وزیر خواستهای هیات علمی دانشگاه صنعتی آریامهر تهران را با توجه به نکات زیر تائید نموده اند .

۱- نیاز مبرم کشور به مهارتهائی که رشته های تحصیلی دانشگاه صنعتی آریامهر تهران عرضه می نماید .

۲- عدم دسترسی گروه کثیری از فرزندان مستعد این آب و خاک به تحصیلات دانشگاهی (حدود ۲۰ درصد از داوطلبان) .

۳- توانایی مستقل دانشگاه صنعتی آریامهر تهران در پذیرش حداقل هفتصد نفر از این داوطلبان علاوه برمقداری که دانشگاه صنعتی آریامهر اصفهان می پذیرد .

در پایان این نامه هیات علمی دانشکده نفت مصرا خواستار جلوگیری از انحلال دانشگاه صنعتی شده اند .

پیروز باد ملت

شپنخون مغول واربه دانشجویان

کوی دانشگاه آماج گلوهای گماشکن دستگاه استبداد روز چهارشنبه دهم خرداد ماه دانشجویان ساکن کوی دانشگاه با سرپرستان خوابگاه گفتگویی طولانی در زمینه مقررات غیراصولی حاکم بر خوابگاه نهاداشتند که بعلمت نگرفتن نتیجه درست ادامه گفتگوها به ساعت نه شب پنجشنبه یازدهم خرداد موکول میشود.

سرپرستان خوابگاهها که از اجتماع دختران و پسران دانشجو بیم داشتند با چسباندن اطلاعیه‌ای در خوابگاه دختران مبنی بر تخفیر روز گفتگو سبب شدند شمار بسیاری از دختران بر سر قرار حاضر نشوند با اینهمه تنی چند از دختران که از طریق همکلاسان پسر خود به ساختگی بودن این اطلاعیه پی بردند به قسمت سرپرستان کوی دانشگاه آمدند و در کنار پسران دانشجو در انتظار دیدار گفتگو با آقای هوشیار سرپرست کوی دانشگاه ماندند اما ایشان که از رو برو شدن با دانشجویان و شنیدن درخواستهای انسانی و قانونی آنها بیم داشت برروال همه گردانندگان دانشگاهی از گارد بها خواسته بود تا گفتگوی سازنده‌ای با اباد دانشجویان داشته باشند. هنگامی که دانشجویان جمع شدند و رقم آنها بالا گرفت یک افسر شهربانی بهیانشان آمد و با سخنرانی کوتاهی حاوی زشت‌ترین کلمات که جز در فرهنگ انسانیهای خود فروخته نمی‌توان یافت، بویژه دختران دانشجو را تهدید و سپس فرمان حمله را صادر نمود.

گاردی‌ها که بیشتر بنظر میرسد شستشوی مغزی شده باشند و از هرگونه عاطفه انسانی بری‌لبه تیز حمله را متوجه صف کم‌شمار دختران دانشجو کردند، در این میان پسران دانشجو، خواهان خود را زنجیروار در میان گرفتند و زیرضربه‌های مرکب با طوم اجازه هیچگونه دست‌رازی به این سپاهیان جنگیزانندادند و دختران و اتا خوابگاهشان هدایت نمودند و سپس به خوابگاههای خود رفتند و بانهادن میز و کمد و صندوقی در پشت درها به گمان خویش ایمنی‌اندکی بوجود آوردند.

هنوز ساعتی نگذشته بود که بار دیگر حمله آغاز شد، شیشه‌ها فرو ریخت و درها از چهارچوب بیرون کشیده شد. این بار کماندهای تازه رسیده دانشجویان را زیر ضربه‌های با طوم و سپس گلوله قرار دادند و دزد یوار خوابگاهها از خون پاک این جوانان آزاد رنگین شد. دانشجویان بهر سختی خود را از این معرکه دور نمودند و این فرصتی غنیمت بود برای بغارت بردن همه لوازم زندگی و انداختن ناچیز دانشجویانی که سراسر

سال را کار کرده بودند تا خانواده تهیدست خود را یاری دهند.

خوابگاهها به آتش کشیده شد، و چرخه‌ها و موتورهای دانشجویان خرد گردید و صحنه‌ای پدید آمد که یاد آورگفته آن پیر خردمند نیشابوری بود پس از حمله مغولها.

دختران و پسران دانشجو چشم‌گین و وحشت زده به خیابانها ریختند و این بار با مسلسل بدستان آماده‌ای روبرو شدند که گویی به جنگ دشمن دیرین آمدند. زخمی‌ها را مردم و دانشجویانی که کمتر آسیب دیده بودند به بیمارستانهای اقبال، درپوش و مرکز پزشکی پهلوی رساندند که گفته میشود شمار آنها به صد هاتن میرسد دختران دانشجو که جانی برای ماندن نداشتند نیمه‌های شب دوباره به خوابگاهها رو می‌آورند ولی خانم آذر پیرار سرپرست خوابگاه به آنها گوشزد نمود که در خیابان ماندن بهتر است تا در فضای ناامنی که در اینجا پدید آمده و دختران ناچار به پارک‌ها و خانه‌های نزدیک پناهنده شدند و تا شب صبح بسیاری از آنها که آشنایی در تهران نداشتند سرگردان بودند و هنوز هم شماری از دختران دانشجو در خانه‌ها و دستان دختر خود و بکمک خانواده آنها زندگی می‌کنند زیرا که بسختی فارت شده‌اند.

تعداد زیادی از دانشجویان همچنان در بیمارستانها بستری هستند و حال تنی چند از ایشان بسیار وخیم است و گفته می‌شود در این شپنخون مغول وار دست کم چهار تن از دانشجویان کشته شده‌اند.

حیله کثیف گماشتگان دستگاه استبداد

چون قراوات بزودی گروهی از نمایندگان سازمان صلیب سرخ و سازمان عفو بین‌الملل از زندانیهای سیاسی دیدن نمایند، گماشتگان دستگاه استبداد بار دیگر در صدد استفاده از حیله کثیفی که در گذشته نیز بکار برده بود، برآمده و به جا بجا نمودن زندانیان سیاسی دست زده است.

در زندان قصر زندانیان سیاسی را به میان زندانیان عادی بردهند تا در هنگام بازدید نمایندگان سازمانهای صلیب سرخ و عفو بین‌الملل شمار زندانیان سیاسی ایران که همچنان رو بفرونی است با واقعیت تفاوت بسیار داشته باشد و ادعای بخشودنهای دروغین و آزاد کردنهای ساختگی دست‌اندرکاران حکومت استبدادی توجیه گردد.

ننگ بر مسببان و عاملان هجوم به کوی دانشگاه

کشتار مردم بی دفاع در نجف آباد از منهدان

مردم شهر نجف آباد همچون دیگر هم وطنان آزاد یخواه خود خاطره پانزد هم خرداد را گرامی داشتند و در مجلس باشکوه یاد بود شهیدان شرکت جستند و هنگامی که مراسم پایان یافت در رکمال نظم و آرامش از مسجد خارج شدند ولی ناگهان با هجوم وحشیانه نیروهای انتظامی، ژاندارم و سربازانی که در لباس پلیس بودند روبرو شدند و آتش مسلسلها گشوده شد و چهار تن در دم بخون در غلطیدند که نام آقای حسین لسانی بازاری سرشناس و شرافتمند تاکنون به خبرنگار رسیده است.

در میان کشته شدگان یک کارمند بانک تهران و یک دبیر نیز بوده اند.

شمار زخمیان بسیار است و گفته می شود در وقتن از آنها نیز در بیمارستان درگذشته اند.

نجف آباد از آن پس در محاصره قوای نظامی است و از هرگونه اجتماعی جلوگیری بعمل می آید. با اینهمه مردم از هر فرصتی برای ابراز نفرت نسبت به "دستگاه استبداد" استفاده می کنند و خواهان آزادی آیت الله منتظری پیشوای روحانی خود می شوند.

کشف جنازه شهیدان در یزد

مردم آزاده و با ایمان یزد که در حادثه خونین دهم فروردینماه شهیدان بسیاری به تاریخ مبارزات آزادی خواهی و استقلال طلبی ایران دادند هنوز در گوشه و کنار در جستجوی عزیزان گلگون کفن خود می باشند. چندی پیش از آب انبار میدان امیرچخماق جنازه جوان شهید بدست آمد که به این آب انبار پناه برده بودند تا در موقع مناسب بگریزند ولی شدت خونریزی ناشی از اصابت گلوله به آنها امان نداد و در همان آب انبار جان سپردند.

نامه سرگشاده روحانیان مبارز از تبعیدگاه

حضرات حجج اسلام آقایان علی تهرانی - سید محمد احمدی - سید علی محمد دستغیب شیرازی و مرتضی فہیم کرمانی چهارتن از روحانیان آزاد یخواه که ماههاست از خانه و شهر خود دورگردیده و در سقز در تبعید و زیر کنترل شبانروزی پلیس روزگار می گذرانند در نامه سرگشاده های به ملت ایران ضمن بررسی وضع نابسامان اجتماع چنین نوشته اند "کانونهای فساد و مظاهر تباهی را تا آن حد گسترش دادند که حیثیات معنوی اخلاقی اجتماعی توده های وسیعی را بخطر

افکنده، فشار اسیداد و خودکامگی کمر ملت را شکسته هیچ مردی بهیچوجه مصونیتی ندارد، در پایان این نامه از فشار دستگاه استبداد بر زندگی خصوصی خود در تبعیدگاه پرده برداشته اعلان نمودند که تمام حقوق فردی و اجتماعی از ما سلب شده و حتی اختیار مسکن و آمد و شد و تماس با مردم و اقامه جماعت و هیچگونه موعظه ای را ندارند " و سرانجام با امید به پیروزی و فتح با یاری خدا نامه را پایان دادند.

دستگیری و تبعید در سمنان اذاعه دارد

روز جمعه دوازدهم خرداد ماه آقای عباسعلی امامی طلبه علوم دینی را گماشتگان "دستگاه استبداد" در مد رسه علوم دینی شهر سمنان بازداشت نمودند. - حجت الاسلام آقای شیخ علی سالاری یکی از ائمه جماعت سمنان که در بین مردم نفوذ فراوان دارند نیز هفته گذشته دستگیر شدند.

- روز سه شنبه شانزدهم خرداد

حجت الاسلام آقای حاج شیخ علی اکبر ادب مورد حمله ماموران ساواک قرار گرفت و ضمن بازداشت این روحانی حق طلب بسیاری از کتابهای ایشان نیز به نارت برده شدند.

خودداری دادستان تهران از رسیدگی به اعلام جرم

آقای منوچهر مسعودی وکیل مبارز دادگستری طی نامه ای خطاب به هم میهنان عزیز نوشته است "اعلام جرم زبرد تاریخ چهارم بهمن ماه سال ۱۳۵۶ جهت تعقیب به آقای دادستان تهران اعلام و تحویل شد. و اضافه کرده "دادستان تا این تاریخ از رسیدگی به اعلام جرم یا ارجاع آن خودداری نموده است لذا مراتب تخلف انتظامی ایشان به دادسرای انتظامی قضات اعلام شد و متن اعلام جرم نیز برای آگاهی هموطنان عزیز انتشار می یابد".

در این اعلام جرم آمده است "روزنامه اطلاعات

در شماره ۱۵۵۰۶ مورخ ۱۳۵۶/۱۰/۱۷ مقاله توهین آمیزی نسبت به دین مبین اسلام و ساحت مقدس حضرت آیت الله العظمی حاج آقا روح الله خمینی مرجع تقلید شیعیان جهان درج نموده که موجب جریحه دار شدن احساسات عام ملت مسلمان ایران گردیده است اگر بنا باشد مقدسات ملی و مذہبی ملتی اینچنین بازیچه امیال هر فرد پاسازمان فاقد مسئولیت قرارگیرد چگونه ممکن است "جان و مال و مسکن و شرف مرد ما ز تعرضات محفوظ و مصون بماند".

ملت ایران، خواهان آزادی حضرت آیت الله منتظری و حضرت آیت الله طالقانی است

خبرنامه

اتحاد نیروهای جبهه ملی ایران

شماره سیزدهم - سی ام خرداد ۱۳۵۲

سیزدهم ماه رجب، میلاد حجت‌الاسلام امیرمؤمنان علی علیه السلام
سرور همه آزادگان تاریخ بشر، مظهر حقیقت پرستی را بهمه
شیعیان جهان به ویژه ایرانیان شادباش میگوئیم.

یاد آرزو شمع هرده یاد آر

یکسال از مرگ دکتر علی شریعتی گذشت

زمانهای د راز می گذرد که در میهن ما به علت وجود نظام
د یکتاوری و سلطه فرهنگی بیگانه، نهضت فکری پر مایه وریشه داری
که بتواند نسلی را به حرکت در آورد، نمودار نگردد ایده است و
اندیشمندان جامعه ما گویی در حاشیه حیات اجتماعی قرار داشته اند
و اگر در متن نیز تلاشهایی از خود نشان میدادند بیشتر متعلق به یک
قشر خاص می شد و ملت را نمی توانست به حرکت در آورد.
بد نبال بسط سبطه امپریالیستهاد ر میهن ما و در هم ریختگی
سازمان اداره کننده نهضت ملی و بویژه پس از کوشش های سیاسی
سال های ۱۳۳۹ تا ۱۳۴۲ و سرانجام حادثه خونین و تاریخی
پانزدهم خرداد ماه، فرهنگ و ارزشهای خودی و قرارداد آن مبارزه
ملی و رهائی بخش در رابطه با این سرچشمه های اصیل و پرتوان
اجتماعی، نقش فراوانی پیدا کرد و ملت ایران و مبارزان و کوشندگان
واقعی بیش از گذشته به این امر توجه کردند که راه نابودی دشمن
و به حرکت در آوردن مردم برای آزادی و استقلال را اینست که مبارزه را
از شیوه غربی و تقلید شده، بسوی پایگاههای سنتی سوق داد و از
فرهنگ پرشکوه ملی که اسلام خمیرمایه تاریخی آن می باشد طرف
بربست، از شکوهها و تهمتها و ایجاد حساسیت هانهراسید و حرکت را
از جایی شروع کرد که سنگر راستین بقای ملی و فرهنگی میهن
بوده است. بقیه در صفحه ۲

فرونی پیوند استادان و دانشجویان در مبارزه ملی

از چندین پیش که استادان آگاه و آزاد اندیش به صف مبارزان
ملی پیوسته اند و به حمایت و هدایت شاگردان خود همت گماشته اند
هر روز شاهد تظاهرات جدیدی از مقاومت و همبستگی آنها هستیم.
پس از حمله دشمنان استبداد به کوی دانشگاه و کشتار و غارت
و آتش سوزی و رفتارهای شرم آور، دانشجویان و استادان دانشگاهها
و مدرسه های عالی سراسر ایران دست به اعتراض زدند و
این توطئه های اهریمنی را محکوم نمودند و در راه مبارزه علیه این
بیداد و ستم آشکار متشکل تر شدند.
یکی از درخشانترین این تظاهرات اعتراض آمیز اجتماع روز
شنبه بیستم خرداد ماه استادان عالیقدر و دانشجویان مبارز
دانشکده پزشکی رازی در سالن بیمارستان سینا بود.
در سالن بیمارستان سینا جایی برای استادان حتی یک
دانشجو باقی نمانده بود.

بقیه در صفحه ۳

گرامی یاد روز افتخار آمیز بیست و نهم خرداد روز خلع ید از استعمار

نزد یک به نیمه شب بیست و نهم اسفند ماه
۱۳۲۹ مبارزات جبهه ملی ایران بر رهبری
دکتر محمد مصدق پس از یکسال و نیم پیگیری
شمر بخش شد و بنام "سعادت ملت ایران" و
"بمنظور کمک به تامین صلح جهان" اصل ملی
شدن صنعت نفت در سراسر ایران به
تصویب نهایی رسید و از آن تاریخ تمام
عملیات اکتشاف و استخراج و بهره برداری
قانوناً در دست دولت ایران قرار گرفت.

بد نبال بر رسیهای فراوان سرانجام در
نهم اردیبهشت ماه با تلاشهای دکتر مصدق
قانونی بتصویب رسید که ماده دوم آن بیان
میداشت: "دولت مکلف است با نظارت
هیات مختلط بلافاصله از شرکت سابق نفت
انگلیس و ایران خلع ید کند...".

مردم بپا خاسته ایران در آن روزهای
تاریخی مبارزه، بیم داشتند که دشمنان
ایران با آسیب رساندن به جبهه ملی
سازمان متشکل ملت و یا بر رهبر نهضت که
بارها از سوی استعمار و عوامل آن در معرض
خطر قرار گرفته بود، از اجرای قانون ملی
شدن صنعت نفت جلوگیری نمایند و تمام
تلاشهای قهرمانانه ملت ایران را بر رهبری
جبهه ملی برباد دهند و امیدهای سازنده
استقلال و آزادی را که پس از مشروطیت
دوباره در دلهای مردم جوانه زده بود،
بیأس مبدل سازند و بهمین دلیل با خود -
جوشی و نگرانی فراوان در انتظار فرا
رسیدن روزی بودند که بریده شدن دست
استعمارگران خون آشام را از عظیم ترین
منابع ملی خود ببینند و حق حاکمیت ایرانیان
را بر سرزمینهای خود احساس نمایند.

بقیه در صفحه ۲

فرخنده باد بیست و نهم خرداد روز کارگران ایران

گرامی یاد روز . . .

از صفحه ۱

دولت استعماری انگلستان به وسیله‌های گوناگون سیاسی و بسیج عوامل داخلی خود از چپ و راست و برانگیختن بهانه‌های جورا جور تلاش میکرد تا از اجرای این اصل که پایان دوران اسارت ملت ایران بسود جلوگیری بعمل آورد .

با اعزام کشتی‌های جنگی به خلیج فارس وحتی استقرار آنها در نزدیکی کرانه‌های آبادان و تهدید به لشکرکشی و اشغال سرزمینهای نفتی از طریق نیروهای دریائی و هوائی وزمینی ، درصدد پایمال کردن پیروزیهای ملی مردمی بود که پس از گذشت سالها مجاهدت و تلاش به آن رسیده بود .

روزهای پراشویی برخوردارستان میگذاشت . گرمای نیمه دوم خرداد ماه خورشید را به زمین دوخته بود ، شعله‌های آتش در خطه زرخیز میهن ما بیش از همیشه امید می‌آفرید شعله‌های درون سینه مردم ، خود آتشکده‌های بود کسه خاموشی‌ها و تاریکیها و سردیها را واپس میزد و سرکشی میکرد بر تیر و فزون تر از شعله "دکل" هاد رنیمه‌های شب خوزستان پر خروش آتش فشانی می نمود کارگران زحمتکش شهرهای سوزان و ساکنان تهی دست حلبی آباد و حصیرآباد و ... نیروهای خود را سازمان میدادند و مصمم و بی‌تردید بودند جبهه بندی و سنگر سازی میکردند تا در برابر یورشهای احتمالی دشمنان پایداری کنند و حماسه " ناتمام " دشتستان را با پایان برسانند .

۲۹ خرداد ماه فرارسید . روزی که نمایندگان دولت ایران در میدان نبرد تاریخی گام نهادند و بی محابا از دولت غاصب و استعماری انگلستان در کلیه سازمانها و موسسات و کارخانه‌ها و ادارات نفتی خلع ید بعمل آوردند و با آزاد های محکم قانون ملی شدن صنعت نفت را به مرحله اجرا رساندند و بطور عظمی به یکصد و پنجاه سال زورگوئی و استعمار پیمان بخشیدند .

در آن روز پیرشکوه پرچم سه رنگ ایران در سرتاسر خوزستان با هتزاز درآمد ، شیرهای نفت بر بیگانگان آزمند بسته شد و هیات مدیره ایرانی برای نخستین بار جانشین " صاحب " ها و اربابان سابق گردید .

موج این پیروزی سرتاسر ایران زمین را فرا گرفت و مردم میهن ما غرق در شادی و شغف ، زد و دگی عقیده و حقارت را در خود و در تمام هستی ملی و فرهنگی حسود احساس میکردند .

زندگی مستقل و " ایرانی " پای می‌گرفت ، آزادی و " انسان " بودن مفهوم پیدا میکرد .

بقیه در صفحه ۳

یاد آرزو جمع . . .

از صفحه ۱

دکتر علی شریعتی ، آن رزمنده والا و آن اندیشمند گرانمایه که از مکتب پدر بزرگوارش استاد محمد تقی - شریعتی فیض فراوان برده بود و در دوران نهضت ملی ایران خود به گونه جوانی مبارز و آشتی ناپذیر در کوششهای مردم خراسان سهم فراوان داشت و در طی اقامت چندین ساله خود در پاریس از آزمونهای نهضت رهایی بخش جامعه‌های اسلامی طرف بسته و پسا اندیشه‌های جدید و مکتب‌های جامعه‌شناسی انتقادی ، آشنایی و آگاهی یافته بود باد رک عمیق و نگرش وسیع خود حرکت جامعه ایران را بسوی فرهنگ ملی و رهایی از همه سلطه‌های بیگانه ، بازشناسی کرد و ندای حق - طلبانه خود را در جامعه ترسان از غرب و بی‌امید سال‌های گذشته طنین انداز ساخت و حرکتی را در جامعه ما بوجود آورد که بی شک در سده اخیر کم نظیر بوده است .

آموزشهای دکتر علی شریعتی در خط اسلام و پاسداری از اصول و ارکان جاودانه آن بود ، دفاع از اسلام بویژه تشیع بگونه نهضتی انقلابی ، جوانان و متعلمان و دانشجویان بخود آمده و پیرشور ایران را در خط مبارزه با استبداد و ظلم و دیکتاتوری و دفاع از استقلال ملی و ارزشهای فرهنگی جامعه قرار میداد .

دکتر علی شریعتی " ملیت " را یک " واقعیت انسانی " و یک حقیقت اجتماعی بشمار می‌آورد و دفاع از آنرا نفعی مانعی در برابر " انسانیت " نمی‌دانست بلکه بگونه یک انسان استقلال طلب و آزاد یخواه آنرا " تحقق راستین انسانیت در روی زمین و نه روی کاغذ " محسوب میکرد .

دکتر شریعتی تا واپسین دقیق زندگی خود ، بسان یک " مجاهد " دلاور نهضت ملی ایران باقی ماند . او به میهن خود ، به مردم میهن خود ، به فرهنگ میهن خود علاقمند بود ، مسلمان بود و پاکباز و اسلام را در همه ابعاد گسترده اش پذیرفته بود و چونان نادره‌های زمان جاں خود را نیز در راه آرمانش نثار کرد .

یکسال از مرگش گذشت ، یکسال پرحادثه ، درگذشت دکتر شریعتی ضایعه بسیار دردناکی بود آنهم بهنگامی که آگاهی ، درایت و اعتقاد نجیبانه اومی توانست در فراز و نشیب مبارزات ملت ما چارمساز باشد . از دکتر شریعتی سخنها گفته شد ، کتابها و مقاله‌ها و رساله‌های در ایران و خارج از ایران بچاپ رسید ، مجلسها و محفلها برپا شد ، همه جاسخن از شریعتی بود ، از مردی که تسلیم نشد ، از مردی که مرگ هم او را نابود ساخت و بر عکس نام نیک و اندیشه‌های رهایی بخشش را جاودانه تر ساخت .

بیست و نهم خرداد روز خلع ید از استعمار گرامی باد

گرامی باد روز...

از صفحه ۲

۱- ما اساتید و دانشجویان دانشکده پزشکی، حمله وحشیانه به دانشجویان کوی دانشگاه تهران را که طی آن بیش از ۶۰ نفر مجروح و تعدادی مفقود الاثر شده اند شدیداً محکوم نمود و تاکید میکنیم که چنین حوادث اسفباری ناشی از وجود فضای خفقان آوریلیسی در دانشگاهها و کوی دانشگاه میباشد و خواهان اخراج گارد و نیروهای پلیس از محیط های آموزشی و دانشجویی هستیم.

۲- ماتخریب و غارت اموال دانشجویان و تعطیل شدن کوی دانشگاه را که بعلمت حمله نیروهای نظامی غیراستفاده شده و منجر به آواره شدن دانشجویان شهرستانی گردیده موکداً محکوم کرده و مصراً خواستار رسیدگی به وضع دانشجویان هستیم (باز شدن کوی دانشگاه و معرفی آزادی دانشجویان مفقود الاثر و زندانی).

۳- ما حمله های مکرر عدای چماق بدست را به اکهپ های کوه نوردی دانشگاهها و مدارس عالی که منجر به ضرب و جرح عدّه زیادی از آنان گردیده است محکوم نموده و خواهان قطع این قبیل اعمال مذبحوحانه هستیم.

۴- ما فعالیت های صنفی دانشجویی از قبیل کتابخانه ها و غیره را به مثابه اساسی ترین حقوق دانشجویی تلقی کرده، هرگونه ممانعتی را در این قبیل فعالیتها، تجاوز به حقوق دانشجویی قلمداد می کنیم.

۵- ما حمایت خود را از خواستهای برحق دختران دانشجوی ساکن کوی دانشگاه تهران اعلام داشته، خواستار بازبودن مجدداً سلف سرویس دختران و نیز لغو محدودیتهایی از قبیل مقررات حضور و غیاب روزانه محدودیتهای ساعت ورود و خروج آنها از خوابگاه و... را که برآنان تحمیل میشود هستیم.

۶- ما حمله گارد و نیروهای انتظامی به دانشجویان تبریز را که منجر به شهادت و مجروح شدن دانشجویان کارمندان و استادان دانشگاه آذربایجان شده است محکوم میکنیم.

۷- ما در حالت بی جا و غیر منطقی گروهی غیر مسئول را که با دادن نمره (ه) بدون کسب اجازه از اساتید، تعداد زیادی از دانشجویان را در وضعیت نامناسب و حتی اخراج قرار داده اند محکوم مینمائیم. این مسئولیت در حیطه استادان و هیات علمی دانشکده ها میباشد نه دیگران.

۸- ما انحلال دانشگاه صنعتی تهران را بقیه در صفحه ۴

دامنه پیروزی از مرزهای ایران نیز گذشت، در تمام پایگاههای نظامی انگلستان و موسسات نفتی در سرتاسر خاورمیانه واکنش هائی ظهور کرد و اعتقاد به اینکه در سایه اتحاد و سازماندهی می توان به سیطره انگلستان بگونه بزرگترین استعمارگر جهان، پایان داد و بزندگی مستقل و آزاد رسید امید های مردم منطقه را صد چندان کرد.

دکتر مصدق پیشوای ملت ایران، فراتر از مرزها و نژاد ها و زبان ها امید آفرین شد و در نظر و عمل بسان رهبری آهنین اراده و پیروزمند به تمام نهضت های رهائی بخش ملی منطقه، تعلق پیدا کرد و "مصدقی" کردن مترادف "ملی کردن" شد و پیشوای ایران مظهر نهضت استقلال بشمار آمد.

از ۲۹ خرداد ماه ۱۳۳۰ این روز پیروزمند بدلائی چند، که عمدتاً در آن شرکت زحمتکشان میهن ما در مبارزه ضد استعماری بود، روز کارگران ایران نامیده شد. روزیکه این گروه عظیم سازماندهی و سازماندهی را در خلعید کنند، اورا تأیید کردند، روزیکه دست از کار کشیدند و در گرمای سوزان خوزستان فریاد زدند "مصدق پیروز است" و هیات خلعید را در میدان نبرد پاسداری کردند.

دستگاه استبداد وابسته به بیگانه که تمام دست آورد های ملی ما را بتاراج داده، کوشش میکند، روزهای افتخار آفرین ملت ایران نیز در بفته فراموشی بماند. در حالیکه مردم میهن ما با آگاهی و صمیمیت هر چه فراوانتر نه تنها تاریخ حیات ملی و پیروزمند خود را از یاد نمی برند، بلکه در این شرایط سیاسی که حکومت بریده از مردم، سقوطش حتمی بنظر میرسد، می رود تاروهای افتخار آفرین تری را بنیاد نهاد و بر تمام پیروزیهای گذشته دست یابند.

گرامی باد خاطره بیست و نهم خرداد ماه روز قطع سلطه انگلستان و پایگیری حکومت ملی.

فزون پیوند...

از صفحه ۱

قطعنامه ای که در ۹ ماده تنظیم شده بود به امضای یک یک استادان شجاع رسید، سالن از صدای تحسین دانشجویان می لرزید و کف زدنها قطع نمیگردد. شمار دانشجویان از هزار می گذشت، همسنگی استاد و دانشجو شور و ولوله ای بی پایان برپا کرده بود قطعنامه خوانده شد، هر ماده به تصویب همگان رسید و ما بجهت اهمیت به نشر کامل آن می پردازیم:

پیروز باد ملت

خبرها و تازها

از صفحه ۳

فزون پیوند . . .

مردود شمرده، خواهان رسیدگی به خواسته های منطقی و برحق استادان، دانشجویان و کارکنان این مرکز آموزشی مبنی بر ادامه فعالیت آن هستیم .
۹- مازیریا گذاشتن قوانین نظام پزشکی از طرف نیروهای انتظامی رادربیمارستانهای پهلوی و اربوش که اهانت به ارزش اجتماعی پزشک می باشد شدیدا محکوم می نمائیم .

نامه انتقاد آمیزی به خبرنامه

یکی از مبارزان دیرپای نهضت ملی ایران، نامه انتقاد آمیزی برای هیئت تحریریه خبرنامه فرستاده اند که با سپاس از یادآوری ایشان بخشی از آن در زیر نقل میشود :

"متأسفانه خبرنامه درباره اعتصاب پانزدهم خرداد آنچنان که سزاوار آن بود حق مطلب را ادا نکرد . ملت ایران بدون داشتن هیچگونه امکان تبلیغاتی زبان به زبان و سینه به سینه در سراسر ایران اعتصاب بزرگی برپا داشت که نه تنها کم نظیر بلکه بی نظیر بود .

در این اعتصاب فقط چند شهرستان بزرگ شرکت داشتند کلیه شهرستانهای کوچک حتی دهات و قصبات نیز این دعوت را لبیک گفتند .

باید توجه داشت که در شرایط خفقان آمیز کنونی که دستگاه استبداد از کلیه امکانات خود برای کوچک جلوه دادن اعتصاب و جلوگیری از آن استفاده نمود ولی مفتضحانه شکست خورد این نشانه بیداری و هشیاری و دینداری و عظمت ملتی است که دیگر از هیچ چیز نمی هراسد و از جان و مال خود می گذرد تا ظلم و بیادگری را ریشه کن سازد و استقلال ایران را بدست آورد .

پس سزاوار بود بیش از اینها به این اقدام بزرگ ملت ارج نهاده شود و خبرنامه این فداکاری را چه جهت تاریخ ایران و چه برای آگاهی جهانیان آنچنانکه واقعیت پیدا کرد منعکس سازد ."

خبرنامه : همانگونه که بارها اعلام شده است خبرنامه نشریه ایست که به همه ایرانیان آزاد یخواه و استقلال طلب تعلق دارد و برای بهتر انجام دادن وظیفه بزرگ ملی خود یعنی روشنگری هرچه بیشتر به کمک و راهنمایی مبارزان نیاز دارد .

با خرسندی از دریافت این نامه بار دیگر از همگان میخواهیم تا با فرستادن خبرهای درست و بهنگام ما را یاری کنند .

روز عزای عمومی چگونه گذشت

بد نیال پیام حضرت آیت الله العظمی خمینی که یادآور کشتار وحشیانه مردم قم بود و اعلامیه مشترک مراجع عالیقدر عالم تشیع حضرت آیت الله العظمی شریعتمداری و حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی و حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی که روز شنبه بیست و هفتم خرداد ماه را روز "عزای عمومی" اعلام نمودند، و متن آنها در فوق العاده خبرنامه انتشار یافت، در بسیاری از شهرها از جمله تهران روحانیان مبارز نیز به پیروی مراجع عالیقدر تقلید طی اعلامیه هائی با امضاء، این روز را روز "عزای عمومی" اعلام نمودند .
در تهران، بازار که در طول مبارزات ملی پیوسته پیشگام بوده است و از هیچ فداکاری در راه آزادی و استقلال ایران دریغ ننموده تعطیل عمومی نمود و معازنه های خیابانهای اطراف بازار و مرکز شهر نیز بطور کامل بسته بود .

همه جانپروهای انتظامی و پلیس از قبل استقرار یافته بودند ولی مردم هشیار که نقش ویرانگر و آشوبساز پلیس را بخوبی شناخته اند هیچ بهانه ای برای دخالت به گماشتگان "دستگاه استبداد" ندادند و بدینسان در جریان این نمایش همبستگی ملی حادثه ناگواری پدید نیامد .

مانور گردانندگان اتاق اصناف نیز که نزد یک ظهر انجام پذیرفت تغییری در وضع ایجاد نکرد .

دانشجویان دانشگاهها و مراکزهای عالی تهران هم در این روز به پاس شهیدان از شرکت در جلسه های امتحان خودداری نمودند و بدینسان بار دیگر بخش عظیمی از مردم تهران در "عزای عمومی" بسر بردند .

در همه شهرهای بزرگ همچون تبریز، اصفهان، شیراز و اهواز و مشهد و شهرهای کوچکتر مانند قم، کاشان، قزوین، یزد، زنجان و بسیاری از شهرکها و روستاها روز شنبه بیست و هفتم، روز "عزای عمومی" بود و در همه جا مردم دست از کار کشیده به سوگواری نشستند و یکبار دیگر پیوند ناگسستنی ملت ایران با جامعه روحانیت "بخوبی نمایان شد .

حمله چاقو کشان حرفه ای به مبارزان در بند

اعتصاب غذای زندانیان سیاسی اصفهان

روز دوشنبه بیست و دوم خرداد ماه جلادان زندان شهربانی اصفهان آقای نهادی یکی از زندانیان سیاسی را بی هیچ عذرو بهانه ای زیر ضربهای باطوم و لگد بسختی مجروح ساختند و ساعتی بعد نیز زندانی سیاسی دیگری بنام بابایی را مضروب نمودند و

حمله چاقوکشان . . .

از صفحه ۴

د قیق پزشکی نیز دارند چارتنج های عصبی شده و در بیمارستان ارتش بستری گردیده اند .

چون شدت آسیب دیدگی زیاد بود اورا به نقطه نامعلومی بردند .

— حجت الاسلام والمسلمین آقای لاهوتی نیز بد نبال یک دوره زندان سخت که آغاز آن باشکنجه های بسیار همراه بود چار بیماری گردیده و در بیمارستان بستری شده اند .

زندانیان سیاسی به این رفتار وحشیانه ماموران اعتراض می نمایند ولی مسئولان زندان بجای رسیدگی به اعتراض آنها ، چاقوکشان حرفه ای را که به زندانهای دراز مدت محکوم شده و برای آزادی چشم امید به دژخیمان دارند ، باو ده های فریبنده و در اختیار گذاردن تعدادی چاقو ، شب هنگام وادار به حمله به زندانیان سیاسی می کنند .

یادبود دکتر علی شریعتی

روز یکشنبه بیست و هشتم خرداد ماه بمناسبت سالگرد مرگ نابهنگام دکتر علی شریعتی از سوی استاد محمد تقی شریعتی پدر عالیقدر آن معلم و مجاهد پراچ و حسینیه ارشاد و یاران او مجلس یادبودی در مسجد ارک برپا گردید .

زندانیان که هیچ وسیله دفاعی در اختیارند اشنتند بسختی مجروح می شوند و خون سطح زندان را میپوشاند . در این فاجعه شرم آور آقایان مرتضی باپائی ، مهندس مصطفی امیدی ، مرتضی ترکی ، محمد صغری ، نورالله نصری ، حسین کیا نپور ، حسین توکلی ، مهدی تدینی محمد رضا آذری و حسین مسیب زاده از جمله زخمیان هستند .

در این مجلس هزاران تن از مردم تهران بویژه جوانهای متعهد به راه و رسم و طریقت شریعتی شرکت نمودند .

صحن حیاط و شبستانها و حتی بام مسجد از جمعیت موج میزد .

از روز سه شنبه بیست و سوم خرداد ماه زندانیان سیاسی دست به اعتصاب غذا زدند و هنوز هم این اعتصاب ادامه دارد .

باآیاتی از کتاب الهی مجلس آغاز گردید و نوازش نیایش از سلسله سخنرانی های دکتر شریعتی پخش شد و سپس دکتر کاظم سامی پزشک مبارز پیرامون شخصیت و افکار شریعتی سخنرانی ایراد نمود و آقای پرویز خرسند خاطراتی چند از دکتر شریعتی بیان کرد ، قطعه شعر کوتاهی نیز بمناسبت سالگرد شریعتی خوانده شد و سرانجام استاد محمد تقی شریعتی مرد فضیلت و راستی از مردم بویژه جوانها سپاسگزاری نمود . در تمام مدت مسجد در محاصره سربازان نیروی زمینی مجهز به مسلسل های سنگین و سبک بود و پلیس با ماسک های ضد گاز و باطوم بدست در اطراف حرکت می کرد .

خانواده های زندانیان نیز که برای اعتراض به شهر یابی مراجعه می نمایند بی آنکه خواستهای انسانی و قانونی آنها مورد اندک توجهی قرار گیرد مورد ضرب قرار می گیرند و پراکنده می شوند و کوشش های آنها برای داد خواهی هنوز بجائی نرسیده است .

بازداشت مبارزان شهر نجف آباد ادامه دارد

گماشتگان "دستگاه استبداد" پس از کشتار وحشیانه مردم بی دفاع نجف آباد در روز تاریخی پانزدهم خرداد شهر سوگوار نجف آباد راتحت اشغال نظامی در آورده و هرروز مردم را به بهانه های مورد هجوم قرار میدهند .

از همه سو راه ورود اتومبیل به میدان ارک بست شد و تا چند خیابان آن طرف تر نیز زیر کنترل شدید نیروهای به اصطلاح انتظامی !! بودند . ساعت هفت و نیم بعد از ظهر مجلس پایان یافت و مردم گروه گروه از مسجد خارج شدند .

این رفتارهای غیر انسانی مردم راسخت خشمگین ساخته است و شمار بسیاری از آنها بزند ان کشیده شده اند ، آقای حاج غلامعلی رستمی که از مبارزان نجف آباد می باشد و آقایان محمد رضا یمانی و و برادر ایشان و حاج حیدرعلی ستاری و محمدعلی ستاری از جمله بازداشت شدگان هستند .

بستری شدن حضرت آیت الله منتظری حجت الاسلام والمسلمین لاهوتی

در خیابان ناصر خسرو و قسمت جنوبی خیابان خیام گروهی از جوانان مورد حمله ماموران قرار گرفتند و کار به تیراندازی کشید و شمار بسیاری از آنها بازداشت شدند ، بسیاری هم زیر ضربه های باطوم زخمی و مجروح گردیدند ، هنوز از عدد دقیق دستگیر شدگان و زخمیان خبری در دست نیست .

بطوریکه از زندان اوین خبر رسیده حضرت آیت الله منتظری بد نبال تحمل دوران طولانی و هولناک زندان درستین کهولت که نیاز به مراقبت های

زندانیان و تبعیدشدگان سیاسی را آزاد کنید

قربانیان هجوم وحشیانه به کوی دانشگاه

در شبیخون مغول و اربلیس در منش "دستگاه استبداد" در شبانگاه پنجشنبه یازدهم خرداد ماه به کوی دانشگاه عدای از دانشجویان دختر و پسر ناپدید گردید هاند که گفته می شود دست کم چهار تن از آنها کشته شده اند.

تاکنون نام دو تن از قربانیان این هجوم وحشیانه بدست آمده یکی میترا اردوبادی دانشجوی رشته مدیریت صنعتی دانشگاه اقتصاد و دیگری حسین نوری دانشجوی رشته شیمی دانشگاه فنی.

بیانیه هیئت علمی دانشگاه تربیت معلم

هفتاد و چهار تن از اعضاء هیئت علمی دانشگاه تربیت معلم طی بیانیه ای از خواستهای استادان و دانشجویان دانشگاه صنعتی تهران پشتیبانی نموده و طی آن نوشته اند "در شرایطی که وجود هر مؤسسه عالی حتی کوچک هم مغتنم است، تعطیل این دانشگاه به بهانه بازکردن دانشگاهی دیگر امری غیر موجه است.

در سال جاری بنا برآمار منتشره بیش از سیصد هزار نفر در رکنکور سرتاسری شرکت می کنند.

در پایان این بیانیه با انحلال این "موسسه" آبرومند "بشدت مخالفت شده است.

دعوت به تشکل و اتحاد

شاخه پیشرو برای اتحاد "نهضت ملی ایران" که از چندی پیش با دادن بیانیه های به روشنگری پیرامون وضع "دستگاه استبداد" و پشتیبانی از کوششهای آزاد یخواهان و استقلال طلبانه مردم، برخاسته طی بیانیه ای که در تاریخ ۱۲۵۷/۳/۲۰ خطاب به هموطنان نشر داده است چنین نوشته "در شرایط کنونی که مختصات کلی آن از یکسو ضعف دستگاه و از سوی دیگر همه گیر شدن مسئله مبارزه و سیاسی شدن جامعه ایران است وظیفه کلیه مبارزین راه آزادی شناختن دقیق این موقعیت و متشکل کردن صفوف مبارزاتی است زیرا تاریخ نشان داده که ضعف استبداد در شرایطی که خود دچار ضعف درونی است همواره سعی نموده . . . با تفرقه میان نیروهای مبارز یا دامنه زدن

به اختلاف های موجود خود را از مهلک های که تشکل و اتحاد نیروهای ملی برای او بوجود می آورد، برهانند.

اعتصاب کارکنان سازمان منطقه ای آب تهران

کارکنان سازمان منطقه ای آب تهران که برای دست یافتن به خواستهای قانونی بارها دست به اعتصاب زده و با وعده های فریبنده و میان تهی دست از اعتصاب کشیده و به سرکار خود بازگشته اند یکبار دیگر از روز دوشنبه بیست و دوم خرداد ماه با اعلام همان خواستها از ادامه کار سرباز زده و خواهان اجرای وعده های مسئولان این سازمان شده اند.

افزایش هزینه سرسام آور زندگی با حقوق ناچیز کارکنان این سازمان هیچگونه تناسبی ندارد و همین موضوع موجب نارضایتی و اعتصاب های پی در پی این هم میهنان شریف و زحمتکش شده است.

کارکنان سازمان منطقه ای آب تهران که هنوز مبلغ ناچیز اضافه کار سال گذشته را دریافت ننموده اند، خواهان پیاده کردن طرح طبقه بندی مشاغل، وام مسکن، رسمی شدن و استفاده از مقررات بازنشستگی گردید هاند.

اعلامیه حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی

حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی مرجع عالیقدر شیعه پس از بیرون آمدن از بیمارستان اعلامیه ای در تاریخ ۱۲۵۷/۳/۱۷ خطاب به "حضرات آقایان علماء اعلام و حجاج اسلام" و "برادران مسلمان" صادر و طی آن فرمود هاند "نگرانی ما از این است که بیش از نیم قرن است ایادی بیگانه با ترویج فحشاء و فساد و ترتیب جشن فرهنگ و هنر صرف اموال ملت در این امور و تشکیلات حزبهائی تحمیلی و بی فایده و بی متن پیمانهای فرهنگی با کفار و ماد یون و محدود کردن نویسندگان و گویندگان مذهبی و روشنفکران متدین و حمایت فرق ضاله و منحرف و طرح برنامه های ضد دینی در آموزش و پرورش و اختلاط مدارس و مراکز فرهنگی و تعطیل دانشگاهها و از بین بردن کشاورزی و اقتصاد مملکت به عنوان اصلاحات و در هم آمیختن موضوع دیگر کوشش میکنند شخصیت اسلامی این مملکت را تغییر دهند."

جاودان باد نام دکتر محمد مصدق

آموزگار بزرگ نهضت های ضد استعماری در جهان

خبرنامه

اتحاد نیروهای جبهه ملی ایران

شماره چهاردهم - دهم تیر ۱۳۵۷

۳۵

پوشش حمایتی تامین اجتماعی نشانی از دست آورد های انقلاب ادعائی

یکی از اصول انقلاب ادعائی بیمه های اجتماعی است که هدف آن چنین اعلام شده است " هر فرد ایرانی در تمام مراحل زندگی خود زیر پوشش حمایتی تامین اجتماعی قرار داشته است ". قبل از بحث راجع به بیمه های اجتماعی، لازم است در مورد انقلاب و آنچه در چند سال اخیر بنام انقلاب عرضه شده است توضیح مختصری داده شود .

در طول تاریخ برای انقلاب تعریف های گوناگونی شده است در فرهنگ معین می خوانیم انقلاب در لغت به معنای دگرگون شدن - تغییر - تحول - تبدیل - شورش عده ای برای واژگون کردن حکومت موجود و ایجاد حکومتی نو بکار رفته است . برای آنکه در شناخت این مفاهیم مجبور به توصیف مجازی آنها نشویم باید اضافه کرد که مفاهیم مذکور نتایج است از یک سلسله تغییرات مداوم و آرام مبنی بر تحلیل خاصی از حرکت های اجتماعی، بنا بر این هراجماع پس از آنکه بطور آرام برای تغییر و دگرگونی آماده شد (تغییرات کمی) بدوره تغییرات انقلابی میرسد (تغییرات کیفی) .

پس باید گفت که انقلاب اصیل معمولاً هنگامی رخ میدهد که تمامی ساخت اجتماعی با تغییرات کمی لازم و کافی آماده برای تغییرات کیفی باشد .

بنابراین چنین نتیجه می شود که اقدامات ملایم و غیر کافی اجتماعی اعلام شده راکه برخی از آنها هم برای جلوگیری از تغییرات واقعی صورت می گیرد و مابقی هم اشکال نمایشی دارند ، با جنجال تبلیغاتی نمی توان انقلاب نامید .

بقیه در صفحه ۲۰
این چه آزادی است !!

مدتی است، مصاحبه های مطبوعاتی داخلی و خارجی، مقاله های چشمگیر رنگین نامه ها و بطور کلی تبلیغات رسانه های گروهی به گرد باز شدن فضای سیاسی و اعطای آزادی می گردد و بر روال سنت، استبدادیان آنچنان در روغپردازی وسعت یافت که خوش باوران نیز در چار این سوال شدند که این چه آزادی است؟! این چه آزادی است که در رکوجه و بازار، مسجد و مدرسه کس را ایمنی نیست و سایه شوم دیکتاتوری همه جا گسترده است؟ این چه آزادی است که به چماقداران چکمه پوش فرصت میدهد وارد دانشگاهها و مدرسه های عالی شوند و دانشجویان راکه سرمایه های آینده مملکت هستند مجروح ساخته بدون بازجوئی و محاکمه و اثبات جرم تا حد مرگ بزنند؟! این چه آزادی است که در دانشگاه آذربایگان دانشجوی دخترتری راکه از ترس اعمال وحشیانه ماموران انتظامی به اطباق

بقیه در صفحه ۳۰

نوبت صدور گذرنامه و ابستگان "دستگاه استبداد" فرا رسیده است

آژانس سیاسی رستاخیز در آستانه انحلال

پس از کودتای بیست و هشتم مرداد ۱۳۳۲ در ایران و برانداختن حکومت ملی دکتر مصدق، استبداد بیگانه ساخته کوشید از فعالیت های کلیه حزبها و سته های استقلال طلب و آزاد یخواه که در رسترنهضت ملی رشد یافته بودند در عمل جلوگیری کند ولی پس از چندی چون برای ثابت نشان دادن وضع کشور به تظاهر پیوند با حزب - نیاز فراوان داشت و حزب فرمایشی ملیون و مردم رابه رهبری دوتن از وابستگان خود برپا داشت تا " ادای دموکراسی " را در آورد ، این بازی نه مردم ایران را فریب داد و نه اربابان خارجی رابه رضایت رساند بدنیال " انقلاب ادعائی " نظام حاکم ، حزب سازی رابه نوعی دیگر از سر گرفت و به وسیله گروهی " تکنوکرات " دست پرورده نو - استعمار با تشکیل " کانون مترقی " و سپس " حزب ایران نوین " خیمه شب بازی جدیدی را آغاز کرد و برای تکمیل آن حزب - مردم و حزبکهای دیگری را هم در صحنه نگه داشت .

ولی گسترش دامنه فساد و شکست برنامه های به اصطلاح انقلابی از یکسو و ایستادگی همه گروه های اجتماعی در برابر سیاست های ایران برپا داده از سوی دیگر، نظام استبدادی را بقدرت نمائی تازه ای برانگیخت و در اوج یکه تازی خود تصمیم به تشکیل حزب واحد گرفت .

این حزب که بدان نام " رستاخیز " داده شد با ایجاد ارباب و وحشت کارش را بقیه در صفحه ۲

برچسبیده باد بساط دیکتاتوری از میهن ما

مردم می پرسند . . .

از صفحه ۱
رئیس دفتر مخصوص اعلام نمود که خاطر خطیر از بعضی نابسامانی های برق مکدر شده است و محصول این نمایش ابلاغ فرامین ملوکانه د اثر به تعقیب تنی چند از این خطاکاران بود .

یکی از خوانندگان خبرنامه با توجه به فهرست کسانی که تحت پیگرد کمیسیون شاهنشاهی قرار گرفته اند پست های جدید اداری آنها را نیز ارسال داشته و پرسیده است که آیا برای اشتغال در واحد های بنیاد پهلوی و دیگر سازمانهای سطح بالا داشتن پرونده دزدی و ناپاکی و تعقیب کیفی ضرور است ؟

بقرار اعلام این خواننده تیزبین این خطاکاران بشرح زیر تحت تعقیب قرار گرفته اند .

۱- مهندس منصور روحانی وزیر سابق برق (عامل افتضاح کمبود برق دوسال گذشته) و وزیر سابق کشاورزی (عامل نابودی قطعی کشاورزی ایران) تحت تعقیب کمیسیون شاهنشاهی موقعیت کنونی شغلی - مدیر عامل شهرک غرب متعلق به بنیاد پهلوی - نزدیک به یک میلیون ریال حقوق ماهانه .

۲- مهندس حمید صالحی معاون سابق وزارت نیرو تحت تعقیب کمیسیون شاهنشاهی موقعیت کنونی شغلی معاون مدیر عامل شهرک غرب با بیش از پانصد هزار ریال حقوق ماهانه .

۳- مهندس محمود یان رئیس سابق راه آهن دولتی تحت تعقیب کمیسیون شاهنشاهی موقعیت کنونی شغلی رئیس سازمان برق شهرک غرب با حدود چهارصد هزار ریال حقوق ماهانه .

۴- مهندس شکیب رئیس سازمان آب منطقه اصفهان تحت تعقیب کمیسیون شاهنشاهی موقعیت کنونی شغلی رئیس آب شهرک غرب با نزدیک به چهارصد هزار ریال حقوق ماهانه .

۵- دکتر ایرج وحیدی وزیر نیرو تحت تعقیب کمیسیون شاهنشاهی موقعیت کنونی شغلی مدیر عامل بنیاد والا حضرت اشرف پهلوی از حقوق ایشان اطلاعاتی در دست نیست .

۶- مهندس وکیل زاده رئیس سابق سازمان جنگلها و مراتع کشور تحت تعقیب دیوان کیفر محل کنونی خدمت شهرک غرب از حقوق ایشان هم آگاهی بدست نیامده است بقرار اطلاع آقای گل سرخی مدیر کل حج نیست تقاضای استخدام خود را از زندان برای بنیاد پهلوی فرستاده است سوالی که پیش می آید اینست " آیا پست کافی برای همه دزدان و تارتگران ثروت های ملی در

بنیاد پهلوی و سازمانهای مشابه وجود دارد ؟!

اطلاعیه جامعه روحانیت تبریز

" جامعه روحانیت " شهر قهرمان تبریز طی اطلاعیه ای با امضاء چهل تن از روحانیان عالیقدر رومبارز فاجعه دردناک حمله به مدرسه علوم دینی ششکلان در روز بیست و پنجم خرداد ماه راکه در آن بسیاری از طلاب علوم دینی که تنی چند از ایشان کودکان دوازده سیزده ساله بوده اند ، بسختی زخمی شده اند به آگاهی عموم مسلمانان ایران و جهان " رسانده اند .

در بخشی از این نامه چنین نوشته شده است " تعجب از این است که علت این حرکات ناهنجار که اعمال وحشیانه لشکر جرار تاتار را بیاد انسان ها می آورد معلوم نیست و طلاب را بعد از ضرب و شتم و اهانت و ارباب و هزاران حرکات بی ادبانه بیکی از اطراف جمع کرده و تمامی مدرسه را زیر رو کرده اند و چیزی بدست نیاورده اند " و در پایان این اطلاعیه چنین نوشته شده است " بلی ، هزاران اعمال قانون شکنی بعمل می آید این عمل بیشرمانه هم یکی از آنهاست و یکی از آن حرکات ناجوانمردانه و دیکتاتوری و استبدادی است که هر روز در این کشور شیعه بوجود می آورند و اطفال بیگناه و جوانان غیور آگاه این امت اسلامی را با ضرب و شتم و قتل و کشت و کشتار نابود می کنند - فالی الله المشتکی والی ولیه نرفع الشکوی .

نامه از تبعیدگاه

حجت الاسلام آقای علی تهرانی و حجت الاسلام آقای صادق خلخالی در سالروز مرگ دکتر علی شریعتی نامه ای از تبعیدگاه خود فرستاده اند که طی آن ضمن نگرشی دقیق به شخصیت و تاثیر اجتماعی عمیق دکتر شریعتی در جامعه ایران به تجلیل او پرداخته و فقدان او را خلای عمیق در عالم اسلام نام نهاده اند . و در پایان چنین نوشته اند " لذا شایسته و بایسته است دانشمندان متعهد و دلسوز اسلام و مسلمانان (با کوشش در رفع هرگونه اشتباه لغوی ، تاریخی ، کلامی) راه او را برگزینند و هدف او را تعقیب نمایند آنکه در مقام فضل فروشی و خرد گیری از لغزشها و اشتباهات دیگران باشند و قوا و وقت خود را در این کار بیهوده بلکه زیانبار و نفاق و اختلاف افکن صرف نمایند و از وصول بمقصد و مقصود حقیقی بازمانند و هر روز اختلاف و انشعاب تازه ای - میان مسلمانان اندازند و آنها را از هم دور کنند و دست استعمار خواهان و استثمار طلبان و برده سازان را برایشان چیره سازند .

نامه خانواده زندانیان سیاسی اصفهان

خانواده‌های زندانیان سیاسی اصفهان که در حمله نا جوانمردانه چاقوکشان مزدور و فریب خورده فرزندان و همسرانشان بسختی آسیب دیده بودند طی نامه‌ای به دادستان شهرستان اصفهان و ارائه دلیل‌های منطقی و روشن مبنی بر کارگردانی مسئولان زندان در حادثه شرم آور حمله به زندانیان سیاسی چنین نوشته‌اند " اینجانبان بنام خدا و قرآن و قانون و بنام حیثیت و شرف انسانی و از آنجاکه هراسانسی حتی در زندان دارای حقوقی است که بایستی از طرف مسوولان محترم شمرده شود و از آنجاکه آزار و شکنجه زندانیان برخلاف اعلامیه جهانی حقوق بشر و قانون اساسی است و اخیراً نیز این مطلب بارها از جانب مقامات دولتی تاکید شده لذا انتظار داریم دستور فرمائید به این شکایت دقیقاً رسیدگی شود و افرادی که سبب واقعی این خونریزی بوده‌اند مجازات شوند."

تومار جامعه روحانیت اصفهان

هفته گذشته گروهی از روحانیان شهر اصفهان از جمله حضرت آیت الله حسین خادمی از طرف سرهنگ زاهدی مدیرکل اوقاف به شرکت در جلسه‌ای دعوت شدند.

حضرت آیت الله خادمی که از سابقه خوش!! سرهنگ زاهدی آگاه بودند شرکت در این جلسه را در شأن روحانی خود یافته از قبول دعوت سرباز زدند و همین امر سبب شد که مدیرکل اوقاف شهر اصفهان چهره واقعی خود را با بزبان آوردن کلمات زشت و ناهنجار و اهانت به "جامعه روحانیت" که پیوسته مورد احترام مردم بوده نشان دهد و پاسخ منطقی گوینده شجاع مذهبی حجت اسلام آقای ناطق کار را به دخالت مستقیم ساواک و حمایت آن از عضو سرسپرده خود می‌کشاند و حجت الاسلام آقای ناطق بازداشت میگردد بدنبال این اقدام سازمان باصلاح امنیت!! بیش از صد تن از روحانیان مبارز توماری تهیه و به نخست وزیر و خبرگزاری پارس می‌فرستند که در آن نارضائی کامل خود را از رفتارهای خلاف قانون این سرهنگ بازنشسته اعلام می‌دارند و خواهان تعویض ایشان سرسپرده قانون شکنی می‌شوند.

بیانیه کانون نویسندگان ایران

کانون نویسندگان ایران در بیانیه‌ای که روزیست و نهم خرداد مصاد رکورد برکناری نویسندگان و مترجمان و

فعالان مبارزات اخیر را از کار "روش محیلانه" جدیستگاه استبداد نام نهاده است در بخشی از این بیانیه چنین آمده است "کانون نویسندگان نسبت به سیاست انتقام جوئی غیرقانونی و ارباب و تهدید دولت و عوامل دولتی شدیداً معترض است، ما خواستار لغو این محدودیت‌ها و رعایت آزادی شغلی و حرفه‌ای همه افراد ملت بویژه کسانی هستیم که تاکنون به دستور دولت، شغل و حرفه خود را از دست داده‌اند.

ما هم صد او هم گام با کلیه کسانی که آزادی و امنیت شغلی آنان به مخاطره افتاده است، اعلام می‌داریم که با این قبیل اقدامات خلاف اصول و شعور انسانی، آب رفته به جوی باز نخواهد گشت و گروههای مردم آزادمه مبارزه برای دفاع از حقوق قانونی و صنفی خویش باز نخواهند ایستاد."

اعلامیه شاخه پیشرو برای اتحاد نهضت ملی ایران

"شاخه پیشرو برای اتحاد نهضت ملی ایران روز چهارشنبه هفتم تیرماه طی اعلامیه‌ای شیوه تازه "دستگاه استبداد" را برای انحراف ملت از مبارزه مورد بررسی و انتقاد قرار داده و چنین نوشته است "دستگاه استبداد از یکسو با انشعاب فرمایشی و ایجاد جناح به اصطلاح اندیشمندان در حزب غیر قانونی رستاخیز و از سوی دیگر با حمایت مطبوعاتی از وجود اقلیت‌هایی در مجلس غیرملی و تبلیغات و برآه انداختن هو و جنجال بوسیله جراید مزدور خود در اطراف "فضای باز سیاسی" و "دموکراسی اعطائی ملوکانه" می‌خواهد از طرفی اذهان عمومی ایران و جهان را نسبت به آنچه در این دوران سیاه استبداد بر ایران و ایرانیان می‌گذرد منحرف کند و از طرف دیگر مخالفین را فقط در قالب احزاب ساختگی خود معرفی کرده و وجود نیروهای مبارز ملی و مخالفین دیرین و آشتی ناپذیر خود را انکار نماید."

جنبش نهضت

نام د و نشریه جامع و جالب است که در شرایط خفقان کنونی هر یک به شیوه‌ای در رسوا ساختن حکومت استبداد از چندی پیش قدم بدایره انتشار نهادند، این نشریه‌ها که بر آن عنوان "غیررسمی" اطلاق شده تا زمانیکه آزادی مردم ایران زمین اعاده نشود هر روز رو بفزونی میگذارد.

توفیق و سربلندی انتشار دهندگان این د و نشریه را در انجام خدمتی که بعهده گرفته‌اند خواهانیم.

پرتوان باد حرکت آزادی و استقلال ایران

بزرگداشت روز شجوهی در شیراز

روز پنجشنبه یکم تیرماه ساعت ۳ بعد از ظهر هزاران نفر از اهالی شمیران و روستاهای اطراف به دعوت "جامعه روحانیت" شمیران در بزرگداشت اندیشمندی مبارز روانشاد دکتر علی شریعتی شرکت نمودند. شبستانها و صحن حیاط از جمعیت موج میزد. در بازارچه که مسجد در آن قرار داشت و کوجه هائی که به آن منتهی می شد نیز جای پائی پیدا نبود مردم با متانت کامل به سخنان گوینده مذهبی گوش میدادند و گهگاه صدای صلوه که بدنبال نام حضرت آیت الله العظمی خمینی بلند می شد تا به آسمان میرسید.

پس از پایان مجلس شرکت کنندگان در رکمال نظم از مسجد خارج شدند که طبق معمول با حمله گارد بیها و ضربه های باطوم روبرو گردیدند.

بازداشت روحانی مبارز

روز سه شنبه سیام خرداد ماه ماموران ساواک با حمله به خانه حاجت الاسلام و المسلمین آقای مهدی شاه آبادی امام جماعت مسجد اعظم رستم آباد شمیران ضمن دستگیری ایشان و دو واژه تن از مهمان ها، خانه را بنا بر روش همیشگی زیر و رو نموده و اهالی خانه را مورد بی حرمتی قرار دادند.

حمله به زائران

روز چهارشنبه سی و یکم خرداد ماه ناگهان ماموران ساواک و کماندها به صحن امامزاده ابراهیم واقع در شهر ری حمله ور شده و مردمی را که در رکمال صفا به زیارت مشغول بودند زیر ضربه های مرگ آور باطوم و شلاق مضروب و مجروح نمودند و تنی چند از زائرین را دستگیر و با دستبند روانه زندان کردند.

مرگ در زندان

گروهی بی شماری از مردم بابل سر که بیشتر آنها را جوانان دانشجو و دانش آموز تشکیل می دادند در سالروز مرگ اندیشمند مبارز دکتر علی شریعتی دست به راه پیمائی مسالمت آمیز زدند این حرکت آرام اجتماعی با هجوم وحشیانه نیروهای اصطلاح انتظامی درهم شکست. بسیاری از مردم مجروح گردیدند و بسیاری از آنها به زندان کشیده شدند. در زندان شهربانی پلیس آنچنان رفتار

غیر انسانی و خشونت باری داشت که ایوب معادی دانشجوی سال چهارم مدرسه عالی علوم اقتصادی و اجتماعی زیر شکنجه از بین می رود. دستگاره استبداد برای ادامه حیات ننکین خود هر روز قربانی تازه ای از مام میهن می گیرد.

دادخواهی دانشجویان دانشگاه تهران

دانشجویان دانشگاه تهران طی نامه ای جریانات عینی و واقعی یکسال تحصیلی دانشگاه تهران را چنین بیان داشته اند:

هنوز در آغاز سال تحصیلی قدم نهادیم به بودیم که در ریافتیم، انجمن های دانشجویی، کتابخانه های دانشجویی، فعالیتهای ورزشی و خدمات دانشجویی اعم از کوهنوردی و سازمان تعاونی نظارت بر امور غذایی و غیره در طی تعطیلات تابستانی توسط عوامل ساواک که در حالت عوامل مذکور راقامات دانشگاهی نیز تائید مینمایند تعطیل گردیده و درها شکسته شد. و اموال آنها بغارت رفته و کتابها را ضبط کرده اند طبق آمار حدود ۱۰ هزار جلد کتاب از کتابخانه های دانشجویان دانشگاه تهران به غارت رفته است، متعاقب این امر دانشجویان به مسئولین دانشکده ها مراجعه کرده ولی جوابی نشنیدند، جو فشار و اختناق راجدی بالا بردند که حتی تبریک هائی که برای ورود دانشجویان سال اول نصب می شد، میکنند و پاره میکردند کارشکنیها بطرز بی سابقه ای همراه با حملات وحشیانه گارد دانشگاه و پلیس به دانشجویان ادامه یافت تا جائی که در محوطه دانشگاه امنیت طبیعی که ضروری بقای هراسانی است، از ما دانشجویان سلب شد، بطور ناگهانی مورد ضرب و شتم و حمله گارد واقع میشدیم و حتی هنگام صرف غذا که حیوانات را هم آزاد میگذارند، تا با آرامش تغذیه کنند، ما مورد هجوم واقع میشدیم، در مسجد که محیط مقدس بشری و مکان صلح و امنیت عمومی "ادخلوها بسلام آمین" است ما از حمله پلیس در امان نبودیم.

در این نامه از انحلال ترم اول دانشگاه، قطع کمترین هزینه های ناچیز دانشجویی که در زندگی بسیار از دانشجویان مبارز تاثیر حیاتی داشته، حملات پی در پی گارد بیهای جماقدار به دانشجویان و استادان کشتار وحشیانه روزهای یازده و دوازدهم خرداد، قتل و غارت در کوی دانشجویان سخن گفته و خواسته شد "تأ صدای مظلومیت دانشجویان" بگوش همه برسد.

اتحاد مبارزه پیروزی

خبرنامه

اتحاد نیروهای جنبه ملی ایران

شماره پانزدهم - بیستم تیرماه ۱۳۵۷

فردا که پیشگاه حقیقت شود پدید
شرمند رهروی که عمل بر مجاز کرد

(حافظ)

به یاد خلیل ملکی

نه سال از مرگ خلیل ملکی، یکی از صدیق ترین و فداکارترین مبارزان اندیشمند نهضت ملی ایران میگذرد.

خلیل ملکی بسان چند تن دیگر از متفکران ایران بعلت وجود استبداد و نفوذ تبلیغات چپ نمای موازنه مثبت، آنطور که باید شناخته نشد و نسل کنونی به فضل تقدم و تقدم فضل او در ترمیم خط مبارزه ملی و بد و قرارداد آن جامعه از نفوذ و جناح موازنه ویران ساز ایجابی، و نیز پایه ریزی جهان آزاد و مستقل ضدد امپریالیسم بگونه نیروی سوم، آگاهی نیافت، بیان این امر هرچند دیر شده است ولی در تاریخ تفکرات و تلاشهای سیاسی ایرانیان جای ویژه خود را بدست آورده است و بی شک مقام خلیل ملکی در ایران آزاد و مستقل آینده بازشناسی خواهد شد.

ملکی مبارزه سیاسی خود را در دوران تحصیل در آلمان شروع کرد، سپس با دکترا رانی که با احتمال زیاد اگر زنده می ماند در خط وابستگی قرار نمی گرفت و به حرکت استقلال ملی می توان می داد، همکاری خود را ادامه داد در سال ۱۳۱۵، یعنی در دوره استبداد سیاه، در زمره گروه موسوم به "پنجاه و سه نفر" دستگیر و محاکمه و محکوم گردید.

تمام معایب و فساد از استبداد وابسته به بیگانه

سرچشمه میگیرد

بنابه خبری که روزنامه کیهان تاریخ ۱۷/۲/۱۳۵۷ درج کرده است، کشتی گران قیمت رازی که به مبلغ دو میلیون دلار و برای حمل گاز مایع خریداری شده است به علت نبودن گاز بدون استفاده مانده است و مدت دو سال دیگر نیز باید در یکی از بندرهای مدیترانه بماند. باز بنابه خبر همان روزنامه تاریخ ۲۳/۳/۱۳۵۷ شهرد ارشیراز گفته است کشتارگاهی که با هزینه یکصد میلیون تومان ساخته شده است بدون استفاده مانده و هیچکس برای بهره برداری از آن اقدام نمی کند و این مساله به اطلاع کمیسیون شاهنشاهی رسیده است.

چندی پیش نیز معینیان در کمیسیونهای شاهنشاهی "اشاراتی داشت از جمله اینکه یک کشتی سیمان بنا بعللی در هوای بازوبارانی ریخته شده و در نتیجه سیمان هاسنگ شده و از بین رفته است. و از همه اینها مهمتر کشتی هائی است که به قیمت های خیلی گزاف خریداری شده و چون نمی دانند با آنها چه کنند حالت تفریحی و کاباره ای به آنها داده اند.

افلاطون میگوید: تمام معایب و فساد از استبداد سرچشمه میگیرد اگر آزادی وجود داشت و امروز که می خواستند این کشتی های گران قیمت را بخرند موضوع را با مردم در میان می گذاشتند و مورد تجزیه و تحلیل دقیق قرار می دادند هرگز چنین پیش نمی آمد.

بقیه در صفحه ۳

همه نهادها و سازمانهای اختناق آور پابرجاست

ملت ایران فریب نمائشهای آزادسازی را نخواهد خورد

بد نیال تلاشهای پیگیر مردم بپا خاسته ایران در سرنگون کردن دیکتاتوری و خواستن برقراری آزادیهای فردی و اجتماعی دستگاه استبدادی بریده از مردم و بی پایگاه و بد وراز همه حقانیت های سیاسی و اخلاقی، در صد چاره جوئی برآمد تا شاید کشتی شکست خورده خود را از گرداب سقوط بکنار کشد و از رسوائی های نظام پوسیده استبداد، بصورتی بکاهد.

نیاز به این امر، کارگزاران حکومت را بگونه گماشتگان استعمار برآن داشت که به مانورهای تازه ای دست بزنند و دسیسه های نوئی را ساز کنند، بر صفحه تلویزیونها و در ستونهای اول روزنامه های دولتی هر روز "فضای آزاد" را گسترده ترمی سازند! و مردم را از رفاه و آسایش بیشتر، برخوردارتر میکنند، بی آنکه این ادعاهای رنگارنگ واقعیت قابل لمسی داشته باشد، بزبان دیگر آب همان آب است که آسیاب همان آسیاب.

دستگاه استبداد تصور میکند با این حرفها بتواند مردم وطن ما را فریب دهد در حالیکه، بخوبی آشکار است که امر آزادی و گسترش آن در جامعه ماکه روند ویژه ای دارد پیش از تحقق آن هر نوع سخن آزادی، در میان آوردن رنگ است و نیرنگ.

نخست اینکه در جامعه وابسته به امپریالیستها، جامعه ای که فاقد استقلال اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و فرهنگی است، "آزادیهای گسترش یافته" حکومتی بقیه در صفحه ۲

همه با هم در راه آزادی و استقلال ایران

همه نهاد ها و . . .

از صفحه ۱

جز در محکمتر کردن چفت و بند استعمار و وظیفه دیگری بعهدہ ندارد، بنیادی ترین حرکت های آزاد بیخوش، در این گونه جوامع باید در رخط استقلال ملی قرار بگیرد و این امر بیچ وجه در اعمال حکومت ایران دیدن نمیشود و نمی تواند تحقق پیدا کند .

دیگر اینکه در جامعه های استبدادی، حکومت ها جهت استحکام موقعیت خود نهاد های رأبنیان می نهند و مردم نیز در رخط مبارزه با حکومت مطلقه به ساختن سازمانها و عمل به کارکرد های دست می یازند. نظام حاکم برای ایران در مدت نزدیک به بیست و پنجسال سلطه شوم خود با تاسیس دستگاه های نظیر سازمان به اصطلاح "اطلاعات و امنیت" و سازمان بازرسی شاهنشاهی و اتاق اصناف و سرانجام حزب واحد بصورت موسسه انحصاری فکری و عملی استبداد وسیع که در جمع بگونه نگهبانان حکومت دیکتاتوری وابسته به بیگانه عمل می کنند، موجب سلب آزادی و حیثیت و هویت مردم میهن ما شد .

این سازمانهای ضد ملی و ضد آزادی هنوز هم وجود دارند، و هنوز هم بکوشش های ضد ایرانی و ضد انسانی خود ادامه می دهند و این امر مغایر با تبلیغات میان تهی "دستگاه استبداد" در باب "گسترش آزاد بیهاست" از سوی دیگر سازمانهای مردمی و کارکرد های آزاد یخواهانه است که باید در فضای باز و سالم اجتماعی تحقق پیدا کند یعنی احزاب و جمعیت های سیاسی آزادانه بتلاش برخیزند . روزنامه ها و مجلات توقیف شده، انتشار یابند، تظاهرات و میتینگ ها و ملاقاتها آزاد باشد، زندانیان و تبعید شدگان سیاسی بخانه های خود باز گردند .

ولی هنوز ایرانیان در سراسر کشور در معرض خطر وجود نهاد ها و سازمانهای ساخته و پرداخته نظام استبدادی هستند .

سازمان جهنمی استبداد در روز به شیوه تازه ای در کمین شکار مبارزان است، زندانها از زندانیان سیاسی که برخلاف قانون اساسی در دادگاههای فرمایشی نظامی محکومیت های سنگین پیدا نمود هاند انباشته است، گروه کثیری از آزادگان به ویژه روحانیان عالیقدر و بازرگانان شرافتمند در تبعید به سر میبرند .

اتاق اصناف بایکه تازی تمام حیثیت و زندگی بازرگانان و پیشه وران بیداردل را هر لحظه تهدید میکند و هنوز درها حجره و مغازه در تهران و شهرستانها

بدون کوچکترین مجوز قانونی در حالت تعطیل بسر میبرد .
مطبوعات همچنان در محاق توقیف و احزاب ملی زیر سختترین فشار هستند . در چنین فضائی دم از وجود یا گسترش آزادی زدن ادعای کثیف و ریاکارانه است که تنها خود ادعا کنندگان را با مغزهای کوچکشان می تواند بفریباند .

مردم ایران به روشنی می دانند تا نهاد های ویژه دوران استبداد زیر سلطه پابرجاست و سازمانهای پلیسی حاکم بر سر نوشت کشور هستند آزاد بیهای فردی و اجتماعی و استقلال ملی احیا نخواهد شد .
خواست قطعی همه نیروهای ملی برجیده شدن فوری بساط همه "دستگاه های توتالیترستی" است که برخلاف قانون اساسی و برای پایمال کردن "حقوق ملت" و خدمت به استعمار و استبداد در میهن ما پدید آمده اند .

به یاد . . .

از صفحه ۱

پس از آزادی از زندان بدنبال جنگ جهانی دوم، به اصرار دوستان و همانندیشان جوان خود بصورت حزب توده درآمد . ملکی بعزت شورو التهاب ملی و خصلت آزادی و آزادیخواهی و درایت و شناخت سیاسی، زود تر از آنچه تصور میشد به ماهیت حزب توده بویژه شیوه های وابستگی آن پی برد مساله آذربایجان حقایق را روشنتر ساخت . خلیل ملکی که میخواست نه فریب بدهد و نه فریب بخورد و از غوغای بسیاریان نیز وحشت نداشت در راس گروهی از مبارزترین وابستگان آن حزب دست به انشعاب زد و در جرگه احزاب کمونیست وابسته به شوروی نخستین و بزرگترین واقعه تاریخی را بوجود آورد که بمرور در سرتاسر اروپا و آسیا و هم اکنون در سرتاسر جهان وضع مشابه آن مشاهده میشود این انشعاب که به نسل میهن دوست و آگاه و روشنفکر زمان شناخت فراوان داد، دشمنان ایران را بس گران آمد و بهمین دلیل تهمتهای زیادی بآن انشعابیان بویژه به ملکی زده شد، ولی آن مرد صبور و باگذشت، چون صخره ای محکم، در برابر تمام امواج تحریک شده، ایستاد و در وران پرشکوه مبارزات ملی شدن صنعت نفت، با همه توانهای سیاسی و فکری و سازمانی خود، در خدمت حرکت استقلال و آزادی ایران قرار گرفت و بهنگام حکومت پیشوای ملت بقیه در صفحه ۳۴

ملت ایران خواهان آزادی بدون قید و شرط زندانیان و تبعید شدگان سیاسی است

دکتر مصدق بدون چشمداشت به مقام و منزلت سیاسی به شغل دائمی خود (دبیر دبیرستانهای تهران) روزگار میگذراند.

فعالیت سازمانی ملکی در حزب زحمتکشان ملت ایران نضج پیدا کرد و بدنبال تبلور نهضت و آشکارتر شدن خط و ربطهای سیاسی، وی در جناح مدافعان مصدق که بگونه مظهر نهضت ملی ایران درآمده بود، قرار گرفت و همگام با بخش عظیمی از حزب زحمتکشان با عنوان "نیروی سوم" که در زمره احزاب نیرومند جبهه ملی بتلاشهای ضد استعماری ادامه میدادند، بمبارزه تداوم بخشید.

ملکی در تمام این دوران با استعمار و دست نشاندهگان گوناگون آن نبرد آشتی ناپذیر داشت و هیچگاه از طریق راستی و حقیقت منحرف نشد.

پس از کودتای ۲۸ مرداد دستگیر و در قلعه فلک - الافلاک زندانی شد پس از آزادی با نشر اعلامیه معروف خود تحت عنوان: "رفقا برای چندمین بار از صفر شروع میکنم" برسکوت مرگبار آن روز ایران حمله مردانه کرد و نشان داد که هیچگاه در مبارزات سیاسی خسته و ناتوان نخواهد شد.

با انتشا مرحله نبرد زندگی و علم و زندگی، در هم فکری باد یگرد و ستانش مبارزه قلمی خود را ادامه داد و به روشنگری پرداخت.

در سال ۱۳۳۹ با یاران سابق، جامعه سوسیالیستهای نهضت ملی ایران را تشکیل داد. دکتر مصدق با تائید تاریخی خود از آن گروه فعال دسیسه ها و دشمنان استقلال ایران را خنثی کرد. مبارزان "جامعه" برهبری ملکی تا سال ۱۳۴۴ بتلاشهای خود ادامه دادند. در این سال ملکی بزندان افتاد و برای چندمین بار در آگاههای استعمار ساخته نظامی بسان دیگر رهبران ملی، محاکمه کشیده شد.

در زندان نیز ملکی دست از مبارزه برنداشت و به ترجمه و تالیف پرداخت کتاب "اصطلاحات اجتماعی و اقتصادی" حاصل این دوران زندگی اوست نزدیک به سه سال پس از آزادی از زندان در نیمه روز بیستم تیرماه ۱۳۴۸ در حالیکه هنوز به ساختن ایرانی آزاد و مستقل عشق می ورزید، دست اجل او را از میان ما برد و در مسجد فیروزآبادی شهرری بامانت گذاشته شد، باشد که روزی در کنار پیشوای سیاسی خود، دکتر مصدق خاکسپاری شود.

ملکی در بازرسی روشن بین و فداکار و صدیق بود، هرگز برای محبوبیت زودگذر راهی را که در مقیاس وسیع به نفع مردم تشخیص داده بود، ترک نمی کرد. در روشنگری و نویسندگی از پرکارترین سیاستمداران ایران بود، نسل

جدیدی از روشنفکران ایران، خود را پرورش یافته مکتب او میدانند.

ملکی مردی تسلیم ناشدنی و متفکرو ایرانی ضد سلطه خارجی بود، در ترسیم خط استقلال بویژه بخش سیاسی آن سهم فراوان دارد، کوشش در روشن کردن خط استقلال خاصه در بخشهای فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی، می تواند راه ملکی را آشکارتر سازد و برای آینده ایران میراثهای پربهائی بیادگار گذارد.

روانش شاد باد

تمام معایب . . .

از صفحه ۱

می توان به دهان همه میهن پرستان و آزادگان کوبید و گروه مبارزان شریف و علاقمندان به کشور را تعدادی انگشت شمار منحرف!! نامید و اجازه نداد که بانگ انتقاد و اعتراضشان بلند شود اما نمی توان تاریخ را از قضاوت صحیح بازداشت.

می توان با صرف پول های کلان و اجیر نمودن چاپلوسان، آتش زدن سالی بیست و دو میلیارد دلار بودجه نفت را گامی به سوی صنعتی شدن و تمدن بزرگ خواند ولی نمی توان با این شیوه های ضد مردمی بر تارک تاریخ درخشید. آیا بهتر نیست از هم اکنون فکری هم برای تاریخ بنمائید.

آیاتا تاریخ نخواهد نوشت که دزدان، غارتگران و خیانتکاران را خلعت می دادند اما اندیشمندان، فرزندان و آزادخواهان را از دم تیغ می گذرانند؟ و می گفتند که بسوی تمدن بزرگ!! می رویم آیا برای رسیدن به تمدن بزرگ باید زبانها را برید، قلمها را شکست، مغزها را متلاشی نمود یا فرومایگان را طرد کرد؟ و خیانتکاران را بسزایشان رسانید؟

خبرها و تازه ها

اعلامیه حضرت آیت الله العظمی خمینی

"رژیم منحط برای مسلمین ایران عیدی نگذاشته"

روز سیزدهم تیرماه برابر با بیست و هشتم رجب حضرت آیت الله العظمی خمینی مرجع عالیقدر جهان تشیع در اعلامیه ای نظر خود را در مورد مراسمی که به عنوان جشن های مذهبی برپا میشود چنین بیان داشتند: "در حال حاضر ملت عزیز در عزای عزیزان خود نشسته چگونه ممکن است کسی نظر دهد که جشن بگیرند و شادمانی کنند، شادمانی برای اجساد بخون خفته فرزندان ایران؟ شادمانی در برابر افراد شریفی که در سیاه چالهای زندان

زیر سخت ترین شکنجه های دژخیمان بسر می برند؟ شادمانی در مقابل تبعیدیانی که برخلاف تمام موازین انسانی و بقیه در صفحه ۴

مردم و نیازهای طبیعی و قانونی آنها در افتاده و در چهارده یواری اطاقش زندانی مقام و منصب پوشالی شده است و نسبت به هم میهنان کرد ما گستاخ و بی ادب رفتار می نماید و لباس کردی را از دیدگاه غریزه خود نشان عقب ماندگی می داند و پیوسته به داد خواهی مردم بی توجه است بشدت مورد نفرت هم میهنان کرد می باشد و همگان خواهان برکناری فوری او از کار هستند.

یورش وحشیانه پلیس به زنان زندانی سیپاسی

روز یکشنبه یازدهم تیرماه زنان زندانی سیپاسی در بند های یک و دو زندان قصر پس از شکنجه دوتن از زندانیان برای اعتراض به این رفتار خلاف قانون تصمیم به مذاکره با سرهنگ محرری رئیس زندان قصر می گیرند و چون در برخورد با رئیس شرافتمند زندان قصر با هجوم گروه سی نفری از گارد زندان روبرو شدند و بسیاری از آنها بسختی مضروب و مجروح می گردند، سرهنگ محرری را مورد اعتراض شدید قرار میدهند. رئیس زندان به نام مجازات دستور میدهد یک شبانه روز زندانیان را بدون غذا و زیر آفتاب نگاهدارند، پس از پایان مدت این مجازات غیرانسانی و خلاف قانون روز سه شنبه سیزدهم تیرماه پنجاه و پنج نفر از زندانی دست به اعتصاب غذا میزنند و پایان این اعتصاب را روز پنجشنبه بیست و دوم تیرماه اعلام می نمایند.

در یورش وحشیانه گارد پلیس به زنان معترض زندانی چشم چپ یک خانم پزشک که مدت هفت سال در آمریکا دوره تخصص پزشکی را گذرانده و چند سال است که در زندان بسر می برد سخت آسیب دیده است.

بیماری سخت حضرت آیت الله طالقانی

حضرت آیت الله طالقانی که از بهار سال ۱۳۴۴ برای چندمین بار از سوی "دستگاه استبداد" زندانی شده اند و شرایط نابهنگار زندان های کمیته و اوین و گذران سخت دوران های طولانی زندان های پی در پی بر سلامت ایشان اثرناگوار گذارده است در ملاقات روز شنبه هجدهم تیرماه با خانواده شان ناگهان دچار ضعف شدید و سپس بیهوش شدند.

حضرت آیت الله طالقانی از چهره های درخشان نهضت ملی ایران و از صاحب نظران و اندیشمندان بنام "جامعه روحانیت" می باشند که در طول عمر پرثمر خود بارها در راه مبارزه با استعمار و استبداد بزندان کشیده شده اند و اکنون بدلیل بیماری قند، زخم معده مزمن بقیه در صفحه ۵۴

قانونی از اوطان خود بیرون راند ه شد ه اند ؟" و سپس فرمود ه اند " ما روزی را عید می گیریم که بنیاد و بنیان ظلم و ظالم را منهدم کنیم " و در پایان دستور داد ه اند د ر این اعیاد که برای ملت ایران عزا شده است بدون هیچگونه تشریفات که نشانه عید و شادمانی باشد در تمام ایران در مراکز عمومی مثل مساجد بزرگ اجتماعات عظیم بپاکنند و گویندگان شجاع محترم مصائب وارده بر ملت را به گوش شنوندگان برسانند و هرچه بیشتر کارهای ضد اسلامی و ضد قانونی رژیم را افشاکنند و خوف راکه از جنود ابلیس است از دل بیرون کنند و در ادامه نهضت که موافق رضای خداوند تعالی و ولی عصر است کوشش کنند و این چراغ فیروزنده هدایت را روشن و روشنتر نگهدارند و با اعتماد به خداوند تعالی مطمئن باشند که ملت پیروز است .

خودسوزی برای اعتراض

ساعت ده و نیم بامداد روز یکشنبه یازدهم تیرماه جواد سعودی دانشجوی دانشجوی سال چهارم رشته ریاضی دانشگاه صنعتی آریامهر در جلوی محوطه این دانشگاه با بنزین اقدام به خودسوزی کرد و روز بعد در بیمارستان درگذشت این دانشجو که دوره چهارساله تحصیل او در دانشگاه به دلیل برخورد های پی در پی با دستگا های امنیتی مدت هفت سال بطول انجامید در نامه ای که از خود بجاگذاشته علت خودسوزی را اعتراض به وضع رقت بار استاد و دانشجو و بطور کلی ستم بی امان "دستگاه استبداد" به هموطنانش ذکر نموده است . این نمایش رقت انگیز و اسف بار نشان به جان آمدن ملت ایران از گسترش استبداد و دیکتاتوری و هشدار تلخی می باشد به کارگزاران و دست اندرکاران حکومت ضد ملی و ضد انسانی .

اعتصاب غذای زندانیان سیپاسی سنندج

دوازده تن از زندانیان سیاسی زندان شهربانی سنندج که برای اعتراض به رفتارهای غیرانسانی در تخیمک و مسئولان زندان از سوم تیرماه دست به اعتصاب غذا زد ه اند همچنان در اعتصاب غذا بسر می برند و تاکنون هفت تن از آنها به بیمارستان انتقال داده شده اند. به داد خواهی خانواده های زندانیان که روز شنبه ۱۶ تیر ماه به دادگستری و نزد دادستان رفتند با باطوم و چماق پلیس پاسخ گفته شد و در آن میان مردم عادی نیز که از بد حادثه گذارشان به دادگستری افتاده بود از ضرب و شتم بی بهره نماندند، دادستان سنندج که بکلی از

پردوام باد همبستگی استاد و دانشجو در راه گسترش مبارزه ملی

و ناراحتی قلبی سلامتشان در شرایط نابسامان زندان سخت در خطر می باشد .

روحانیان مبارز همچنان در تبعید بسر میبرند

حضرت آیت الله حاج سید مرتضی پسندیده برادر هشتاد و پنج ساله حضرت آیت الله العظمی خمینی مرجع عالیقدر شیخ که از بیست و دو اردیبهشت ماه به انارک نائین تبعید شده بودند و رفتار خشونت آمیز و تغییر آب و هوا و عدم دسترسی به پزشک موجب شد تا در این ایام ایشان شده بود چندی پیش از انارک به داران و در روز سه شنبه سیزدهم تیرماه به خمین آورده شدند و چون مورد استقبال شایان قرار گرفتند خانه ایشان زیر نظر پلیس قرار گرفت و از آمدن و رفتن مردم جلوگیری بعمل آمد .

حجت الاسلام والمسلمین آقای مهدی ربانی املشی که از چندین پیش به شهر بابک تبعید شده بودند همراه تنی چند از ماوران امنیتی!! به جیرفت برداشته شدند . حجت الاسلام والمسلمین آقای حاج سید اسد الله مدنی که از ائمه جماعت شهر خرم آباد بودند و کوششهایشان در راه گسترش حق و عدالت بر رغم کهرت و بیماری به تبعید ایشان به گنبد کاووس انجامید در حالیکه این تغییر آب و هوا وضع مزاجی ایشان را بدتر نموده و بار دیگر از گنبد کاووس در این گرمای طاقت فرسا به بوشهر فرستاده شدند .

هشدار یک روحانی مبارز و عالیشان

نامه حضرت آیت الله ربانی شیرازی از تبعیدگاه

به مراجع عظام قم

بعرض عالی میرساند پس از استفسار از سلامت و وجود مبارک و رجاء موفقیت بدینال صد و اعلامیه حضرت مستطاب عالی و سایر آیات عظام، رادیوی بی.بی.سی تفسیری عنوان نموده که در خورتوجه است. باد نظر گرفتن این تفسیر و دیگر خبریکه همین خبرگزاری در شب پیش منتشر نمود: که آموزگار رصاحبهای گفته است: که مخالفان بموضع اشتباه خود پی برده اند و با فهمیدن اینکه بیگانگان در صفوف آنها رخته نمودند از مخالفت خود کاسته اند و در نتیجه مدتی است که کار چشم گیری انجام نیافته است" روشن میشود که دسیسه ای علیه روحانیت و آیات عظام و جنبش مسلمانان در کار است و هدف از این دسیسه جدائی افکندن بین مردم و روحانیت در داخل و وارونه نشان دادن حقائق در خارج و در نهایت کوبیدن نهضت است. رادیوی بی.بی.سی در

تفسیر دیشب خود گفت: "اعلامیه روحانیون این بار دارای لحنی ملایم تر از دفعات سابق است برخلاف اعلامیه هائی که در موارد پیشین از قم منتشر می شد مراسم ویژه سوگواری در مساجد کشور را اعلامیه جدید حائز اهمیت شمرده نشده است بیشتر اغتشاشات که در چند ماه اخیر رخ داد از آنجا آغاز شد که روحانیون قبلی در مساجد سخنرانیهای پرشوری علیه دولت ایراد کردند. سوگواری خرد اد توسط سه آیت الله عمده قم اعلام گشته است و در آن بیانیه گفته میشود که از آنجا که دشمنان میخواهند از این اجتماعات بهره برداری کنند و به کشتار متوسل شوند مراسم سوگواری برگزار نخواهد شد و در اینکه مسلمانان چگونه عزاداری را برگزار کنند بیانیه عمده دارای ابهام است ولی در عین حال در این بیانیه گفته میشود که عزاداران باید از هراقد امیکه بدشمنان فرصت پدید آوردن رویدادهای ناگوار بدهد خودداری ورزند. منابع مطلع میگویند: که این بیانیه بنحود ر خورتوجهی ملایم است و ملایمت آن از تماسهای خصوصی بین رژیم و آیت الله های مقیم قم سرچشمه میگردد. ظاهراً دولت توانسته است روحانیون ایران را که در صف مقدم ناآرامیهای اخیر بودند مانند متقاعد سازد که رخنه گران کمونیست از اوضاع به نفع خود بهره برداری میکنند در رفته جاری نخست وزیر ایران گفت: "که از میان مخالفان دولت آن افرادی که از حسن مسئولیت برخوردارند اکنون در ریافته اند که یک جنبش انحرافی بین المللی در زیر پوشش روحانیت بدرون صفوف آنان رخنه کرده است" چنانکه ملاحظه می فرمائید این تفسیر اولاً ملایمت در اعلامیه را نتیجه سازش با دولت معرفی کرده است و در ثانی به آقایان نسبت داده است که آنها پی به اشتباه خود برده و در ریافته اند که جنبش انحرافی بین المللی در زیر پوشش روحانیت بدرون صفوف آنها رخنه کرده است یعنی آقایان فهمیدند که تا بحال آلت دست بیگانگان و کمونیستها بوده اند و آنها پند که در باطن جنبش خلاف دولت را سازمان میدهند و این دوبرداشت وجهه روحانیت را هم از حیث بین المللی و هم از حیث مردم داخل کشور پائین می آورد و موج وسیع بدبینی را که در داخل و خارج علیه دولت پیاده شده فرو می نشاند از طرفی موجبات ناراحتی شدید مردم را فراهم می کند و آنها را از روحانیت جدا می سازد با توجه به این مضار لازم است فوراً اقدامی بعمل آید که مخبر بی.بی.سی احضار شود و مورد اعتراض قرار گیرد تا حقائق را قلب نکند بقیه در صفحه ۶

بساط اتاق اصناف این قانون شکنی و فساد را برچینید

هشده از... از صفحه ۵
و این تفسیر ناصحیح را تصحیح نماید و همچنین اعلامیه‌ای برای روشن شدن افکار عامه در مورد این قبیل تفاسیر و نسبت هاساد برگرد و در آن سازش باد ولت محکوم شود و اصالت جنبش با تکاوش بر مذ هب و سرچشمه گرفتنش از مسئولیت اجتماعی اسلامی نه از یک جنبش خارجی تبیین گردد تا انشاء الله سبب آنها نقش بر آب شود و نتوانند افکار مردم را از روحانیت منحرف سازند و جنبش مسلمانان را لکه در آرکنند. در رختامه سلامتی و موفقیت حضرت مستطاب عالی را از خداوند مسئلت می‌دارد.

ضمن مقاله جعفریان راد روزنامه رستاخیز شنبه ۲۷ آنجا که اشاره‌ای به روحانیت آگاه می‌کند مطالعه فرمائید. شنبه ۲۷ خرداد ۱۳۵۷

انتشار بولتن جمعیت حقوقدانان ایران

شماره یکم بولتن جمعیت حقوقدانان ایران روز پنجشنبه پانزدهم تیرماه انتشار یافت. این نشریه نیز بررغم ادعاهای استبدادیان مبنی بر آزادی مطبوعات بگونه زیراکس انتشار یافته و نمایانگر سانسور حاکم بر مطبوعات است.

در بولتن جمعیت حقوقدانان ایران هدف‌های جمعیت چنین اعلام گردیده است: استقلال و اعتبار قوه قضائیه یک ضرورت عینی برای پیشرفت اجتماع بسوی آزادی است. بدون این استقلال و اعتبار آزادی مردم و حقوق انسانی همواره در معرض تجاوز مامورین آشکار و مخفی قوه مجریه خواهد بود.

قوه مجریه اعمال و اقتدارات خود را در حد و قانون اساسی اعمال کند و خود را در برابر قوه مقننه و قوه قضائیه مسئول و جوابگو بداند.

قوه مقننه با انجام انتخابات واقعاً آزاد و فارغ از بنیم و هراس از قید سلطه قوه مجریه خارج سازد و نقش راستین خود را بعنوان مرجع تفکر و تدبیر ملی بازیابد. حقوق و آزادی‌های ملت ایران بویژه آزادی بیان و قلم و اجتماعات به معنای واقعی محترم شمرده شود.

خبرنامه، موفقیت این نشریه و وابستگی جمعیت حقوقدانان ایران را در راه بدست آوردن آزادی و استقلال ایران آرزو دارد.

تجاوز به حقوق معلمان مریوان

بیش از هفتاد تن از فرهنگیان شهرستان مریوان در نامه سرگشاده‌ای به تجاوزات پی‌درپی آقای رجیبی رئیس آموزش و پرورش اعتراض نمودند خواهان برکناری این

نماز جماعت در سنقر

در شنبه دوازدهم تیرماه روز عید مبعث، روحانیان مبارزی که از شهرهای دیگر به سنقر تبعید شده‌اند برای برگزاری نماز جماعت بسوی حسینیه شهروان شدند و چون ماموران پلیس در آنرا بروی مردم بستند، روحانیان حق طلب با گستردن عباي خود بر روی زمین تصمیم به برگزاری نماز در خیابان و میان مردم گرفتند.

آنچه بر ارزش این نمایش شکوهمند افزود، همدلی شیعی و سنی بود که به پیشنهاد روحانیان آگاه در پشت سر یک کارگر شریف سقزی بنماز ایستادند.

پشتیبانی از خواست‌های استادان و دانشجویان

دانشگاه صنعتی

جامعه بازرگانان و اصناف و پیشه‌وران بازار تهران نامه‌ای بایستاد هفتاد امضاء به اعضای هیأت علمی دانشگاه صنعتی آریامهر نوشته و در آن اعتراض شدیدی خود را نسبت به انحلال این دانشگاه ابراز داشتند که در بخشی از آن چنین آمده است: "دوستان دانشگاهی: اعتقاد داریم که موافقت مصاد راموریاد درخواست شما برای ابقا دانشگاه صنعتی آریامهر در تهران موجب حلا و گشایش بخشی از مشکلات موجود در آموزش عالی مملکت خواهد گردید ما این حسن تشخیص و پایداری و احساس مسئولیت ملی را به شما تبریک می‌گوئیم و حمایت و همدردی بازرگانان و اصناف تهران را تا تحقق این مقصود بزرگ به شما اعلام می‌داریم و همواره موفقیت شما را در خدمت‌گزاری و تربیت فرزندان وطن مسئلت داریم."

جلب‌گیری از درمان

حضرت آیت الله العظمی حاج حسن طباطبائی قمی که بیش از ده سال است در خانه‌های ر کرج زندگی می‌کنند هفتاد و هشتاد نفر به بستر بیماری افتادند.

با وجود نیاز فوری به درمان، پلیس‌های مراقب خانه ایشان بدستور ساواک اجازه آوردن پزشک را به بالینشان ندادند و این وضع بر رغم تلاش خانواده حضرت آیت الله همچنان ادامه دارد.

کارگران، با تشکیل سازمانهای صنفی به صف مبارزه در راه آزادی و استقلال پیوندید

خبرنامه

اتحاد نیروهای جبهه ملی ایران

شماره شانزدهم - سی ام تیرماه ۱۳۵۷

سی ام تیرماه:

روز تجلی همبستگی ملی در راه آزادی و استقلال

راستی در این است که در کتر مصدق با درایت و زمان شناسی کم نظیر بد نبال نبرد در صحنه پارلمانی، توانست سنگر نخست - وزیر را تسخیر سازد و این پیروزی مجموعه نهادی حکومت را اعم از کارگزاران لشکری و دیوانسالاران کشوری در موضع مخالفت و عناد قرار میداد و چون "نظام حاکم" برای ایران در تاروپود وابستگی به بیگانگان شکل یافته بود، اقدامات استقلال طلبانه و آزاد یخواها در کتر مصدق نبرد و دسیسه های "مجموعه حکومتی" را با پیشوای ملت از چارچوب کشمکش های شخصی و موضع گیریهای موسمی به برخورد های تند عقیدتی و سیاسی در سطح ملی وجهانی، منتقل میساخت به عبارت دیگر بیگانگان بدست یاری عناصر ارتجاعی و استبداد پرور از هر فرضی جهت نابودی در کتر مصدق و ایجاد خدشه و تلاشی در نهضت ملی ایران سود می جستند.

بقیه در صفحه ۲

خاطره یک شخصیت ملی

انگیزه اساسی سرنگون کردن حکومت در کتر مصدق و ایجاد توطئه های پی در پی در همه حال، بازگرداندن سلطه خارجی بر منابع زرخیز نفت ایران بود. روی کار آوردن قوام السلطنه نیز در همین رابطه قرار داشت و درست در زمانی که دیوان دادگستری لاهه بمساله حقانیت ایران در ملی کردن نفت رسیدگی می نمود، توطئه انجام گرفت.

چون در آن هنگام آقای دکتر کریم سنجابی قاضی اختصاصی ایران در دیوان دادگستری لاهه بود، خبرنامه از

بقیه در صفحه ۲

امروز برابر با نیمه شعبان، خجسته میلاد حضرت ولی عصر (عج)

امام بحق شیعیان جهان است.

همه ساله ملت مسلمان ایران این روز فرخنده را همراه با برگزاری جشن و چراغانی در نهایت شادمانی می گذراند ولی امسال که مردم میهن ما، در سوگ شهیدان راه آزادی و استقلال نشسته اند به پیروی از پیام مرجع عالیقدر تشیع حضرت آیت الله العظمی خمینی و توجه به اعلامیه دیگر مراجع عالیقدر روایات عظام از پیرایه هرگونه آئین شادمانی در سرتاسر ایران خودداری شد.

در شب سی ام تیرماه ۱۳۳۲ پیشوای ملت دسته گلی بهر آرامگاه "شهیدان ملی" که همان روز ساختمان آن پایان یافته بود گذارد و نطقی را دیوئی ایراد کرد که عین آن در زیر درج میشود.

پیام مصدق بمناسبت سالروز قیام ملی سی ام تیر هموطنان عزیزم:

بمناسبت تصادف با روز سی ام تیر بیاد بود شهیدانی که جان خود را در راه استقلال و عظمت کشور فد کردند و مراسم برپا خواهید کرد که هم مراتب تکریم و احترام قلبی خود را بروح پاک این سربازان مجاهد راه حریت و آزادی تقدیم کنید و هم بدینوسیله ایمان و علاقه باطنی خویش را با دامنه مبارزه ای که این مردان فد اکارد بر راه آن شربت شهادت نوشید هاند ابراز و اظهار نمایند.

روز سی ام تیر در تاریخ مبارزات متمدن ملت ایران فراموش نشدنی است زیرا در این روز تمام افراد ملت از هر طبقه و مقام در مقابل تحریکات اجانب یکدل و یکزبان قیام و اقدام کردند و تا بمقصود نرسیدند از پای ننشستند.

در این روز تاریخی عدای از گرامی ترین فرزندان ما با افتخار

بقیه در صفحه ۴

چهار سال از مرگ کشاورز صدر گذشت

یاد آن دلاور آن همیشه باور گرامی باد

چهار سال پیش روز بیست و پنجم تیرماه ۱۳۵۳ نهضت ملی ایران، مبارزی سرسخت و ولتمردی توانا، میهن پرستی پرشور و آزاد یخواهی مقاوم را از دست داد و "دستگاه استبداد" در شرایط سخت و خفقان بار آنروز از برگزاری مجلس ترحیم که قرار بود در روز سی ام تیرماه انجام شود نیز جلوگیری بعمل آورد.

سید محمد علی کشاورز صدر در سال ۱۲۸۸ در شهر مرد خیز خمین چشم بزندگی گشود و پس از گذران دوران تحصیلات معموله کار اجتماعی خود را با خدمت در رتبه قضائیه آغاز نمود و در سال ۱۳۲۳ به معاونت نخست وزیر رسید.

در دوره های پانزدهم و شانزدهم به نمایندگی مردم مبروجرد به مجلس شورا راه یافت، در شانزدهمین دوره قانونگزاری مجلس

بقیه در صفحه ۳

درود بروان تابناک شهیدان راه آزادی و استقلال ایران

حادثه " برمیخیزد و در کشاکش مبارزات همگام با ملت به مرز نیکنمایی و ابدیت میرسد . چنین بود مصدق که یادش گرامی باد و چنان بود سی ام تیرماه که برای ملت ما همیشه آموزنده خواهد ماند .

آنکه ایران زنده شد از نام او

نام او با نام ایران زنده باد

چهار سال از مرگ . . .

از صفحه ۳
کشاورز صد ربه همراه چند تن از شخصیت های ملی به حمایت از آقای صالح پرداخت و نتیجه مدت دو ماه در خانه خود زیر کنترل شدید پلیس زندانی شد .
از سال ۱۳۳۵ تا هنگام مرگ مصدق ، وکیل پیشوا در امور مربوط به موقوفات بیمارستان نجمیه بود . و این فرصتی گرانبه بود تا گهگاه از دیدار " رهبر محبوب " خود برخوردار گردد .

در سال ۱۳۳۹ که جبهه ملی تجدید حیات سیاسی نمود کشاورز صد راز جمله رهبرانی بود که صمیمانه و شب و روز در راه گسترش آن می کوشید .
در نخستین انتخابات هیات اجرائی جبهه ملی به سخنگوئی انتخاب گردید .

طنین صدای پرشورش بهنگام سخنرانی در خانه ۱۴۳ خیابان فخرآباد (باشگاه جبهه ملی) هنوز در گوش جان مصدق می هاست .
ای آزادی ، خجسته آزادی . . .

سایه مهربان این پیرو راستین و وفادار مصدق همچون پدری تمامی دانشجویان جبهه ملی را در بر گرفت و بهنگام سختی و گرفتاری تنهایی او ، قدم های همیشه در راه او بود و انگشتان گره گشایش .

شوروهیجان جوانهاد رسیمای مردانه اش پدیدار بود و صدای گرمش با لطفها و طنزهای شیرین در هر محفلی که بود رساتر از بگوش میرسید .

صادق و صمیمی و بی ریا بود و نسبت به پیشوا احساساتی عاشقانه داشت به احمدآباد که قدم می گذاری صدای حق هق گریه های او گوئی همه جا پیچیده است .

خطی خوش و قلمی گیرا داشت ، شعر زیبا می سرود و از شاعران به سعدی بیشتر ارادت میورزید و کتاب " در قلمرو سعدی " او برآستی خواندنی است در رزمینه های حقوقی ، ادبی ، اجتماعی و سیاسی تالیفاتی دارد که می توان " از رابعه تا پروین " ، مکتب سعدی - آئین داد رسی مدنی - آئین و رویه بقیه در صفحه ۷

از صفحه ۲ گزارشی تحلیلی . . .

اعلامیه را پس از شرح برنامه خود با حمله های تهدید آمیز زیرپایان داده بود :

" بگذارید با فراغ بال شروع بکارکنم ، وای بحال کسانی که در اقدامات مصلحانه من اخلال نمایند و در راهی که در پیش دارم مانع بتراشند و یا نظم عمومی را برهم زنند ، اینگونه آشوبگران باشدید ترین عکس العمل از طرف من روبرو خواهند شد و چنانکه در گذشته نشان دادام بدون ملاحظه از احدی و بدون توجه به مقام و موقعیت مخالفین کیفر اعمالشان را در کنارشان می گذارم و حتی ممکن است تا جایی روم که با تصویب اکثریت پارلمان دست به تشکیل محاکم انقلابی زده و روزی صد هاتبهکار را از هر طبقه به موجب حکم خشک و بی شفقت قانون قرین تیره روزی سازم . به عموم اخطار می کنم که در وره عصیان سپری شده و روز اطاعت از اوامر و نواهی حکومت فرارسیده است . کشتی انرا سیاستی دگر آمد " .

روز بیست و هشتم تیرماه سفیر انگلستان از تغییر دولت ابراز خوشحالی کرد و سفیر آمریکا نیز بدیدار قوام رفت و بدینگونه نیروهای استعماری و سلطه گران پشتیبانی خود را از نخست وزیری قوام که برخلاف خواست مردم روی کار آمده بود آشکار کردند .

نیروهای انتظامی نیز در سرتاسر کشور جهت جلوگیری از فعالیت های احزاب و جمعیت های ملی بسیج گردیدند . دفترهای روزنامه ها ، کلوپ ها محاصره و اشغال شدند .

قوام السلطنه با آنکه هنوز کابینه خود را معرفی نکرده بود شورای امنیت کشور را با شرکت رئیس ستاد ارتش و فرمانده ژاندارمری و رئیس شهربانی تشکیل و دستورهای تنیدی برای جلوگیری از تظاهرات مردم صادر کرد . بیشتر شهزهای ایران در عمل در اشغال نظامی درآمد و صف استبدادیان وابسته به استعمار کاملاً مشخص گردید .

صفی که هدف اصلی آن سرکوبی نهضت ملی ایران و از میان بردن دست آورد های دکترا مصدق " پیشوای ملت " بود .

واکنش تاریخی مردم

نخستین واکنش از سوی نمایندگان هوادار دکترا مصدق در مجلس شورای ملی آشکار شد . بیست و هشت تن از نمایندگان اعلامیه زیر را روز بیست و ششم تیرماه صادر کردند :

" ما امضاکنندگان ذیل نمایندگان مجلس شورای ملی بقیه در صفحه ۵

در این روز از بامداد زود همه میدانهای بزرگ و خیابانهای اصلی شهر تهران را نیروهای ارتش و پلیس به اشغال درآورد. اینهمه مغازهها و کارگاهها در سراسر شهر بسته شدند، خطوط اتوبوسرانی و تاکسیها دست از کار کشیدند، بیشتر کارخانهها و ادارهای دولتی به حالت نیمه تعطیل درآمدند. بتدریج کوچهها و خیابانها از زنان و مردان خشمگینی که تصمیم به تعیین سرنوشت خود گرفته بودند پر شد بطوریکه در حدود ساعت هشت بامداد قوای پلیسی و سربازها برای حفظ خود در برابر انبوه تظاهرات کنندگان آرایش جنگی گرفتند و بعد از مدت کوتاهی به آنها دستوری تیراندازی دادند، میدان بهارستان، میدان سپه و خیابانهای اکباتان، شاهآباد، ناصرخسرو بود جمهوری و خیام مرکزیهای اصلی جنگ قوای موتوریزه استبداد و مردم بی سلاح بود.

فریاد "یا مرگ یا مصدق"، "مصدق پیروز است"، "مرگ برقوا"، "نابود باد استعمار" تهران آتشین آرزو را به لرزه درآورد. از خون جوانان با ایمان و میهن دوست در ریشتیانی از مصدق، خیابانها و یوارها رنگین شده بود. کشتار بیرحمانه تا پاسی از ظهر گذشته ادامه داشت ولی مردم بیباک و مصمم تهران دست از مقاومت و نسی کشیدند و در چند نقطه شهر با آتش زدن اتومبیلهای دولتی و اختن تیرهای چراغ برق، راه را بر تانکها و زره پوشها می بستند و هر جا فرصت می کردند برقوای نظامی کشتارگر حمله می بردند و یکی در مورد هم افسران شرافتمندی که از اجرای دستوری تیراندازی خودداری کرده بودند مورد استقبال و تشویق قرار دادند.

بر شمار شهیدان هر لحظه افزوده می شد، بیشتر بیمارستانها پر از زخمیان بود، مردم با وجود خستگی زیاد و تحمل گرسنگی و هوای سوزان آن روز تهران، خود را برای تظاهرات جدید آماده می کردند. خبریایداری مردم تهران به شهرستانها رسید و در شهرستانها نیز تظاهرات خونینی برپا شد و خبران مردم تهران را لگرمی بخشید.

گروهی از مردم شهرستانها، کفن پوشیده در راه جهاد ملی عازم تهران می شدند که وسیله قوای ژاندارمری در کاروانسراسنگی از ورود آنها جلوگیری بعمل آمد. خون و آتش سراسر تهران و بیشتر شهرهای ایران را در خود گرفت، مردم دلیرانه مقاومت می کردند و این پایدار خود جوش، امری بود که استعمار و استبداد وابسته به آن کمتر به آن اندیشیده بود.

بقیه در صفحه ۶

در تاکید سوگندی که برای حفظ مبانی مشروطیت در مجلس شورای ملی یاد کرد ه ایم و به علت اینکه معتقدیم در شرایط فعلی ادامه نهضت ملی جز با زمامداری دکتر مصدق میسر نیست متعهد میشویم با تمام قوای خود و با کلیه وسائل از دکتر مصدق پشتیبانی نمائیم.

آیت الله کاشانی هم که نمایندگی مجلس را داشت اعلامیه تندیدی در مخالفت با حکومت قوام و پشتیبانی از دکتر مصدق صادر کرد.

حزبها و جمعیت های سیاسی هر یک اعلامیه ای در دفاع از زمامداری دکتر مصدق و دفاع از آزادی و استقلال ایران صادر نمودند، بازار یکسره تعطیل شد. نمایندگان هوادار مصدق که به سیتن رسیدند بودند در مجلس تحصن کردند.

اعلامیه دیکتاتورمآبانه قوام السلطنه نیز خشم و نفرت عمومی را بالا برد و نمایندگان هوادار مصدق اعلام تعطیل عمومی در سراسر کشور را نمودند و مراجع روحانی و آیت الله کاشانی هم در اعلامیه ای خطاب به افسران و سربازان خواستند که در صورت وقوع حوادث بروی جوانان خود تیراندازی نکنند.

تعطیل بازار تهران به دیگر شهرهای ایران گسترش یافت و تبریز، مشهد، اهواز، آبادان، کرمانشاه، کرمان، اصفهان، همدان، اراک، قزوین و به کلامی سراسر ایران تعطیل عمومی گردید. زمزمه عصیان و سرکشی بالا گرفت و اینجا و آنجا تظاهرات خیابانی با سازماندهی حزبها و جمعیت های وابسته به نهضت ملی بوجود می آمد.

روزنامه های ملی زیر فشار سانسورانتشار می یافت و به پایداری و استقامت مردم حرکت و هیجان می بخشید. در فراگرد سازمانی مخالفت با قوام کمیته تمرکز مبارزات ملی تشکیل شد و در عین وحدت و نظم در اقدامات مبارزات مردم و صف آرائی آنان، کوشش کردند تا از برخورد با نیروهای انتظامی پرهیز نکنند و تا آنجا که امکان داشت از روش های مبارزه منفی سود جویند.

قیام خود جوش ملت
دوشنبه سیام تیرماه فرارسید، دگروه در برابر یکدیگر صف آرائی کردند، گروهی وابسته به استبداد استعمار ساخه با شرکت ارتش و نیروهای پلیسی زیر نظر جناح راست موازنه مثبت در سرکوبی نهضت ملی ایران، گروه دیگر هواداران راه آزادی و استقلال، مسردم بی سلاح و روحانیت مترقی زیر نظر رهبران جناح موازنه منفی در دفاع از دکتر مصدق بگونه مظهر نهضت ملی ایران.

گزارشی تحلیلی . . .

از صفحه ۵

زخمیان . شمار حقیقی شهیدان قیام سی ام تیر روشن نشد ولی برابریک گزارش رسمی د سراسر کشور کشته شدگان ۶۳ تن و شمارگم گشتگان ۱۵۱ تن بوده اند و گروه بسیاری زخمی گردیدند که پس از معالجه دچار نقص عضو شدند .

نزد یک ساعت چهار بعد از ظهر سی ام تیر تاریخ مبارزات ملت ماورق خورد و خون شهیدان گلگون - کفن پیروزی را رقم زد .

حفظ نظم شهر بویژه در امر راهنمایی و رانندگی بعهد و وابستگان حزب های ملی بود هیچ حادثه شومی در این روزها در تهران بوقوع نیوست .

نیروهای پلیس و ارتش از سوی فرماندهان شکست خورده استبداد بطور ناگهانی به مرکزهای خود خوانده شدند .

تعداد هواداران د کتر مصدق در مجلس شورای ملی از ظهر سی ام تیر به چهل تن رسید و درسی و یکم تیرماه مجلس با شصت و یک رای به نخست وزیری د کتر مصدق " ابراز تمایل " نمود و برای نخستین بار در تاریخ ، مردم بامبارزه های خونین و مستمر پیشوای راستین خود رابه کرسی زمامداری نشانند .

مردم با فریاد " یامرگ یا مصدق " به میدان بهارستان روی آوردند و مجلس شورای ملی را محاصره کردند ، در همین هنگام مهندس کاظم حسینی که به کوشش های درخشان ملی و آوازه مصدق دوستی او همگان آگاهی داشتند به میان مردم آمد و پیروزی را مژده داد و گفت : " قوام از نخست وزیری کنار خواهد رفت " فریاد شادی از زمین خون آلود بهارستان در فضای غمزه و خشمگین تهران طنین افکند مبارزان پیروز

برد باری دعوت کردند . آیت الله کاشانی و فراکسیون نهضت ملی که از هواداران د کتر مصدق تشکیل شده بود و احزاب و جمعیت های ملی هر کدام به تحلیل و تجلیل قیام تاریخی سی ام تیر مبادرت کردند .

بی رنگ بسوی خانه مصدق بحرکت درآمدند ، پرچم های ایران و درفش های حزب های ملی تهران را در آن عصر تب آلود آرایش میداد ، مجاهدان و مبارزان میرفتند تا با قلب های مالا مال از پیروزی و امید و چشمهای لبریز از اشک شوق ، پیشوای خود رابه کرسی زمامداری بنشانند .

د روز شانزدهم مرداد ماه مجلس شورای ملی و مجلس سنا با تصویب قانون ، روز " سی ام تیر " را روز ملی " و شهدای آنرا " شهدای ملی " اعلام داشتند .

خاطره این روز درخشان که برگ زرینی بر تاریخ مبارزات تابناک ملت ایران افزود هرگز فراموش نمی شود .

د دستگاه استبداد نیز با همه کوشش های ضد ملی خود نتوانسته است از شکوه مندی این قیام مقدس ملی بکاهد .

جمعیت در خیابان کاخ موج میزد . فریاد مصدق ، مصدق که برنده ترو کاری ترازد ها غرش تانک دشمنان ملت را بدلت می نشانند سرتاسر خیابانها ، اطراف خانه پیشوای را فرا گرفته بود .

مصدق در بالکن خانه خود نمایان شد تا با مردمی که از نبرد مرگ و زندگی بازگشته بودند سخن گوید ولی د چارچنان تاثیری گردید که پس از ادای چند جمله به گریه افتاد و بیهوش شد و چنان صحنه های از شوق و شور و ایمان بوجود آمد که براستی " ماورای حد تقریر " است .

در همین ساعات بازداشت شدگان چند روزه خیر آزاد شدند و به تظاهرات کنندگان پیوستند . تهران یکپارچه به تسخیر مردم درآمد . ساعت ۷ بعد از ظهر راد یوتهران خیر استعفای قوام را پخش کرد و بدین طریق مردم ، سراسر ایران را تسخیر نمودند و تلاش ضد انسانی دشمنان ایران و عوامل داخلی آنها با شکست کامل روبرو گردید .

ارمغان پیروزی
فرد ای پیروزی گروه بسیاری از مردم تهران به خاکسپاری شهیدان خود به " ابن بابویه " رفتند و گروهی به بیمارستانها برای دیدار و مدد رسانی به

قیام سی ام تیرماه ۱۳۳۱ نه تنها در ایران بلکه در سرتاسر خاور میانه و جهان سوم اثر بخشید و به تمام مردم زیر زنجیر و استعمار زده نشان داد که در برابر اراده مردم هیچ نیروئی هر چند اهریمنی و ویرانگر تاب مقاومت ندارد و سرانجام ملت پیروز خواهد شد .

در بیست و هشتم تیرماه سال ۱۳۳۲ با استفاده از قانون اختیارات " بپاس قیام مقدس سی ام تیرماه ۱۳۳۱ " و " یاد بود شهدای ملی " روز سی ام تیرماه " تعطیل رسمی " شناخته شد .

ای بخون خفته شهیدان بشماد سلام

ای کفن پوش عزیزان بشماد سلام

کریم پورشرازی

چهار سال از مرگ . . . از صفحه ۴

داد رسی کیفری - طرق فوق العاده داد رسی - وزیران محبوس و مقتول (زیرسانسوراست) عقاب کمازان را نام برد .

کشاورز صد رپیوسته د رتلاش بود ، یامی نوشت یا می خواند یا بد نبال گره گشایی از کارد وستی می د وید حتی بهنگامی که پزشک بعلت نارسائی قلب او را از کار زیاد منع نموده بود باز دست از تلاش برنداشت و موج سان زندگی راد ر حرکت می جست .

چه د رست گفت پیشوای ملت د ر باره او :

" افسوس که مملکت رجال فد اکا ر نظیر جناب عالی کم دارد "

یاد آن رهرو راستین راه مصدق ، آن آزاده ، آن پد ر ، آن ستاره که نابهنگام خاموش شد گرامی باد .

خاطره یک . . .

از صفحه ۱۶

ایشان خواست تا خاطره خود را از " قیام ملی سی ام تیر " بنویسد که اکنون عین آن د ر زبیرد رج میشود

+++++

روز ۲۷ یا ۲۸ تیر ماه ۱۳۳۱ که خبر استعفای د کترمصدق و برسرکار آمدن حکومت قوام السلطنه د ر جراید و خبرگزاریهای اروپا و از آن جمله د ر لاهه منتشر گردید ، یکی از ناگوارترین روزهای زندگی من بود زیرا با همه وجود احساس میکردم که ثمره تمام کوششها و پیروزی ما د ر دیوان داد گستری بین المللی د ر شرف نابودی است . آنشب راتاصبح خوابیدم و از درد بر خود میپیچیدم و د ر عجب بودم که چر اپیشوای بزرگ چنین بیموقع و بی تحقیق د ر باره جریان رسیدگی دیوان لاهه از کارکناره گیری کرده است . د ر آن تاریخ شوردوم حکم هم د ر شرف پایان یافتن و حاکمیت ماسلم شده بود ولی چون بر طبق یکی از مواد اساسنامه دیوان لاهه مقرر شده است که تا زمان صد ورحکم طرفین دعوی میتوانند دعوی خود را مسترد دارند تمام وحشت من از این بود که مبادا قوام السلطنه ندانسته و یاد ر نتیجه تبانی و با تظاهر به اینکه ماد ردیوان محکوم میشود با طرف توافق کند و دعوی رامسترد بدارد .

فردا که به دادگاه رفتم حالی پریشان و سرشکسته داشتم قاضی یوگوسلاوی آقای زوری چیچ " احوال پرسی کرد ناراحتی خود را بیان داشتم . دستی آهسته بر پشتم زد و با اشاره به ضرب المثل معروف اروپائی گفت : " آقای سنجابی نترسید د ر برلن قاضی هست " . با وجود این رنج و نگرانی ام تسکین نمی یافت به یکی د و

نفر از همراهان ایرانی که د ر لاهه ماند ه بودند مراجعه و خواهش کردم فوراً به تهران مراجعت کنند و دستان جبهه ملی راد رجریان بگذارند که مباد اقوام السلطنه د ر مجلس دست به مغلطه بزند . چون این اقدام را کافی ندانستم ناچار بعد از ظهر به منزل حسین نواب سفیر ایران رفتم و جریان را به او گفتم د ونفردی به محل سفارت که تعطیل بود رفتم . حسین نواب د فاطر رمز را بیرون آورد و د ونفردی مشغول تهیه تلگراف رمزی از طرف سفیر ایران به قوام السلطنه شدیم که د رایمن محاکمه مسلمانان حاکم میشود مباد اقدامی برخلاف مصالح ملی بشود . از آن پس باز د ونفردی به تلگرافخانه رفتم و تلگراف را مخابره کردیم و خیال من د یگر راحت شد که قوام السلطنه د ر برابر این سند رسمی جرات اقدام مخالف نخواهد داشت . ولی بامداد د یگر که

چشم بر روزنامه های لاهه گشودم خبر پیروزی قیام ملی ۳۰ تیر و برسرکار آمدن مجدد مصدق را با عنوانهای د رشت دیدم و خدا را شکر کردم و با سروگردن افراشته به دیوان رفتم . تمام اعضاء دادگاه از دیوان گرفته تا داد رسان بین المللی بانظر تحسین و تکریم به من نگریستند و تبریک گفتند . آن روز هم یکی از روزهای استثنائی با سعادت عمر من بود .

پیام مصدق . . . از صفحه ۱
شهادت نائل شدند و با خون پاک خود نهال آمال ملت را آبیاری کردند هاند تا بهمت آیندگان روزی با روروسا به گسترشود و ملت ایران از نعمت امن و آسایش و استقلال واقعی و آزادی حقیقی برخوردار گردند .

اگر د ر آن روز مردم بیدار و هوشیار نبودند و این حادثه را با ایمان و علاقه بی شائبه خود نسبت بادامه نهضت ملی تلقی نمیکردند و زمام سرنوشت خویش را بدست حوادث نامعلوم می سپردند نه تنها آینده خود راد چارخطرات عظیم کرده بود بلکه بافتخارات گذشته خویش نیز خط محو و بیلان می کشیدند . اما خوشبختانه بعکس آنچه اجانب تصور میکردند ملت ایران باروشن بینی و بصیرت کامل بآینده خود می نگریست و خویشتن را برای مقابله با هر حادثه ای که او را از دامه مبارزه باز دارد آماده و مهیامیداشت و از هیچ مشکلی حتی مرگ بیم و هراس بدل راه نمیداد حادثه سی ام تیر بوته امتحانی شد که ملت ایران راد ر خود گداخت و زر خالی او را از

عیار فساد و تباهی جدا کرد و محک تجربه ان بود که افراد بی اراده و سست عنصر و همچنین خیانتکاران بمصالح ملی و دست نشاندهان سیاست اجنبی از آن آلوده و بقیه د ر صفحه ۸

رسوا بیرون آمدند . پس اگر در این حادثه عدای از عزیزترین فرزندان ما بد رجعت رسیدند برای وصول به هدف مقدسی بود که این قیام ملی در پییش داشت و فئای ظاهری آنان ضامن بقای استقلال کشور و دوام حیات ملت شد و چون به طیب خاطر برای جهاد در راه حق و حقیقت و تقوی و فضیلت تن بمرگ دادند در این سودا سرمایه حیات و زندگانی جاوید حاصل کردند و در مقابل این فداکاری البته تا ایران باقی است نام این آزاد مردان در سرلوحه و دیباچه تاریخ افتخارات کشور به عظمت و بزرگی ثبت و ضبط خواهد شد و اثری که با خون پاک خود در تحکیم میانی ملت و اساس استقلال مملکت برجای گذاردند یاد آنان را پیوسته در دل‌های ما و نسل‌های آینده باقی و برقرار خواهد گذاشت .

هموطنان عزیزم - نهضت مقدس سیام تیر نشان داد که ملت ایران در مبارزه با اجانب به پایداری و استقامت مصمم است و ثابت کرد که این ملت آنجا که پای شرافت و استقلال مملکت در میان باشد مرگ را بر زندگانی آلوده به ننگ و رسوائی ترجیح میدهد و به هیچ قیمت از ادامه نهضتی که آنرا به بهای خون فرزندان خود خریده است باز نخواهد ایستاد .

لا بد بخاطر در آید که سال گذشته در چینی - روزهای دولت از ادامه خدمت گزاری مایوس شد زیرا از هر جانب خود را با موانع و مشکلاتی مواجه میدید که دست سیاست اجنبی فراهم کرده بود در آن ایام نیز مانند این روزها دست تحریکات و دسائس اجانب از هر جانب در کار بود و دولت که میبایست تمام کوشش و نیروی خود را در آن دقائق حساس در راه پیشرفت آمال ملت صرف کند بیشتر اوقات خود را برای مقابله و مراجعه به این گونه تحریکات مصروف میداشت و در نتیجه از هدف اصلی خود که پیشرفت نهضت ملی بود بازمی ماند و این تنها آرزوی بیگانگان بود که دولت را خسته و ناتوان کنند و از میدان مبارزه بدر برند عاقبت این گرفتاریها و کارشکنی‌ها دولت را چنان در تنگنا و فشا گذاشت که راهی جز کناره گیری در پییش نداشت و ناچار شد بار مسئولیتی را که ملت بردوش گذاشته در نیمه راه مبارزه بر زمین گذارد اما بلافاصله معلوم گشت که ملت ایران با کناره گیری این دولت از کار موافق نیست و بهر قیمتی که ممکن باشد نخواهد گذاشت این جهاد مقدس بی نتیجه و ناتمام بماند .

قیام بی نظیر سیام تیرو فداکاری بی مانند ای که عموم افراد ملت در این روز از خود نشان دادند

نمود ارواحی از عزم راسخ ملت ایران بدوام و بقای نهضت ملی بود که بصورت ابراز عقیده عمومی دایر به بقا و ادامه خدمت گزاری این دولت درآمد .

این رستاخیز ملی ثابت کرد که مردم ایران با واقع بینی و توجه کامل به مصالح خویش راه خود را انتخاب کرده و دیگر بهیچوجه از آن باز نخواهند گشت بیگانگان که در رکبین بودند پس از این واقعه دانستند که اینبار برخلاف انتظار با ملتی بیدار و علاقمند به استقلال خویش سروکار پیدا کرده اند و دیگر ممکن نیست با حیل و نیرنگ این ملت را از ادامه طریقی که بد شواری پیموده است بازدارند و اورا به همان سر منزل اول برگردانند و مردمی را که برای تامین مقاصد حق ملی خود با کمال شهامت و شجاعت حتی تن به مرگ دادند بفریبند . امروز هم اگر چه نفع طلبی عد های معدود روزنه امید ی در پیش چشم آنان گشوده است و در تاریکی یاس و حرمان راهی در پیش پای مطامع خود می بینند ولی چون هنوز اکثریت قویب به اتفاق ملت در عزم خود راسخ و در تصمیم خویش پایدار است هرگز بمقصود نخواهند رسید و از این غبار که دورت کمترین گردی برد امان ملت ایران نخواهد نشست .

هموطنان عزیزم - قیام سیام تیرو جانفشانی و استقامت بیدریغ ملت و قطع امید اجانب از اینکسه بتوانند در ربانی اتحاد و اتفاق مارخنه ای ایجاد کنند در پیشرفت ملت ایران به سوی مقصد و هدف نهائی خود بیش از آنچه بتوان گفت پرازش بود و مفید و موثر افتاد اکنون بر ما فرض و واجب است این سرمایه معنوی را که در ربهای خون پاک عزیزان خود بدست آورد ایم و بزرگترین ضامن پیروزی ملت در این مبارزه و جهاد مقدس خواهد بود مفت و رایگان از دست ندهیم ، اتحاد و اتفاق خود را با کمال دوراندیشی و خالی از هرگونه شائبه غرض ورزی و کینه توزی حفظ کنیم و نگذاریم حریف مکار این حر به قاطع را از دست ما بگیرد و با ایجاد نفاق و پراکندگی ما را چنان بخود سرگرم و مشغول کند که آمال ملی خویش را بکلی فراموش کنیم و از پیشرفت به سوی مقصد نهائی بازمانیم . ملت ایران اگر خواسته باشد در ردیف سایر ملل بزرگ جهان مقام و موقعیتی را که شایسته او و گذشته پرافتخاراوست یابد دیگر احراز کند باید از محرومیت و مشکلات نگریزد و از فداکاری و جانبازی نترسد ما نباید زندگانی را به هر صورت و کیفیت که بمعرضه میشود دست بداریم و بدان قانع و خرسند باشیم اگر زندگانی توام با آزادی و استقلال نباشد به قدر پیشیزی ارزش نخواهد داشت برای رسیدن بقیه در صفحه ۹

پیام مصدق . . .

باقیه از صفحه ۸

باین هدف عالی تاریخ زندگی ملل بزرگ عالم شاهد مبارزات و مجاهدات و گذشتها و فداکاریهاست .

سرنوشت ملت ایران نیز در طول تاریخ خود همواره با اینگونه محرومیتها و مصائب توأم و همراه بوده است و در همه این موارد ملت ما موانع و مشکلات را با شکیبایی و بردباری تحمل و تلقی کرده و سرانجام از آن پیروز و سربلند بیرون آمده است .

جای تأسف نیست که جمعی از برادران و فرزندان گرامی ما در واقعه سیام تیرجان خود راه را در حفظ سعادت و عظمت ملت ایران فدا کرده اند و با این فداکاری سرمایه افتخار جاوید برای خود و خاندان خویش انداخته اند .

جای تأسف موقعی خواهد بود که خدای ناخواسته ملت نتواند از این فداکاریهای بی دریغ فرزندان خود نتیجه ای که لازم است بدست آورد و از این خونهای مقدسی که ریخته شده بهره ای که شایسته است نتواند تحصیل کند ، آنهم یقین دارم که با حس تشخیص و موقع شناسی ملت ایران هرگز پیش نیاید و آرزوی ما در حفظ استقلال و تجدید دوران مجد و عظمت دیرین این کشور باستانی هرچه زودتر تحقیق پیدا کند .

خبرها و تازه ها

اعلامیه "جامعه روحانیت" تهران در مورد برگزاری مجمع پانزدهم شعبان

صد و بیست و هشت تن از روحانیان حق طلب و مبارز تهران طی اعلامیه ای حوادث خونین و مصائب ناگوار را بررسی نمود و با تکیه بر اعلامیه مرجع عالی قدر جهان تشیع حضرت آیت الله العظمی خمینی چنین نوشته اند "با توجه به اینکه دستگاه جبار و خونخوار حاکم ایران که دستش تا مرفق بخون آزادگان مسلمان آلوده است سعی دارد در زیرپوشش چراغانی مذهبی اوضاع را عادی جلوه دهد و خونهای ریخته شده مجاهدان اسلام را لوث نماید" ، بنابراین روحانیت تهران به پیروی از مراجع عظام تقلید اعلام میدارد که مراسم باشکوه میلاد مسعود حضرت ولی عصر را و حنا فداها امسال بدون هیچگونه چراغانی و مبادله تبریک برگزار میشود .

اعلامیه علما و استادان حوزه علمیه قم سی و هشت تن از علما و استادان حوزه علمیه قم در اعلامیه ای اوضاع اجتماعی ایران را مورد بررسی قرار داده و با ابراز تنفرو انزجار از جنایات های پید در پی

استبداد یا ن چنین نوشته اند:

"ملت آگاه ایران در مبارزه با حکومت طاغوتی به مرحله ای رسیده است که باید از هر فرصتی استفاده نمود و مینماید" و سپس اعلام کرده اند "حوزه علمیه قم بهمین منظور و با الهام از پیام پیشوا لازم میدانند که ملت مسلمان و مبارز ایران مجالسی را که در سراسر مملکت به مناسبت نیمه شعبان برگزار می گردد در مسیر نهضت اسلامی و ضد طاغوتی قرار داده تا بدینوسیله مراتب انزجار و تنفر خود را از دستگاه ضد اسلامی و ضد انسانی حاکم بر ایران ابراز دارد و با توضیح جنایات دستگاه حاکم بوسیله خطیبان و گویندگان شجاع مسئول و آگاه و دنبال کردن راه خود بسوی هدف پیوند ناگسستنی خویش را با این نهضت مقدس به اثبات رساند و بخوبی نشان دهد که تار سیدن به پیروزی -

نهایی هرگز از پای نخواهند نشست" .
نامه به رئیس جمعیت بررسی مسائل ایران

آقای فخرالدین موسوی در تاریخ ۳۰/۳/۵۷ در نامه سرگشاده ای خطاب به رئیس جمعیت بررسی مسائل ایران علت های شکست حزب رستاخیز را بررسی نموده و در تعریف حزب در کشور های آزاد چنین نوشته اند "مردم هر حزبی را بهدفع و آرمان خود نزد یکتر می یابند به آن حزب بیشتر رای میدهند و در او عضویت بیشتری گزینند . حزب اکثریت حکومت را بدست می گیرد و دولت تشکیل می دهد و حتی روسای مملکت را تعیین می کند . این حکومت اکثریت بر اقلیت یا حکومت مردم بر مردم است" .

و در بخش دیگری از نامه نوشته اند "نجات این مملکت در آزادی بیان و قلم و احزاب و جمعیت هاست آوردن توپ و تانک و مسلسل به خیابانها و شوارع و بستن دانشگاهها و مراکز علمی یک یا دو ماه و یکسال و دو سال بیشتر و ام نخواهد یافت ، عاقبت چه خواهد شد ؟"

یادبود کشاورز صدر

روز بیست و پنجم تیرماه برابر با سالروز درگذشت شخصیت مبارز ملی ، سید محمد علی کشاورز صدر ، یار دیرپای مصدق آئین یادبودی به دعوت دکتر شاپور بختیار برپا گردید .

در این مراسم که یاران کشتاورز صدر و هواداران جنبه ملی شرکت داشتند بعد از خواندن و تفسیر چند آیه از قرآن کریم توسط حجت الاسلام شیخ مصطفی رهنما ، آقایان مهندس کاظم حسینی و دکتر شاپور بختیار پیرامون شخصیت برجسته دوست

یاد بود . . .

از صفحه ۹۴

از دست رفته خود، کشاورز صد رسخن گفته و در پایان آقای سیف اله گلکار وکیل دادگستری بعنوان یکی از شاگردان آن شاگرد روان با ذکر خاطره‌هایی چند سخنانی ایراد نمود.

نامه اعتراض آمیز پیشوای روحانی مردم سنندج

روز هفدهم تیرماه یکروز پس از یورش وحشیانه پلیس به خانواده زندانیان سیاسی که برای دادخواهی به دادگستری سنندج رفته بودند، بیست و یک تن از آنها بدستور دادستان شهر در مسافر خانه‌های محل اقامت خود بازداشت گردیدند و بدینسان چهره واقعی "دستگاه استبداد" و این عنصر کثیف نمایان تر شد.

در روز هجدهم تیرماه آقای احمد مفتی زاده یکی از پیشوایان روحانی مردم سنندج طی نامه سرگشاده‌ای خطاب به "دادستان کردستان" پس از شرح اعتصاب غذای زندانیان سیاسی و علت بستنشستن خانواده‌های آنها در دادگستری ضمن اعتراض به زشتکاریهای ماموران، نوشته‌اند "در جلوی چشمان دادستان (و شاید هم با رضایت او)، ضابطان دادگستری بجان دادخواهان می‌افتند و با کتک کاری و زندان، جواب دادخواهی آنان را میدهند" و در پایان نتیجه گرفته‌اند "آیا مردم حق دارند در "اسلامی بودن" این مملکت و در درستی و اصالت آن همه پرمردعائی و تظاهر به خلقدوستی، "مقداری" تردید کنند؟ و دادگستری را نیز دستگاهی پست و نعد خلق شمارند؟"

پیام کنگد راسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی

به پشتیبانی از زندانیان سیاسی ایران

بدنبال انتشار خبر اعتصاب غذای زنان زندانی سیاسی قدر و نیز دوازده تن زندانیان سیاسی زندان سنندج، کوشش‌های وسیعی به پشتیبانی از این زندانیان در داخل و خارج کشور آغاز گردید. از جمله کنگد راسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی (سی. آی. اس) تلگراف زیر را بوسیله "داریوش فروهر" برای اتحاد نیروهای جبهه ملی ایران فرستاده است.

"با غرور و درس آموزی از مبارزه افتخارآمیز و مقاومت دشمن شکنان خیراعتصاب غذای رزمندگان در

زندانیان های قصر و سنندج را دریافت نمودیم شما در زیر وحشیانه ترین سلطه سیاه استبداد پرده تزویر د مکرسی و آزادی رژیم را بر ملا میسازید.

هزاران دانشجوی میهن پرست عضو و هوادار کنگد راسیون جهانی (سی. آی. اس) خود را با شما و مبارزتان همراه و همسنگر دانسته و با پشتیبانی از راه به حقتان بانگ رسای زندانیان سیاسی میهن پرست را بگوش جهانیان میرساند.

آئین چهلم شهدای کوی دانشگاه

روز سه شنبه بیستم تیرماه برابر با "چهلم کشتار وحشیانه رژیم در کوی دانشگاه تهران" گروه زیادی از دانشجویان دانشکده علم و صنعت اجتماع با شکوهی برپا کردند و یاد بخون خفتگان را گرامی داشتند.

در این اجتماع متنی که در آن با بررسی اوضاع و شرایط اجتماعی کشور به کشتارهای پی در پی مردم ایران زمین اعتراض گردیده بود خوانده شد.

دانشجویان در پایان این متن نوشته‌اند "ما روز ۱۱ خرداد را روز شهدای کوی دانشگاه تهران و روز ۱۸ اردیبهشت را روز شهدای دانشگاه تبریز اعلام می‌کنیم و هرسال در بزرگداشت آن می‌کوشیم".

دعوت به اجتماع در شب میلاد مهدی موعود

شصت تن از مبارزان ملی طی بیان نامه‌ای که بمناسبت پانزدهم شعبان روز میلاد مهدی موعود نشر داده‌اند پس از اشاره به مبارزه مستمر "تشیع در طول تاریخ حیات انقلابی و خونین خود با تکیه بر دو اصل (امامت) و (عدالت) علاوه بر اصول دیگر اسلامی و ضمن نقل بخشی از پیام مرجع آگاه و عالیقدر آیت الله العظمی خمینی اعلام داشته‌اند "پانزدهم شعبان امسال که روز میلاد امام بحق قائم بالقسط مهدی موعود امام زمان عج با خون شهیدان حق و آزادی آراسته شده است و بار دیگر این تدویم و استمرار تاریخی تجلی پیدا کرده و مجالس جشن ملت نیز تبدیل به خاطره و یاد شهیدان عزیز گشته است. بدینجهت در عصر روز پنجشنبه ۱۴ شعبان (۲۹ تیرماه ۱۳۵۷) شب میلاد حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه از ساعت ۷/۵ بعد از ظهر منعقد می‌باشد.

پیروز باد ملت

خبرنامه

اتحاد نیروهای جبهه ملی ایران

شماره ۶ هفدهم - دهم مرداد ماه ۱۳۵۷

جدید پیراستید اد در تشنج مرگ خشم و قهر مردم اوج می گیرد

د رشایطی که گماشتگان "نظام حاکم" بگونه قشون اشغالگری، جان مردم بی پناه افتاده، کوچه و خیابان، شهر و روستا، کوه و دشت جولانگاه رفتارهای جنون آمیز آنها و قربانگاه پیران و جوانان ایرانی است، بررغم لشکرکشی های دژخیمان جرار، مردم بیچاره خاسته کوشش های خود را هر روز گسترده تر می سازند و در راه بدست آوردن حیثیت انسانی از دست رفته از نثار جان و ایثار هستی خود دریغ نمی ورزند و در این میان پیوستن روستائی آفتاب زده خشمگین که کرنای تبلیغات رسانه های گروهی گوشه هایش را پر کرده به صف مبارزان، آخرین کورسوی امید استبدادیان را به باد فنا می سپارد و چهره معصوم هزاران شهید راستین که رقم زن تاریخ مبارزات کنونی ملت ایران است لزوم برجیده شدن فوری بساط ننگین دیکتاتوری را یاد آور میشود.

فریاد اعتراض میلیونها زن و مرد به جان آمده که صدای مرگبار گلوله را پاسخ می گویند دلیل روشن این مدعاست.

استبداد لجام گسیخته عقل و دین از کف داده در تشنج مرگ، کف بربل و خشمگین همچون سگان هار به رسو می تازد و از زائر سراپا ایمان و اخلاص حرم حضرت رضا گرفته تا نمازگزاران مسجد و رافتاده روستای کشکوئیه را از دم گرم گلوله می گذراند و از رو کردن کودکان خردسال نیز ابائی ندارد و دست به چنان چپاول و تاراجی می زند که بیننده گمان می کند اینها که پشت مسلسلها نشسته اند و خون جلوی دیدگان نشان راتیره کرده، اجیرشدگان دولت های بیگانه در بقیه در صفحه ۲۴

ملت ایران:

میلاد مهدی موعود را در میان خون و آتش کرامی داشت

پانزد هم شعبان میلاد مهدی موعود امام زمان "عج" که با توید دادگری و دوستی و برادری ذهن هرایرانی با ایمان و آگاه راروشنی و امید می بخشد و امسال در برخورد هنگامی با قیام ملی سیام تیر بود در سراسر کشور با هولناکترین "کشتار جمعی" و آشکارترین ستم و تجاوز بر حقوق انسانی همراه گشت.

بد نبال پیام حضرت آیت الله العظمی خمینی مرجع عالیقدر جهان تشیع و دیگر حضرات آیات عظام و حجج اسلام، جشن نیمه شعبان که هرساله ایران زمین را نورباران می گردانید به دلیل "کشتارهای جمعی" پی در پی در بزرگترین شهر تا در افتاده ترین روستا نشانی از شادمانی یا خود نیامورد و مرهم و در سراسر کشور به دعوت روحانیان آگاه به مسجد ها روی آوردند و سخنان گویندگان شجاع را در زمینه های اجتماعی و وظیفه های مذهبی و ملی گوش فرا دادند.

این همبستگی برگماشتگان "دستگاه استبداد" که اعتقاد و ایمان را یاد نیاورد و بینهار عوض کرده اند، سخت گران آمد و همه جا مردم بیچاره و پرخاشگر مورد وحشیانه ترین حمله های سپاهیان "اشغالگر" قرار گرفتند. با طوم و سرنیزه و چاقو و گلوله بود که از زمین و هوانثار مردم بی سلاح می شد.

در تهران از روز پنجشنبه بیست و نهم تیرماه این هجوم با جلوگیری از برپائی مجلس سخنرانی که گروهی از مبارزان دعوت کرده بودند آغاز گردید و صد هاتن دستگیر و زخمی شدند. تظاهرات پراکنده مردم به خشم آمده تهران روز سیام تیر که در چند مسجد مجلسهای سخنرانی برپا شد بود بالا گرفت و در بیشتر خیابانها و میدانهای بزرگ شهر، بقیه در صفحه ۳۴

اعلامیه حضرت آیت الله العظمی خمینی

مرجع عالیقدر جهان تشیع

حضرت آیت الله العظمی خمینی در تاریخ ۲۱ شعبان ۱۳۹۸ قمری برابر با پنجم مرداد ماه ۱۳۵۷ خورشیدی اعلامیه ای صادر فرموده اند که با فاصله کوتاهی در سراسر ایران پخش گردید.

پیشوای عالیقدر شیعیان جهان در این اعلامیه ضمن تشکر از "عموم ملت شریف ایران" که "با همبستگی و وحدت کلمه در سوگواری نزد همشعبان یکمرتبه دیگر بر رژیم منحط ثابت کرد که با اراده ملت نمی تواند مقابله کند" بمناسبت در پیش بود ماه مبارک رمضان مطالبی را پیرامون ماهیت اسلامی "نهضت مقدس اخیر ایران" و نقش "جامعه روحانیت" در آن و نیز مسائل جاری مملکت تذکراتی داده و وظائف ائمه جماعت و عامه مردم را در شرایط کنونی تشریح فرموده اند.

کشاورزان بیدار دل: جای خود را در صف مبارزه ملی پر کنید

از صفحه ۱۴

مذ هبی تجاوز نمی کنند و اینها همه در این خراب آباد ،
برزندگی همگان حاکم است .

حال جنگ با ملت ایران هستند .

سایه شوم جغد پیراستبداد روال عادی زندگی
انسانی را برهم زده و مردم در خانه های خود نیـ
در امان نیستند .

پیرزنی برجسد جوان بخون خفته اش در سیل اشک ،
زاری کنان سوگند یاد می کرد که این تفنگچی های خارج
ازدین ایرانی نیستند ، زیرا که مسلمان برادر کشی
نمی کند !!!

فریاد استمداد مردم هراپاسخی جز گلوله و مسرگ
نیست و کاربرد انجا کشیده که جزاندرک شماروابستگان
زالوصفت " دستگاه استبداد " همه و همه ازکارگرو
کشاورز گرفته تادانشجوواستاد ، ازکارمند گرفته تا
بازرگان و پیشه ور ، خواهان درهم ریختن نظام
استبدادی هستند و برایین هدف هستی خویش در
گرو نهاد هاند . امروز در میان مردم و نظام فاسد حاکم
دریا دریا خون موج میزند .

اگر در میان نسل ما از آن گردان مشروطه خواه
دیگر کسی نمانده تا یاد آور شود که چگونه در دوره
استبداد صغیر برای مسجد و امامزاده حرمی نگذاشتند
ما امروز بادیگان خود و به کرات می بینیم که با
مکان های مقدس و انسان های با ایمان چگونه رفتار
می شود و حکومتی که لاف گسترش آزادی های اجتماعی
میزند چگونه در گوشه و کنار شهر و روستا به کمین نشسته تا
مردم را به دام مرگ کشاند و بر مزار خونین آزادگان بر
خون گسترده بیغما بنشیند و بیزه خوار نوکرمفست
استعمار باشد .

خشم پدران و مادران داغدار و زنان زندگی از هم
گسسته و فرزندان یتیم شده را تنها قطع همیشه گی
دستهای آلوده استبدادیان وابسته به بیگانگان
فرو می نماند .

بیست و پنجسال یکه تازی و پامال ساختن " حقوق
ملت " و به بهای زندان و شکنجه و " کشتار جمعی " به
حکومت ننگین خود ادامه دادن و دمار از هستی
ملتی بر آوردن سبب شده استبدادیان در آئین
چاپلوسی و تملق چهره کریه خود را نشانند و حصار
بلندد روغ واقعیت هارا از چشمان بی فروغشان دور
بدارد و گرنه هیچ عقل سلیمی باور ندارد که دستگاهی
تا بدین پایه از پستی سقوط کرده باشد که بهیچ بهائی
حاضر به ترد موضع های غیر انسانی و غیر قانونی خود
نگردد . چگونه می توان باور داشت وقتی که
دبستانی به دروغ پردازیهای راد یوتلوویزیونی میخندد
و در گرگون سازی های تاریخی با رابادانش محدود خود
رد می کند ، " نظام حاکم " با آنهمه عرض و طول و وجود
گروه اندیشمندان !! و دستگاه های پژوهشی و علمی
تواند موقعیت و خیم خود را در کند و به جای پایان
دادن به وحشیگری ها و تجاوزها هر روز بعد گستردهای
برکردارهای نادرست ببخشد .

بد ابحال حکومتی که قهر و خشم مردم هرا ناچیز
انگارد و این توفان مرگ زا را به بازی گیرد .

حزب شاه !!

درسی از تاریخ

(. . . در همین اوان عده قلیلی از درباریان
متعلق نزد احمد شاه رفته پیشنهاد کردند که
شخصاً شاه به مبارزه برخاسته . . . حزب نیرومند
ایجاد نمود روزنامه ای هم در ارگان آن حزب بگذارد
ولی شاه جواب بسیار متین و عاقلانه ای که
حاکمی از داریت و زیرکی و تدبیرا بود در برابر این
قبیل پیشنهادات اظهار نمود . . .

" من وقتی پادشاه مشروطه هستم رئیس حزب
ملت بودم و عموم افراد کشور عضو آن خواهند بود
اما اگر عده قلیلی از این حزب را جدا نموده متمایز
کردم و گفتم که استثناً این حزب من خواهد بود
لازم می آید که نسبت به سایرین با نظر تحقیر
نگریسته آنها را جزء حزب خود ندانم آنوقت
عکس العمل این کار این خواهد شد که مردم
هم در مقابل این حزب ، حزب
دیگری بسازند که مرا مقاومت
با آن حزب محال و غیر ممکن
است .)

تاریخ بیست ساله ایران ، حسین مکی جلد ۲

آیا مزه غارت آنچنان شیرین است که دوا مان را باید
با نابودی میلیونها ایرانی معترض تضمین کرد ؟ .
به راستی در این جهنم سوزان هیچ قانونی جز
خیانت و جنایت حکومت نمی کند .

در جنگ نیز اسیرشدگان از حقوقی برخوردارند ،
هیچ اسیری را در میان جمع عریان نمی سازند ، هیچ
زندانی را به گلوله نمی بندند ، هیچ بیماری را از درمان
محروم نمی نمایند ، به بیمارستان ها و مکان های مقدس

همه با هم در راه آزادی و استقلال ایران

شکنجه گریبمقد ارسابق ساواک قرار داد چنان وحشتی ایجاد نمود که بی هیچ بهانه‌ای حمله به مردمی را که بیشتر آنها زوار مرقد مطهر حضرت ثامن الائمه بودند، آغاز کرد و گوئی یکباره بالای آسمانی نازل گردید از زمین و آسمان گلوله می‌بارید، چه بسیاریان از پافتاده و کود کان نویایی که قربانی هوس آتش بازی شدند.

د ریورش به مد رسه مذهبی نواب پیش از شصت طلبه بی دفاع مضروب و مجروح گردیدند و شکستن در و پنجره و سوختن و غارت اموال یکی دیگر از شاهکارها گروه مهاجم بود.

د ر فاجعه مشهد بیش از چهل تن شهید و نزدیک دویست تن زخمی شده‌اند.

فرد ای حادثه در خانه حضرت آیت الله سید عبد الله شیرازی جائی برای سوزن انداختن نبود.

بیش از ده هزار تن برای اعتراض به این جنایتها و درخواست یاری از علما و مراجع عالیقدر در آنجا تحصن کردند و خواهان آزادی زندانیان حوادث اخیر و ستانیدن زخمی‌ها و دریافت جنازه شهیدان خود شدند.

— د ر جهرم تولد امام زمان رادسته های سینه زنی با پرچمهای سیاه که نشان عزای ملی است و گویای مدد خواهی مردم از امام غایب برای پایان دادن به مطالب بی پایان دستگاه حاکم، گرامی داشتند و در آنجا نیز بر روال معمول پاسخ مردم گلوله بسود و زندان و چند تن از جوانان پرشور و با ایمان این شهر نیز شربت شهادت نوشیدند.

— د ر روز چهارشنبه چهارم مرداد ماه مردم همدان که از وفات حضرت آیت الله آخوند ملاعلی همدانی پیشوای بزرگ خود سوگوار و از چند روز قبل شهر را بحالت تعطیل در آورده بودند بهنگام تشییع جنازه آن بزرگوار که بر آستی می‌توان گفت همه شهر در آن شرکت داشتند و حالت بی‌جای قوای انتظامی و پلیس خشم مردم را برانگیخت و کاربند آنجا کشید که با وجود تیراندازی و پرتاب گاز اشک آور، پلیس مهاجم را برابر سیل جمعیت فراری گردید و در میدان پهلوی و خیابانهای اطراف آن شیشه چند مشروب فروشی و بانگ شکسته شد.

د ر جریان هجوم به مردم بسیاری زخمی و گروهی کشته شدند و شمارد ستگیر شدگان نیز از نرسیدن تن است و هنوز هم مجالس ختم و تظاهرات در شهر همدان ادامه دارد. بقیه در صفحه ۴

از صفحه ۱
ملت ایران میلاد . . .
و در تجریش و شهر ری اجتماعهای تشکیل و مردم در حال حرکت به دادن شعار پیرد اختند که با هجوم مأموران و گاز اشک آور و تیراندازی روبرو شدند و بسیاری از آنها زخمی و بازداشت گردیدند.

— روز جمعه سیام تیرماه، کشکویییه رفسنجان محل تاخت و تاز قوای انتظامی بود در روستای کشکویییه تعقیب و ضرب و جرح روستائیان که در مسجد گرد آمده بودند و رکمال آرامش به سخنان گوینده مذهبی گوش میدادند تا میان مزرعه‌ها کشید شد و صفیر گلوله که ساعتها بگوش میرسید زنان و کودکان معصوم را وحشت زده و نگران آواره صحرا کرد.

— جمعه روز ولادت خجسته اما زمان مرد رفسنجان در مسجد خیابان شاهپور پس از استماع سخنان شورانگیز آقای انصاری و بهنگام خروج از مسجد مورد هجوم گروهی سرباز و پلیس که از اتومبیلها برای خود سنگساخته بودند، قرار گرفتند و عده زیادی زخمی و گروهی دستگیر شدند و گفته میشود بیش از بیست تن از جوانان مبارز شهر رفسنجان نیز شهید شده‌اند و از آن پس شهر بحالت حکومت نظامی اداره میشود.

— روز جمعه، نیمه شعبان خیابانهای تفکره از حرارت آفتاب شهر کازرون شاهد هیجان و شور بی‌مانند مردمی بود که آزادی را طلب می‌کردند و بی‌وحشت از پلیس شعارهای آتشین می‌دادند و ولی پلیس نیز اینجا و آنجا در کمین آزاد یخواهان بود تا سرانجام بیست و بیست و پنج تن از مبارزان راد ستگیر و به وضع زندانهای روانه شیراز ساخت.

— روز جمعه سیام تیر بر نیمه شعبان گروهی بیشماری از مردم شیراز پس از استماع سخنان پرشور حضرت آیت الله دستغیب در مسجد جامع بهنگام خروج با هجوم قوای انتظامی روبرو گردیدند.
مردم خشمگین با حالت اعتراض در سراسر شهر پراکنده شدند و به تظاهرات پیرد اختند. قوای باصطلاح انتظامی آنها را تا کوجه پس کوجه هاد نبال می‌نمودند و صدای گلوله لحظه‌ای خاموش نمی‌شد.

از شمار شهیدان و زخمی‌شدگان و زندانیان این فاجعه اسف بار هنوز آمار دقیقی نرسیده است.

— روز شنبه سیام و یکم تیرماه در شهر مرقد س مشهید انبوه جمعیتی که جنازه حاج شیخ احمد کافی را تشییع می‌نمودند در میان گماشتگان دستگاه استبداد که در رأس آنها استادان اروپا و خراسان این بازجو و

زندانیان و تبعیدشدگان سیاسی را آزاد کنید

فروخته شد و تذکره مردم نیز به مسئول کانال کشی بجائی نرسید و ادعای مهارت و دانش موضوع را مسکوت نهاد و شکایت های دیگر نیز چون ازدزدی به دزد دیگر انجام می گرفت بی نتیجه ماند و امروز عظمت انقلاب و دستاوردهایش گریبانگیر صد ها خانواده کم درآمد شریف خیابان مولوی شده است .

ریزش سقف دو بخش بیمارستان سینا

" ساختمان دو بخش جراحی و بخش داخلی بیمارستان سینا تهران فروریخت و ۲۱ بیمار زیر آوار ماندند ماموران گروه نجات و امداد آتش نشانی بعد از ساعتی تلاش ۱۱ جسد قربانیان این حادثه را از زیر آوار خارج کردند . . . مسئولان امر علت ریزش بخش های جراحی و داخلی این بیمارستان را پی کنی برای ساختمان جدید و اهمال مهندس ناظر اعلام کردند . . . آنچه ترانندید عین خبری است که در کیهان دوشنبه نهم ۱۳۵۷ درج گردیده است .

فاجعه بیمارستان دانشگاهی سینا که مراجعان آن از کم درآمد ترین گروه های اجتماعی که هیچیک از بیمه های اجتماعی شامل حالشان نیست با هفده کشته که در میان آنها یک اتنرن نیز وجود داشت ، - نمایش افتضاح آمیز دیگری از تکنولوژی پیشرفته نظام حاکم بود .

کف یک اتاق بخش جراحی بر سر بیماران یک اتاق بخش داخلی فرود آمد و پنجاه بیمار را با خود به زیر زمین فروبرد . کف این اتاقها که تختهای بهم چسبیده دارند و بیماران سلی ، حصبه ای و سرطانی در کنار هم خوابید هاند همیشه خیس می باشد و تعدادی بیمار در هر کدام از آنها روی زمین بستری شده اند ، دوسوم از تختهای بیمارستان سینا در اشغال بیماران عفونی است که نارسائی های درمان و تغذیه و نداشتن هیچگونه حریم موجب گسترش این بیماریها و افزایش مرگ بیماران می شود . هر روز دهها تن از بیماران رنگ پریده و رنجور و بی نام و نشان این بیمارستان بکام مرگ فرو می روند و جسد شان بی هیچ درد سری به گورستان های عمومی انتقال داده میشود ، حتی بی آنکه آمارمرد هها جائی انعکاس یابد تا نمایانگر گسترش بهداشت رایگان ، اصلی از انقلاب ادعائی باشد !!

کشته شدن هفده هموطن زحمتکش و ناتوان که در یک اجتماع سالم باید از حمایت کامل برخوردار باشند داغ ننگی است بر پیشانی دستگاه استبداد که کبک سان سرد بر سر فروبرده و اطراف خود رانمی بیند .

د ر کرمانشاه روز میلاد حضرت ولی عصر در مسجد هارم گرد آمدند و پس از سخنرانی های پر شور هنگامی که راهی خانه بودند همه جا با هجوم وحشیانه نیروهای به اصطلاح انتظامی روبرو شدند . در سنقر تظاهرات با شکوه مردم با ایمان با تیراندازی و انفجار گاز اشک آور پاسخ گفته شد و مبارزان که از رفتار پلیس به خشم آمده بودند شروع به دادن شعارهای کوبنده نمودند و همین سبب شد که خانه های بسیاری از آنها مورد تجاوز و غارت قرار گیرد . روز جمعه سی ام تیرماه حجت الاسلام شیخ محمد یزدی که از مدتی قبل بحالت تبعید در شاه آباد غرب بسر می برد در اجتماع بزرگی از مردم آن شهر پیرامون فجایع دستگاه استبداد و ابسته به استعمار سخنرانی پرشوری ایراد نمودند که پس از پایان مجلس ماموران انتظامی مردم را مورد هجوم قرار دادند و این کوبنده شجاع را بنحوزند های دستگیر ساختند .

پیرامون خبرهای از سانسورگذاشته

سرازی بردن آب به خانه های خیابان مولوی

" از ساعت ۱۰ شب روز شنبه (سی و یکم تیرماه) تا بحال بعلت نامعلومی در ضلع جنوبی خیابان مولوی آب براه افتاده است و تا یک کیلومتری کلیه مغازه ها و خانه ها در آب فرو رفته است . تاکنون یک خانه بطور کلی خراب شده و چند خانه در حال خراب شدن میباشد با وجودیکه ماموران وزارت نیرو کلیه لوله های آب را بسته اند ولی آب در این منطقه همچنان جاری است . این عین خبری است که در اطلاعات شماره ۵۶۷۰ سه شنبه سوم خرداد ماه جاری درج گردیده و اما اگر گزارش خواننده گرامی این روزها به این قسمت از تهران که پیوسته بوی لجن از جویهای سیاه رنگش بمشام میرسد ، مگس و پشه بیداد می کنند و سایه فقر همه چیز را تیره ساخته ، افتاد خواهی دید که از برکت " تمدن بزرگ " چه موجی از نگرانی و وحشت برخاسته است ، خانه هایی که هر یک محل زندگی ده ها خانوار می باشد هر لحظه بیم فرو ریختنشان می رود و مردم ماز ترین زیر آوار ماندن به کوچه و خیابان پناه آورده اند .

خرابی از آنجا ناشی می شود که هنگام کانال کشی فاضل آب که در پیاده روی خیابان قرار گرفته بشهادت ساکنان و پیشه وران محل سیمانی که در لابلای سرفالها باید ریخته می شد به دو نفر سودجوی محل

پیوند ملت ایران با جامعه روحانیت ناگستنی است

حضرت آیت الله العظمی رضا موسوی گلپایگانی طی نامه ای از "پایداری و استقبال از تبعید و تحمل شداید و صدمات در دفاع از حریم مقدس دین مبین و مطالبه آزادی و حقوق انسانی" مومنین گرامی راستایش نموده در قسمتی از نامه چنین نوشته اند "چنانکه مکرر اعلام کرده ایم تلاش ایادی استعمار و اعدای اسلام که از نیم قرن پیش تاکنون بطور حساس برای تغییر شخصیت اسلامی مملکت آغاز شده همچنان ادامه دارد. جای تاسف است که مقامات بایک سلسله تغییرات صوری و سخنان بی مغزو جنگهای لفظی بین خودشان میخواهند ملت را اغفال و خود را با مردم بر سر صلح و صفا و احترام به افکار عمومی نشان دهند اما دیگر ملت مسلمان ایران و جهان ماهیت این ظاهر سازیهارا که از آغاز تاکنون بوده است کشف نموده و گمان نمی رود بتوان با سخنان نرم و ضد و نقیض و له و علیه آنها را فریب داد".

نامه سرگشاده حضرت آیت الله صدوقی

حضرت آیت الله صدوقی که برآستی دمی از ادامه مبارزه در راه آزادی و استقلال غافل نیستند در نامه سرگشاده های به جمشید آموزگار چنین نوشته اند "همه مردم آگاه ایران می دانند پس از معامله اخیر یکمیلیارد تومانی اسلحه با انگلستان و دریافت حق و حساب بوسیله بی بی سی لحن این دستگاه سخن پراکنشی استعماری کاملاً تغییر یافته است و هدف عمده آنان حفظ منافع ویژه اربابان است، اصولاً در جایی که بی بی سی به دعوای از مذاکرات محرمانه بین روحانیت و دولت خبر میدهد و بدین ترتیب با نشر اکاذیب بسه سود محافل رستاخیزی می پردازد طبیعی خواهد بود که مردم مسلمان ایران دیگر کوچکترین ارزشی به خبرها و گزارشهای آن قائل نشوند و بوضوح ببینند که منطقی همه زورگویان و استعمارگران شرق و غرب (اردوگاه سرمایه داری و اردوگاه به اصطلاح سوسیالیسم) بطور مطلق و بدون استثنا محور دریافت نفت یا گاز و فروش اسلحه می چرخد و هرگز هم باورکردنی نیست که عوامل فساد و تباهی و بدبختی ملتی به فکرها و آزادی و نجات آن ملت باشد. و در زمینه جنایات های نظام حاکم "چنین نوشته اند" مامورین تاندان مسلح شما در همه جای ایران بالاخص (حوزه علمیه قم) و حتی

در داخل حرم مطهر مردم بیگناه و بی سلاح را آنچنان مجروح و مضروب ساخته اند که در تاریخ قرون وسطی هم نظیر آنرا نمی توان سراغ گرفت و سپس افراد مجروح و زخمی را به جای درمان و معالجه در شهر بانسی و ساواک قم، یزد، اصفهان، آنچنان مورد تعرض و شکنجه بدنی و روحی قرار دادند که از ذکر چگونگی آن شرم داریم و در بخش دیگری از نامه چنین آمده است "آقای نخست وزیر، ظاهراً در هیچ کجای دنیا حتی در آفریقای جنوبی هم سابقه ندارد که پاسخ اعتراض آرام مردم را با سرنیزه و رگبار مسلسل بدهند و افراد بیگناهی را به قتل برسانند و مرکز روحانیت را با توپ و تانک در هم بکوبند"، در کجای دنیا سابقه دارد که مجرمین واقعی برکرسی قضاوت بنشینند؟ در این نامه به گروه بسیار تبعید شدگان و زندانیان سیاسی نیز اشاره شده است.

برگزاری نماز جمعه در شهر اصفهان

حضرت آیت الله حاج سید جلال الدین طاهری که شعبه اول دادگاه استان اصفهان زیر فشار افکار عمومی در آن دو ساله تبعیدشان در مهاباد را به سه ماه تقلیل داد، روز چهارشنبه بیست و هشتم تیرماه در میان استقبال پرشکوه و بی مانند مردم حق شناس و مبارز شهر اصفهان به خانه خود بازگشتند و بر رغم توهمات کودکانه استبدادیان که زندان و تبعید و شکنجه را بگونه مانعی برای ادامه مبارزه بکار می برند روز جمعه سیام تیرماه امامت نماز جمعه در مسجد حسین آباد را بعهده گرفتند و در خطبه نماز مفاسد بی شمار و جنایات دستگاه استبداد را بر شمرده و هزاران هزار نمازگزارو شنونده را در راه یگانگی و همبستگی رهنمون گردیدند.

نماز جمعه به امامت ایشان در روز جمعه ششم امرداد ماه برای استفاد از مکان بزرگتری در مسجد مصلی تخت فولاد که در خیابان شاه عباس ثانی واقع است برگزار گردید.

هنگامیکه جمعیت دها هزار نفری نمازگزاران به خانه های خود باز می گشتند، حرکت جمعی آنها نمایش پرشکوهی پدید آورد که با فرستادن درود به حضرت آیت الله العظمی خمینی همراه بود و با هجوم گماشتگان "دستگاه استبداد" روی روگردیدند که عده های زخمی و گروهبی دستگیر شدند.

بساط غیرقانونی اتاق اضاف را برچینید

جگونگی کشتار جمعی مردم در مشهد مقدس از زبان یک روحانی عالیقدر

حضرت حجت الاسلام آقای علی تهرانی که از تبعید گاه خود سفر برای شرکت در دادگاه به مشهد مقدس آمده بود مشاهدهات خود را از جنایات دستگاه استبداد در نامه‌ای به "محضر مقدس آیات عظام" شرح داده‌اند "آنها از گازهای اشک‌آور استفاده کرده‌اند ولی مردم مسلمان و ازجان گذشته که همه از اهالی این شهر مقدسه و زوار اهالی شهرستانهای دیگر بودند از این کار وحشیانه عصبانی شدند و اقدام به تظاهرات و دادن شعارهای مذهبی نمودند و این جنگیزیان هم با حمله نا جوانمردانه خود با تمام وسایل سرکوب کننده و از جمله گشودن آتش بروی آنان عده زیادی را مضروب و مجروح و مقتول نمودند و کمترین آماري که توسط عده‌ای از ناظران و حاضران در صحنه‌های این تراژدی جانخراش تهیه شده حدود ۱۶۰ زخمی و ۴۰ شهید است افراد زیادی نقل کرده‌اند که این سنگدلان مردم را کاملاً لخت می‌کردند و در میان می‌گرفتند و آنقدر با چوب و باتون بریدند و اعضای آنها می‌کوفتند که جان میدادند.

این جنایتکاران سپس بمد رسه مبارکه نواب یورش بردند و بیش از شصت طلبه را مضروب و مجروح و بازداشت کردند.

در پایان نامه چنین نوشته شده "در روز هفدهم شعبان حدود ده هزار نفر در منزل آیت الله حاج سید عبد الله شیرازی برای اعتراض به این جنایات و درخواست یاری از علما و مراجع برای خلاصی زندانیهای این چند روزه و ستانیدن زخمی‌ها و جنازه‌های کشته‌های خود و ستانیدن مد رسه نواب تحصن کردند و تا شب به تحصن خود ادامه دادند ولی مقامات به تلفن علما اعتنائی نکردند و در پایان اعلامیه‌ای درباره عزای عمومی و ابراز تنفر و انزجار از این اعمال سبعانه و اعتصاب دسته جمعی بازاریان و تمام اصناف در روز سه شنبه ۱۹ شعبان و تعطیل نمازهای جماعت تا چهارشنبه صادر نمودند و متفرق شدند."

بازداشت یک مبارز

به دنبال دعوت شصت تن از مبارزان ملی از مردم برای شرکت در مجلس سخنرانی روز پنجشنبه

چهاردهم شعبان (۲۹ تیرماه ۱۳۵۷) شب میلاد حضرت ولی عصر (عج) آقای مهندس هاشم صباغیان که یکی از دعوت کنندگان آن اجتماع و در عین حال مدیرعامل شرکتی که مالک محل تشکیل اجتماع می‌باشد، بود روز شنبه سی و یکم تیرماه بوسیله ماموران کمیته دستگیر شد و هنوز از سرنوشت او خبری بدست نیامده است.

برافراشته باد پرچم پیروزمندسی ام‌تیر

جمعیت اتحاد برای آزادی و استقلال بیانیه‌ای با عنوان بالا به مناسبت قیام ملی سی‌ام تیرماه داده که در آن به بررسی وضع اجتماعی سال ۱۳۳۱ پرداخته و چنین نتیجه گرفته است "چه عاملی این پیروزی را ممکن ساخت؟ بدون تردید این عامل ساده و بدیهی که مردم در یک جنبش واحد برای یک هدف واحد به میدان آمدند، اختلافها و امتیازها، تنگ نظریها و تسلط جوئی‌هاشان، در ضرورت و حقانیت عمل واحد محوشد اراده‌هاشان به هم رسید و یکی گشت و نتیجه مطلوب به یاری همگان بدست آمد"

در قم سوگواران را بار دیگر به گلوله بستند

روز سه شنبه هشتم مرداد ماه هزاران تن از مردم قم و روستاهای اطراف برای شرکت در مجلس یادبود حضرت آیت الله شیخ ملاعلی همدانی، عالم و روحانی بزرگ بنابه دعوت مراجع عالیقدر تقلید شرکت نمودند. هنگامی که مجلس یادبود پایان یافت مردم در خیابانها چهارمردان وارم تظاهراتی برپا داشتند و گروه بسیاری نیز بسوی خانه حضرت آیت الله العظمی روحانی که از تاریخ سه شنبه بیست و ششم اردیبهشت ماه در اشغال ماموران شهربانی است روی آوردند ولی پلیس با بکاربردن گاز اشک‌آور و تیراندازی جلوی جمعیت را گرفت و عده‌ای را زخمی و جمعی را دستگیر نمود و مردم را پراکنده ساخت با اینهمه تظاهرات تاپاسی از نیمه شب ادامه داشت و بانگ اعتراض همه جا بگوش میرسید.

مجلس یادبود در تهران

روز دوشنبه نهم مرداد ماه مجلس یادبود حضرت آیت الله آخوند ملاعلی همدانی یادعوت روحانیان مبارز برگزار شد، هنگامیکه مردم مجلس را با هیجان ترک می‌گفتند با شلیک گلوله از سوی پلیس روبرو شدند. در این حادثه یک تن کشته و گروهی زخمی و دستگیر شدند.

پیروز باد ملت

خبرنامه

اتحاد نیروهای جبهه ملی ایران

شماره هیجدهم - بیستم مرداد ۱۳۵۷

در شراپ با خفقان آور کنونی انجام انتخابات آزاد ممکن نیست

"نظام حاکم" برای ایران، نزدیک به ربع قرن، گاه بانیرنگ و دروغ و سیاست بازی و گاه با وحشت انگیزی وزندان کردن و شکنجه دادن و کشتار، فریاد آزاد یخواهان و استقلال طلبان را در رگ و خف نمود و با فرود آوردن چوب حراج به همه ثروتهای ملی در پناه سلطه گران بیگانه وجود خالی از همه حقانیت های اجتماعی و اخلاقی خود را بر مردم زنجیر شده این سرزمین تحمیل کرد و کشور را به روز سیاه کنونی نشان داد. با گذشت زمان، شکست برنامه های بنالاهرانقلابی استعمار پسند همراه با فساد در رونی روز افزون از یک سو و ایستادگی دلیزانه همه گروه های اجتماعی از سوی دیگر، کوس رسوائی "استبدادیان" را نواخت

بقیه در صفحه ۲

از مشروطیت تا مشروطیت

پیام تاریخی دکتر محمد مصدق پیشوای ملت

هفت روز پیش که سالگرد مشروطیت ایران بود، ملت ما با سکوت قهرآمیز خود از آن استقبال کرد و در عوض "دستگاه استبداد" که همه آثار دموکراسی و مشروطیت خواهی را نابود ساخته است در انواع "رسانه های گروهی" خود به شیوه های ریاکارانه و انحرافی به شرح و بسط این انقلاب تاریخی پرداخت.

حکومت در حال سقوط از حرکتی حیات بخش سخن بمیان آورد که طی سالهای گذشته فقط کالبدی بی جان از آن باقی نمانده است، استبداد فردی که خشن تر و وابسته تر از زمان شاهان قاجار زمام امور را در دست دارد، تصور میکند که با برپائی مجلس سورچرانی در کاخ سنا و شورا و بابه چاپ رساندن عکس های رنگی از سردمداران آن نهضت عظیم ملی، می تواند ماهیت دیکتاتوری خود را از نظر مردم ایران که بخوبی راه خود را شناخته اند، پنهان دارد. این سرشت استبداد در حال اضمحلال است که بگونه منافقان سود طلب "قرآن" به نیزه میزنند و گمان دارند با این حرکات و تلاشهای باطل و پیاپی از آزادی سخن گفتن و از دیانت مقدسه تمجید ظاهری کردن و پیاپی فرهنگ ملی بتظاهر دم زدن، می تواند به آنان "حقانیت" ببخشد.

حکومتی که تمام مظاهر حقوق انسانی را پایمال کرده و میکند، حکومتی که فرهنگ استعماری و ضد ایرانی را در سرتاسر کشور رواج داده و میدهد، حکومتی که تمام هستی ملت را بتباراج نهاد و میدهد، حکومتی که هیچ استقلال برای میهن باقی نگذاشته و نمیگذارد، چگونه می تواند از سوی ملت حقانیت بگیرد؟ مردم عمل میخواهند و حقیقت

بقیه در صفحه ۳

"کشتار جمعی" در اصفهان

آخرین خبر

آراده و وحدت عمل مردم متدین و روزه دار اصفهان، دستگاه وحشت زده و ضد اسلامی را یکبار دیگر به وحشیگری واداشت و روز پنجشنبه (د یروز) ساعت ۱۰ بعد از ظهر (د وساعت پس از افطار) باشببخونسی مغول آسا سرتاسر شهر را توسط قوای مجهز نظامی اشغال نمود. تار سیدین سحر و نماز صبح صدای گلوله از همه جای این شهر تاریخی و مذهبی بگوش میرسید. ده هاتن کشته شدند و بیش از چند صد تن زخمی و مجروح گردیدند، گروه گروه از مردم مؤمن و بازاریان شرافتمند و طلاب علوم دینی دستگیر شدند و از وضع آنان هیچ آگاهی درست در دست نیست.

طبق اطلاع رسیده هدف "اشغالگران نظامی" پایان دادن بتظاهرات پراکنده مبارزان و بیرون آوردن مردم از منزل حضرت آیت الله خادمی بود، مردمی که برپایه سنتهای مذهبی و ملی بعنوان اعتراض بدستگیری مجدد حضرت آیت الله طاهری، منزل آیت الله خادمی را پناهگاه و ملجا خود قرار داده و در آنجا "بست" نشسته بودند.

مرکز اصلی "کشتار جمعی" مردم بیگناه و بی سلاح در نیمه های شب، میدان آبخون و خیابان محمد رضا شاه، خیابان فروغی و خیابان چهارباغ پائین بود، است که منزل آیت الله خادمی در نزدیکی آنها قرار دارد. در آخرین دقایقی که خبرنامه زیرماشین بود، اطلاع رسید که امروز (جمعه) مردم شهر اصفهان یکپارچه بپاخاسته و نسبت به جنایتهای ضد اسلامی و ضد ملی "دستگاه استبداد"، اعتراض های شدید بعمل آوردند. دولت بدنبال اشغال خونین شهر و "کشتار جمعی" اعلام حکومت نظامی کرده و سرتاسر خیابان های اصلی شهر و کوچه هائی که بمنزل آیت الله خادمی راه دارد تحت نظارت شدید تفنگداران اشغالگر قرار گرفته است.

دینی و ملی خود را بازیافتند، دلیروبا ایمان قد راست کردند، کلمات درهم به "کلمه واحد" بدل گردید و کوششهای جد از یکدیگر جای خود را به "عصیان همگانی" داد.

در چند هفته گذشته بار دیگر بانگ اعتراض سراسر ایران را فرا گرفت و در همه جا نمایندههای قهرآمیز برپا گردید، مردم بجان آمده نشان دادند که تصمیم قطعی گرفته اند با چنگ و دندان از حیثیت انسانی و شرف ملی خود دفاع کنند و برای بازیافتن آنچه سیه استعمار و استبداد از کفشان ربوده است خون گرم و جوشان گروگان می نهند.

در این میان دشمنان ملت با زهم دسیسه گری آغاز کردند و ناگهان از پشت دندانهای زهرآگین و خون آلود عجزه هفتاد رنگ استبداد کلمات خوش-آهنگ آزادی و قانون بیرون ریخت و بر همگان روشن گردید فرمان اجرای طرح تازه ای که ثمره جلسه های گفت و شنود اندیشمندان خود فروخته و روشن فکر نمایان وابسته به "دستگاه استبداد" است، صادر شد تا مگر این بیمار در مرگ راجانی تازه بخشد.

با نهایت قاطعیت گفته شد "انتخابات باید صد درصد آزاد باشد" و "رسانه های گروهی" از رادیو، تلویزیون گرفته تا روزنامه های اجیر شده با هم آهنگی بینانندی از لزوم آزادی بیان و قلم و اجتماعات سخن گفتند و به تشریح چگونگی انجام انتخابات دوره آینده مجلس شورا و سنا پرداختند.

در حالیکه سراسر کشور همچنان زیر سیطره نهاد ساختار شده در دوران دیکتاتوری قرار دارد، ساواک این کانون شکنجه و کشتار را بر جاست، حزب واحد با همه فروپاشیدگی هنوز معرکه گردان بازیهای سیاسی فرمایشی می باشد و در عملکردهای "دستگاه استبداد" نیز هیچگونه تغییری داده نشده است چنانکه باز هم به اغلب اتهامهای سیاسی در دادرسی آرتش رسیدگی میشود و مبارزان بی آنکه فرصت دفاع از خود داشته باشند در پشت درهای بسته دادگاههای نظامی دچار محکومیت های سنگین میشوند، چند هزار زندانی سیاسی در شرایط بسیار سخت بسر میبرند و در نه ماه گذشته دههاتن از روحانیان عالیقدر و بزرگانان شرافتمند به تبعید فرستاده شده اند و در خالتهای بی رویه پلیس و گارد های ویژه نظم کارهای آموزشی را در همه دانشگاهها و مدارس عالی کشور

بقیه در صفحه ۳

از صفحه ۱

در شرایط خفقان... و اربابان غارتگر را نیز هشداد داد. سالیان دراز سرکوبی مداوم نیروهای مردمی چنان دیوار وحشتی برپا ساخته بود که ظاهراً کارمینمود ایرانیان گسسته از گذشته شورانگیز خود، ناامید و از توان افتاده در انتظار معجزه ای نشسته اند و این تنهادهای پراکنده از جوانان آرمانخواه هستند که در گوشه و کنار همچون شهاب ثاقب در دل شب می درخشند و به بهای از دست دادن جان خود استمرار مبارزه ملی را تضمین می کنند.

در چنین وضعی "دستگاه استبداد" که هیچ پایگاهی در میان مردم نداشته امیدوار بود با یک رشته عقب نشینی موضعی و جابجا کردن چند مهره و به راه انداختن تبلیغات درباره "فضای باز سیاسی" خواهد توانست فرصت لازم را برای رهائی از تنگنا بدست آورد.

اما نهیب نخستین فریادهای اعتراضی که فوران خون پر خاشگران را از پی آورد وقوع معجزه را بشارت داد، راه حقیقت با چراغ سرخترین لاله های شهادت نورباران شد و شعله های خشم آزد و رترین کرانه های ارس تا ساحل فته خلیج فارس، از کوهستانهای سرسبز کردستان تا ریگزارهای سوزان بلوچستان، بالا گرفت و درهم آوردیدن توما رستم را نوید داد.

ترسها از میان رفت، حصارهای سربه آسمان کشیده زندانها ناچیز و خنده آور شد و مرگ در معیار جان نثاری دلیز بیرو سربلندی آور.

دیکتاتوری عقل و دین باخته بار دیگر در صد قدرت نمایی برآمد و دست به تلاشهای دیوانه واری زد که روز بروز وضع را وخیمتر کرد و پایه های لـرزان حکومتش را سست تر نمود.

جلادان با چهره های درم که وحشت از فروریختن کاخ بیدادگری در آن نمایان بود بجان مردم بپا - خاسته افتادند، بهر اجتماعی و حشیانه هجوم بردند و هر تظاهراتی را بخون کشیدند، تبعید کردند و به زندان کشیدند و بهر روشنی نهاد و سرانجام در کوچکترین روستاها و بزرگترین شهرها به "کشتار جمعی" زنان و مردان و حتی کودکان پرداختند تا سرازند ایران را بصورت گورستانی خاموش در آورند که جغد پیرا استبداد بروبرانه های آن نوحه سرائی کند.

ولی مردمی که سالها وجودشان نادیده گرفته شده بود در طول مبارزه چند ماهه گذشته معیارهای

بهم ریخته است و بسیاری از دانشجویان از تحصیل محروم شده اند .

با این شرایط خفقان آورانها که پیرامون " آزادی انتخابات " هیاهو برپا کرده اند ، جز باور مردم را بجا می گرفتند و سعی در انحراف مبارزه ملی از خط سیر اصلی هد فی ندارند .

تا " نظام استبدادی " کنونی نابود نگردد ، نهاد ها و دستگاه های دوران سیاه اختناق از میان برداشته نشود ، تا " حاکمیت ملی " استقرار نیابد انجام انتخابات آزاد ممکن نیست .

ملت ایران فریب نمایشهای " آزادی اعطائی " را نمیخورد و نبرد آشتی ناپذیر خود را تا برچیده شدن بساط دیکتاتوری وابسته به بیگانه دنبال خواهد کرد .

از مشروطیت تا . . .

نه بوق و کرنای تبلیغاتی ، چه بقول مولانا جلال الدین بلخی

قول و فعل بی تناقض باید ت

تا قبول اندر زمان پیش آید اما دیر شده است و بسیار هم دیر شده است ، مردم میدانند و بد رستی میدانند که این " بی تناقضی " در ساخت حکومت ایران و دستگاه استبداد وابسته به بیگانه ، در حکم جستجوی آب زلال و جانبخش است در قبرستان سیاه و خشن کویری و بهمین دلیل بپا خاسته اند تا خود سازنده دنیای فرد باشند .

نوشته زیر بخشی است از نطق تاریخی دکتر محمد مصدق پیشوای ملت ایران در ۱۳ مرداد ماه ۱۳۳۲ که می تواند نهضت زمان ما را به جنبش ملی شدن صنعت نفت ، و آن جنبش بزرگ را به مشروطیت و انقلاب مشروطیت را به سلسله زنجیر قیامهای ایرانیان پیوند دهد .

" هموطنان عزیز :

مجلس شورایی ملی موقعی میتواند تکیه گاه واقعی و مظهر حقیقی آمال ملت باشد که نمایندگان آن از جانب مردم انتخاب شوند و خود را موظف بپیروی از اراده ملت بدانند و جز در راه تاءمین سعادت و عظمت کشور قدم برندارند . متأسفانه در بیشتر ادوار تقنینیه چون وسائل انتخابات آزاد فراهم نبوده است اکثر نمایندگان برای حفظ مقام خود تکیه گاهی جز نیروی ملی میجستند و مشکل بود که چنین مجالسی باز بچهد

صفحه ۶ سوم
دست اجانب و وسیله پیشرفت مقاصد آنان نشود . این مانع بزرگ که در راه پیشرفت ما وجود داشت بحمد واللّه اکنون پس از ۴۸ سال بدست توانای شما ملت ایران دارد از بین میرود و راه ترقی و تعالی مملکت و رونق مشروطیت و حکومت ملی هموار میشود . در حکومت مشروطه تنها یک قدرت اصیل و لایزال موجود است و آن نیروی ملت است که اگر بمعنای واقعی بروز و ظهور نکند مشروطیت و دموکراسی مفهوم حقیقی خود را از دست میدهد و زمینه برای حکومت های فردی فراهم میشود هر چند هم بظاهر مجلسی وجود داشته و عده های بنام نمایندگی در آن جمع شوند .

برای این خد متگذار که عمر خود را در راه مبارزه با قدرت های ضد ملی گذرانیده هیچ لذتی بالاتر از این نیست که اکنون می بینم قدرت اراکه ملت بمفهوم واقعی خود بظهور رسیده و محکم ترین تکیه گاه و بزرگترین ضامن حفظ و بقا مشروطیت باشد . روزگاری قدرت طلبان امید داشتند که با حبس و بند آزاد یخواهان بتوانند نهال مشروطیت را از بیخ و بن برکنند و شاید باز این خیال خام را در مغزهای خود پرورش میدهند ولی یقین دارم بیداری و هوشیاری شما مردم رشید و شرافتمند بالاخره این امید را به یابند . مبدل خواهد کرد و با علاقمندی و ایمانی که در شما هست هیچ قدرتی نخواهد توانست به آمال ملی شما تجاوز کند .

امید دارم مجلسی که مظهر آمال ملت باشد زمام امور را بدست بگیرد و این اساس مقدسی که خون پاک فرزندان این کشور ضامن حفظ و بقای آن بوده و خواهد بود برای همیشه باقی و پایدار بماند . از خد اوند بزرگ مسئلت دارم که این مملکت را در پناه عنایت خود از گزند بداند ایشان و دشمنان ایمان و مصون بدارد و ما همه را در وصول به هدف مقدسی که در پیش داریم یار و مدد کار باشد .

بیا خیزید

اگر مردانه روی آرید و بردارید از روی زمین

از دشمنان آثار

شود بی شک ،

تن و جانتان ز بند بندگی آزاد

دلها شاد

برچیده باد بساط دیکتاتوری از میهن ما

خبرها و تازه‌ها

شب خون

دستگیری آیت‌الله طاهری اصفهان را متشنج کرد

روز سه شنبه دهم مرداد ماه ساعت چهار و نیم بامداد حضرت آیت‌الله طاهری پس از دوازده روز - آزادی باردیگر با هجوم وحشیانه پلیس که ازبام و دیوارخانه فرود می‌آمد دستگیر و زندان کشیده شدند.

اهالی حسین آباد اصفهان که از شبیخون گماشتگان دستگاه استبداد آگاه شدند پیش از بازداشت حضرت آیت‌الله طاهری خود را به خانه ایشان رساندند و به اعتراض و مقاومت پرداختند ولی پلیس با استفاده از گاز اشک‌آور و سرانجام تیراندازی باردیگر این روحانی مبارز و سرسخت را از میان مردم ربود.

نشر این خبر با محبوبیت فراوانی که حضرت آیت‌الله طاهری در میان مردم اصفهان دارند موجی از خشم بوجود آورد و هنوز ساعتی نگذشته بازار یکسره تعطیل گردید، و در روزهای چهارشنبه یازدهم و پنجشنبه دوازدهم مرداد ماه شهریکپارچه تعطیل شد. هزاران تن از مردم مبارز نیز برای نشان دادن همبستگی عمیق خود با جامعه روحانیت و نفرت از کردارهای خلاف قانون دستگاه استبداد در خانه حضرت آیت‌الله خادمی متحصن شدند.

تعطیل بازار اصفهان تا یکشنبه پانزدهم مرداد - ماه ادامه داشت ولی در این روز حضرت آیت‌الله خادمی با صد و اعلامیه‌ای از بازاریان خواستند که مغازه‌ها و حجره‌های خود را باز نمایند.

پانزده تن کرد دلاورد را در خطر محکومیت به اعدام

به دنبال سوگواری همگانی مردم مهاباد در مرگ عزیز یوسفی "دلاور کرد" که باعکس العمل شدیدی در دستگاه و دستگیری عده کثیری روبرو شد اکنون خبر رسیده است که نزدیک به دویست تن از زندانیان آزاد شده‌اند ولی پانزده تن از سرشناس‌ترین آنها همچنان در بازداشت بسر می‌برند.

دادسرای شهرستان مهاباد پرونده این عده را با صدور قرار عدم صلاحیت به دادستانی ارتش در رعایتیه فرستاده است و خود آنها نیز به زندان شهربانی رضائیه انتقال داده شده‌اند.

دادستان نظامی به استناد بند ۳ ماده ۳۱۰ قانون آئین دادرسی کیفر ارتش برای این عده تقاضای کیفر اعدام نمود و پرونده آنها به دادگاه

فرستاده شده است.

این عده بجز شرکت در تشییع جنازه و مجلس سوگواری همشهری مبارز خود گناهی نداشته‌اند و خوب پیداست که هدف "دستگاه استبداد" از این پرونده سازی ایجاد رعب و وحشت در میان مبارزان کرد است که دوشادوش سایر ایرانیان برای کسب آزادی و استقلال بپاخاسته‌اند.

هیاهو برای هیج

پس از سالها که از اجرای قانون استخدام کشوری که برای همه کارمندان دولت مقررات یکسانی دارد می‌گذرد (بماند که کارمندان دیپلمه یا لیسانسیه در ادارات مختلف چه مبلغ تفاوت حقوق دارند) با آن بود که گزاف که از کیسه فتوت ملت صرف‌آماده شدن و اجرانمودن آن گردید تازه با بوق و کرنا وعده برابری فوق العاده شغل معلمان با کادر اداری داده - میشود حال آنکه

- اگر این حق آموزگاران است این دهل بر بام زد نه‌اچه مفهومی می‌تواند داشته باشد؟!؟

چندی پیش روزنامه‌ها جولانگاه رفشانی‌های وزیر آنچنانی آموزش و پرورش شد تا طرح کارانه را که رندان آنرا نبرد کاراته نام نهادند برای عموم تشریح نمایند به امید آنکه نارضائی این گروه عظیم زحمتکش میهن ما بگونه‌ای جبران گردد.

نشستند و گفتند و بهنگام برخاستن کیسه‌های نورچشمیان انباشته گردید و به معلم از این رهگذر چند رغازی وعده داده شد که هنوز به بسیاری پیشیزی از آن نیز نرسیده است.

ولی پیشاپیش مجلس‌های سپاس برپا گردید و دستهای دعا بالا رفت و صفحات روزنامه‌ها بعد تازه‌ای از چاپلوسی و کرنش را بر فرهنگ این دوران سیاه دیکتاتوری افزودند.

و حالا باردیگر، سپاس‌فرمایشی و دیکته شده درباره برابری فوق العاده شغل کادر اداری با کادر آموزشی بی‌آنکه به صاحب‌امضا نیازی باشد و بدابحال خوش‌باورانی که با تصور این درآمد‌های خیالی زندگی قسطی خود را گسترش دهند و بار بدهی را افزون سازند.

ره نمود اتحاد

نامه مجاهد تبعیدی حجت‌الاسلام خامنه‌ای

دانشمند آگاه و مجاهد حضرت حجت‌الاسلام - والمسلمین آقای سیدعلی خامنه‌ای از ایرانشهر - تبعیدگاه خود، طی نامه‌ای در خرداد ماه ۱۳۵۷ - بقیه در صفحه ۵

از صفحه ۴
(دوم رجب ۹۸) خطاب به عالم مجاهد حضرت آیت الله صدوقی از موضع والای ایشان در مبارزات مردم یزد تجلیل بعمل آورد هاند .

حضرت حجت الاسلام خامنه‌ای در این نامه مطالب آموزنده‌ای جهت مبارزان راه آزادی و استقلال بیان داشته‌اند که کوتاه شده آن در زیر می‌آید

"اگر جامعه علمی و مذهبی شیعه که هزار سال است کباده استقلال از قدرتهای سیاسی رامیکشید و همواره بمعارضه با قدرتها و سلسله‌های ناحق افتخار میکرد و بجانب‌داری از مستضعفین و محرومین پرداخت میکرد و موضع وحالی بحرانی و حساس مانند امروز بداد مردم نرسد و با طواغیت زمان نستیزد پس کی و کجا و تلیفه خود را انجام خواهد داد ؟"

حضرت حجت الاسلام با اینکه بد رستی اعتقاد دارند " رنگ غالب در روحانیت شیعی معارضه و مخالفت باستمگران است و نه رکود و موافقت" تشریح کرده‌اند که " در گذشته‌ای نه چندان دور کسانی از علمای ما خواه بسبب ناآگاهی از اوضاع و احوال سیاسی و اجتماعی و خواه بر اثر ضعف و فقدان شهامت و قدرت تصمیم و خواه بتصور وجود مصلحتی و همی وظیفه الهی و مردمی خویش را بدست فراموشی سپرده و عملاً در موضع روحانیتی وابسته و مزدور قرار گرفته‌اند ."

اما نسبت بروحانیت کنونی امید فراوان ابـسـرـاز کرده و میگویند :

" آنچه امروز حکام گستاخ و حق ناپذیر ایران را بحیرت و وحشت انداخته ، هوشیاری و موقع شناسی جامعه علمی و مذهبی روحانیت است برحاله حساس کنونی جهان و کشورهای مسلمان ، زیرا آگاهی روحانیت آگاهی ملت است و تصمیم و عزم قاطعش در پی — دارند عمل و اقدام ملت " . و اضافه فرمود هاند :

" امروز مبارزه رنگ تازه و بیسابقه‌ای یافته است و آن همگانی و مردمی شدن آن است " و چون دستگاه در معرض خطر قرار گرفته است لذا به توطئه سازی برخاسته است که به عقیده آقای خامنه‌ای :

" ایجاد اختلاف و تفرقه میان رهبران یا بزرگ جلوه دادن اختلافهای غیرمهم مانند آنچه امروز بیان یکی از مراجع با آقا هست . آقا با اساسی مخالفت میکنند و آن آقا فقط نقض قانون اساسی اعتراض دارند . این دو نظر حاوی یک اختلاف اصولی نیست ، بلکه حتی با توجه بجوانب قضیه و با توجه باینکه تشکیلات کنونی حکومت نمیخواهد و نمیتواند قانون اساسی را مراعات کند میتوان گفت دو نظریه مزبور اساساً بر یکدیگر

منطبق است . اما ملاحظه فرمودید که ایادی مستقیم و غیرمستقیم چگونه این موضوع را بزرگ و برجسته کرده و برخ همه میکشند و نیز با ایجاد کدورتها و بی‌توقعی‌ها میان علما و سایر سران و سردمداران و میان علما با هم مانند مطرح کردن یکنفر بعنوان طرف قابل سازش و بد بین کردن دیگران با و"

بدنبال یادآوری اهمیت همکاری روحانیت و علما با دیگر سران و سردمداران ، حجت الاسلام خامنه‌ای به نتیجه گیری پرداخته‌اند :

" مهمترین قدمی که میتواند در چنین شرائطی جامعه علمای مذهبی را در رسیدن به هدفهایشان یاری (دهد) ، کوشش برای ایجاد تشکل و تحزبی سراسری و ملی است " و تاکید فرمود هاند :

" در این کار علما نباید به " خود محوری " و نادیده انگاشتن نیروهای کارآموز و کاردان و وجیه‌المله ، در چارشوند و دستهای نیرومند و صدیقی را که یقیناً آماده همکاریست پس بزنند یا ارجی کمتر از آنچه شایسته آنست بنهند " .

در نامه آقای خامنه‌ای اشاره شده است که علما و روحانیت به استمرار و تداوم مبارزه باید دل بنهند و نه اینک :

" مانند بسیاری مواقع دیگر کار را با افراد موثق و مورد اطمینان ! بسیارند و خود از صحنه خارج شوند " و بد رستی اعتقاد ورزیده‌اند که : " این هردو شیوه رفتار که در طرف افراط و تفریط روش شرکت واقع شده ، در گذشته خسارات زیادی را موجب گردیده و باید هرگز تکرار نشود ، عادلان و عاقلانه ترین روش شرکت فعال و مستقیم علماست آنان نیز در کنار عناصر ارزنده و لایق مانند شرکای متساوی الحقوق باید بفعالیت در چنین تشکل و تحزبی سرگرم باشند . بدیهی است که در هر کار مشترکی امکانات بیشتر موجب فعالیت بیشتر و موفقتر است و این بنوبه خود مستوجب اختیارات و حقوق افزونتر " .

تعطیل انجمن اسلامی جوانان سمنان

انجمن اسلامی جوانان سمنان که در راه نشر اندیشه‌های مذهبی و ارشاد جوانان گامهای مفیدی بر داشته بنا بر تصمیم سازمان جهنمی امنیت از فروردینماه تعطیل گردیده است و کوشش مردم برای گشودن شدن آن هنوز بجائی نرسیده است .

آگاهی جوانان از مسائل ملی و مذهبی چنان وحشتی در دستگاه استبداد " ایجاد نمود که بهیچ قیمتی حاضر به ادامه کار چنین سازمانهای ارزشمندی نمیشد .

کوشش برای درهم شکستن محاصره خانه حضرت آیت الله العظمی روحانی

شامگاه چهارشنبه یازدهم مرداد ماه مردم مبارز شهر قهرمان قم اعلام داشتند که فردا برای درهم شکستن محاصره خانه حضرت آیت الله العظمی روحانی و آوردن ایشان جهت اقامه نماز جماعت اقدام خواهند کرد.

"دستگاه استبداد" که از این تصمیم بوحشت افتاده بود از بامداد شهر را به اشغال قوای به اصلاح انتظامی و زره پوشهای ژاندارمری و نفرهای پلیس در میدان ارم و روبروی صحن مطهر حضرت معصوم (ع) موضع گرفتند و تمام کوچه‌هایی را که بخانه حضرت آیت الله العظمی روحانی منتهی می‌شد زیر کنترل شدید قرار دادند.

نیمه‌های روز گروه عظیمی از مردم برای انجام تصمیم خود بحرکت درآمدند که باتیراندازی و پرتاب گاز اشک‌آور روبرو شدند با اینهمه مردم دست از مقاومت برنداشتند و تا پاسی از شب گذشته به تظاهر ادامه دادند.

نامه به حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی

مرجع عالیقدر تقلید

حضرت آیت الله ربانی شیرازی که روز بیستم آذرماه از حوزه علمیه قم به کاشمر تبعید گشتند، به دلیل استقبال مردم از رهنمودهای مذهبی و ملی

از کاشمر به فیروزآباد و از آنجا نیز به سردشت برده شدند و برنامه‌ای به حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی چنین نوشته‌اند "امید است که انشاءالله همکاری‌ها موجب مصونیت اسلام از گزند و هجوم و وصول به حقوق از دست رفته مردم و جبران غایعات وارده بر اسلام و مسلمین گردد، و اگر خدای نخواستہ معلوم گشت که اتحاد و اتفاق، نتیجه مطلوب را ارزانی نمیدارد همانطور که مرقوم فرموده‌اید تنهایی: "هرگز موجب تقاعد و سستی در اداء وظیفه دینی و دفاع از حریم مقدس اسلام نگردد".

رجاء واثق از پیشگاه حضرت احدیت آنکه همه ما به پیروی از سنت سنی اعلام دین، که در طول تاریخ در قبال حفاظت تشیع از هیچ قدرتی نهراسیدند و بوظائف الهی خود عمل کردند، ما هم در این راه از هیچ قدرتی نهراسیم و وظائف خود را به شایسته‌ترین وجهی انجام دهیم".

تشیع جوهر خالص مکتب الهی و چکیده اندیشه اصیل اسلام، و عالمان آن "وارثان انبیا" و شهدای فضیلت و الگو نمونه‌های تعهد و مسئولیت و تقوی، بما علما و عملاً آموخته‌اند که تحمل هرگونه شدائد در راه پیشبرد این آخرین مکتب الهی و دین‌داری جز پیروزی و فوز با حدی الحسنین در بر نبرد، و با این دید صحیح اسلامی بود که توانستند "تشیع" را در برابر اللمه و طاغوت‌ها حفظ نمایند و با گسترش تعمیم و تبیین آن، مردمی مسئول، متعهد و مدافع تربیت نمایند".

اعلامیه حضرت آیت الله العظمی خمینی

مرجع عالیقدر شیعیان

بمناسبت فاجعه اخیر اصفهان، بتاريخ اول شهر مبارک رمضان، حضرت آیت الله العظمی خمینی اعلامیه‌ای جهت تسلیت عموم اهالی محترم اصفهان مرقوم کرده‌اند.

در این اعلامیه اشاره شده است که:

"سراسرایران با این جنایات و قتل و غارت‌ها دست‌بگریبان است. آن قم "حرم اهل بیت" و آن تبریز و یزد و همدان و اهواز و شیراز و آن مشهد مقدس و رفسنجان و جهرم و کازرون و سایر شهرها و قصبات که شاهد قتلها و جرحها و حملات وحشیانه بوده‌اند و است".

و آنگاه حضرت آیت الله خواسته‌اند تا:

"گویندگان محترم و متعهد، هر چه بیشتر بروشنگری قیام و علمای اعلام با اعلامیه‌ها و بیانات خود مردم مهیارا که راه خود را خوب یافته‌اند، بسیج عمومی نموده و یک دل و یک جهت برای برجسته شدن بساط غارت و جنایت هم صدا و با اتکا به قدرت لایزال الهی این ریشه پوسیده فساد را از بن برکنند و ملت مستضعف را از چنگال استعمارگران داخلی و خارجی نجات بخشند".

درود به مردم قهرمان اصفهان

خبرنامه

اتحاد نیروهای جبهه ملی ایران

فوق العاده - بیست و پنجم مرداد ۱۳۵۷

رمضان خونین

نمایش پیاختصاصی ملت

نظام استبدادی وابسته و نوکری صفت چونان پیرکفتاری تیرخورد بهر در سر می کوبد تاد رگودال مرگ، چند صباحی بیشتر بهرنیرنگ و حیل‌های موجودیت در حال سقوط خود را بر مردم بخون نشسته ایران تحمیل نماید.

ماه مبارک رمضان ماه عبادت و ایمان سرتاسر ایرانزمین را به لاله‌زاری سرخ مبدل کرده و عبادتگاهها را با خون پاک و مقدس مردم روزه دار شستشوداده است. در تمام شهرها و روستاهای میهن هر روز، شعله‌هایی، یکی پس از دیگری برمیخیزد که بتحقیق در دامان خود صاعقه عظیمی را می‌پروراند که در جامعه ما استعمار و استبداد را برای همیشه خواهد سوزاند.

روزه داران مؤمن و معتقد ایران در محرابها و شبستانهای مساجد جانبازی میکنند و با خون خود رمضان پربرکت را به زمان تصمیم‌گیری نهائی ملت نزد یکتر میسازند. دستگاه استبداد که بیش از همه وقت چهره ضد اسلامی و ضد ملی خود را آشکار ساخته، با خشن‌ترین روشهای ضد انسانی بمیدان آمده است تا آخرین شانس خود را نیز بیازماید.

تزویر و تبلیغات دروغین درباره "فضای باز سیاسی" و "آزاد سازی" و "انتخابات صد درصد آزاد" بر همگان روشن تر گردیده است.

نظام استبدادی با بکار بردن عینسی "حکومت نظامی" در برخی از شهرها و استقرار "نظامیان" در رکنار پلیس و ژاندارم در همه شهرها و روستاها و آماده باش "ارتش" جهت سرکوبی مردم در سرتاسر کشور، نشان داده است که خود نیز از نیرنگ و افسون خویش، در بقیه در صفحه ۲

در چند روز گذشته دستگاه استبداد وابسته به بیگانه در سراسر ایران، مردم روزه دار را مورد هجومهای وحشیانه قرار داده و بار دیگر "گشتار جمعی" به راه انداخت و در عین حال در "رسانه‌های گوهی" تبلیغات دامنه داری برای واژگونه جلوه دادن شکل مبارزات میهنی آغاز کرده است.

خبرنامه برای آنکه واقعیت رویداد های چند روز گذشته را به آگاهی همگان برساند به نشر این فوق العاده میادرت می‌ورزد.

اعلامیه حضرت آیت الله العظمی خمینی

مرجع عالیقدر شیعیان جهان

در تاریخ ۲۲ مرداد ماه ۱۳۵۷ پیرامون "گشتار جمعی" مردم اصفهان و شیراز حضرت آیت الله العظمی خمینی اعلامیه‌ای صادر و طی آن یاد آور شد هاند که مردم مسلمان ایران "دست از مقاومت نخواهند کشید تا پیروز شوند و استقلال و آزادی خود را بدست بیاورند" و خاطر نشان کرده‌اند که "دفاع از حق و اسلام از بزرگترین عبادات است، بگذ ارباد تگاههای ماراد را این شهر مبارک بخون بکشند و ببینند مسلمین با عبادات بزرگتر ماه شریف را می‌گذرانند".

خطاب به صاحب منصبان و افراد ارتش فرمود هاند "شما ای صاحب منصبان مسلمان و آزاده ارتش ایران دین خود را بنه اسلام و مسلمین ادا نمائید و بیش از این تن به ذلت ندهید" و در این زمینه اضافه نمود هاند "تمام جناح های اسلامی از علمای اعلام و خطبای محترم و طلاب و دانشجویان و جوانان فرزندان عزیزم و بزرگان محترم و کارگران و دهقانان شریف و بیدار، تمام جبهه‌ها و احزاب سیاسی یکدل و یک جهت در آگاهی د رجح داران ارتش و ژاندارمری و شهریانی کوشش کنند".

در بخش آخر اعلامیه بیان داشته‌اند "من در این آخر عمر متواضعانه دست خود را بلطف تمام گروهها که برای برپایی اسلام و احکام آن که تنه راه سعادت و ضامن استقلال آزادی ایران از استعمارنو و کهنه است، کوشش و فداکاری میکنند دراز می‌کنم و از همه استمداد می‌نمایم".

چگونگی گشتار مردم مبارز اصفهان

در روایتی لحظاتی که شماره قبلی خبرنامه زیرماشین بود "خبر" گشتار جمعی "مردم قهرمان اصفهان رسید که به در آن میادرت شد.

خبرهای بعدی نشان میدهد که "دستگاه استبداد" چگونه باد سیسه چینی فاجعه خونین اصفهان را پدید آورد.

بقیه در صفحه ۲

فاجعه خونین شیراز

چند سالی است که دستگاه استبداد وابسته به بیگانه در خط در هم ریختن هویت فرهنگی مردم ایران زمین در شهر شیراز با هزینه‌های سرسام آور بساط عیش و نوشی برای هرزگان خارجی بقیه در صفحه ۲

رمضان خونین . . .

از صفحه ۱
هراس بوده و میدانند که حرکت ملت بپاخاسته ایران به سوی استقلال بنیادی و آزادی و سربلندی کامل نظم یافته است .

مردم در مبارزات چند ماهه خود اصل اتحاد را به بد رستی پذیرا شده اند و باد رأیت و بیداری و رهنمود های مراجع دینی و علمای اعلام و رهبران سیاسی به شکل همه جانبه نزدیک گردیده اند و بی شک در این مسیر تاریخی از هیچ کوششی دریغ نمی کنند و تا پیروزی نهائی در میان خون و آتش پیش میروند .

مردم قهرمان اصفهان . . .

از صفحه ۱
مردم مبارزی که شمار آنها از هزارتن میگذشت و برای اعتراض به دستگیری حضرت آیت الله طاهری در خانه حضرت آیت الله خادمی تحصن کرده بودند تا روز سه شنبه هفدهم مرداد در نهایت نظم و شکیبائی بسر میبردند و حتی به خواهش حضرت آیت الله خادمی بازار را هم گشودند ولی چون روشن شد که گماشتگان دستگاه وقت گذرانی می کنند و نسبت به سرنوشت حضرت آیت الله طاهری نگرانی پدید آمده بود از روز چهارشنبه تظاهرات پراکنده ای بر پا گردید و تمامی روز در گوشه و کنار اصفهان صدای فریاد اعتراض آمیز مردم بگوش میرسید .

پنجشنبه نیز روز هیجان و نفرت بود، و پس از افطار گروه کثیری از زنان و مردان در مسجد رحیم خان اجتماع نمودند تا بنا بر قرار قبلی به سخنان مهندس مصحف که باید پنج شب سخنرانی میکرد گوش دهند . سخنان پرشور مهندس مصحف پایان گرفت و مردم آماده بیرون آمدن از مسجد بودند که در هیاتین از مامورانی که لباس شخصی پوشیده بودند چمان بدست به مردم هجوم بردند و چون با مقاومت انبوه جمعیت روبرو شدند ناچار به فرار گذاشتند ولی ناگهان نیروهای به اصطلاح انتظامی برای برقراری و گسترش نظم با اسلحه گرم به مردم حمله کردند که ضمن تیراندازی و پرتاب گاز اشک آور چهارتن کشته شدند . مردم جنازه شهیدان را بردوش گرفته بسوی خانه حضرت آیت الله خادمی که در همان نزدیکی قرار دارد روان شدند . پلیس که در پی بهانه بود تا این پناهگاه معترضان را در هم ریزد، دامنه هجوم خود را تا محل تحصن ادامه داد و بسان سپاه چنگیز بر سر مردم می که به آنجا روی آورده بودند فرود آمد .

در خانه حضرت آیت الله خادمی و خیابانهای اطراف آن درگیری پلیس و نیروهای انتظامی که بیاری بقیه در صفحه ۳

فاجعه شیراز . . .

از صفحه ۱
و داخلی زیر عنوان " جشن هنر " برپا میکند در حالیکه بیشتر شرکت کنندگان در آن بوئی از هنر به معنای واقعی نبرده اند .

سال گذشته پس از برگزاری نمایش و قیحانه ای در یکی از خیابانهای اصلی شهر، احساسات مردم به شدت جریحه دار شد و اعتراضهای شدیدی را بخصوص از طرف حضرت آیت الله العظمی محلاتی برانگیخت . از چند ماه پیش با وجود شرکت فعالانه مردم با ایمان و بیدار دل شیراز در مبارزات ملی و دینی ایرانیان برای بازیافتن آزادی و استقلال که چند بر خورد خونین را نیز ایجاد کرد، باز هم دستگاه استبداد علیرغم وعده های پی در پی در صد دستن راهی برای برپائی " جشن هنر " کذائی در پایان ماه مبارک رمضان بود .

برنامه ریزان حرکت های ایران برپا داده استبداد زیر سلطه بهترین راه را برای انجام هوسبازی هواداران بلند پایه هنر شیبخون زدن به مردم و سرکوبی مبارزان و ایجاد وحشت تشخیص دادند .

در این میان انتشار اعلامیه حضرت آیت الله العظمی حاج شیخ بهاء الدین محلاتی که طی آن ضمن شرح دادن نیم قرن فجایع " هیئت حاکمه سته گرو عمال استعمار " مردم شیراز به " ابراز تنفرو انزجار از تجاوزات دولت " دعوت شده بودند را آغاز ماه مبارک رمضان دامنه مبارزات مردم را گسترده تر کرد و پلیس گماشتگان همچنان در پی اجرای نقشه شیطانی خود و ایجاد محیط ارباب بودند .

ساعت سه و نیم بعد از ظهر روز پنجشنبه نوزدهم مرداد ماه که گروه کثیری از زنان و مردان روزه دار شیراز در مسجد جامع نو برای انجام فرائض مذهبی گرد آمده بودند پس از پایان بیانات حضرت حجت الاسلام والمسلمین پیشوا در حالیکه هیچگونه تظاهراتی از سوی شنوندگان صورت نمیگرفت بطور ناگهانی ماموران ارتش و پلیس در داخل شبستان و صحن مسجد به مردم روزه دار حمله کردند .

رفتار این نیروهای به اصطلاح انتظامی با آنچنان شرم آور بود که هیچ قشون اشغالگری در خاک دشمن دست به آن نمی زند .

پاسداران اجیر شده " نظام حاکم " که بظاهر مسلمان هم هستند در خانه خدا انبوه مردم را از دم گلوله گذرانند و مسجد را بصورت ویرانه ای در آورده جولانگاه هرزگیهای خود ساختند .

در این حمله زنان و دختران روزه دار به بدترین بقیه در صفحه ۲

مردم قهرمان اصفهان . . . از صفحه ۲
 آنها آمده بودند بامردم تاصبح ادامه داشت و
 سرانجام نیروهای اهریمنی بمردم چیره شدند خانه از
 پناهندگان خالی گردید .

با اعلان حکومت نظامی شهر یکسره بمحاصره
 تانک ها و زره پوشها و سربازان مسلسل بدست
 درآمد . از این دسیسه کاری دستگاه استبداد که به
 د رگیری بامردم انجامید صد هئازخمی و دهها شهید
 برجاماند .

بازار برغم تهدیدهای پی در پی و عریده
 جوئی های وزیر هفت خط اطلاعات و جهانگردی و
 فرماندار نظامی اصفهان از شنبه یکپارچه تعطیل
 شد و شهر حالت عزا بخود گرفت ، بآنکه قدم بقدم
 نیروهای زرهی و سربازان مسلسل بدست در کمین
 نشستند مردم دست از تظاهرات اعتراض آمیز
 برنداشته اند و هرساعت از گوشه های فریاد اعتراض بگوش
 میرسند .

بخصوص مردم روزه دار که عادت به شرکت در
 مجالس وعظ پس از افطار دارند از منع عبور و مرور
 شبانه بشدت خشمگین و گروهها گروه در خیابانها و
 کوچه ها حرکت می کنند و هرسبب صد هاتن دستگیر
 میشوند و تاکنون چند تن نیز باشلیک گلوله از سوی
 سربازانی که در شهر گشت میزنند از پا درآمدند .

از روز شنبه ماموران فرمانداری نظامی بدستگیری
 مبارزان پرداخته و تاکنون چند صد تن را بازداشت
 کرده اند که در میان آنها نام حضرت حجت الاسلام
 والمسلمین حاج آقا کمال فقیه ایمانی نماینده حضرت
 آیت الله العظمی خمینی و حجت الاسلام والمسلمین
 شیخ احمد امامی و حجت الاسلام والمسلمین آقای
 مهدی مظاهری و آقای علی اکبر پرورش دبیر
 دبیرستانها و دکتر حسین واعظی بچشم می خورد .

هجوم وحشیانه به بیرونی خانه حضرت آیت الله
 خادمی و رفتارهای غیر انسانی بامردم بی پناه موجب
 افسردگی شدید و شدت بیماری قلبی ایشان گردید و
 هم اکنون بستری هستند و خانه نیز تحت محاصره
 است .

هجوم وحشیانه به مردم روزه دار پنهان

مسجد هابه ویرانه ای تبدیل شد

هزاران تن از مردم حتی طلب شهر پنهان نیمروز
 دوشنبه بیست و سوم مرداد ماه بابرپایی تظاهرات
 آرام اعتراض خود را نسبت به رفتارهای وحشیانه
 دستگاه استبداد در شیراز و اصفهان ابراز داشتند .
 ماموران شهر یانی که در طول تظاهرات هیچ

فاجعه شیراز . . .

از صفحه ۲

وزشت ترین شکل مورد تجاوز و اهانت قرار گرفتند .
 در یورش سیمانه گماشتگان دستگاه استبداد
 بیش از صد و پنجاه تن کشته شدند ، چنانکه گفته میشود
 تنها در یک شب سی جنازه را از بیمارستان نمازی خارج
 کرده اند ، و شمار زخمی شدگان از انداز بیرون است
 چنانکه فقط در بیمارستان سعدی نزدیک به سیصد و
 پنجاه تن بستری شده اند و باموانعی که ماموران در راه
 درمان آنها ایجاد میکنند هر روز چند تن از زخمی شدگان
 میمیرند .

ماموران ساواک و پلیس بسیاری از مردم مجروح را
 دستگیر و بشدت مضروب و به زندان تحویل میدادند
 چنانکه هم اکنون در زندان عادل آباد شیراز متجاوز از
 پانصد تن زندانی هستند و پرونده عد های از آنها به
 داد رسی ارتش فرستاده شده است .

از روز جمعه بیستم مرداد ماه در بد و مسجد
 جامع و نو شیراز قفل و هر دو مسجد بصورت دژ نظامی
 درآمدند .

از سوی جامعه روحانیت شیراز از روز شنبه بیست
 و یکم "عزا و تعطیل" عمومی اعلام گردید و تمام مغازه ها
 و حجره های بازار و خیابانها بسته شده است و ائمه
 جماعت از نمازگزاران در مسجد ها خودداری می نمایند .



بپانه ای برای هجوم به راه پیمایان بدست نیامدند
 بعد از ظهر اجتماع مردم می راکه در د و مسجد بزرگ
 شهر مسجد موسوی و مسجد دعاوی به انجام وظیفه
 های مذهبی سرگرم بودند مورد حمله وحشیانه قرار
 دادند و با سوزاندن کتابها و ویران کردن کتابخانه و
 شبستان و از کارانداختن کولرو شکستن چهل چراغها
 باشلیک گلوله برهم زدند و یکبار دیگر معنی "فضای
 یازسیاسی" را نشان دادند . هجوم درخیمان
 چنان برق آسا انجام گرفت که هیچکس قادر به گریز از
 معرکه نیامد ، شمار بسیاری از روزه داران در این
 فاجعه شرم آور زخمی شدند و چهار تن از آنها
 بشهادت رسیدند .

دستگیری اهانت آمیز روحانیان مبارز تهران

ساعت یازده و نیم بعد از ظهر شنبه بیست و یکم
 مرداد ماه بیست و هشت تن از روحانیان مبارز و
 ترقیخواه در خانه حضرت حجت الاسلام والمسلمین
 آقای مروارید اجتماع نمودند تا کشتارهای وحشیانه
 مردم بی دفاع شهرهای اصفهان و شیراز را بررسی
 کنند که با هجوم گماشتگان دستگاه استبداد روبرو

خبرنامه

اتحاد نیروهای جبهه ملی ایران

شماره نوزدهم - سیام مرداد ۱۳۵۷

نگرشی به کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲

واژه فرانسوی "کودتا" که در فرهنگهای سیاسی بمعنای برانداختن و یا برافکندن "دولت" بکاررفته، غالباً توسط گروهی انجام می یابد که با حاکمان ساقط شده، اختلاف جوهری ندارند و بزبان دیگر، نوعی دگرگونی در "نیروهای انسانی" نهاد های سیاسی است که برخی از "عناصر رژیم" با اعمال زور و قدرت بوجود می آورند.

این دگرگونی در برابر نوع دیگری از دگرگونیهای بنیادی قرارداد ارد که گروههای ویژه سازمان یافته و یا خود جوش در جامعه در شرایط خاص اجتماعی موجب و موجب سازنده آن بشمار می آید که زیر عنوان "انقلاب" مورد مطالعه و بررسی قرار میگیرد. میهن ما که از گذشته های دور با انواع "انقلاب" ها و "کودتا" های سیاسی و نظامی، روبرو بوده در دوران معاصر نیز از آن بی نصیب نمانده است.

ماهیت "کودتا" های انجام یافته در ایران با آنچه در برخی از کشورهای دیگر صورت گرفته، تفاوت زیاد دارد. کودتاهای پارهای از کشورهای عربی و یا آمریکای جنوبی و آفریقا، اکثراً در رابطه با برخورد های داخلی "سیاستگران" و "قدرتهای نظامی" تحقق یافته اند و با اینکه تمایلات و گرایشها "حکومتگران" و یا "کودتاگران" یکسان نیست، ولی خط حرکت اجتماعی آنها واحد است و بر روی هم پدید های "درون جامعه ای" بحساب می آید.

اما تاریخ معاصر ایران که از سه کودتای شناخته شده نام می برد هر سه دارای ماهیتی هستند که تحلیل سیاسی و اجتماعی آنها، در رگرو شناخت حرکت جامعه ملی و بقیه در صفحه ۲

شیخ وحشت بزرگ در آبادان

نظام حاکم که در طول بیست و پنجسال استبداد مطلق، باشکجه و زندان و کشتار نتوانست برای ستاد گی قهرمانانسه مردم ایران غلبه کند و کارش به رسوائی و بدنامی کشید برای ادامه سیطره اهریمنی خود و نشان دادن اینکه مخالفان شایستگی اداره مملکت را ندارند، مبارزات گسترده مردم راه آزادی و استقلال تخطئه نموده و با عنوانهای مسخره "عاملان بیگانه" و تحریک شده "اجانب" و نام من در آوردی "مارکسیستهای - اسلامی" می کوشد یکبار دیگر سلطه گران بیگانه را در وحشت "ایرانستان" قرار دهد و باتکیه بر این نقطه ضعف چند صباحی بیشتر به یغما بپردازد.

اوج گیری پیکارهای مردمی و پایداری افراشته وار مبارزان در برابر استبداد یان آبرو باخته آنها را به صحنه سازی های وحشتناک جدیدی برانگیخته است. بقیه در صفحه ۴

اظهار نظر مردم

ساعت شش و چهل دقیقه روز یکشنبه بیست و نهم مرداد رادیو ۲ در برنامه تماس مستقیم گفتگوئی با خانمی از آبادان داشت، طی آن این کلمات بگوش شنوندگان رسید گوینده رادیو از علت آتش سوزی و انفجار سؤال نمود و خانم در حال گریه گفت: "این نمی تواند کار مردم باشد با نظم و ترتیبی که در انفجار و آتش سوزی پیش آمد کار خود دستگاه است". فوراً رادیو ارتباط را قطع ولی گوینده توضیح داد که قطع از طرف ایشان نبوده است.

مردم تهران در رمضان خونین

ماه مبارک رمضان، ماه پرهیز و عبادت، از دیر باز ماه اجتماع در مسجدها و گرد هم آیی مسلمانان بوده است. مردم تهران با استفاده از این فرصت مقدس در شرایطی که سراسر ایران از اصفهان و شیراز گرفته تا جهرم و شهنشوار و کازرون و بهبهان بخون کشیده شده اجتماعات بزرگسی در مساجد برپا نموده و بسختی رفتارهای خلاف قانون و دین استبداد یان را مورد اعتراض و نفرت قرار میدهند و در این رهگذر از هجوم وحشیانه پاسداران آزادی اعطائی! او دروازه بانان تمدن بزرگ! آبی بهره نمی مانند.

از شمالی ترین بخش شهر تهران که گمان میرفت رفاه و آسایش مادی از خواستهای انسانی جدایشان ساختارها جنوبی ترین بخش فقیرنشین شهر همه و همه عبادت را مفهوم واقعی بخشیده به مبارزه باستم برخاسته اند.

در تهران هیچ مسجدی نیست که محل بریائی تظاهرات خشم آلود مردم نباشد و در بخش های سنتی شهر این حالت تظاهر بیشتری دارد.

بقیه در صفحه ۴

برچیده باد بساط دیکتاتوری از میهن ما

که تاکنون در همین ماسیطره دارد و هنوز هم در تلاش است تا بهر وسیله (سازش یا سرکوبی مردم) باقی بماند. این کودتاکه برآستی سرنوشت ملت ایران را در گروگون ساخت، در رابطه است با حرکت سرکوب کنندگان استقلال ایران، بدنبال جنگ جهانی دوم ازسری امپریالیست‌ها طرح گردیده بود (قیمومت)، چه نهضت ملی ایران این توان را داشت که منافع سلطه گران بیگانه رانه تنهاد را ایران در معرض خطر قطعی قرار دهد بلکه پایگاه‌های امپریالیستی اقتصادی و سیاسی آنها را در سرتاسر منطقه متزلزل سازد و بهمین اعتبار نابرد کردن حکومت ملی در کتر مصدق در ایران، برابر بود با متوقف ساختن همه جنبش‌های ضد استعمار خاورمیانه و ضربت زدن بهمه نهضت‌های رهائی بخش در سرتاسر جهان، در این امر بیش از همه امپریالیسم نوپا و تازه نفس آمریکا کارائی داشت چه کارتل‌های نفتی محققا در حکومت ملی نمی‌توانستند بترا جگری مشغول باشند و مصدق کسی نبود که بدنبال یک هم‌بازره علیه استعمار انگلستان در دام استعمار نو آمریکا قرار بگیرد و باین امر خود آمریکائی‌ها بیش از همه واقف بودند.

انگلستان ضربت خورده نیز لحظه‌ای راجهت از بین بردن حکومت ملی در کتر مصدق ازدست نمی‌داد. بدین اعتبار جناح راست "موازنه مثبت" در سرنگون کردن حکومت ایران تصمیم قطعی خود را گرفته بود. سیام تیر و نهم اسفند روزهای شکست آزمایش انسان بود دولت اتحاد جماهیر شوروی بگونه جناح چپ "موازنه مثبت" از بد و حکومت مصدق چهره مخالفت - امیز خود را آشکار ساخت و هر روز توسط عوامل داخلی خود "حادثه آفرینی" کرد و در تلاشهای جمعی مردم خدشه بوجود آورد، چه اوج گیری نهضت ملی ایران که در گرونیهای بنیادی جامعه را در بر میگرفت، نه تنها پایگاه مرامی برای بسط نفوذ آن باقی نمیگذاشت بلکه در جمهوریهای مسلمان آسیائی نیز اثراتی پدید می‌آورد که بطور مسلم موجب متزلزل سلطه امپریالیستی میشد و بعلاوه باملی کردن شیلات و دیگر کوشش‌های ملی، مصدق نشان داد که برای او سلطه بیگانه از هر رنگ و مرامی بی تفاوت است.

بهمین دلیل بظاهر مصدق برای امپریالیست‌ها "عامل کمونیسم" و برای کمونیست‌ها "عامل امپریالیسم" بشمار آمد و در ریاطن گوئی سرنگون کردن او مورد توافق هردو جناح موازنه مثبت قرار گرفت.

بمخبر اینکه اولتیماتوم غرب بشوروی عملی شد و

بقیه در صفحه ۳

از صفحه ۱
کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۰۰ . . .
رابطه آن با "مکانیسم سلطه" است بزبان دیگر هر سه آن کودتاها در یک خط و دارای یک هدف هستند و خاستگاه درون جامعه‌ای آنها در پیوند مستقیم با انواع سلطه‌های بیرون جامعه‌ای می‌باشد. این گونه کودتاها در جهان کمتر دیده میشد و امری است نو - استعماری و جدید، و بسان کودتای شیلی علیه آلنده، دقیقاً نقش سلطه و نفوذ خارجی را در آنها می‌توان بازشناسی کرد.

کودتای اول مستقیماً برضد مشروطیت ایران شکل گرفته است. این کودتا توسط امپریالیسم روسی و شرکت نیروهای نظامی قزاق بفرماندهی کلد - لیاخف و شاپشال بوجود آمد (دوم تیرماه ۱۲۸۷ - خورشیدی) هدف آن از بین بردن آزادی و جنبشها آزاد یخواهانه بود که "استقلال تامه ایران" را مد نظر داشت و به وابستگی‌های کلاسیک "موازنه مثبت" پایان میداد.

در رابطه ای این کودتا امپریالیسم بریتانیا سعی میکرد خود را "بیطرف" نشان دهد ولی بدنبال قیام‌های مردم در ایالات و ولایات، با دفاع از محمد علی شاه، بگونه یک عروسک تسلیم شده و بی اختیار، و همگامی با تزار ایسم ماهیت خود را نشان داد و معلوم شد هر دو قدرت در سرکوبی انقلاب مشروطه ایران همدستان بودند.

کودتای دوم بدنبال ناکامی امپریالیسم انگلیس در عقد قرار داد ۱۹۱۹ تحقق یافت. این کودتا توسط امپریالیسم بریتانیا و شرکت نیروهای فراماسونی و نظامی بیگانه ساخته بویژه قزاق‌ها بسرکردگی رضا خان میرینج بفرماندهی و رهبری ژنرال ایرون ساید بوجود آمد (سوم اسفند ۱۲۹۹ خورشیدی). هدفها اساسی این کودتا از یکسو از بین بردن جنبه‌های مردمی مشروطیت و بجایگزاشتن کالبدی بی‌جان از آن و ازسوی دیگر محو استقلال ایران و تاراج منابع نفتی بود که حکومت رضا شاه شرایط عملی آن را فراهم آورد امپریالیسم تزاری که جای خود را به حکومت بلشویکی داده بود در این دگرگونی در رابطه با مرزهای روسیه در شرق اروپا و جمهوریهای مسلمان آسیائی، در چارچوب "موازنه مثبت" باقی ماند و بسا نظریه سازی معروف خود "رشد بورژوازی ملی در برابر فتود ایسم ارتجاعی" هم پیمان و همگام امپریالیسم خرن آشام بریتانیا گردید.

کودتای سوم که در ۲۸ مرداد ماه ۱۳۳۲ - خورشیدی بوقوع پیوست بوجود آورنده نظامی می‌باشد

اتحاد جماهیر شوروی سکوت را اختیار کرد ، ماشین کودتا بحرکت خود سرعت داد .

فروش نفت ایران به کشورهای خارجی در سرتاسر جهان با ممانعت شدید انگلستان و آمریکا رویرو میشد . شوروی و اقمارش که می توانستند براحقی نفت ایران را بخرند و به وضع اقتصادی ایران مدد برسانند از این کار امتناع کردند حتی تقاضای د کتر مصدق برای استرداد شمشهای طلای ایران که در مسکو از زمان جنگ به امانت بود مورد قبول " ستاد زحمتکشان " قرار نگرفت .

بدین صورت کاملاً معلوم میشود که روسها برخلاف همه تبلیغات غربی و استبداد یان داخلی در خط کمک به حکومت ملی ایران نبوده اند .

در ایالات متحده آمریکا که پس از جنگ خود را " ستاد آزاد یخواهان " قلمداد میکرد آیزنهاور زمام امور را در دست گرفت . د کتر مصدق فوراً مبارزه ملت ایران را در ملی کردن صنعت نفت بگونه دفاع از حقوق ملی برای او روشن ساخت و تشریح کرد که " شرکت غارتگر سابق چگونه در پناه یک " دولت " قرار گرفته است . رئیس جمهور تازه آمریکا در وهله اول اظهار بی

اطلاعی و بی عقیدگی کرد . باردیگر در ۲۸ فوریه ۱۹۵۲ (نهم اسفند) ۱۳۳۱ د کتر مصدق آیزنهاور را در جریان وضع نامطلوب ایران قرارداد ه این بار نیز بی توجهی نسبت به ایران مشهود گردید و کاملاً آشکار شد که آمریکا و شوروی هر دو در خط دیگری قرار دارند و گوئی انگلستان ، دوست شکست خورده خود را تنها نخواهند گذارد .

ماموران سیا و وابستگان به کارتلهای نفتی بر شدت عمل خود افزودند . جناحهای ارتجاعی وابسته در ایران بویژه فراماسونهای لژ همایون بگونه عوامل کودتا " کوشش های خود را منظم دادند . بخشی از ارتش و شهربانی که یادگار میلیتاریسم وابسته و فزونی صفت بود بصورت بازوی عطفی ، نقشه کشان خارجی در آمدند هم اوت (۱۹ مرداد) آلن دالس رئیس سازمان جاسوسی آمریکا (سیا) ، برادر رجان فوستردالس وزیر امور خارجه ایالات متحده ، بقصد دیدن همسرش و گذراندن تعطیلات تابستانی عازم سوئیس شد . لوئی هند رسن سفیر آمریکا در ایران هم ، پس از گفتگو با والا حضرت اشرف پهلوی رهسپار سوئیس گردید و در واقع این کشور بیطرف و صلح دوست (۱) محل اصلی طرح کودتای علیه حکومت ملی گردید در همین اوان ژنرال شوارتسکف که در سالهای ۱۹۴۲ تا ۱۹۴۸

ژاندارمری رژیم ایران را سرار جنگ جهانی دوم - نظم و ترتیب داد ، و از ماموران کارگشته و سرشناس " سیا " بسود قصد " سیاحت و جهانگردی " در سرش افتاد ! و پس از توفقهای کوتاهی که در پاکستان و سوریه و لبنان داشت ، بقصد دیدن " دوستان قدیمی " خود عازم ایران گردید .

شوارتسکف و سرلشکر بازنشسته فضل الله زاهدی که پس از جنگ جهانی دوم باهم روابطی صمیمانه داشتند ، تماسهای خود را در تهران برقرار کردند و از آن روز ، کودتا بمرحله عمل با تند ی بیشتری نزد یک میشد . منابع سیا بعد ها فاش کردند که در همین روز ایالات

متحده ده میلیون دلار جهت بسیج سران خود فروش ارتش و شهربانی و اراذلو اوایش شهرو چاقوکشان حرفه ای و قاچاقچیان و روسپیان ، پرداخته که در حدود

۳۹۰ / ۰۰۰ دلار آن (چک شماره ۷۰۲۳۵۲ - بانک ملی - با مضای اد وارد ژد ونالی) فقط به باند شعبان بی مخ و دیگر قداره بندان آدم کش تعلق یافته است .

در ۲۵ مرداد ماه بد نیال پیروزی ملت در فرزند وید فرجامی اولین حرکت کودتا ، شاه ایران از کلار - دشت بسوی بغداد و از آنجا به ایتالیا عزیمت کرد و حرکت دوم کودتا در ۲۸ مرداد توانست حکومت ملی

راساقط نماید . آیزنهاور بقول خودش : " در تمامی طول بحران ، همه امکانات خود را برای حمایت از شاه و نگاهداریش بکاربرد " و بهمین دلیل می توانست بر خود ببالد که یکی از " مرد می ترین " حکومت های جهان را سرنگون کرده است .

ایدن نخست وزیر انگلستان نیز می توانست " با شنیدن خیر سقوط مصدق " خواب راحتی در بهترین کرانه های لاجوردی مدیترانه داشته باشد .

اتحاد شوروی نیز می توانست با کمک های بعدی از قبیل بستن قرارداد مرزی ، باز دادن طلاها و برقراری روابط اقتصادی و بمرور نظامی ، رژیم کودتا را مدد رساند و از " آسیب های احتمالی " حکومت ملی بدور

باشد . بدین سان طی هفتاد سال : بد نیال د کودتای بد فرجام بیگانه ساخته ، سومین کودتای شوم ضد ملی در

۲۸ مرداد تحقق یافت و یکبار دیگر سیاست موازنه مثبت در جامعه ما ، سیطره نامبارکش را گسترش داد و تمام دست آورد های ملی و ضد استعماری ایران را نابود کرد .

و با بتاراج دادن عظیم ترین ثروتهای نسل کنونی و نسلهای آینده ملت ، بسود بیگانگان با اعمال اختناق و ترور گسترده کشور ما را در روبروگاه سقوط قرار داد .

بدین سان طی هفتاد سال : بد نیال د کودتای بد فرجام بیگانه ساخته ، سومین کودتای شوم ضد ملی در ۲۸ مرداد تحقق یافت و یکبار دیگر سیاست موازنه مثبت در جامعه ما ، سیطره نامبارکش را گسترش داد و تمام دست آورد های ملی و ضد استعماری ایران را نابود کرد .

و با بتاراج دادن عظیم ترین ثروتهای نسل کنونی و نسلهای آینده ملت ، بسود بیگانگان با اعمال اختناق و ترور گسترده کشور ما را در روبروگاه سقوط قرار داد .

سرسپردگان و اجیرشدگان " دستگاه استبداد " بسان قوای اشغالگرد روزهای مقدسی که مردم به عبادت نشسته‌اند با یورش وحشیانه و کشتار زنان و مردان با ایمان در صحن مسجد ها از سوئی و به آتش کشیدن مکان های همگانی از سوی دیگر می‌کوشند افکار عمومی را دچار تشویش و نگرانی سازند .

در حالیکه گناه همه این جنایت های قرون وسطائی را متوجه مردم بپا خاسته می‌نمایند با ترتیب دادن مصاحبه های طولانی با بوق و کرنا در " آزادی اعطائی " زده و گسترش آنرا در گروه رفتارهای مردم اعلام می‌نمایند . تا در ضمن آریاب را دلخوش سازند که حقوق بشر در این گوشه از جهان مورد احترام دستگاه حکومتی است ! ! ؟

ولی کیست که نداند که همه خرابکاریها و آشوبها بدست استبداد پان انجام می‌گیرد ؟ و نام خرابکار تنها و تنها شایسته پاسداران انقلاب کذائی است و بیست .

کیست که در این میان از خود نپرسد سازمان جهانی امنیت با آن عرض و طول و حشمت آور و بودجه های سری و علنی، سازمانی که بارها ادعا نمود تمام خرابکاران را قلع و قمع کرده و هیچ سازمان زیرزمینی در ایران وجود ندارد و در دردتترین نقاط کشور رفتارها و حتی ایدیشه های مردم را زیر کنترل گرفته ، سازمانی که هزاران ایرانی را بجرم داشتن کتابی در رستوی خانه هایشان پس از شکنجه های بسیار به سالها زندان محکوم می‌نمود ، سازمانی که سایه شوم آن هنوز هم بر سر ایران سنگینی می‌کند ، سازمانی که همچنان در گوشه و کنار میهن به شکار انسان های آزاد یخواه و استقلال طلب می‌پردازد و بطور کلی سراسر ایران کمینگاه هزاران گماشته خون آشام است در فاجعه اسف بار آبادان به کدام خواب خرگوشی فرو رفته بود که به ادعای خنده آور دستگاه فقط یک سراید ارو یک خرابکار می‌توانند صدها هموطن ما را به آتش کشند ؟ شهربانی که فقط چهار صد متر با سینما فاصله دارد مأموران خود را به کجا فرستاده بود که به یاری مردم بلادید هشتافتند ؟ .

در فاجعه عظیم و باور نکردنی آبادان کیست که از خود نپرسد در کشوری که ادعای برابری با کشورهای پیشرفته جهان را دارد ! او در آستانه تمدن بزرگ ! ! قرار گرفته فرو نشانندن حریق آنهم برای

سازمان آتش نشانی آبادان که بخاطر وجود چاههای نفت به آخرین وسایل مدرن مهار آتش تجهیز شده اگر عیدی برای ادامه و گسترش آن نبوده چه کار دشوار و سنگینی می‌تواند باشد ؟ و آیا چرانپروه های انتظامی در کیرو دار آتش سوزی از هجوم مردم می‌کند بی ترس از خطر خواصان شکستن درها و فرو ریختن دیوارها بودند با تهدید بمرگ جلوگیری بعمل آورد ؟ ! اگر مردم بپا خاسته ، خشمگین و معترض ایران روزی بخواهند جایی را و کسانی را به آتش کشند بی گمان آنجا و آن کسان اجتماع دلگنان گلائی بدست بیست و هشت مردادی است که وجود نحس آنها نگهبان بی آرم استعمار و استبداد می‌باشد نه کودکان و زنان و مردان و تماشاگران بی گناه فیلم گوزنها ! !

کیست که از خود نپرسد دستگاهی که با انعکاس شیون ها و به سرزد نهی ماداران و پدران داغدار در رادیو و تلویزیون می‌کوشد گناه این جنایت را به گردن مردم مبارز بنهد چرا انبوه جمعیت عزاداران را که آشفته و نزار بر شانه های خود جسد عزیزانشان را حمل می‌کردند و در جلوی فرمانداری خواهان مجازات مسببان این فاجعه در دناک بودند با پرتاب گاز اشک آور و رگبار مسلسل پذیرا می‌شود . آیا مفهوم همدردی به آتش کشیدن است ؟ !

ملت ایران در سینه های شوم استبداد پان و حیل های رنگارنگ این رویاه صفتان رامی شناسد و همه فریاد ها و شهادت ها بخاطر پایان دادن بزندگی ننگین آنهاست .

ملت ایران برای بدست آوردن آزادی و استقلال خون هزاران جوان گروگان نهاده و در این راه از پای طلب نخواهد نشست و ایجاد " وحشت بزرگ " او را از ادامه راه باز نمیدارد .

رمضان خونین . . .

از صفحه ۱

دعای سحرگهان هرچه روزه دار را بر چیده شدن بساط ننگین دیکتاتوری تشکیل می‌دهد .

در مسجد لرزاده که در خیابان خراسان قرار دارد از آغاز ماه مبارک رمضان حجت الاسلام آقای

چاوشی به ارشاد مردم می‌پرداخت و هر شب در پایان مراسم مذهبی مردم ضمن دعا ، خواهان پایان دادن به حکومت دیکتاتوری و رفع ظلم از هموطنان می‌شدند

بقیه در صفحه ۵

به دستگیری حجت الاسلام والمسلمین آقای محمدی گوینده شجاع مسجد امام حسین و ابراز انزجار نسبت به رفتارهای خلاف اصول ماموران روزهای دوشنبه بیست و چهارم و چهارشنبه بیست و پنجم مرداد ماه دست به تظاهرات پراکنده زدند و با مقاومت سرسختانه خود نیروهای پلیس را به ستوه آوردند .

در مسجد شیخ عبدالحسین واقع در انتهای بازار از آغاز ماه مبارک رمضان حجت الاسلام والمسلمین آقای طاهری پس از برگزاری نماز ظهر و عصر هر روز با سخنان پرشور خود فردای آزادی را نوید و مقاومت همگانی را پند می داد . دستگیری ایشان در روز یکشنبه بیست و یکم مرداد موجب تحریک احساسات مسرودم و برخاستن موج اعتراض گردید .

پس از بازداشت حجت الاسلام والمسلمین آقای طاهری روز چهارشنبه بیست و پنجم حجت الاسلام غفاری به وعظ پرداخت ولی بیش از سی دقیقه از شروع سخنرانی نگذشته بود که با پیش کشیده شدن نام رهبر عالیقدر شیعیان حضرت آیت الله العظمی خمینی ، پرتاب گاز اشک آور و تیراندازی و ضرب و شتم مردم آغاز گردید .

درهای شبستانها بوسیله پلیس بسته شدند تا راهی برای گریز از این معرکه مغولان نماند و پس از مضروب و مجروح کردن صدها زن و مرد فاتحانه راه گشودن دروازه های تعدن بزرگ را پیش گرفته و مسجد را ترک نمودند .

در خارج مسجد مسلسل بدستان در دو سوی گذرگاههای بازار ایستاده و در کمین مردم بودند و روزه داران را که بیشتر آنها بسختی آسیب دیدند بودند با تهدید و ضرب و شتم از بازار راندند و پراکنده ساختند .

در مسجد سیدالشهدا واقع در خیابان فلاح هشت شب از ماه رمضان را مردم با گرد هم آیی و شنیدن سخنان گوینده دلیر مذهبی به راحتی گذراند ولی در هشتمین شب هجوم ماموران عقل و دین گم کرده بی هیچ بهانه ای آغاز شد . مردم در محاصره پلیس راهی برای فرار نداشتند ، ماموران صندوقی قرض الحسنه مسجد را که بهمت مردم نودست و مسلمان ایجاد شده و بی هیچ سود جوئی نیازمندان را به هنگام ضرورت یاری می دهد را اختیار می گیرند و کارکنان صندوقی را همراه سی تن از روزه داران دستگیر می نمایند ، و در آن میان بازداشت پیرمردی که طلب بقیه در صفحه ۶

و هنگام بیرون رفتن از مسجد مراقب بودند تا آسیبی متوجه گویندگان شجاع مسجد نگردد .

روز سه شنبه بیست و چهارم مرداد انتظار اجتماع چند هزار نفری زنان و مردان مسجد لرزاده بی نتیجه ماند و نشانی از آقای چاوشی پیدا نشد ، و پس از پیگیری روشن گردید که دزدان به اصطلاح امنیتی با حجت الاسلام چاوشی را ربوده و زندانی کرده اند . اطلاع از این موضوع مردم را به سرخشم آورد و به اعتراض برخاستند و با فرستادن صلوات و دادن شعارهای تند خواهان آزادی این گوینده مذهبی دلیر شدند . اعتراض که بالا گرفت ماموران انتظامی آماده هجوم گردیدند و با پرتاب گاز اشک آور به مسجد سرازیر شدند . حمله چنان برق آسا انجام شد که زنها و کودکان زیر دست و پا ماندند و بسیاری از آنها زخمی گردیدند .

در بیرون مسجد نیز پلیس با سرنیزه و باطوم و گاز اشک آور راه را بر مردم آشفته بسته و عریضه کشان مزه " آزادی اطفالی " را به زنان و مردان چشاندند . در مسجد امام حسین واقع در کنار میدان فوزیه نیز که از آغاز ماه مبارک رمضان در اجتماع باشکوه مسلمانان شریف و زحمتکن هر روز در پایان مراسم مذهبی و به هنگام دعا ، احساسات ملی و مذهبی به اوج میرسد و مجلس با شعارهای تند علیه نظام فاسد حاکم پایان می گرفت روز جمعه بیستم مرداد ماه تظاهرات انبوه جمعیت از درون مسجد به خیابان کشید و تا مدت ها ادامه یافت روز شنبه بیست و یکم مرداد که خبر گشتار وحشیانه اصفهان و شیراز ، مردم را بیش از پیش خشمگین ساخته بود ، دامنه تظاهرات وسعت گرفت و شعارها تند تر و خواسته ها قاطع تر گردید و ماموران خشمگین را دیوانه تر ساخت .

ماموران انتظامی ! که مسجد را بطور کامل در محاصره داشتند با پرتاب گاز اشک آور و تیراندازی مردم را با باطوم کشیدند و با باطوم بجان آنها افتادند . آنچه در ریح بوحه زد و خورد و تراکم گازهای اشک آور و گریز و نبرد تماشایی بود درهای بازار خانه ها و زنان منتظری که با ظرفهای آب چشم مبارزان را التیام می بخشیدند و آنها را به ادامه راه تشویق می کردند و نوید پیروزی میدادند .

صد هاتن از روزه داران معترض در جریان این زد و خورد همدستگرو بزند ان کشیده شدند ، ولی مردم بررغم این خشونت های وحشیانه برای اعتراض

پیروز باد کوشش های استقلال طلبانه و آزادی خواهانه دانشجویان ایرانی خارج از کشور

دستگیر و درهای مسجد برخلاف همه قوانین و سنت های اجتماعی و مذهبی بسته شد .

روز پنجشنبه بیست و هشتم مرداد مسجد جامع تهران بار دیگر مورد هجوم گماشتگان بی سرو پای دستگاه استبداد قرار گرفت و پس از ضرب و شتم مردان و زنان با ایمان حجت الاسلام آقای صانعی و حجت الاسلام آقای شیخ مجتبی تهرانی با وضع اهانت آمیزی دستگیر و به کلانتری برده شدند و پس از تحمل ضربه های مرگ آفرین قداره بند های بیشم آزاد گردیدند .

اجتماع زنان و مردان با ایمان در مسجد هاگونی دستگاه استبداد را بر سر هوس آورد تا قلد ری و تجاوز را بحد اکثر برساند .

تظاهرات و تحصن در مشهد مقدس

از روز دوشنبه بیست و سوم مرداد ماه با رسیدن خبر "کشتار جمعی" مردم در شهرهای اصفهان و شیراز در مشهد مقدس مشهد یک رشته تظاهرات اعتراضی آغاز شد .

در این تظاهرات زنان بیدار دل و مسلمان که با حجاب کامل و نگاه بایر سر دست گرفتن قرآن مجید در خیابانها براه می افتادند نقش برجسته ای داشتند . در روزهای دوشنبه و سه شنبه گروهی از این زنان مبارز بسختی مورد هجوم ماموران پلیس قرار گرفتند و عد های از آنها دستگیر شدند .

بد نیال این حادثه بازار مشهد از روز چهارشنبه بیست و پنجم تعطیل عمومی گردید و بیش از هزار تن آرمردم در خانه حضرت آیت الله حاج سید عبد الله شیرازی تحصن کردند .

کشتار جمعی در شهسوار

روز دوشنبه بیست و سوم مرداد ماه حجت الاسلام والمسلمین آقای عبد وست پس از سخنرانی شجاعانه که روزیکشنبه بیست و دوم در مسجد جامع شهسوار ایراد نمود بدست ماموران ضد امنیت ابازد اشت گردید . دستگیری این روحانی مبارز موج خشم و اعتراض برانگیخت و هزاران تن مردمی که در مسجد جامع گرد آمده بودند پس از شنیدن سخنان حجت الاسلام والمسلمین آقای فومنی بسوی شهسوار براه افتادند که بارگبار مسلسل ماموران پلیس روبرو گردیدند شمار بسیاری از آنها زخمی و شانزده تن شهید شدند .

رومان خونین . . .
کمک از صندوق داشت مضحک تراز همه بود .

اجتماع چند ده هزار نفری مسجد قبلا از نخستین شب ماه رمضان در حالت حکومت نظامی و زیر سایه سرنیزه برپا می شد .

در این اجتماع پر شکوه هر روز حجت الاسلام والمسلمین آقای دکتر مفتوح و آقای مرویان سخنرانی می نمودند ، روز بیست و چهارم مرداد ماه در حالیکه آقای مرویان سخنرانی ظهر خود را پایان داده و به همراه همسر و فرزند ان راهی خانه بودند در محاصره ماموران امنیتی قرار گرفته و موضع بسیار زننده و اهانت آمیزی دستگیر و راهی زندان می شوند .

مسجد امیرالمومنین واقع در خیابان فرصت ، امیر آباد روز سه شنبه نهم ماه مبارک رمضان در حالیکه مردم در نهایت نلیم و آرامش به سخنان حجت الاسلام والمسلمین فاکر گویش میدانند مورد هجوم ماموران واقع گردید و پس از آسیب فراوانی که به زنان و مردان وارد آمد درهای مسجد بوسیله چماق داران بسته شد و آزادانمه فرائض مذهبی جلوگیری بعمل آمد ، ولی بر رغم این تلاشهای مذبحخانه مردم روز چهارشنبه در هم ماه رمضان نیزه مسجد آمدند ، امام جماعت مسجد حجت الاسلام والمسلمین آقای سید عبد الکریم موسوی اردبیلی پس از برگزاری نماز ظهر بسخترانی مذهبی و ارشاد مردم پرداختند .

روز چهارشنبه بیست و پنجم مرداد ساعت ۱۱ / ۵ شب مسجد گلستان واقع در خیابان کرمان شاهد وحشیگری گروه دیگری از دوازده بانان تمدن بزرگ بود ! حمله پس از پایان سخنرانی حجت الاسلام والمسلمین آقای سید علی اصغر فراهانی و هنگامی که مردم در نهایت نظم بخانه های خود بازمی گشتند بانها آغاز شد . در نزدیکی مسجد شرکت کنندگان در رهیت مذهبی ، خانه آقای حاج حسین نظری پس از شنیدن سروصدای فراوانی که کماند وها با یورش خود بوجود آورده بودند به کمک مردم پیدا فاشتاقتند و در نتیجه این برخورد ، حاج حسین نلری و پسرش بشدت آسیب دیدند .

روز بیست و هشتم مرداد مسجد همت اعظم مورد حمله ماموران ضد امنیت قرار گرفت و پس از زد و خورد شدید حجت الاسلام آقای اخترى سخنبران

درود به شهیدان راه آزادی و استقلال ایران